ژوندون

اطلاعات او کلتور

شنبه (٤) حوت ١٣٥٨
٢٣ فبروری ١٩٨٠

شماره (٤٩)
سال (٣١)

قیمت یکشماره (١٣) افغانی

تدابیر عمده در قسمت خواب و صحت

گرم شدن هوای جهان چه اثراتی در بر خواهد داشت ؟

اعمار شهری برای اسپ سواران











ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموکراتیک خلق افغانستان‌رییس شورای‌انقلابی‌وصدراعظم هنگـــامیکــه هیات سازمان عفو بین‌المللی‌را برای‌ملا قات درمقرشورای انقلابی پذیرفتند

اختصار وقایع مهم

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلـــق‌افغانستان رییـــس شورای انقلابی‌وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت سه‌ونیم بعد از ظهر ۲۵دلو هیات سازمان عفو بین المللی را در مقـــر شورای انقلابی پذیرفتند .

در جریان این ملاقات با اعضای هیأت که شامل ممتاز سوسل وایران تیرلینیون مـــی باشند این اطمینان بوجود آمد که اساسات حقوق بشر در افغانستان پس از مرحله نوین انقلاب ثور بکلی احیا گردیده است .

* * *

جلسه شورای وزیران تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حـــزب دموکرا تیـــك خلق افغانستان رییس‌شورای انقـلابی وصدراعظم جمهور ی دمو کراتیـــك افغانستان روز ۲۷ دلو از ساعت پنج عصـــر تا هشت شب در مقر شورای انقلابی دایـــر گردید .

* * *

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموکـــراتیـــك خلق افـــغانستان ، رئیس شورای انقلابی‌وصدراعظم جمهوری‌دموکراتیك افغانستان ساعت چهار وچهل وپنج دقیقه‌عصر ۲۶ دلو هیأت جبهه مردم برای آزادی‌فلسطین را در مقر شورای انقلابی بـــرای ملاقـــات پذیرفتند .

* * *

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ببرک‌کارمل منشی‌عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی‌و صدراعظم‌جمهوری دموکراتیك افغانستان ضمن تشکر صمیمانه از پیام‌تبریك رفیق کیم‌ال سونگ منشی عمومـــی کمیته مرکزی حزب کارگر کوریا ورئیس جمهور جمهوری دموکراتیك خلق کوریا به مناسبت انتخاب شان بحیث منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیـــس شورای‌انقلابی وصدراعظم جمهوری‌دموکراتیك افغانستان طی پیام جوابیه یی مقابلتا ابـــراز یقین نمودند که مناسبات دوستی وهمکاری بین خلقهای هردو کشور از طریق مبارزات شان بر ضد امپریالیزم وارتجاع بین المللی بیش از پیش انکشاف می‌یابد .

* * *

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از طرف ببرک کارمل منشی عمومـــی کمیته مرکـــزی حزب دموکـــراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك‌افغانستان تلگرام‌تبریکیه به مناسبت انتخاب جلالتماب ادوارد گریـــك بحیث منشی اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری پولند به وارسا مخابره گـــردیـــده است .

* * *

اسدلله سروری عضو بوروی سیاسی‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغـانستان ، معاون شورای انقلابی ومعاون صدراعظم شام ۲۵ دلو از مزار شریف به کابل بازگشت .

اسدالله سروری باتفاق شیرجان مزدوریار وزیر تـــرانسپورت وتوریزم‌وگرمن نظر محمد قوماندان عمومی قوای هوایی ومدافعه هوایی برای بازدید از بنادر مربوط ولایت بلخ به تاریخ بیست دلو به مزار شریف رفته بود .

* * *

فا کو لته ژورنالیزم وابسته به انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان طی محفلی بعدازظهراول حوت بابیانیه دستگیـــر پنجشیری عضـــو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان وعضو شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان درانستیتوت پولی تخنیك افتتاح شد.



فیض محمد وزیر امور سرحدات ساعـت ۱۱ قبل ازظهر اول حوت دردفتر کـــارش باتون کوانگ کوشارژ دافیر سفارت کبـــرای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات تعارفی بعمل آورد .

وهکذا فضل الرحیم مومند وزیر زراعت واصلاحات ارضی بعداز ظهر اول حوت دردفتر کارش باتون کوانگ‌کو شارژدافیر سفارت کبرای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات تعارفی بعمل آورد .

* * *

پروتوکول همکاری در ساحـــه نشراتی طباعتی وفروش کتب شام سی دلو بین وزارت اطلاعات وکلتور وکمیته دولتی اتحاد شوروی در امور نشراتی، طباعتی وفروش کتب درکابل عقد شد .

* * *

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از طرف شاه محمد دوست وزیر امور خارجه تلگرام تبریکیه به مناسبت تقـــرر جلالتماب نگوین کوتـــچ بحیث وزیر امـــور خارجه جمهوری سوسیالستی ویتنام به هانوی مخابره گردیده است .



مجید سربلند وایوان کاروفکین هنگام‌امضای پروتوکول همکاری درساحهٔ نشراتی وطباعتی وفروش کتب بین وزارت اطلاعات وکلتور وکمیته دوستی اتحادشوروی درامور نشراتی



«کارگران ودهقانان زحمتکش !
کاسبان وتاجران افغانستان !
از شما واز هرفرد وطنپرست کشور دعوت‌می نمایم در هر جاییکه هستید سر بلند و باغرور ومطمئن، کار های تانرا انجام دهید، برای انتقال وعرضه اجناس ومواد لازمه که برادران وخواهران ، پدران ومادران واولادهای شما سخت ضـرورت دارند صمیمانه و فداکارانه کمك ومساعدت کنید، به‌تبلیغات‌خاینانه ودروغ های دشمنان افغانستان گوش فرا ندهید وفریب نخورید . دولت مصونیت‌، امنیت وآزادیهـای شمارا تأمین وتضمین خواهد کرد » . «ببرك کارمل»

شنبه ٤ حوت ١٣٥٨ ، ٢٣فبروری ١٩٨٠



راه‌ما، راه‌حق و بمنزل رسیدنی‌است

هموطنان شریف وآزادی پسند ما وخلقهای سراسر جهان بخوبی میدانند که ارتجاع و امپریالیزم ، دشمنان آشتی نا پذیر وشناخته شده بشریت بوده وهمواره در تلاش اند تا راه های رفاه وترقی را بر مردم سد نمایند ، زیرا آنها در پیشرفت وارتقای خلق بسوی افق های‌درخشان زندگی ، نابودی حتمی خود را می بینند .

این دزدان بی مروت که بقـای شانـرا در ظلمات جستجو می کنند از نور وروشنایی در هراسند واین خفا شان خون آشام بانوار زرین خورشید انقلابات مردمی که گر مابخش زندگی خلقهای رنجدیده می باشد از اصـل وریشه در تضادند بناء باآن سر مخاصمت را درپیش گرفته ولجوجانه در برابر آن قـرار میگیرند .

از همینجاست‌که امپریالیزم جهانی به‌سر-دمداری امپریالیزم جنایتکار امریکا باشوئیزم چینی درتبانی بااِر تجاع بین المللی وارتجاع سیاه داخلی در یك جبهه نامقدس بر ضـد انقلاب شکوهمند ثور بالاخص در برابر مرحله نوین تکامل‌تاریخی شش جدی‌آن‌که نماینده راستین وچاکر گوش بفرمان شان امیـن خونخوار را بسرنگون‌ساخت خشمناك گردیدند و باتلاشی های مذبوحانه ودیوانه وار باعمال خاینانه دست می زنند .

ارتجاع وامپریالیزم‌که متضمن بقای یکدیگر-اند ودر تاراج هستی خلقها دست شریك دارند از مدتهاست که بکار برد حیل ونیرنگهای گونا گون هست وبود مستضعفین جهان رادست بردمی زنند وباآنکه ارتجاع رادرین چپا ولها چندان چیزی هم نمیرسد وباصطلاح از «گاو غدودی»رانصیب میگردد مگر با آنهم از خوشـ خدمتی‌لذت می‌بردورضایت خیثانه ولینعمتانش را غنیمت شمـرده و با لا تر از هر چـه میداند حتی از کرامت وشرف انسانی !

پس تصادفی نیست که امپریالیزم‌جهانخوار امریکا ، امپریالیزم محیل و مزور انگلیسی شئونیزم پکن ، قلاده ارتجاع منطقه خصوصا ارتجاع نظامی پاکستان و صهیونیزم اسرائیل رادردست گرفته،گاهی بجان خلق رنجکشیده افغانستان وزمانی هم‌بجان خلق‌آواره وبیگناه فلسطین میاندازند .

مردم ستمدیده ماکه پس از تحمل‌قرنها رنج وبد بختی ، با پیروزی انقلاب شکوهمند ثورزنجیر های اسارت‌را شکستند وباامیدواری کامل بسوی فردا های شگوفان مینگریستند یکبار دیگر در پنجه بیداد امیـن خودکـام گیر ماندند ، چه عذابهای که ندیدند و چه رنجهای که نکشیدند . ولی باپورشی بی‌امان ششم جدی که امین سفاك وباند بی باك آن به کیفر اعمال ضد انسانی شان رسیدنـد ، آقای کارتر ومحدینش به سوگ امیـن نشستند وبه عنوان اینکه حفیظ‌الله، «امیـن» شان بود خود را مستحق مداخله در امـور داخلی افغانستان میدانند !

چنانچه واقعه سوم حوت شهر کابل بار دیگر پرده جنایات شوم امپریالیزم امـریکا ودستیارانش را ازهم درید و چهـره شوم و شیطانی این‌جنایتکاران‌تاریخ را به همشهریان کابل وهمه هموطنان عذابدیده ما نمایـان ساخت .

بیایید به بینیم که چه کسانی حادثـه روز سوم حوت را در شهر کابل ببار آوردند وبرخی از ساختمانهای زیبای آنرا که باخون وگوشت مردم زحمتکش ، ساخته شده است با‌عملیات‌تخر یبکارا نه به آتش کـشیدند، چه کسانی بوده اند که عراده ها ودوکانهای مردم را طعمه حریق نمودند ؟ وچه کسانـی بوده که میخواستند مریضان رادر حـالت بی دوایی ، اطفال را در حالت بی شیـری و ساکنان شهر را در حالت گرسنگی بانتظار مرگ بنشانند ؟

پاسخ واضـح است کـه اینها نـه تنها دشمنان خلق افغانستان بلکه دشمنان بشریت اند واین قاتلان حرفه‌یی که از گوشت‌انسان تغذیه می‌کنند از جانب گردانندگان ماشین های جنگی امپریالیزم ، مامور قتل‌خلق‌بیگنـاه ماشده بودند . آنها با حساب غلط شان بر خورد انسانی جمهوری دموکراتیك افغانستان را دال بر ضعف آن نمود ، واعلامیه هـای مکرر دولت را مبنی بر رعایت آزادی هـای دموکراتیك مردم نادیده گرفتند اما سرانجام چنانکه باداران شان بارها دربرابر مردم مـا بزانو در آمده اند ، این ریزه خوران آنهـا بار دیگر بر شکست ننگین توطئه گـران وآشوبگران امپریالیستی‌وارتجاعی‌شان افزودند ولکه ننگ دیگر بر جبین دشمنان بشریت کوبیدند .

ما چنانچه بار ها حقانیت انقلاب خود رادر عمل ثابت نموده ایم‌با بانگ‌رسا اعلام‌میداریم که راه ما حق است ، مابدون هراس بـه پیش میرویم وبه این ایمان داریم که حق بر باطل پیروز شدنیست .

زنده باد افغانستان
مرگ بر دشمنان وطن

د نړیوال پیوستون پـه تینګښت کی دمسلمانانو ترمنځ دتماسونو اهمیت .

• • •

مرحلهٔ نوین تکامل انقلاب شکوهمند ثور.

• • •

بخاطر یك آینده بهتر برای تمام اطفال .

* * *

فعالیت های خرابکارانه و طرح نقشه های تهاجمی ایالات متحده، توازن قوا را درجهان برهم میزند .

• • •

باچ ـ پولنډ داستان .

* * *

نگاهی بر رباعیات خیام .

• • •

په آسیا او افریقا کی دباداری نظامونه .

• • •

چگونه مبارزه با حـوادث آدمیزاد ر ا مصونیت می بخشد .

• • •

نجات از چنگال دژخیمان طاعون .

• • •

داپوری از لیلام قره قل افغانی .

• • •

مشکل بحران انرژی در جهان .

• • •

روی جلد تیمهای قهرمان ورزشی تعلیـم وتربیه کـه در مسابقات اخیر جامـهای قهرمانی را حاصل نموده اند .

***

پشتی اخیر یکی از شاگردان لیسه‌زرغونه رادر لباس مقبول صفحات مر کـزی کشور می نمایاند .

***

عکس متن دختر زیبای افغانی را مصروف گل دوزی نشان میدهد .
«عکاسی باخترآژانس»

دنړیوال پیو ستون پـه‌تینګښت‌کی :

دمسلمانانو ترمنځ دتماسونواهمیت

* * *

په ۱۹۸۰ کال کی‌دشوروی اتحاد دمسلمانانو دمهمو پروګرامونو پس‌منظر

هادی اعظـم الا کبر دشو روی سوسیالیستی جما هیرو د اتحـاد دمسلما نانو داسلا می ټو لنی‌دنړی‌-والو اړیکو درئیس مرستیال په‌دی ورو ستیو وختو نو کی دمسلمانانو تر منځ دمستقیمو تما سو نو او په یوزرو نهه سوه اتیا وم کـال کی‌د شو روی اتحاد دمسلما نا نو دمهمـو پرو ګرا مونو دپس منظر پـــه باب دنو وستی پر سس دآژا نس‌له استا زی سره یوه اختصا صی مر که کړی چی دادی دلته یی وړاندی‌کوو:

پو ښتنه :

که‌لطفا دشو روی سو سیا لیستی جما هیروداتحاد دنړیوا لوتما سونو اود هغه نقش په باب چی ستا سو څانګه یی‌پکی لو بوی لږ څه‌معلومات راکړی !

ځواب :

دخا وری دپرا خوا لی اوجغـرا-فیا یی مو قعیت له مخی دمسلما نانو څلور بور دو نه‌په شو روی اتحـاد کی جوړ اوتا سیس شوی دی.لو-مړی بورد دمر کزی آسیا او قـزا-قستان دبورد **څخه عبا رت‌دی.**

دو هم او دریم بو ردو نه دشما لی کاکا سو س‌دوترا نسکاو کا سیـا بوردو نه دی په داسی حال کی چی په څلو رم بورد کی دسا یبریاسیمه شا مله ده .تر کو می اندا زی چـــی په مـذ هبی فعا لیتو نو پو ری اړه لری دغه څلور وا ړه بوردو نه خپلی مـذ هبی چا ری په مستقل او څـا-نګړی تو ګه تر سره کوی.دشوروی اتحاد دمسلما نا نو دبین المللـی اړیکو ټولنه چی‌مشریی مفتی ضیا-الدین خان ابن احسان بابا خـــان دی دمسلما نا نو ددغو څلو رو بور-دو نو چاری تنظیمو ی .

ددغی مو سسی دجو ړ یدو مهـــم هدف دادی چی د شوروی اتحـادد مسلمانانو اودنړی دبهرنیو هیوادود مسلما نانو تر منځ بین المللی اړ-یکی او مستقیم تماسونه ټینـګک او پیا وړی کړی . دغه ټولنه وظیفـــه لری چی دشو روی اتحاد مسلما نانو دپاره بهرنی سفرونه تنظیم کاندی ددغی مو سسی بله وظیفه داده چی شو روی اتحاد ته دبهر نیو هیوادود مسلما نا نو درا تګ په وختو نـــو کی دهغوی داوسیدو دپاره لازمـی آسا نتیا وی برا بری کړی . همدا رنګه په مر کزی آسیا او دشو روی اتحاد په نورو سیمو کی داسلا مـی مر کز ونو او تا ریخی آثارو دکتنی دپاره دآسا نتیا و برا بر ول ددغی موسسی یوه مهمه وظیفه تشکیلوی. ددغه اصل له مخی دشو روی‌اتحاد دبیـلا بیلو برخو مسلما نان کو لای شی چی دذکر شوی مو سسی پـــه مر سته او همکا ری دکال په بیـــلا بیلو موسمونو کی د اسلا مـــی مرکزو نوښخه کتنه وکړی‌او تاریخی آثار له نژدی څخه وګوری .

ددغه حقیقت دپه نظـر کی نیولو سره چی دشو روی اتحاد دمر کزی آسیا اود قزا قستان دپاره دمسلما-نانو بورد دنړی دڅه دپا سه او یـا هیوادو نو سره په تما س کی دی هر څوك دا اټکل کو لای شی چی‌د شوروی اتحاد ټولو څلور ګو نـــو اسـلا می بوردو نو نړیوال‌تماسونه څو مره اوپه څه ډول تنظیم او ارز-یابی کیږی .

په‌پورتنیو ټکو علاوه باید وویـل شی دچی‌دشو روی اتحاد دمسلما-نانو دنړیوا لو تما سو نو ټولنه هـر کال داسـلا می تعلیما تو په بـــاب دمعلو ما تو دپرا خو لو دپاره دهغـه هیواد یوزیات زده کوونکی‌اومحصلین دلوړ وزده کړو په غرض بهر نیـــو هیوادو نو ته استوی .تر اوسه پور ددغی ار تبا طی مو سسی له لاری څخه یوزیات شمیر ځوان زده کوو-نکی او محصلین المغرب ، سور یی، اردن ، لیبیااود ځینو نوروهیوادونو ته استول شو یدی .

دغه ځوان محصلین په بهرنیـــو اسـلا می هیواد ونو کی دمعلو ماتو دپرا خوا لو او لوړو زده کړو لـــه پای ته رسیدلو څخه وروستـــــه بیرته شوروی اتحاد ته را ستنیږی اوپه بخا را ، تا شکند او نـــو رو اسـلا می مد رسو او مر کز و نـــو کی په تد ریس بو ختیږی .

دشو روی سو سیا لیستی‌جما-هیرو اتحاد مسلما نان په دوه اړ-خیزو تما سو نو سر بیره دیو زیات شمیر نورو فعا لیتو نو سره هـــم سر اوکار لری . په پخوا نیو کلونو کی دشو روی اتحاد دمسلما نانـــو دبورد ډله‌خوا یو زیات شمیر نړی-وال کنفرا نسو نه تنظیم او پرانستل شو یدی او په هغو کی دآسیا، افر-یقـا او منځنی ختیځ له هیواد و نو څخه یوزیات شمیر اسلا می مشرانو برخه اخستی ده .د۱۹۷۰ او ۱۹۷۳ کلو نو په اوږ دو کی دفلسطینـــی عر بی وګړو ددا یمی په ملا تـــړد اسـلا می هیواد ونو یوه نړ یوا له جرګه په شو روی اتحاد کی جوړه شوه . په دغه جر ګه کی دعر بـــی وګړوو دحقه حقو قو داعا دی اودغه راز دفلسطین ولسونو دخاوری او ملی حا کمیت دتضمین او بیر تـــه اعا ده کیدو سره نړیوال پیو ستون څرګند او داسرا ئیلی تیری کوونکو



دشوروی اتحاد مسلمانان ددینی‌کتابونو او اسلامی آثارو دخیرلو په حال کی



ددوشنبی دښار په یوه جومات کی داسلامی تبلیغاتو یوه ننداره

مقا ماتو څخه غوښتنه وشوه چــی دعر بو دنیول شو و سیمو څخــه دی خپلی قوا وی وبا سی .دغه راز په دغه جر گه کی دعر بی وګړو سره دهر ډول ما دی او معنوی مر ستــو دور کو لو وعده وشوه .

په ۱۹۷٤ کال کی د«ابو عبدالـلــه محمد ابن اسمعیل البخـــار ی» دزیږ یدو د۱۲۰۰ کا لیـــزی مراسم په لو ړه سو یه په شــو روی اتحاد کی په ځای شول . په ۱۹۷٦ کال کی دنړی دبیـلا بیلو اسلا می هیوادو نو یو زیات شمیر مسلمانان دقزا قستان او مرکزی آسیا دپاره داسلامی بوردونو دجوړیدو دشلمی کا لیزی په مرا سمو کی دبر خــی اخستلو په غر ض شو روی اتحــاد ته را غلل .

همدا رنگه په هغه نړ یوا لـــه جرگه کی چی ددا یمی سو لی پـــه ټینگښت کی داسلا می هیواد ودمذــ هبی مشرا نو دونډی اخستلو پـــه باب په ۱۹۷۷ کال کی په مسکو کی وشوه دنړی څه دپاسه ۱۰۷ هیواــ دو نــو څخه شپږ سوه پنځو سس تنو استا زو گډون وکړ. په دغـــه ستره او تا ریخی غو نډه کی دنـــړی دځوار لسس اســلا می هیواد و نــو څخه څه دپا سه سلو تنولوړ رتبــه عا لی او علمی شخصیتو نو داسلامی نړی دیووا لی په باب وینا وی وکړی او خپلی مقا لی ولو ستلی .

په دغه غونډه کی چی دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو اتحاد د مسلمانانو دبورد دمشر مفتی ضیاءــ الد ینخان ابن احسان با با خـــان په وینا سره پرانستله شوه داسلامی هیوادو دحکو متو نو او مذ هبـــی مشرا نو په نا مه دوه ځا نگړی پری کړه لیکو نه او ابلاغیی صا دری او تصو یبی شوی . د۱۹۷۷ کال پـــه تا ریخی اســلا می کنفرا نس کی دټولو اســلا می هیواد و نو تر منځ دگډو مر ستواو څو اړ خیزو همکاریو دارزښت او اهمیت په باب ټینگار وشو اود نړی دټولو اسلا می هیوادــ ونو څخه وغو ښتل شول چی دنړی دملتو نو او بیــلا بیلو مذ هبو نــو تر منځ دښه نیت او غوره تفا هم د اساساتو دپیا وړ تیا اودغـــه راز دسولی او نړیوال امنیت دټینگښت دپاره سره یو مو ټی شی همدا رنگه د اسـلا مـی هیـــواد و نـــو تر مینځ دزیاتو همکاریو دپیاوړ تیا له پاره د۱۹۷۹ کال څخه تر او سه پوری په نو موړی هیوا دو کی دغه لاندی کارو نه تر سره شوی دی:

۱۹۷۹ کال داگست په میا شت کی دشوروی اتحا د په ختیځو بر خو کی دمسلما نا نو دلو مړ نی اسلامی ژور نال دخپر یدو دلسمی کا لیزی دمرا سمو دنما نځلو په خاطر یوه ستره غو نډه وشوه او په هغی کی دنړی دیو زیــات شمیر اسلا مـــی هیواد ونما یند گا نو او لوړ رتبــه استازو برخه وا خیسته . ورو سته د همدی کال دسپتا مبر په میا شــت کی دهجرت دځوار لسمی پیـــړی د شروع کیدو دنما نځلو په منا سبت ددو شنبی په ښار کی دنړی داسلامی هیوادو دعا لما نو په گډون یـــو سمپوز یم جوړ او ددغی ورځـــی په ار تباط دبرخی اخستو ونکـــی هیوادو داستا زو له خوا مقا لـــی ولو ستلی شوی او کنفرا نسو نـــه ور کړل شول .باید ووپل شی چی په دغو ټولو کنفرا نسو نو ،سمپوــ زیمو نو او میټنگو نو کی دافغانستان عا لما نو اولوړ رتبه استازو بر خــه واخسته .همدا رنگه په دغو ټو لنـــو کی دافغا نستان ددمو کرا تیـــك جمهور یت په استا زو عــــلا وه د بنگله دیشس ، لیبیا ،لبنان ،هنـــد، پاکستان ، اندو نیز یا، ایـــران، تو نس ،المغرب ،ما لی او ځینـــو نورو اسلا می هیواد وهیا تو نـــو گډون کړی و.

پو ښتنه :

په ۱۹۸۰ کال کی دشـــو روی سو سیا لیستی جما هیرو داتحـــاد مسلما نانو پلا نو نه او پروگرا مونه په څه ډول دی ؟

ځواب :

په دوشنبه کی دتیر کال داسلامی سمپو زیم دجو ړیدو په تعقیـــب او دوام ټاکل شوی ده چی د۱۹۸۰ کال دسپتا مبر په میا شت کی دتا شکند په ښار کی داسلا می هیوادو نـــو داستا زو په گډون یو نړ یوال کنفرانس جوړ شی.همدا رنگه تجویز نیول شوی دی چی په روان کال کی هم دهجرت د مراسمو دنما نځلو په باب ستـــری غو نډی جوړ ی شی .

پو ښتنه :

آیا ستا سو په عقیده دالمپیـــك دبین المللی لو بو دانسجام کمیسیون به چی دروان کال دجولای په میاشت کی په شو روی اتحاد کی جوړیږی شی

پاتی په ٥۰ مخ کی



دجومات خطیب په نړی کـــی دسولی او امنیت دټینگښت په بـــاب لمونځ کوونکو ته دوینا کولو پـــه حال کی



فوزیه امیری باعدهٔ از همکارانش در مورددست آوردهای مرحله نوین تکامل انقلاب‌ثور نظر میدهند

مرحله نوین تکامل انقلاب ثور

ونظردهی مردم در مورد آن

ای هموطن وقتیکه این سطور رامیخوانی بدون شك ، به‌این گفته ها وسخنان که از دهن این‌هموطنان مابیرون میشود بـاور وایمان داری ، میدانی که این ها همه‌حقیقت است وهیچگونه‌مبالغه‌ی‌درآن‌دیده‌نمیشود ...

به‌چند نقطه شهر میروم با چند همشهری‌و هم وطن به صحبت میشوم از این هموطنان در مورد مرحله نوین تکامل انقلاب ثور مـی پرسم ، وجواب های میگیرم . جواب های که از قلب وضمیر آنان بر خاسته است و همه اشس حقیقت است .

اولین مخاطبم زنی است بامو های‌جوگندمی که مو های سپیدشس گذار عمر شرافتمندانه اشس را نشان میدهد .

ازشس می‌خواهم که خود را معرفی نماید، میگوید :

نامم آصفه اکبر است ومستحضردر شعبه تابلت سازی دیپوی نمبر یك میباشم .

ـزندگی امروزی تان رابادوماه قبل چگونـه مقایسه میکنید ؟

در گذشته مخصوصاً در دورهٔ حکمفرمایی امین وباند وی زندگی اکثر هموطنان ماشبیه به‌زندانیانی بودکه‌نه‌حق داشتند حرف بزنند ونه میتوانستند آزادانه صحبت کنند . باچنین شرایط بود که مردم ستمدیده ما روز های سخت را میگذشتاند ولی حـالا ، مخصوصاً پس از روز تاریخی یعنی ششم جدی کـه پیکار حق بر ناحق وپیکار مظلوم با ظالـم بود و خوشبختانه با استقبال بی سابقه تمام مردم رنجیده وفهمیده ما قرار گرفت و بـه پیروزی رسید ، امروز همه بدون هیچگونه تبعیض وامتیازی میتوانند آزاد زندگی کنند، آزاد حرف بزنند وآزاد به مناسك مـذ هبـی خود بپردازند . این است معنی عـدالت و دموکراسی .

در زمان امین بسیاری از وطنداران مـا پابندی بودند ویا بشکل از اشکال مـورد آزار واذیت باندوی قرار میگرفتند، شمـا و خانوادهٔ شما در آن وقت چه حال‌داشتید ؟

بلی این درست است که هیچکس وهیچ خانوادهٔ نبود که از شر ظلم وشکنجه امیـن وباند وی درامان بوده باشد .

من هم مانند هزاران وملیون ها خـانوادهٔ دیگر بی داغ نماندم .

قصه از این قرار است :

روز هفتم ماه مبارك رمضان بود که دامادم رابردند وندانستم که کجا بردند و برای چه بردند . ولی یك چیز مسلم بود که او در زندان است . امااینکه چه شکنجه ودردی‌را تحمل میکند خدا میدانست .

هنوز شش ماه از ازدواج شان نگـذشته بود که روانه زندان مخوف پلچرخی شـده بود وشما وهمه هموطنان خوب میدانند کـه روز گاربندی در زندان پلچرخی ودیگـر زندان ها چطور بود وچه بروزگار آنهـا میگذشت .

این همه مظالم بی شمارکه از طرف امین وامینی ها برمردم بی چاره وبی پناه ماتحمیل میشد زندگی راآنقدر برآنان تنگ سا ختـه بود که مرگ هزار بار بهتر بـود از آن زندگی که آنان داشتند .

ماهم دست کمی از زندانیان نداشتیم اگر چه ظاهرا آزاد بودیم ولی حقیقتش این بود که خود کشور مابه زندانی بزرگی مبـدل شده بود، زیرانه میتوانستیم حـرف حق را بزنیم ونه میتوانستیم خانه دوستی وآشنایی برویم بدین ترتیب زندگـانی که ماداشتیم چه ارزشی داشت آیا آنقدر تحقیر و خورد شدن را مستوجب بودیم ؟ چه گناهی داشتیم که نمیتوانستیم آزاد زندگی کنیم ؟ ولـی جواب این سوال خیلی ساده بود وآن‌اینکه امین وباندوی آزادی خودرادر بندگی‌دیگران میدانستند • آزادی مذهب کـه حق مسلم‌هر مومن ومسلمان است در زمان امین سخـت تحت تحدید قرار داشت ، چنانچه بسیاری از کسان ماکه برای ادای نماز به مسجـد می رفتند امیدی نداشتند که دو باره به‌خانه پس از ادای نماز برگردند .

اما امروز خوشبختانه هر فرد این خـاك حق‌داردکه‌مناسك مذهبی‌شان را آزاد وبـدون ترس اجرا بدارند.

* در طول این دوماه که ازمرحله نوین انقلاب ثور می گذرد، کدام یك از کار های دولت از نظر تان چشمگیر است ؟

من بصفت یك زن وظیفه خود میدانم که بگویم محترم شمردن به حقوق زن یکی از کار های پرارزش دولت ما است که بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور جامه عمل پوشیده است بنظرمن در طول این مدت‌کوتاه کار های بس بزرگی انجام شده ودر آینده نیز انجام خواهد شد ولی باید این نکته را روشن سانم که آزاد شدن زندانیان سیاسی یکی ازاقدام های‌پرارج‌جمهوری دموکراتیك افغانستان است که ملیون هاخانواده را از سر گردانی وبلا تکلیفی نجات داده اند .

مسترد نمودن جایداد های مردم‌که ازطرف امین وباندوی به ناحق وبدون کـدام دلیل وبرهان ضبط گردیده بودیکی دیگر از کـار های مهم وپرارزش دولت ما است .

• • •

سالم جان راکه از ولسوالی تگاب مربوط ولایت پروان است دریکی ازشفاخانه هـا می بینیم، اوکه در زیر بغلش عکس هـا ی رادیوگرافی شدهٔ از شش وقلبش دارد، بخاطر تداوی خویش از زادگاهش به کابل آمـده تاتحت تداوی قرار گیرد .

ازش می پرسم که چند وقت است مریض هستی؟ میگوید :

من ازمدتها مریض هستم شایددوسه سال میشود ولی در طول این مدت هرگز تداوی نشدم، بارها به کابل آمدم ولی موفق‌نمیشدم که داکتر راببینم، اگر احیانا موفق میشدم که داکتر راببینم از دوا خبری نبود ، مـن آنقدر مریض نبودم که اکنون هستم و علـت آن اینستکه بعضی از داکتر ها به من‌میگفتند که امروز بیا، وسبا همین امروز وسبا باعث شدکه مریضی ام شدت بیابد تا اینکه‌بکلی مرا از پا انداخت .

* علت این امروز وسبای دوکتوران چـه بود وچرا برایشان نگفتی که زیاد تکلیـف داری ؟

می خندد، خنده تلخ، لبان اورا ازهم باز میکند ومیگوید : برادر آیا جرئت داشتم‌که این حرف رابه‌آنها بزنم ، اگر کوچکتریـن حرفی می‌زدم شاید سرحدم به زندان پلچرخی میکشید ... وآن وقت است که خـدا بـه یاری ام می‌رسید دیگر امیدی نبود .

خوب حالا چه فکر میکنی ، آیا تـداوی شده‌یی ؟ به عکس های زیر بغلش و بـه کاغذ های‌که‌دردست داردنگاه‌میکندمیگوید: بلی، شما هم میتوانید این ها را مشاهده کنید ، مدت کوتاهی است که بکابل آمدم ، زیرا همه میگفتند که پس از مرحله نوین تکامل



محمدانور یوسفی

انقلاب ثور همه‌کارها به‌فوریت اجرا میگردد، وراستی که چنین بود ، یك هفته قبل ازوطنم به‌کابل آمدم در ظرف یك هفته تمام‌معاینات طبی ام تکمیل ومرضم تشخیص گردید و حالا می‌روم که دوای خود را بگیرم . خداونددولت کنونی مارا حفظ کند ودر پنای خود داشته باشد .

* * *

جوانی که خود را محمدانور یوسفی‌معرفی میکند واز لیسه شیرشاه سوری فارغ شده‌در بارهٔ مرحله نوین تکامل انقلاب ثور چنین ابراز نظر میکند :

اگر چه حرف های زیادی است که باید گفته شود ولی من‌می‌خواهم ازدیدگاه یك محصل مرحله نوین تکامل انقلاب ثور را برایتان تشریح کنم :

مرحله نوین تکامل انقلاب ثور در وقتی به پیروزی رسید که جوانان ما مخصوصاً محصلین ومتعلمین دربدترین شرایط زندگی قرار داشته البته باید این نکته اضافه شود که دیگر اقشار وطبقات مردم کشور ما که چه حال داشتند وچگونه زندگی برا یشان سخت میگذشت موضوع جدا گانه است .

ومی خواهم تنها در مورد قشر جوان مملکت که بزرگترین سرمایه یك مملکت را تشکیل میدهد صحبت کنم : بلی جوانان مادر دورهٔ امین وباندوی درشرایطی قرارداشتند که بایست جوانان ما در زندان های مخوف وآن هم در زیر هزاران نوع شکنجه های روحیو جسمی قرار میگر فتند ومی مردند یابه پست ترین اعمال انسانی تن‌میدادند.

این بود وضع جوانان مادر زمان امین وباند جنایتکارش .

ولی حالا مخصوصاً پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور زندگی تازهٔ آغاز کرده‌اند، زندگی که‌واقعاًدرخور یك‌جوان است.

امروز در روشنی این تحول تازه است که جوانان مااحساس میکنند که آزادانددوآزادی را بصورت واقعی آن می‌بینید ولمس میکنند. جذب شدن بی سابقه شاگردان معارف به پوهنتون ودیگر موسسات تعلیمی یکی ازکار های باارزش ودرخور ستایش دولت ما است. در گذشته تنها چانس کامیابی را کسانی داشتند که صاحب قدرت ونفوذ بودند ، پدر شان یا یکیا ز منسوبین شان صاحب‌مناسب بلند دولتی می‌بود وبورس های تحصیلی هم یکی از امتیاز های بود که دولت به جوانان که‌واجدشرایط می‌بودند می‌داد اما این چانس به آنانی داده میشد که صاحب قدرت بودند ولی خوشبختانه امروز به چشم‌سر مشاهده میکنیم که هزاران جوان مابدون هیچگونه تفاوتی وبدون هیچگونه امتیاز وتبعیضی نظربه خواهش واستعداد شان به پوهنځی های مورد علاقه شان کامیاب شده وجذب گردیده اند . وآن عدهٔ دیگر که مستحق بورس شناخته شده اند بدون تشویش وناراحتی به تحصیل خویش‌می‌پردازند اینست معنی عدالت‌ومساوات وبرادری وبرابری پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور که در کشور خود مشاهده میکنم .

فوزیه امیری آمر شعبه شربت سازی و تینچر سازی در بارهٔ دست آورد های ششم جدی که مرحله تازهٔ در زندگی وحیات مردم ما وارد آورده است چنین نظر دارد :

وقتیکه گذشته رابا حال مقایسه میکنم درمی یابیم که‌چقدر بهبودی های در همین مدت کوتاه نصیب مردم وخلق زحمتکش ما شده است . در گذشته که جز حرف چیزی وجود نداشت وهمیشه تبلیغات بود و بس ولی حالا در همه ساحات‌زندگی عمل وجود دارد پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور . چیزیکه به مردم گفته میشود وعده داده میشود به‌آن عمل میگردد واین خیلی مهم است برای کشور ما وبرای مردم ما که زیاد حرف شنیده اند ولی عملی ندیده اند .

مهمترین دست آورد های مرحله نوین تکامل انقلاب ثور آزادی است ، آزادی یا این پدیده که هر انسان به آن ضرورت‌دارد، همانطوریکه به غذا ، لباس وغیره احتیاج دارد به آزادی نیز ضرورت واحتیاج مبرم دارد .

آزادی حق فردی هر انسان است واگر هر کس خواسته باشد آنرا ازش سلب‌نماید در حقیقت پشت پا به حقوق فردی وبشری‌زده است که این کار ها واعمال از طرف امین وباند سیاه کارش جز برنامه های همیشگی اش بود .

امروز در پرتو مرحله نوین تکامل انقلاب ثور چه کارگر است چه دهقان ، چه مامور است چه کاسب همه وهمه یکسان بدون در نظر داشت رنگ ، قبیله وقومیت از آزدی یکسان بر خوردارند . این همه طبقات واقشار جامعه ما که در گذشته حتی حق حرف زدن را نداشتند چه به‌این که نظر بدهند یاانتقاد نمایند ، اما امروز به برکت همین عدالت واقعی واجتماعی است که مردم ما آزادانه نظر میدهند واین نظردهی آنهاار طرف دولت ما پذیر فته میشود . البته مردم مااین انصاف را دارند که‌در خواست های شان چیزی را از دولت وحکومت مردمی شان توقع نمایند که اجرا وعمل آن در خور امکان وقدرت دولت باشد .

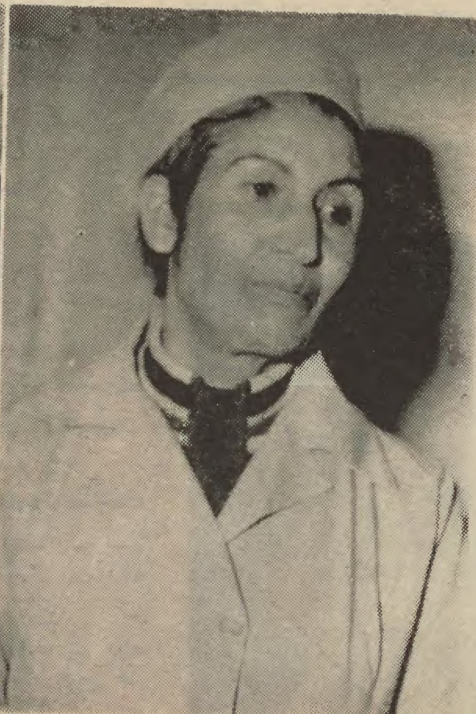
مردم ما نباید از دولت خویش معجزه توقع داشته باشند، این همه پسمانی راکه میراث شوم گذشته است نمیتوان در مدت کوتاهی از میان برداشت ، وقت وزمان می خواهد تا خواسته های مردم مابرآورده شود .

بیك چیز باید ایمان داشته باشیم و آن اینکه هرچه ازطرف دولت وعده داده میشود به آن عمل میگردد .

هنوز مابرای ساختن یك افغانستان آباد ومعمور کار های زیادی در پیش رو داریم و باید در امر اعمار آن مردم با عشق وعلاقه فراوان کار نماید ، عرق ریزند وبا تلاش هر چه بیشتر باعث تسریع کارها درامر اعمار افغانستان نوین گردند .

* کارهای که در طول این مدت کوتاه صورت گرفته از نظر شما بیشتر کدام چشمگیر تر است ؟

بقیه درصفحه ۵۷



آصفه اکبر، اوبااحساس‌خاصی‌حرف‌می‌زند



سالم جان که ماه هابرای تداوی اش‌بکابل می‌آمد ولی تداوی نمیشد اما حالا ...



اطفال در کودکستا نها کار های هنـری می آموزند

از منابع خارجی

ترجمه : پوهنمل دوکتورسیدحسام (مل)

بخاطر یک آینده بهتر برای تمام اطفال

سال ۱۹۷۹که توسط مجمع‌عمومی ملل متحد‌بنام سال طفل اعلام شده بود ، پایان یافت (نیکولای تخونوف)کاندیدبوروی سیاسی‌حزب‌کمونست اتحاد جماهیر شوروی و معاون اول رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی ،به حیث‌رئیس کمیسیون سال‌بین المللی‌طفل ، تعیین شده بود دریک مصاحبه‌اش باخبرنگار مجله(لیتراتور نایا) راجع به توجه زیاد کشور شورا ها‌به نسل آینده اشاره نموده بجواب سوالات‌او چنین پاسخ داد:

-اهداف سال بین‌المللی طفل از چـه قـرار است؟

- هدف عمده از سال بین المللی طفل معطوف ساختن توجه مقامات دولتی و عموم جهانیان بمنظور بهبود وضع اطفال است. که یکی از

پرابلمهای مهم اجتماعی بشمار میرود . مطابق راپور صندوق بین المللی طفل صدها میلون اطفال در جهان غیر سوسیالیستی در فقرو- گرسنگی حیات بسر می‌برند. ودر حدود (۲۵۰) میلون طفل در سراسر جهان از باعث سوتغذی وفقدان مواد غذایی مصاب امراض گوناگون میباشند .

قرار راپور صحی هیات‌اجرایه (پان امریکن) هفت ونیم میلون طفل در کشور های امریکای لاتین در دهۀ گذشته از کمی توجه طبی حیات شان را به شکلی از اشکال از دست داده‌اند.

در دنیای امروزه مجموعا (۳۰۰) میلون طفل که بسن هفت سالگی رسیده اند ، نسبت معاذیر اقتصادی نتوانستند شامل مکتب شوند، غربت‌وفقر اکثر والدین را واداشته که اطفال شان را بکارهای مزدوری‌بگمارند ، مطابق راپور سازمان بین المللی کار وکارگر در حدود (۵۴)

ملیون طفل در قید حیات اند، که ازین جمله صدها هزار طفل بین‌سنین هشت وپانزده‌سالگی

بمنظور بدست آوردن یك مزد ناچیز به انجام کار های شاقه که ساعت کار روزانه شان دو‌یا دوازده ساعت میباشد دست به گریبان اند.

بمنظور فراهم آوری فضای سالم زیست ضرور است که برای امر صلح وامنیت بین المللی مبارزه خستگی ناپذیرنمود . زیرا اطفال محتاج

صلح وآرامش اند . وهمین صلح وآرامش است که‌برای اطفال خوشی وسعادت بارمی آورد. فضای مذکور امکانات بهتر رابرای آموزش و پرورش تدارك می‌بینند .

سال بین المللی طفل نظریات عامه جهانیان رادر مبارزه به مقابل تسلیحات بسیج میسازد ودرزمینۀ همه نیروهای صلح دو ست خواهان

تحدید تجهزات نظامی بوده ، مبلغ پولی راکه مصرف تجهزات نظامی می‌نمایند، بهتر خواهد بود که برای احتیاجات اجتماعی بشمول بهتر ساختن زمینه رشد اطفال‌بمصرف رسد . پیاده کردن این امریك پلاتفورم مشترك نیروهای

همه خلقها راباوجود اختلافات سیاسی شان خواهان است .

- شما در مورد وضع اطفال در اتحاد شوروی چه میگویید ؟

- دولت شورا هاکلیه امکانات رابرای بهبود صحت و خوشی نسل آینده اماده ساخته است. ودر قانون اساسی اتحاد شوروی درمورد حمایه طفل ومادر بصراحت ماده ای جداگانه به‌تذکر رفته است .

درسال(۱۹۷۸) بوجهیکه برای اعمـار و ساختمانهای کودکستان ها، اطاقهای رهایش اطفال ، کمپ های جوانان ، سربازان، ودیگر مراکز بمصرف رسیده بالغ بـه پانـزده هـز ا ر ملیـون ربـل میگـر دد که۶.۰ فیصد بودجه برای آموزش جمعی بمصرف میرسد . علاوتا در حدود (۱۸۰) میلون روبل همه ساله مصرف دانش اموزان دورۀ ثانوی میگردد . بالاتراز (۵۰۰) روبل برای یك طفل شیر خوار وزیاد تر از (۴۵۰) روبل مصرف‌طفل در کودکستان هادر سال میباشد . که ۸۰فیصد این مصارف ازبودجه دولت تمویل‌میگردد.

مادر کشور خودبیش از(۱۲۰) هزارانستیتوت های قبل ازمکتب‌داریم که‌برای (۱۳) میلیون طفل محل ارایش دارد . دربـلان پنج ساله جاری از (۲۵۰۰) تا (۳۰۰۰) کودکستان وشیر خوار گاه در هر سال تحت ساختمان واعمار است .

درهر تابستان اطفال قبل از مکتب برای‌خوش گذرانی وتفریح ،خارج از شهر درین دهات‌و مکاتب خورد سالان ودر کمپ های جوانان سر- باز زندگی می‌نمایند .

در کشور شورا ها برای باز پرسی صحی وخوش گذرانی اطفال مراکز عمده وجود دارد، که‌این مراکز زیاد تر از یك ونیم میلون طفل‌را اعم از خورد سالان ونو جوانان همه سالـه می‌پذیرد وبرای شان وسایل راحتی وتفریحی را فراهم میسازد .

مسایل راحتی ومحل رهایش‌برای تمام اطفال ازطرف دولت شورا ها به‌صورت رایگان در دست تهیه است .

این مصارف فوق از صندوق امنیت جمعی پرداخته میشود . وهم برای آن اطفال که در حال سیاحت ومسافرت‌اند ، موسسه مذبور ۵۰ فیصد در وسایل ترانسپورتی شان تنزیل بوجود می‌آورد .

همه سناتوریم ها ، اسراحت گاه هاو هوتل هادر روزهای رخصتی بروی‌اطفال‌ووالدین‌آنها بازبوده‌ودر مراکزمذکور لحظات‌خوشی‌زندگی خودرامی‌گذرانند . قرارراپورموثق‌درمراکزفوق همه‌ساله‌تا(۴۰۰)هزارطفل استراحت مینمایند.

سیاحت های فامیلی در اتحاد شوروی کاملا عام است. درسال ۱۹۷۹ تقریبا‌یك‌میلون‌طفل باوالدین شان‌سیاحت‌های توریستیك‌نموده‌اند.

در تربیه‌وآموزش‌وپرورش اطفال‌نمایشگاه های مختلف ازقبیل، سرکس‌ها، بالت خانه ها درام ها- ودیگر وسایل تربیوی وجود دارد. که همگی این نمایشگاه هادر تربیه سالم اطفال نقش قاطع دارد .

وبه همین منظور است که‌دولت شورا هـا وسایل سرگرم کنندهٔ رادر اکناف وگـو شه های متعدد کشور تهیه‌می‌نماید.

همه ساله که در اتحاد شوروی هفته های‌بنام هفته جوانان -کتاب -موزیك -سینما- تیاتر برگزارمیگردد وملیونها طفل ملاقات‌های پیهم بانویسندگان - کمپوزرها- موسیقی دانان ، واکتورس ها می‌نمایند .

شورای اتحادیه های محلی ولیگ کمونستی وسازمانهای سپورتی در جدوجهد اند، تایك تعداد زیاد اطفال را در فعالیت های فزیکی و سپورتی جذب وداخل این سازمانها میسازند. درسال ۱۹۷۸ در اتحادجماهیر شوروی تقریبا (۵ر۷) هزار اطفال شامل‌مکاتب سپورتی‌گردیدند که‌به این ترتیب تعداد ورزشکاران در اتحاد شوروی قریب به دو ملیون میرسد . علاوتا در نظر است که بین سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۰ تقریب (۲۷۰) مکاتب‌ورزش وسپورت جدیـــدا تاسیس شود .

بقیه در صفحه ۵۷



اطفال حین‌بازی وساعت‌تیری درکودکستان

عین الدین درویش

فعالیت‌های خرابکارانه‌وطرح نقشه‌های تهاجمی ایالات‌متحده توازن‌قوار ادر جهان بر هم میزند

خلقهای سرا سر جهان خا طرات بسیار تلخ ونا گوارجنگ جهانگیر دوم را ، فجایع آدم کشی، کوره‌های آدم سوزی ، گسیل داشتن اسرای جنگی به ار دو گاه های کار اجباری بمبارد ما نها وخرا بی های‌بیشماری که این جنگ خا نما نسوزبرخلقهای اروپا تحمیل کردومیلیو نها انسان فدای هوا و هو سس وخوا هشات شیطا نی امپر یا لیزم جها نی‌و نیرو های جنگ طلب ودر را سس آن فدای خوا هشات دو زخی‌وآرمانهای سیاه نا زیسم،آلمان‌وفا شیسم‌ایتالیا گرد ید ند. هنوز آن خا طرات نا-گوار که دلهای آدمیان را بر قت میا ورد ووجدان آدمی را تکان می دهد از خا طره ها فرا مو شس نشده است .بعد از جنگ جها نی دوم که قوای متفقین بر نیرو های اهریمنی متحد ین فایق‌آمدند .امپر یا-لیسم‌جهانی ودرراس‌آن امپریالیزم ایالات متحده امر یکا در صدد آن‌شد تا منا بع بیشتری بغر ض تحصیل منا فع آزمندا نه جها نخوا ران امپر یالیستی فرا هم آورده وبیش از پیشس کشور های جدا گا نه را یا به‌شکل مستقیم ویاغیر مستقیم در اسا رت خو یشس نگهدا شته واین کشور ها را مبدل به منا طق تهیه مواد او لیه وتهیه وفرا هم‌آوری مواد خام‌برای خو یشس مبدل سازد، همان شد که استعمار را بشکل نوو باظا هر آراسته وپیراسته درایـن کشور ها گسیل دا شت وبا وجود اینکه با ایجاد حکو مات ضدملی وضد دمو کرا تیك بر ارا ده اکثریت خلقهای کشور های نا مبرده مسلط گرد یده وبر سر نو شت آنها حا-کمیت دارد ، باز هم خا ئنا نه وبا دیده درا یی از عدل‌وتقوی ، ازایجاد حکو مات مر دمی ، از دمو کراسی، از آزا دی (!) و... داد میز ند، این دیگر صاف وپاك فر یب خلق است ، دستان نا پاك امپ ریا لستان دیگر بخون صدها هزار وملیو-نها انسان شر یف آسیا ،افر یقاو امر یکای لاتین آلوده است ، ما شین جنگی ایالات متحده امر یکا درویتنام قهر مان ، در شرق میا نه ، درانگولا مو ز نبیق وسا یر کشورهای‌جهان کشتگان بیشما ری از خود بجا گذا شته است . خلقهای مبا رزو شجاع جهان این کشتار ها وآن قر با نی ها را هر گز فرا مو شس نمی نمایند ، حالا دیگر وقت ان رسیده که خلقهای رزمنده جهان در مجموع به امپر یا لیزم وکلیه متحد-این ناپاك ومنحطش یورش برده‌وبا ضر بات کو بنده شا لوده امپر یا-لیزم جهانی را در هم ریخته وبر-خرابه های استعمار رنگ وروغن زده یعنی استعمار جد ید شا لوده واسا سس زند گی نو ین ومتر قی، آزاد وشگو فان را بنا نهند .

در این ا وخرایالات متحده امریکا تصمیم گر فته است‌تا سیستم های جدید اسلحه ذروی را در کشورهای عضو نا تو تمر کز دهد ، این تصمیم ایا لات متحده امر یکا بخودی خود علیه‌دیتا نت‌بوده‌وتوا زن‌قوارادر اروپابر هم می زند. در حقیقت عا-ملین وگردا نند گان ما شین آدمکشی امپر یا لیسم سخت در تلاشی بوده ودر این زمینه تـ لاشها وفعا لیت های تب آلودی را انجام میدهند ، با وجود چنین حا لتی که پلا نهاو نقشه ها ی نا توهمه وهمه متو جه تشد ید تسلیحات ذروی است، به شکل بیشر ما نه‌ودر عین حال‌بسیاز ظریفانه موضو ع مذاکره با اتحاد شوروی و مساله تحدید سلا حهای اتو می را به پیشس می کشد . این دیگر وا ضح وآشکار است که چنین نقشه های محیلا نه وشیطا نی‌نه موردقبول خلقهای‌جهان قرار میگیرد ونه مورد قبول کشورها یيکه به استقلال ملی ، حا کمیت-ملی، وتما میت ار ضی خو یشس دلبسته وعلاقمند نـد . ایالات متحده امر یکا بدون در نظر داشت ارا ده رزمنده خلقها وخلاف ادعای محا فل انقلا بی وکشور های متر قی به خصو ص‌خلاف اعتراضات پیهم خلقهای ارو پا در این اوا خر مرمی های تها جمی کروزو پرشنگ را در ارو پای غر بی‌جا بجا نموده است ، این عمل جنگ طلبانه‌وخلاف رو حیه مقر رات بین المللی وخلاف قرار داد ها بین اتحاد شو روی‌و اضلاع متحده امر یکا در مورد تحد ید سلاح تها جمی است که واقعا چنین‌اعمال وچنین کوششهای شیطا نی بخو دی خود اصل دیتانت را مورد مخا طره جدی قرار مید هد این تصمیم اضلاع متحده امر یکا در کنار تصا میم دیگری که درایـن زمینه اتخاذ گرد یده است بیشس از پیشس‌ما هیت جنگ طلبان وخصلت عمده فعا لیت های امپر یا لیزم ایا-لات متحده امر یکا رابر ملا میسا زد

اکنون که امپر یا لیسم‌اضلاع‌متحده امر یکا بر مرگ نیرو های هوادار جنگ وغار تگری خلقها اشك‌تمساح میر یزد متحد ین هم پیما نشس در جهان ، جبهه نا مقد سی را تشکیل داده وبا این اتحاد نا مقد سس بر ضد نیرو های ترقیخواه جهان وبه کمك همه جا نبه دستگاه مر کزی جا سو سی امر یکا «سیا» نقشه‌های محیلا نه وغار تگرا نه ای‌راسازمان بخشیده وسیلی از دلار امر یکا یی‌و پوند انگلیسی در این راه یعنی در راه تطبیق این نقشه ها به کشور های مورد نظر سرا زیر میشود .

نا تو چندی قبل تصمیم گر فت تا در خاك ها لند سلاح جد ید ومدرن خویش را جابجا نما ید کشور ها لند در این مورد یعنی در مورد وا گذا ری یك قسمت خاك خو یشس به منظور جا بجا کردن سلا حهای پیمان نا تو تا حال‌موا-فقه ننموده است ونیز اعضای دیگر پیمان اتلا نتیك شما لی ب ه شکل صر یح وآشکا را از این اقدام تجا وز کارانه ایالات متحده امر یکا وتصمیم نا تو در زمینه یاد شده‌جدا انتقاد کردند ، چنین حا لتی دربین اعضای پیمان اتلا نتیك شما لی مو جب نا رضا یتی اعضای پیمان گرد یده وآنها را به تلا شهای‌مذ-بوحانه ای متوسل کرده است .

از آنجا ئیکه سیا ست صلحدو-ستا نه کشور های متر قی همیشس ودر همه جا ودر کلیه ادوا رتاریخی بخصو ص در نیم قرن اخیر ما نع بزر گی برای تطبیق نقشه های اهر یمنا نه جنگ افرو زان امپر-یالیستی بوده وهمیش‌با فعالیت‌های دامنه دار وو سیع وبزر گی که کشور های صلحدوست انجام می دهند . توا زن قوا را حفظ نموده‌وبر ضد نقشه های تجا وز کا را نه‌وعلیه فعا لیت های محیلانه ونقشه های تعرضی امپر یالیسم ودر راس آن بر ضد نقشه های تجا وز کارانه ایالات متحده ومحا فل ار تجا عی در ارو پا کشور های‌نامبرده‌همیشی در صدد آن بوده تا در راه تحد ید سلاحهای اتومی تهاجمی و توریـد وتو لید سلا حهای مر گبار مجا-هدا ت‌پیگیر نما یند .

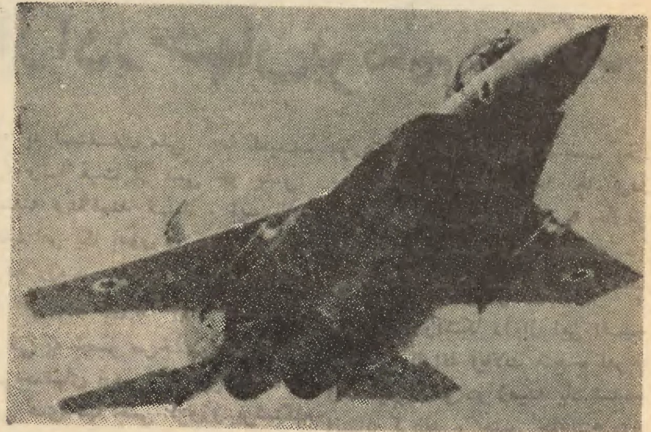
ایالات متحده امر یکا وبخصو ص محا فل جنگ‌طلب اروپای‌غر بی‌سخت در تلاش اند تا بدوره جنگ سرد دوباره عودت نموده ومقد مات پیدا-یش وایجاد برخوردهای گرم نظامی رافرا هم آورد ،در حا لیکه پرو-

بقیه در صفحه ٥٦

نگاهی به اوضاع شرق میانه

تتبع ونگارش : احسان آذری

پالیسی صهیونیستی اسرائیل خطر بزرگی درراه تحقق صلح ودیتانت



یکی از طیارات اسرائیلی که همواره بـا بمباردمانهای خانمانسوزش خلـق فـلسطین را بخاك وخون می‌کشاند .

منطقه شرق میانه از دیر زمانیست که در صدر مناطق متشنج جهان قرار دارد. معضلات شرق میانه در ظرف سی سال چهار بار مبدل به‌صحنه های خونین نبرد ها وتراژیدی المناك جنگ هاگردید. ولی این تراژیدی بعد ازسفر سادات به‌بیت المقدس درسال (۱۹۷۷) منطقه شرق میانه رادر حالت انفجار قرار داد • که درهر لحظه‌امکان خطرجنگ‌دیگررا احیامی‌نماید دراثر اعمال، نفوذ وفشارصهیونیستان‌اسرائیل یك‌ونیم ملیون فلسطینی ازمناطق آبایی خود جبرا رانده شدند • وآنعده از خلق های عرب فلسطین که در مناطق‌اشغالی باقی ماندندهیچگاه خـودرادر خانه های خود نمی بینند. بلکـــه خویشتن رادرزندان‌وشکنجه گاه‌رژیم فاشیستی اسرائیل ملاحظه می‌نمایند • سالانه بیش از چهل هزار فلسطینی در تحت محیط ارعاب و ـفشار درمناطق اشغالی مجبور به مهاجـرت می‌شوند •

قوای تجاوز کار نظامی اسرائیل در مناطق اشغالی عربی بخصوص بعداز طرح دسیسه هاو پلان‌های مبنی‌براعطای (آزادی‌داخلی)وتلاش های مذبوحانه ارتجاع مصر وارتجاع حاکمه‌اسرائیل که آنرا تحت نام(مساعی برای صلح)میخوانند حالت تشنج وتضییق رابکلی حاد نموده‌است. سازش ها وپالیسی خائنانه‌رژیم سادات‌که‌بی شرمانه خودرا در آستان امپریالیزم بین المللی انداخت وبر ضد سیر تاریخ ونیات خلق های آزادی‌خواه مصر وخلقهای‌عرب‌اوضاع‌شرقمیانه‌را هنوزهم مختنق نموده است وامکان هر نـــوع حل‌عادلانه داعیه فلسطین وپرابلم های شرق میانه را فوق العاده دشوار ساخته است •

ولی خلقهای عرب فلسطین ازهمه‌دسیسه‌های ومقاصد ستر اتیژیك رژیم سادات ورژیم بگن اطلاع کافی دارند •و آنها در کوره مبارزات رهایی بخش ومسلحانه خوب آبدیده شده‌اند ودرین راه افتخار آمیز ده‌هاهزار قر بانـــی داده اند. سارنس های که تحت‌نام(اعطـای آزادی داخلی) به‌باشندگان مناطق سوا حـل غربی دریای اردن ونوار غزه‌صورت گـر فت بـه نفرت وکینه تمام نیروهای مترقی مصرو تمام جهان عرب‌مواجه گردید. ونیروهای‌انقلابی سراسر جهان از حل عادلانه داعیه فلسطین که هسته مرکزی تشنجات شرق‌میانه را تشکیل می‌دهد پشتیبانی نمودند •

رویدادها وحوادث جاری در شرق میانه بطور بارزی نشان می‌دهد که این تلاش های مصرو اسرائیل کماکان به‌ناکامی مواجه گـر د یده است. معاهده ننگین ونام نهاد کمپ‌دیویدکه درماه دسمبر سال گذشته به امضا رسید نیز زنجیرهای اسارت ووحشت صهیونیزم اسرائیل رادرمناطق اشغالی وبطور اعـم در قـصبات غربی رود اردن ونوارغزه محکمتروسفت‌ترساخت وهدف اساسی این معاهده ننگین قانونی ساختن اشغال‌خاکهای‌عربی‌وادامه‌نظارت‌وکنترول مستقیم مناطق مذکور در تحت حاکمیت اسرائیل بمانند بیت المقدس شرقی می‌باشد •

تجاوز کاران اسرائیلی در مناطق اشغالی‌از باشندگان عرب هر نوع آزادی فرهنگی،دینی‌را سلب نموده است •

کسانیکه علیه‌محیط رعب‌ووحشت‌اعتراض‌مینمایند بی رحمانه زندانی می‌شوند ویا بوسیله شیوه های فاشیستی مجازات و شکنجه می‌شوند. وضع مالیات های نوو کمرشکن ، اخراج اعراب از مناطق اشغالی ویران کردن خانه های آنها، ویا قتل عام هاوگلوله باری به اجتماعات خلق های اعراب‌باشنده مناطـق اشغالی همچنان‌ادامه دارد •

ولی علی‌رغم‌این‌همه اعمال‌وحشتناك لحظه‌یی هم مبارزات دلیرانه خلق فلسطین‌خاموش‌نشده است. بلکه آن متهورانه‌برای کسب حقـــوق ملی‌وطبیعی خود مبارزه نماید. وبرای احقـاق حقوق خود یگانه شیوه‌مبارزه انقلابی ومسلحانه پذیرفته اند.

روز بیست وششم مارچ که‌روز ا مـضای معاهده نام‌نهاد جداگانه ،(معاهده صلح)بیـن مصرو اسرائیل بود ،در مناطق اشغالی این روز منحیث روز عزا داری اعلام گردیدوتظا هرات واعتراضات دامنه دارووسیعی درتمام جهـــان عرب بشمول مصر صورت گرفت به مناسبت اظهار اعتراض ونفرت علیه دسایس ارتجـاع حاکمه اسرائیلی و امپریالیزم ورژیم سادات باشندگان مناطق اشغالی درنوار غزه بتا ریخ (۲۷) دسمبر کنفرانس را تشکیل دادند شرکت کنندگان این کنفرانس‌نامه رابه کمیته اجرائیوی سازمان آزادی بخش فلسطین فرستادندو درطی این نامه سازش های مصر واسرائیل بشدت تقبیح شده بود • همچنان اشتراك کنندگان‌این کنفرانس به وضاحت‌اعلام داشتندکه آنها ازهیچ گونه مساعی بخاطر طرد استیلای غارتگران امپریالیزم وصهیونیزم اسرائیل‌اعمال می گردد

همچنان سلسله چنین کنفرانس ها در بیت المقدس ، وشهر های نابلوس، الخلیل،ر مالا وغیره ادامه یافت • در تمام این کنفرنس هاکه به اشتراك هزاران نماینده خلق های فلسطین انعقاد یافت از داعیه برحق خـلق فلسطین پشتیبانی عمیق بعمل آمد • شاملین ایـــن کنفرانس ها همچنان دفاع بی‌دریغ خودرااز سازمان آزادی فلسطینی (پ•ل•او) ا بـــراز داشتنــد.

درطی تظاهراتی که‌علیه سازش‌هاواهانت های که‌به خواست انسانی خلق فلسطین از طرف امپریالیزم وصهیونزم ! اسرائیل اعمال می‌گردد چندین نفر از مبارزین وطنپرست فلسطین‌در دراثرگلوله باری‌برتظاهر کنندگان شهیدشدند این گلوله باری براجتماعات تظاهر کنندگان بدون اخطار قبلی صورت گرفت •

مقامات اسرائیلی همچنان در مناطق‌اشغالـــی برای خفه ساختن جنبش فلسطین دست به یك‌سلسله‌اعمال‌قهروتروروزدند. وازآنجمله‌شبکه های آب رسانی ، برق وتوزیع غذا وادویه راشدید آمنع قرار دادند •

قوای اسرائیل بحالت آماده باش در آمده درقصبات اشغالی اغلبا ازورود نمایندگان‌صلیب سرخ بین‌المللی ممانعت بعمل آمد • وحکومت اسرائیل‌به تعداد چهارهزار تن‌قوای‌امنیتی تجاوز کاری رادر مناطق سواحل غربی روداردن ونوار غزه منسجم نمود.

بانگ‌رسای خواست عادلانه خلق‌هـــای‌عرب فلسطین در کنفرانس تساند و همبستگی باخلق فلسطین که از تاریخ چهارم‌الی هفتم‌ماه می‌سال (۱۹۷۹) درباسیل انعقاد یافت به نحوعالـــی انعکاس نمود •

در طی این کنفرانس سازمان آزادی بخش فلسطین یگانه نماینده واقعی وقانونی خلـق های فلسطین خوانده شد واز همه کشور های اشتراك کننده این کنفرانس تقاضا به عمل آمد تا از مـــبارزات سازمان آزادی بخشـی فلسطین پشتیبانی نماید .

به همه جهانیان مسلم است که سازما ن آزادی بخش فلسطین که متشکل از وطن - پرست ترین انقلابیون فلسطین می باشد . همواری بخاطر کسب حقوق انسانی خود بـا روحیه انقلابی مبارزه نموده الد . این‌سازمان پنجسال قبل در سال (۱۹۷٤) در کنفرانس رباط که به اشتراك سران همه کشور هـای عربی صورت گرفت یگانه نماینده واقعـــی‌و قانونی خلق فلسطین پنــداشته شد . ایـن سازمان ضرورت تحکیم مناسبات همه جانبـه خودرا با کشور های سوسیالیستی، غیرمنسلك وکشور های مترقی اسلامی اعلام‌داشـــــته است .

بقیه در صفحه ۲۱



اسرائیل جز از گلوله‌هاومرمی‌چیز دیگری نمی شناسد.

یو لنډ داستان

دشهسوار (سنګروال) لیکنه

باج

عجب ساده ژوند یی در لود. د ژوند دنیمگړ تیاو په نړی کی یی بیا هم په خپل ژوند شکرونه‌ایستل دصداقت په انگړ یعنی د طبیعت په لمن کی لوی شوی محمد عمر دسپیڅلی زړه خاوند وه . دده دبڼی نه داسی ښکاریده چی تا به ویل خاص بزرگ دی .

محمد عمر کوچی دژمی په موسم کی به یی دهسکو غرو نو دسرنه تو دو سیمو ته کډی کو لی دی به همیشه په خپله دود و هلی شړی کی داسی تا و وه چی دو ه سترگی به تری ښکارید لی لوړه‌ونه او رو ښانه قواره یی در لوده ،دمخ چوکاټ یی ډیر ښکلی وه . د طبیعت په لو یه غیږ کی داسی لوی شوی‌وه چی غټ او قوی اندامونه یی لکه دشتی پهلوان دورایه ښکاریده .

ده به همیشه خپلی توری کیږدی دژمی په موسم کی دناو کی غره په لمن کی پلنولی دمیږو بچیانو چی وری یی بو لی دکیږ دیو شاوخوا رمباړی وهلی . چی دی آوازو به دلوړو غرو نو په زړو کی انگا ز ی جوړو لی . رنگین طبیعت په خپله ارته‌لمن‌کی دسخا لاپی وهلی دخو ورځو میلمانه کو چنیان یی خو - شحاله ساتل .

دناو کی غره کی وانبه ډیر ؤ دده دما لو نو گذاره پری کیده .ددی غره په بیخ کی یوه لویه چینه چی (شوناو یی) ورته ویل مو جوده‌وه . ډیری خوږی او به یی در لودی .کله به چی محمد عمر کو چی خپله رمه دغر ه څخه راښکته کړه دلر گیو گیډی به یی هم په شاوه چی دچینی خوا ته به‌راغی دخپلی ملا څخه‌به‌یی خپله روزی راخلاصه کړه او داو بو تر څنگه به کښیناست د جواری غټی مړی پسی به‌یی داو بوغړپ کاوه رمې به هم دخیړی دونو پاڼی خرپو لی . او محمد عمر کو چی به‌له دی صحنی څخه زیات خونداخست.

گلی . دمحمد عمر کوچی ښځه وه چی ددی‌ښکلی او سپین بدن به‌به شلید لو جا مو کی داسی ښکاریده چی تا به ویل سپوږ می خپلی شغلی دوریځی څخه را بیرون کړی ، دی به دکور کار کاوه و لی کله کله به ژوندی ته تله او دواړو بنی به یی په سر سپیره میره به خپلی توری کیږدی ته را ننو ته ، دی آرام نه در لود ، سترړی ستومانه بدن یی په ډیرو کارو کی لکه مز یی داسی کیدل چی پښی به تنها کی شوی وی دچاو دو نونه به یی وینی بهیدی،خو پدغه حال یی هم شکر کاږه .

یوه خبره چی دیا دونی وړده هغه دا چی په ژوند کی تری ډیره بده خاطره در لوده هغه دباج مسئله وه .

دا به ډیرو ته معلومه وی چی‌باج دزړو فیوډا لی منا سبا تو یوه بی پته او کر غیړ نه پیښه ده چی بی وزلو کو چیانو به په ډیره‌بیرحمی باندی هضمو له .

محمد عمر کو چی هم پدی بد مر غی نارو غی باندی په‌ټول ژوند کی اخته وه هغه دا چی ده به دناوکی غره په لمن کی واړو ل، نو یو څه کرت او یو سیر لی به دباج په نوم دسیمی لوی خان ته ور وړ خو بیا هم دی پدی سو غات دکال تر پایه‌نه خلاصیده مخمد عمر کو چی مجبور وه چی یوڅه نقدی پیسی هم ورکړی .

عجبه خولا داو ه چی یو ورځ سهار و ختی محمد عمر کو چی خپله رمه غره ته بو تله او گلی توړ یی په توره کیږ دی کی چی دو ړی‌تری پو رته‌کیدی .دنغری خواکی حیرانه بیرانه ناسته وه چی شاه ولی خا ن خپل (نو کر) ورو لیږه چی‌دمحمد-عمر کو چی نه دباج پیسی تر لاسه کړی . که څه هم (دخان نو کر) دعاطفی خاوند وه و لی مجبور وه‌چی دخان بیرحمه پیغام ورسوی نوکر پداسی حال کی دکیږ دی خوا ته ورسید.چی گلی توړی لاس ترزنی ناسته او دغره سر ته گوری .اوپه زړه کی داسی ور تیریدل چی د دی خاوندبه په‌ازغو سو ر ی سوری نن‌دکوم تیگی په څنگ کی تکیه وهلی و ی اودخپلی رمی څارنه به‌کوی . چی دشاه ولی خان مزدور ور ناری کړی وگلی توړی . گلی توړی تاته وایم گلی توړی دغمونو دگر داب نه سر راپور ته کړ او په ډیره حیرانه‌څیره یی ور ته وویل : څویه خیر ت دی.

دخان مزدور دپټکو داستا ن ورته و غوړوه او دخان دقهر جنو ستر گو پیښی یی و کړی او دخا ن بیرحمه. عادتو ته یی یو دبل پسی ورته وویل او په پای کی یی ور ته ښکاره کړه چی خان دباج پیسی غواړی. پیسی غواړی وا در ویده که‌نه ؟

گلی توړی-ډیری نا امیدی لیدلی وی . دی اولادنه در لود. بی کسه وه د ژوند ټو لی ستړ تیاوی پدی خوار کی تیریدی . ددی تن دډیرو محرو میتو د گذار ښنبه وه. خو دباج غم دبی کوری غم دځمکی دنه در لود لو غم ددی په زړه هغه گذار وه چی دا به یی. کله کله په خوب کی ویرو له . یو ځل بیا یی دباج ترخه خاطره په زړه شوه او د خان نو کر ته یی په ډیری عاجز ی چی ساړه اوسیلی یی دخو لی نه غیری ارادی پور ته کیدل داځکه چی دا له اوسیلو سره عادت شو یوه وو یل :بچیه زما خاوند غرته‌رمه وړی ده دشپی که راغی زه به ور ته ووایم ، تادی خدای لوی کړی تـه ډیر ښه هلك یی .

دخان نو کر نرم زړه در لودپه خواری گلی تو ړی یی زړه وسو دهغی نا امید یو یو ځل مزدور هم خپل ترخه ژوند ته متو جی کړخپلی بد بختی یی دگلی توړی په‌بدبختیو کی ولټو لی ،خوبیا هم نوکر ورته وویل چی گلی توړی محمد عمرماما ته زما له خوا عذر و کړه چی لماځخه خفه نه شی زه مجبور یم چی دخان دبیباکه پټکو نه هر چا ته کیسی وکړم .

نه څو یه . زه پدی پوهیږ م ته هم زمونږ غوندی‌خوار کی یی ستا په مخکی هم دبیر حموسپیږو تغمی دورایه معلو میږی .

گلی توړی بیر ته خپلی‌غمجنی کیږ دی ته ننو ته او مزدور تری رخصت شو . خان پداسی حال کی چی ستر گی یی بتمی ختلی وی دلاری څاری کاوه چی په‌مز دور یی‌سترگی ونښتی غږ یی پری وکړ. چی وهلکه څنگه شو . مزدور پداسی حال کی چی سایی سترړی کیده په وارخطایی ور ته وویل چی محمد عمر کو چی غرته رمه بیو لی‌وه کو رکی نه وه .(خبره یی په خو له کی وچوی) خان هیڅکله چا په خندانه‌وه لیدلی بیا یی په ډیر غضب وویل‌چی هلکه نور هلکان هم درسره ملگر ی کړه نن ماز دیگر به حتمی رمی څخه څو سیر لی رابیلوی هو دا کار به حتمی کیږی . تا ته وایم وهلکه پوه شوی کنه ؟ ددی عمل به دا جزاوی محمد عمر کو چی دغره دلوړو څوکو څخه خپله رمه راکوزه کړه اودلرگیو گیډی یی هم‌په شاوه دشوکارو لاسو او پښو نه یی غوټی غوټی و ینی په چاو دو کی ښکاریدی را روان و ه گوری چی دخوړ نه څو تنه در می خوا ته را روانی دی چی نژ دی شو گوری چی دخان نا حقه کوټ والیانو دده په رمی باندی حمله وکړه. په شمیر اوه څاروی یی درمی څخه را بیل کړ. محمد عمر کوچی‌چی څومره نار ی ووهلی او دخپلی گناه دمعلو مو لو پو ښتنه یی کو له غوږونه پری کاڼه شول . چو پی چو پتیا هیڅ ځواب نه ورکاوه .

خو پس دیوه وخت نه‌ددی دمینځ نه داسی آواز راپو رته‌شو. (با ج- باج او باج) دا آواز ونه‌پورته کیدل درمی نه بیل شوو سیرلیو هم دجدایی رمباړی وهلی دشپی تیاری هم دمحمد عمر کو چی ستر گی پټی کړی او په مات زړه کیږ دی خواته را روان شو .

څه به درته وایم هغه دغم شپه په محمد عمر کوچی او گلی توړی دومره اوږده شوه چی تا به و یل کال دی .

خو لنډه دا چی ډیری دارنگه ناوړه پیښی په‌ټول ژوندکی پری راغلی وی . غم ځپلو زړونو به‌گاللی چاره نوه وایی چی د وخت غو ښتنی دمرگ غوښتنی دی خو دهر وخت غوښتنی دمرگ غوښتنی نه دی وختونه فرق لری . په ځینی وختو کی د ژوند غو ښتنی هم پر تی وی رښتیا وختونه بد لیږی. غو ښتنی چاته انتظار نه باسی هو پدی ارمان

بقیه‌در صفحه ۵۰

نگاهی بر رباعیات خیام

غ، حضرت

خیام این دانشمند نامور، شاعر و حکیم دانای شرق، یکی از آن چهره های ادبی است که همواره درباره اش هر نکته سنجی که سخن از حکمت، ریاضیات، ادبیات و شعر بمیان آورده‌است اعتقادات متفاوتی را ابراز داشته است. عده درموردش تعصب ورزیده اند وعده هم بنابر علل که خود میتراشیده اند فهم ودرك خیام راکم بها جلوه داده ویا به باد انتقادش گرفته است.

در مورد رباعیات خیام نیز دیدهای متفاوتی موجود است. یکی بنابر عقیدت شخصی ویا به شکل کینه توزانه وی را از «فضلای سرگشته غافل و گمگشته عاطل دانسته است.»

دیگری منجمش شمرده وسومی او را فیلسوف گفته است. جمعی هم درباره خیام ظالمانه تر صحبت نموده وبه تحلف از سنت گرائی مذهبی منسوبش کرده اند خلاصه هر کسی به اندازه بر داشت و توانائی فهمش در باره رباعیات خیام چیزی گفته اند و چیزی نوشته.

اما آنچه راکه به یقین وبدون تعصب و کینه ومجزا ازهرگونه کج بحثی و کج فهمی از رباعیات خیام بدر آورد آن خواهد بود که روش خیام وطرز دید وی در بیان اندیشه وافکار، روش مردان بزرگ وآزادهٔ گیتی است. اگر چه به این طرز دید در باره خیام از دیر بازبه این سو متعصبین به طعن و غضب دیده اند. بر مقام آزادگی وآزاده اندیشی، زیبایی بیان و سلامت وصراحت کلامش چشم پوشی عمدی‌روا داشته وبران رشك برده اند. ورنه رباعیات فارسی این گوینده دردشناس، رازگوترین همه آنهائی است که تا حال‌سروده شده است.

شکی نیست که‌قلب خیام از عشق پرورد گارش واحساس حسن جمال مظاهر کائنات مملو نبوده باشد واین هم پرواضح است که خیام ادیبی است دارای کمالات صورت معنوی که رباعیات زیبا و شهکارهای ادبی بی نظیر او موید این مدعا است اما آنچه دریـن میان قابل وتامل بیشتر میبا شد آنست که آیا میتوان خیام راصرف یك شاعر متصوف ویك واعظ این دانست‌وهمه آنچه را که وی سروده است به‌نوعی ازانحاء متکی وپیوست به معنویات آن برشمریم هر تجاهل عارفانه اگر بدین گونه در مورد وی انجام پذیرد چشم پوشی خواهد بود به آنچه که در خود چنین شخصیت است.

از رباعیات متعددی خیام چنین پیدا ست که‌وی همزمان باآنچه که سالك تصوفی ایجاب مینماید، دانشمند آزاده یی است که خود را دربند هیچگونه اوهام نمی اندازد.

و این مطلب از رباعیات موصوف به وضوح پیدا است:

چون عهده نمی شود کسی فردا را
حالی خوشدار این دل پر سودا را
می‌نوش به ماهتاب ای ماه که ماه
بسیار بتابد و نیابد ما را

* * *

اکنون که گل سعادتت پر بار است
دست تو زجام می چرا بیکاراست
می خور که زمانه دشمن غدار است
دریافتن روز چنین دشوار است

* * *

امروز ترا دسترس فردا نیست
واندیشه فردات بجز سودا نیست
ضایع مکن ار دلت شیدا نیست
کاین باقی عمر رابها پیدا نیست

* * *

خیام با آنکه عمری در تحقیق‌جهان ما فوق تصور انسان سفری نمود، در مورد جهان هستی هم تا آنجا که فهمش اجازه مید ادبی خبر نبود. و چنانچه از تحقیقات دقیق در مورد آثار وی واضح میشود که‌نه تنها او ادیب متصوف بلکه دانشمند، حکیم و ریاضی دان و مصلح بزرگ زمان خود بود. وی در مورد اینکه وایا سر انجامش بکجا خواهد رسید میگوید عاقبت انسان پس از مرگ چه خواهد بود.

تا چند زنم بروی دریاها خشت
بیزار شدم زبت پرستان کشت
خیام که گفت دوزخی خواهدبود
که رفت بدوزخ وکه آمدزبهشت

* * *

چون نیست حقیقت‌ویقین‌اندردست
نتوان به امید شك‌همه‌عمرنشست
هان تانه نهیم‌جام می‌از کف دست
در بیخبری مردچه هشیار و چه مست

* * *

ای آمده از عالم روحانی گفت
حیران شده درپنج‌وچهاروشش‌وهفت
می خور چو ندانی از کجا آمدهٔ
خوش باش ندانی‌بکجاخواهی‌رفت

* * *

و در مورد اینکه آنچه در دست است باید حساب نمود نه آنچه که وعده داده شده رباعیات زیاد دارد که بطور نمونه بذکرش می پردازیم.

گویند کسان بهشت با حور خوشست
من میگویم آب انگور خوشست
این نقد بگیرو دست از آن نسیه بدار
که آواز دهل شنیدن از دور خوشست

* * *

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت
ازاهل‌بهشت کردیا دوزخ زشت
جامی و بتی‌بربتی برلب کشت
این هر سه مرانقدوترانسیه بهشت

* * *

گویند بهشت و حور و کوثر باشد
جوی‌می وشیرو شهد وشکر باشد
پرکن قدح باده‌وبر دستم نه
نقدی زهزار نسیه خوشتر باشد

* * *

در دهرچو آواز گل تازه دهند
فرمای بتا که می به اندازه دهند
از حور و قصور و زبهشت ودوزخ
فارغ بنشین که‌آن هر آوازه دهند

* * *

آنانکه تصوف را بر میگزینند و به‌آن گرویده میگردند از مرگ‌هراسی بدل را نمیدهند نه تنها از مرگ هراسی‌ندارند بلکه مرگ را مایه خوشی میدانند و به عقیدت اینکه به اصل خویش و بخدای خود وصلت حاصل مینمایند شادان میباشند اما خیام در رباعیاتش از مرگ هراسی را بیان میکند و عمر دست داشته را غنیمت میشمارد:

این قافلهٔ عمر عجب میگذرد
دریاب‌دمی که با طرب میگذرد
ساقی غم فردای حریفان چه خوری
پیش آر پیاله راکه شب‌میگذرد

* * *

زان پیش که برسرت شبیخون‌آرند
فرمای که تا باده گلگون آرند
توازنه نئی ای غافل نادان که ترا
در خاك نهند وباز بیرون آرند

* * *

روزی که گذشت هیچ‌ازو یاد مکن
فرداکه نیامده است فریاد مکن
برنامده و گذشته بنیاد مکن
حالی خوش باش وعمری بر بادمکن

* * *

ای کاش که جای آرمیدن بودی
یا این ره دور رارسیدن بودی
کاش ازپی صد هزار سال‌ازدل‌خاك
چون سبزه امید بر دمیدن بودی

بسا از رباعیات خیام موید این بیان اند که آنچه برای آدمی درید امکان است همین هستی است و تا حد امکان و توان از آن باید مستفید شد. واین بدان معنی خواهد بود که خیام را از معتقدین به جهان هستی میدانند. رفتگان ازین جهان را به مسافران گم گشته ونا آمدنی یکسان دانسته است.

افسوس که‌سرمایه زکف بیرون شد
وزدست اجل بسی جگرهاخون شد
کس نامد از آن‌جهان که‌پرسیم از وی
که احوال مسافران دنیا چون‌شد

* * *

از جمله رفتگان این راه دراز
باز آمده کیست تابه ماگوید راز
پس بر سراین دوراهه آزو نیاز
تا هیچ نمانی که نمی آیی باز

* * *

وهم چنان در جای دیگری غم فردا را نفی کرده و میگوید:

ای دوست‌بیاتا غم فردانخوریم
وین یکدم عمر را غنیمت شمریم
فردا که ازین دیر فنا در گذریم
با هفت هزار سالگان سر بسر یم

* * *

ای دل توبه اسرار معما نرسی
در نکته زیرکان دانا نرسی
اینجا به می لعل بهشتی میساز
کانجا که بهیشت استرسی‌یانه‌رسی

* * *

باری هم واعظان وناصحان را که سخن فراتر از حد توان خویش میزنند چنین نکوهش مینماید:

آنانکه محیط فضل وآداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریك نبردند بیرون
گفتند فسانه ودر خواب شدند

* * *

ودر رباعی میفرماید:

در فصل بهار اگر بتی حور سرشت
یك ساغر می دهدبر لب کشت
هرچند به‌نزد عامه این‌با شد زشت
سگ به زمن است اگربرم‌نام‌بهشت

* * *

اما آنگاه که‌خود هم نمیتواند راهی به منزل بکشد فریاد میزند که:

قومی متفکر ند اندر ره دین
قومی بگمان فتاده در راه یقین
میترسم از آنکه بانگ آید روزی
کای بیخبران راه نه آنست نه این

* * *

وبه این ترتیب میرسیم بدان جائی که صاحب نظران چه فرمایند وچه قضاوت کنند که خیام بکجا میخواهد برسد.



ترجمه زلمی ذاهب

پیشگوئی طویل المدت اوضاع جوی

گرم‌شدن هوای جهان چه‌اثراتی دربر خواهد داشت؟

برف باری ها و شدت سرمای سال ۱۹۷۷ در بعضی قسمت های امریکای شمالی این سوال را بمیان آورده است که آیا هوای کاینات روبه سردی می‌رود؟ متخصصین علم هواشناسی که نحوه تحول‌هوا را درطول چندین دهه ویا قرن تحت آزمایش قرار داده اند چنین نظر دارند که این تغییراقلیم خیلی ها ناچیز بوده و نمیتوان از آن‌نتیجه گیری نمود. این نوع حوادث ضمنی نشان دهنده تغییر دوره‌وی جهان است.

اینکه این تغییرات بکجاخواهد انجامید هنوز معلوم نیست . اما یکتعداد زیاد متخصصین علم هواشناسی به این مفکوره اند که اتموسفیر گرمتر میگردد نه سرد تر ودلیل عمدهٔ آن از دیاد روزافزون گاز بی رنگ وبی بوی کاربن دای‌اکساید میباشد . این گاز توسط نباتات جذب، از انسانها متصاعد وبه پیمانه وسیع ازاثر سوختن نفت وزغال به هوا پخش میگردد این گاز در اتموسفیر مانند آئینه یك جا نه اجرای عمل مینماید بدین معنی که این گاز اشعه آفتاب را بطرف زمین اجازه ورود داده ولی مانع انتشار حرارت‌سطح‌زمین در فضای خارج اتموسفیر آن میگردد چون مقدار کاربن دای اکساید اتموسفیر بصورت مداوم روبه افزایش میباشد بناء یکتعداد زیاد متخصصین مربوط فکر میکنند که‌این منبع تشخیص سبب گرم شدن هوای جهان میگردد . یکی از گزارشات مرکز تحقیقات ملی ایالات متحدهٔ امریکا حاکی از آن است که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت ۳درجه سانتیگراد معادل ٤ر٥ درجه فارنهایت نسبت به حالت فعلی ، در صورتیکه‌سوختن نفت و ذغال به عین تعداد دوام نماید ، بلند تر خواهد گردید . این ازدیاددرجه حرارت تاثیر جدی بالای مناطق زراعتی میگذارد . البته این پیش بینی ها تااندازهٔ زیادی به اساس حدسیات صورت گرفته زیرا پیش بینی های طویل المدت اقلیم امریست مشکل .

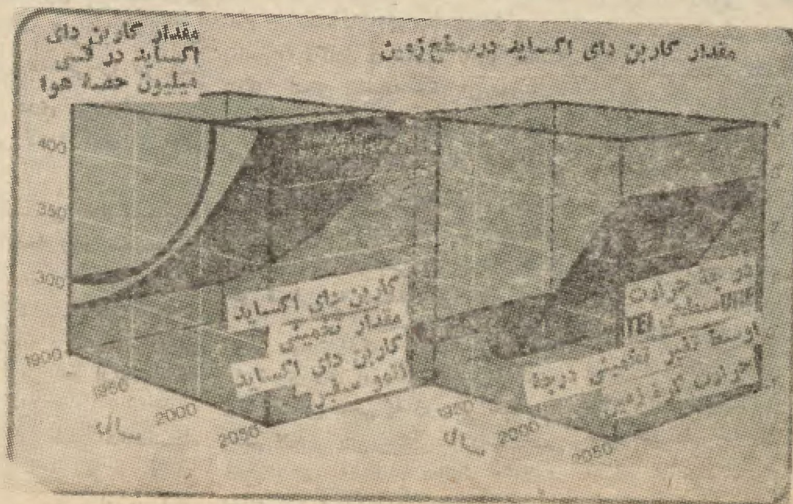
بدون شك پیشگوئی های قصیرالمدت اوضاع جوی تا اندازه زیادی قرین به واقعیت بوده و با استفاده از احصائیه‌های درجه حرارت ، شدت وزش باد و فشار هوا که با کمك اقمار مصنوعی ، شعبات هوا‌شناسی ، وکمپیوتر بدست آمده صحت پیشگوی اوضاع جوی برای دو روز ۸۵فیصد بوده ولی صحت این رقم برای سه ماه به ٦٥فیصد پائین میاید . اما پیشگوئی های طویل‌المدت مستلزم جزئیات دقیق نبوده بلکه هدف عمدهٔ آن تشخیص نحوه تحول اقلیم ونوسانات آن میباشد . طور مثال مقدار ریزش باران مربوط به مراحل مختلفه مهتاب بوده واز قرار معلوم چانس باریدن آن در اواخر و اوایل ماه نسبت به اواسط آن زیاد تر است .

اما مطالعات نشان میدهد که مهمترین منبع فعالیت های نوسانی آفتاب است. مدارك معتبری در لابراتوار اپلتون انگلستان بدست آمده مبنی بر اینکه اختلالات در ریونوسفیر زمین که باعث برخورد با امواج رادیوئی میگردد مربوط به‌سایکل آفتاب است که‌درطول ۲۷ ونیم روز یکمرتبه بالای محور خود چرخیده وزمین بصورت پریودیکی در معرض اشعه آن قرار میگیرد این شعاعات باعث تولید اختلالات درایونوسفیر زمین و تغییرفشار دراتموسفیر گردیده ودر نتیجه باعث سفیر سمت وزش باد میگردد .

سایکل لکه های سطحی آفتاب :

مشهور ترین خاصیت پریودیك آفتاب سایکل تقریبا یازده ساله شمسی است که در طول این مدت تعداد و درخشش‌این لکه های سطح آفتاب به حداعظمی‌رسیده و دوباره ناپدید میگردند . نتایج مطالعات نشان دهندهٔ آنست که وقوع خشکسالی بعد از گذشت دو سال اززمان ناپدید شدن نقاط فوق الذکر در یکدور در میان سایکل شمسی رخ میدهد زیرا سمت ساحه مقناطیسی آفتاب ، که‌کنترول این نقاط است، بعداز تکمیل دو سایکل معکوس گردیده و بنا سمت مشخص‌ومدت ساحه مقناطیسی بعد از سپری شدن‌تقریبا ۲۲ سال دوباره بحالت اولی باز گشت میکند اما علت اینکه چرا ساحه مقناطیسی آفتاب و خشکسالی باهم مربوط اند هنوزمعلوم نیست . تحقیقات اخیر نشان میدهد که آفتاب این سایکل یازده ساله رابصورت

بقیه در صفحه ٥٦



د(ان اوټ لین‌اف‌سو شل
دیو لو پمنټ) نومې کتاب‌څخه

د امین الله محك ژباړه

په آسیا او افریقا کې دباداری نظامونه

دو همه بر خه

د تو لیدی وسایلو لرل ، دکار په ټولنیز ساز ما نو کی د یوی طبقی رول د عایدا تو بر خه او د هغوی د ګټو منابع هغه مشخصات وه چی یوه طبقه په پیژندل کیدل .

سر بیره پر دی طبقه د خلکو یوه لو یه ډله ده چی په اجتما عی تو لید کی د خپلی پلیګاه یعنی پر تولیدی وسا یلو باندی دهغو ی‌دواك چی معمو لادقانون له خوا په رسمیت پیژ ندل شو ی وه) او همدا راز هغه رول چی یوه طبقه یی د کار په اجتما عی ساز مان کی لوبوی او له دی نه چی را تیر شو دهغه ګټی چی دوی یی‌دټولنیز شتمنی څخه تر لاسه کوی له مخی سره بیلیږی .

طبقی داضا فی محصو ل درا پیدا کیدو څخه ورو سته منځ ته راغلی . دا هغه مهال و چی د تو لیدی قوا و وړاندی تګ و انسان ته دا امکان برا بر کړ چی دخپل ژوند د لومړ نیو اړتیا وڅخه زیات تو لید وکړی .

د ولت دحکمرا نی طبقی دستګاه وه . په استثمار ګرو نظا مو نو کی دو لت دطبقا تی ستم او مر ئیان کو لو دیوه پیژندل شوی دستګاه وه .

د بل خوړ ونکو دولتو نو تاریخی ډو لو نه یو د بل سره تو پیرلری خو دټو لو ماهیت هما غه پر خوا-ریکښانو باندی د یوه مفت خوره اقلیت حکمرا نی وه .

قبیلوی اتحاد یی :

قبیلوی اتحاد یی د دولت هغه ډیر لو مړ نی شکل و او ډیروباداری (مریی والا) دو لتونو نوموړی مر-حله تیره کړیده .

ګڼ شمیرلرو نکی او پیا وړی قبیلی دنو مو ړی اتحا دی زنه جوړ ول .

باچا به دکلان د حکمرا نا نو څخه ټاکل کیدی (پخپله حکمران بهزیاتره وخت‌دیوه جنګ افسر په حیث انتخا بیدی) دباچا واك مورثی و . دباچا د کلان ټول لوړ رتبه رو حا نیو نو ته هغه مهم اوحساس پو ستو نه (وظیفی) ورسپارل‌کیدل څو قبیلی به د هغه موا فقی له مخی چی د دوی د مشرا نو له خوا به شوی وی یو ځای کیدی اوکمز-وری قبیلی بهیی په زور تر خپلی حکم لاندی را وستلی . داسی دو لتو نو به داوزر دوجګړ وله‌لاری خپله سیمه ار تول . ځینی داسی کو چنی قبیلی هم وی چی هیڅ ډول دولت ته یی غاړه نه ایښو دل .

دآسیا او افر یقا لو مړنی‌باداری دو لتونه :

دمر یی لرو نکو دو لتو نو پیدا ینبت د باداری نظام دتو لیدی شکل دیرباليتوب نښنه وه . لومړنی باداری دولتو نه‌په مصر ،د دجله او فرات (بین النهر ین) په وادی کی را خر ګند شول . نو موړی دو لتو نه دسو مری ، اکدی او بابلی امپرا طوری وی . دچین او هند باداری دو لتو نه د میلاد څخه‌مخکی د څلو رو څخه تر درو زرو کلو نو کی اوپه اثور کی د دوهم‌زر په نیما یی کی منځ ته راغله . دا مهال و چی دوړی اسیا په مرکزی دښت کی د (هیتی) یوه پیاوړی امپراطوری جوړه شول . (مینایی) امپرا طوری چی یو لر غو نی عربی دولت و د میلاد څخه مخکی پنځلسمه پیړی د اوسنی یمن پر سیمه یی ښنسټ کښیښنودل شو داو راتو (۲) باچهی دمیلاد دمخه په اول زرم او پهماورای ققفاز کی منځته را غله .دخوا رزم پیا وړی پا چهی په منځنی آسیا کی دمیلاد دمخه له اتمی څخه تر شپږ می پیړی پوری څر ګنده شوه . اوبه وروسته کی یی خپل ځای د کو شان وامپرا-طوری ته خوشی کړ دمیلاد د مخه په اتمه پیړی کی ماوان اوورپسی پاسان اودمیلاد د مخه شپږ مه‌پیړی کی دایران پهلوید یزکی مځ ته را غله . د لر غونی یونان د باداری دولت د میلاد څخه د مخه له اتمی څخه تر شپږ می پیړی پوری او د لر غونی روم د میلاد د مخه پهشپږمه پیړی کی منځ ته راغی . د مرکزی او جنو بی امر یکا باداری‌دولتو نه کابو د(۱۵۰) څخه تر (۲۰۰) کا لو پوری داسپانوی یرغلګرانو څخه مخکی ظهور وکړ خودا کار (مایانو) سره سر نه‌خو ری ځکه دهغوی دولت ښنت پخوا نی دی .

دبا داری استبداد ی دولتونه :

قبیلوی اتحاد یی پخپله دولت‌نه ګڼل کیری اوایوازی دهغه د پیدا-ینبت لومړی پړاو دی. د حمګرا-نانو د تد ریجی واك د زیاتوالی اود دولتی دستګاه د پیاوړ توب په نتیجه کی قبیلوی اتحادیواستبدادی مریی لرو نکی دولت ته تکا مل وکړ او په اسیا ، افریقا او امر-یکی کی دلر غو نو مریی لرو نکو دو لتو نو هغه معمول شوی شکل‌دی دبا دا ری دو لتو نو شکل په تاریخی او اقتصادی شرا یطو همدا رازبه جغرافیایی‌محیط پوری‌اړه لرل .

د استبدادی مرئیتوب صفتو نه او مشخصات د مر جوده اسنا دو څخه په لاس راغلی دی ، دمصریانو یا پیرو س اونور لیکونه پر تیګو باندی د لر غو نو لیکوالا نو اونورو کسا نو خبرو نه چی پخپله ګواهی ورکوی ،ډول‌ډول حماسی، شعرو-نه او نور اسناد ټول د مطلب په ریو ښنانه کو لو کی را سره مرسته کوی . دبابل باچا ، حمو رابی د قوا نینو مجمو عه په مرئیتوب‌کی د ژوند کو لو دخیړنی دپاره زیات ارز ښنت لری . دنومو ړو قوانینو متن دمیلاد څخه د مخه په اتلسمه پیړی کی په پایتخت کی د یوی توری ډبری پرستون کیندل‌شویدی نو موړی د قوا نینو ډیره پخوانی مجمو عه ده چی موږ ته راپاتی شوی ده . دمریتوب نظام د یوه انسان له خوا دبل ګټه خوړل یی بنه توضیح کړیدی د حمو را بی د حکمرانی په وخت کی د بابل امپرا طوری دیوه باداری استبدادی دولت نمونه وه او باچادمر کزی دولت یو کر غیږنه حاکم و چی ټول اجرا یی قا نون نافذ ونکی ، قضا یی او مذهبی واك یی در لود . دظالمی باداری‌مسلطی ایدیالوژی دمشخصا-تو څخه یوه هم دا و چی باچا یی لوی حکمران اودځمکی خدای ګاڼه او د هغه فر مان نازل شوی وهی (وحی) بللی . باچا د حکو مت کولو دپاره د یوی پیچلی بیور کرا ټیکی دستګاه څخه کار اخیستی . دمامو-رینو یوه بر خه دمر کزی دستګاه دبیلو بیلو شعبو متصدی وه په داسی حال کی چی نور د با چا دنما ینده په توګه پرمختلفو ښارو او ناحیو باندی حکمرانی کول .

پهمر یتوب کی‌تولیدی روابط:

تو لیدی اړیکی دلته هم لکه د تو لید پر وسا یلو باندی دخصو-صی مالکیت دتولید په نور جریان کی ، دطبقو اساس او دمحصولاتو د توزیع‌شکلو نه په بر کی نیول.

مر ئیان او باداران –

د حمو رابی قوا نین نه یوازی د تو لیدی اړیکو مشخصات په بین-النهر ین بلکی په عمومی ډول په هر باداری دولت کی راته‌ښی .

دبا بلی دو لت‌حاکمه قد رت وړو او منځنیو بادارانو تشکیلات وه او د حمو رابی پهقوانینو کی د دولت او قوا نینو یو طبقا تی شکل له ورا په څرګند شوی دی خپلی ګټی یی زیاتی سا تلی . د قوا نینو یوه برخه دبادا رانو له ګټی څخه

پە مستقیمە یاغیرمستقیمە تو گە ملاتړ کاوه . د قوا نینو سره سم چاچی بە دیوه بل چا مریی دبدن کوم ځای خوږ کړی دهماغه مجازاتو چی څارو دپاره پە نظر کی نیول شوی وه دجر یمی پە تاد یە کو لو مکلف و . هغه وخت چی بەیی دبل‌چا مر یی ووژ نی نا چا ره و چی خا وند تە یی بل مر یی‌ورکړی دیوه مریی کو رنی پە شمیر کی نە را تلل مرئیان یی پە خپل واکسره پلورل یو او بل تە یی بخښل دنور مر ئیا نوسره بد لول اودمیراث پە شانی لە یوه شخه بل تە پاتی کیدل . کوم وخت چی چا دبادارا نو دشتمنی دساتلو دپاره دنافذ شوو قوا نینو څخه سر لغړاوه پە سخته جزا سره محکومیدل . چاچی بە مر یی غلا کړ او یابە یی تښتید لی مریی تە ځای ورکړ حکم یی دمرګ و . هر مر یی د خپل څښتن یوه ځانګړی نښه پر خپل بدن در لودل کە کوم آزادسړیءهغه .نښه‌ورڅخه لیری کړی وای هغه تە هم سخته جزا ورکول کیدل .مرئیان دتولیدی وسا یلو شخه لاځه کوی دډیرو لوړ نیو انسا نی حقو قو څخه هم بی بر خی وه .

پەدی ډول ،بادارانو بەدتولید پر وسا یلو سر بیره زحمتکښان اومر ئیان هم‌پخپل شتە کی‌را- وستل چی‌دا دمریتوب‌نظام‌دتو لیدی روا بطو لە خو یو نو څخه و .

بابلی ټولنی تجاوز کارا نە او بی پایە جګړی ،دمرئیا نو لاس‌تە وروستلو دپاره سر تە رسیدی آزاد وګړی بە یی دهمدی لاری مر ئیان کول . دمر یتوب پە ډیرو ډولتو نو کی دبا دارا نوحاکم قدرت دآزادو وګړو او کا سبا نو دوړی شتمنی شخه هم صرفه نکول .

پە با بل کی هم دغی وضعی پە یو لړ تو پیر سره وجود در لود چی خپلوا کی وګړو پە ډیر ژر خپلە آزادی د لاسه ور کول اود مرئیا نو پە لښکر بە ګډ یدل .

دبا بل آزاد و وګړی پر دا سی ډلو چی د مدنی حقو قو شخه بە پوره بر خور داره او داسی ډلی چی دحقوقو څخه بە یی لږ بر خه لرل او مسکینو بلل کیده ویشل شوی وه . شه وخت چی دلو مړی ډلی وګړ و تەبە چا تاوان ورساوه دیوه ګناه کارسړی پە شانی بەیی جزا لیدل. کە چیری کوم مو سکینو تە بە تا وان ور سیدی ، مقصر بە یی پوازی جر یمە کړ کە کوم موسکینو غلا کړی وای دلومړی ډلی د جر یمه پە پر تلە بە یی شو چندە جر یمە تا دیە کول بیا چی‌کوم سړی مریی غلا کړ (چی دټولنی د اساس پرضد یوجنا یت ګڼل کیدی) بیله دی شخه چی مقام یی پە نظر کی ونیسی حکم یی دمر ګ و. هغه چی دپوره حقو قو څخه بر خه لرل ، پردو ډلو شتمنو او بی وزلو ویشل کیدل .بی وزلانو دی دپاره چی خپل شتمن ژوند تە پایښت ور کړی او دومره شه پیدا کړی‌چی لە مرګ پە راوګر ځی مجبوره وه چی دشتمنو شخه پیسی وسایل او نور شیان پور کړی چاچی بە خپل پور نە ور کاوه پە بدل کی بە یی مالو نە ور څخه اخیستل د کار طرز داسی و چی ډیوالی (افلاس) شوی پوروړی (معمو لاد کورنی دغړو سره) بە دیوه ټا کلی مودی دپاره مریی کاوه او پە دی‌کار کی بە د ژوند تر پایە پوری پاتی و . پرمرئیا نو باندی دسو داګری نوی شکل منځ تە را غی او هغه بە داسی و چی چا بە خپل ښار یان را نیول او هغوی بە یی بیا هغو بادا را نو تە چی دکار قوی تە بە اړو پە اجاره ور کول .

دمر ئیتوب پە دو لت کی‌اشتراکی ټولنه :

خلـه بە لر غو نی با بل کی زیات شمیر آزادو وګړو دمرئیا نو سره پەځنګ کی ژوند کاوه؟ دوی‌زیا تره دکلا نو غړی وه چی لومړنی اشترا کی نظام تە یی مخ اړ ولیو. د دولت منځتە راتلو شخه مخکی پە هغو مخکو کی چی د کر نی‌وړوی او د سیندو نو دسیل لە کبله خړو بی کیدی داو بو لګو لو یو پیچلی ءاوسا زمان لرونکی‌سیستم منځ تە راغی . کە چیری مخکی او اوبو لګو لو شبکی د با دا را نو تر منځ‌ویشل شوی وای پە پای کی داوبو لګولو سیستمونەړنګیدل اودکر هنی درا ټیټیدو سبب کیدی څکە مرئیا نو دخپل کار لە نتیجی څخه کو مە ګټه نە تر لاسه کول . لە دی املە دولت پوه شوی‌و چی د کلان خو ندی کول ور تە ګټه لری . خودا نوره هغه پخوانی اشترا کی ټولنه نە وه چی هلته هیڅوک نە استثما ریدل او یوه دټولو او ټولو دیوه پە خاطر کار کاوه پە دی ئو رو شرا یطو کی با دا ری دو لت کلان استثمار اود کلان‌غړی لګو لو دویا لواوکاریزو نوڅارنەکول چی دی کار ډلە ایز انسانی کو ښښنو نوتە زیا تە اړه در لود دپخوا پە شان یی کر نە کول خو اوس یی دمحصول زیاتە بر خه با چاواو سپاهیانولە لاسە کښیل.د پاچانمایندەګانو سملاسی داوبوشبکی او د کلان د غړو دما لیو او جر یمو سم تادیە کولو نظارت کاوه تولیدونکی یی پە دی ډول دخپل کار د حاصل شخه بی برخی کول .

دلر غو نی مصر ، هند او چین او نورو هیوا دونو پە ا ستبداد ی‌مرئیتوب کی هم د دا ډول شرا یطو وجود د با داری دولت علاقه چی دکرنی داشترا کی ټو لنی پە ساتلو کی یی لرل ورو ورو مخ پر کمزور تیا شول . باچا پەخپلە ډیری ځمکی پە واک کی لرلی او سمد لاسە بە یی دټولنی پە نور مځکو پە غصبو لو سره پر خپل مالکیت زیا توا لی را وستی . دسمی مځکو مرکز یت مینډ لی‌و اوددولت‌پوازینی حکمران یعنی باچا اړه در لودل دګړو دلاری بەیی وړا ندی تګ کاوه .

دآسیا یی او افر یقا یی‌لر غو نو دولتو نو تولیدی قوا وی :

داسیا او افریقا لرغونی دو لتونو بە پیدا ینبت کی د تو لید وړاندی تګ دوام در لود . پە کرنە دتولیدی او زاروتو شخه ګته اخیستل پەبابل کی رواج ومو ند کاسبا نو بەهم او زا رو نە جو ړول . دحمورا بی قوا نینو پەمجموعه کی هغه وخت پە ډول ډول کسبو نە لکە بنایی ، او بدنه ، پښی ، ترکاڼی ، کښتی جوړ ونە ، ودانی جوړ ونی اونورو نوم اخیستل شو یدی .

پە مصر کی هم کسبو نو وړاندی تګ وکړ او پە ټول هیواد کی خلك داو بد لو سره بلد شول . داوبدلو افقی څر خو نو خپل ځای تسبتا بشپړ شوو عمودی څر خو نو تە خوشی کړ دمسګرا نو پە کرو کی دځر منی بنیو څخه اخستل پیل شول . یوی بشپړه شول اوښپښنه جوړول یو ځانګړی شغل سو او لە دی نە ورو ستە بە یی ښښتنی هم پە کرو کی پخو لی .

سر بیره پردی کاسبان خپلواک وه خومرئیان هغو کارو نو تە چی مهارت تە یی دو مرەاړتیالرلاوکراړ (سخت) بە هم وه لکە ساختمانی کارو نه ، ګمارل کیدل . لومړنی میخا نیکی کار خانی جوړی شوی دلو یوډبرو د پور تە کو لو دپاره چی د مصر پە اهرام کی ور څخه کار اخیستل شویدی یوه ځانګړی میخا نیکی دستګاه اختراع شو .

داسیا او افر یقا پە او بو لګو لو سیستمو نو کی دوندو نو او ډند شوو او بو څخه ګته اخیستل تر مر ئیتوب تر وختە د لومړنی تکنا لوژی دوړاندی تګ نښنه وه .

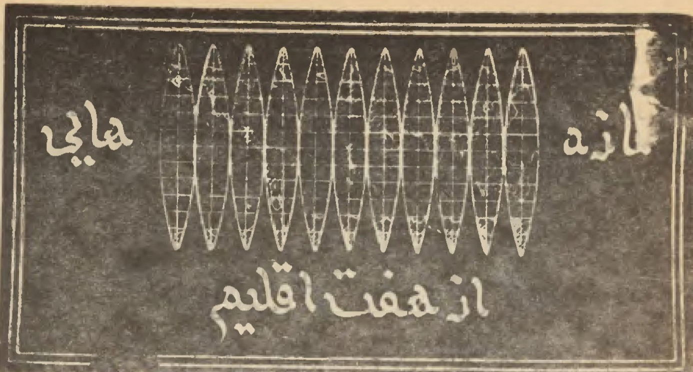
داسوان بند چی د نیل پر سیند باندی ودان شو خورا لو یە طرحه وه او دا ډول بند ونە او وندو نە چی دډبرو شخه جو ړیدل دهما غه مهال د تکنا لوژی نښی وی .څومره چی سو دا ګری دسیند لە لاری وړاندی تګ کاوه دبادی او پاروولا کښتیا نو تە اړتیا زیاتیده. لښکری صنعت وړاندی تګ وکړ اوپەجګړو کی‌یی دجنګی ارا بو او جنګی‌کلا (ارګ) شخه ډیره ګته اخیستل کیدل . لښکری کښتی پە وسلو باندی مجهزی شوی .

دتجا ر تی مال (کالا) مبا دله :

پە لومړنی اشترا کی نظام کی د مبا دلی وړاندی تګ د ارزښت دیوه عمو می معیار پە پیدا ینبت سره پای تە ورسید . پە بیلو بیلو سیمو کی مختلف شیان لکه څاروی، پوټکی ، څرم او عاج د ارزښت دیوه ګډ معیار پە ټو ګە ټاکل شوی وه د مریتوب پە نظام کی فلزا تو پە تدریج سره دارزش دمعیار رول پە غاړه واخیست . پە اول کی اوسپنه او مس دادنده پە غاړه اخیسته وه. چی‌پە ورسته کی بیا سره زراوبیا سپین زر هم ور سره یوځای شول. پیسه دیوه بااار زښت ګډ معیار او مبادلی د وسیلی پە تو ګە او یو ځانګړی مال چی د نورو ټولو مالونو پە مبا دلو کی یی بر خه اخیستل، پە کار ولویدل پەاوکی پیسه دمیلی پە ډول وه او ورو ستە یی دسیکی شکل غوره کړ .

دتجارت وړاندی تګ دسو داګرو درا پیدا کیدو سبب شو ، دوی‌هغه خلك وه چی دتو لید پە سا حەکی یی ګډون نە در لود او یوازی بە یی دما لو نو پە مبادلی او سو داګری سره لاسونە اړوه اوځنی محصولات بەیی تر لاسه کول سودا ګران لە- یو ځای څخه وبل ځای تەتلل‌اوځنی وختو نە بە یی هم لیری او اوږده واټنو نە وهل پە دی ډول دتولنیز کار دریم ویش منځ تە راغی .

(نوربیا)



ترجمه وتنظیم از : میرحسام الدین برومند

با کیمیا و فزیک در جهت محو کامل سرطان

سرطان این مرض مدهش وجانکـاه و تومور های سرطانی پروبلم های زیادی برای متخصصین امراض سرطانی ببار آورده است باری این مرض علاج ناپذیر ، وزمانی هم امیدواری هایی درزه ینه پیدا میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیاوی بـرای محواین مرض متوسل میگردند وزمانی هم به کمك فزیك میخواهند جلو بروز سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او اخر دیده شده که ازفزیك درجهـــت از بین‌بردن امراض سرطانی بیشتر استفاده بعمل می‌آید.

در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه داری برای نابودی کامل امراض سرطانی وطرق درمـان آن، صورتگرفته است . لاکن بدین تازگی ها گزارش گردید که عناصر را دیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز،جگرمو تـریتش را ثابت وحتی حیثیت وقایهٔ وجـود را از امراض سرطانی میتواند داشته باشد . گرچه اتوم موارد استعمال زیاد دارد که در پهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بحیث وسایـل تخریب ازآن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیك اتومی، قوه هـای تخریبی اتوم‌را درارگان بـطوری بکار می بندند که زخـــم هـا ـوتومورهای سرطانی رابه‌محض رسانیدن بدان ، از پیشروی آن دروجــودباز میدارد . بدین مفهوم کـه در پهلوی طرق تداوی از طریق جراحـــی ، میشود نظربه آزمایشات دقیق تومور ها وزخم و عـلایـم واثرات سرطانی را به کمك مواد اتومی از وجود دور ساخت وبطور حتم اشعهٔ گاما و اشعهٔ ایکس بکلی بی تاثیر نمیتوانند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحـت مطالعه بار بار گرفته اند . اما متخصصیـن امراض سرطانی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعهٔ لازم تاآن حدکم بوده که باآن مقدار میشود بطور قطع زخم وتومور های سرطانی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعهٔ گاما یا هم ایکس زیاد گردد درینصورت مرگ زود به سراغ مریض مذکور می شتابد از ینرو تمام مریضانی که با اشعهٔ ایکس واشعه گـامـا تداوی گردیده اند، موقتی بوده وفقط چنـد روز بعد مرض پیشرفت زیادی نموده است، پس چه باید کرد، باید مقدار اشعه هارا بالا برد ؟؟ در آنصورت با تخریب انساج‌سرطانی انساج سالم وجود نیز همزمان باآن تخریب میگردد . بهمانسان که پروتون ها وآیون ها قسمت های زخم را روشن میدارد عملیه های هستوی یعنی انرژی اتوم نیز بسوی انساج سرطانی شتافته وبرتومور هاحمله میکند و از بزرگی‌آنها لحظـــه به لحـــظه میکاهـد.

در سال ۱۹٦۷ دریکی از انستیتوت ها ی طبی اروپا یك «اشعهٔ پروتونی» برای اهداف درمانی بکار گرفته شد . همزمان با آن یك اشعهٔ دیگر بنام اشعهٔ پروتونی دوم کشـف گردید وسومین اشعـهٔ پروتونی کـــه بنام «اشعهٔ درمانی» نیزیاد میگردد به کمك فزیك اتومی در سال ۱۹۷٤ از طـــرف انستیتوت هستوی لیننگراد بدست آمد . یکنوع درمان دیگر امراض سرطانی تو سط اشعه ها ی مخصوصـی که در تولید همچو اشعهٔ درمانی از کیمیا وفزیك علی السویه استفاده بعمل آمده، در جهت صحتیابی مبتلایان سر طا ن فعالیت میکند . گرچه از یکطرف کثـرت امراض متعدد سرطانی ،مایه ناراحتی بشر میگردد لاکن با آنهم امیدواری هـای زیـــاد کنونی از طرف اکادمی های امراض سرطانی برای کشف طرق تداوی آن ایجاد گـردیده است . از طرفی میتود های جدیدی که، در اثر حرکت پروتون های سریع اتوم درجسم مریض عمل میکند، نیز تدارك دیده شـده است . اشعه های جدید که در نتیجهٔ سـه سال کار خستگی ناپذیر کشف گردیـده بعلاوه‌اینکه امیدواری برای تداوی‌مبتلایان‌امراض سرطان می بخشد ، در شناخت نوعیت زخم، موقعیت تومور ها وزخم های سرطانی دروجود تاریخ پیدایش، اندازهٔ پیشرفت ورشد مرض، خاصیت های فردی مریض را نیز برمـــلا میسازد، ازینرو با نـــظرداشت مطالبی‌که‌گفته آمد، اشعهٔ جد ید درمانی برای امــراض سرطانی در مجموع در راس همه تدابیردیگر حمایوی مریض از مرگ که تاکنون صورت گرفته میتواند بحساب آید که این میتود در نوع خود از سایر میتود ها برتری تام دارد، البته این ادعائیست که متخصصن امـراض سرطانی مینمایند اما یك مطلب را نبایـد فراموش کرد که اشعهٔ ایکس در تشخیص مرض سرطان و چگونگی نوعیت آن معجزه میکند وچه زود کار تشخیص مرض را آسان میسازد اما مساعی که در زمینه تولید چنین یك اشعه در مانی‌که درهریك‌از علم‌کمیاوفزیك تدارك دیده شده است . سرعت بخشیدن پروتون های اتومی در وجود ، محض ازطریق کمپیوتر های مخصوص برای اینکار عیـــار شده میتواند وبس . این اشعه هاترشناخانه ها از طریق یك سیستم کانالی در اتاق هـا تقسیم وبوسیلهٔ کمپیوتر هر شاخه علیحده فعالیت نموده وبانظرداشت خصایل‌فزیولوژیکی مریض، به وجود مریض خاصتا در قسمت های که غـدوات سرطانی فعالیت دارنـد ، در برطرفی مرض وتقلیل در دوکاهش اثرات آن از سایر حصص وجود، میکوشد . روی این اصل بزرگ یعنی خدمت به تهدید ـ شوندگان امراض سرطانی سیمیناری بسویهٔ بین المللی در سال ۱۹۷۷ دایر و در آن سهمگیر ندگان‌سیمینار پـــیرامون تـولید «بسته های پروتونی»تصمیماتی بعمل آوردند.در سیمینار که در مورد استفاده از اتوم دردارو های کاملا مدرن ضد سرطانی بافشاری بعمل آمد اهل خبره ، فزیکدانان ، دکتـــوران، متخصصین کیمیا وانجنیران متعدد از کشور های سوسیالیستی ،اضلاع متحده، سو یـدن وفرانسه درین سیمینار گرد آمده بودند . منظور ازین گردهم آیی وملاقات دانشمندان بایکدیگر، معرفت با فزیك اتومی، تخنیـــك سرعت عمل در کیلنیك های عملیه های تازه مجادله علیه سرطان بوده است . تلاش های موثر متخصصین علوم کیمیا وفزیك وطبیبان بخاطر رهایی بشر از چنگ امراض جانکاه ومدهش امریست انسانی ودر خور ستایش،که اینك مبتلا یان سرطان امیدواری به آیـنده، آیندهٔ که مرض شان درمان خواهد یافت ، می اندیشند .

هم فزیکدان هم هنر پیشه

شام ها باگیتار خود روی سن ظاهرمیشود وهمراه آن باآن پنجه های ظریفش ماهرانه روی تارهای گیتار ته وبالا میدوند . آواز گیرایش شور و شعف خاصی به نوای گیتار او میدهد وچه مشکلست باور کردن این مطلب . مذکور صبح تاشام چه مشقـات و خستگی هایی راکه در مرکز علمی کـــار خود متقبل نشده است منظور ما (زرگـی ـ نیگنین) یکتن از فزیکدانان وارد و چیره‌ـ دست است، مردیکه روی مالیکول های سفید تخم مصروف گشته ومطالعاتی انجام داد و چند ساعت بعد آن بدون آمادگی قبلی در فلـــم کمیدی (جهنم سر نوشت) آوازخوانـد که‌کمپوزشعر آن از(میکائیل تاری فردی‌یف) بود. این فزیکدان‌که در کیمیا نیز وارداست در ساعات فراغت از کار های مربوطه بـه شعبه اختصاصی اش یعنی فزیـك ، کمپـوز مینماید . آواز خوان مذکور با گیتار خود وآواز خود در رادیو، تلویزیون وتالار هـــا طنین می اندازد باآنهم پیروزی او تاآن حد است ، که از محصلان گرفتـــه تاجیولوجست وکارگران معــدن ، آهنگـــهایش را منحیث آهنگ روز زمزمه میدارند . وی خودش می گوید که قبل از آنکه آواز بخواند و در محافل هنری راهش را بـــاز نماید، یـــك فزیکدان بوده است که در مکتب، اودرفزیك بیشتر از هر چیز لیاقتش را توانسته بـــو د بشکل قابل توجهی تبارز دهد، گیتار را فقط در مکتب فرا گرفت وخود به تنهایی به‌کمپوز اشعار دست یازید . وی خودش را درین راه بیشتر مدیون شرایط بهتر گوارای کشورش میداند چه در پرتو همین شرایط مساعد بود که«زرگی» در مسابقات تلویـــز یونی(هلو،ماـ استعداد های شگوفان را سراغ وشگوفانتـــر میسازیم) یك پیروزی غیرمنتظره در برابر او کمین کرده بود . گرچه مسابقات تلویزیونی مزبور در ۱۹٦۲ انجام پذیرفت لاکن با وجود کار های علمی «زرگی نیگتین» کنون صد آهنگ خوب دارد که موضوعات و محتوی آهنگ ها وکمپوز های او رزمی، حماسی و دراماتیکی بوده است . اشعار وآهنگ ها ی وی بیشتر مورد توجه همگان قرار میگیرد وی


زرگی نیگینن باگیتارش درحال‌هنرنمایی

هنرپیشه‌جوان دریکی از لابراتوارهـــای فزیك .

میخواهد هرکجایی رنجدیده وستمدیده‌ایست بایست به کمك او شتافت ، برای او شعر گفت، پس شعر او شعر زمانست، اوکه از طبیعت الهـــام میگیرد ، برخوردار از یـك جهانبینی کـــامل بوده وبیشتر از اشعـار یفگینی یفشکو ، میخا ئیـــل ز فتلـــوف .

زفتلوف، یونامورتیس، جوزف اوتکین وایلینا ایرنبورگ خوشش می آید . و ی طرفدار آنست که ادراك واحساسات انسان میشـــود ازطریق موسیقی وشعر خوب بسایرین انتقال یابد . اوبا این نظرش جوامعی راکه آنجـا که طبقات وجود دارد تذویر نیز بصراحـت بچشم میخورد . اوکه مرد مریض وشو خی

است زیاد دوست دارد اکثراوقا تش را بـا طرفداران هنرش باشد. گرچه خودش بدین عقیده است که صدای او زیاد دل انگیزنیست لاکن دیگران درین مورد کـــه او صدای نا هنجا ری دارد هـــمرایش هـم عقـیده نیستند . در همین تازگی ها این فزیکدان

صاحب نام اشعار کمیدی سرود و آهنگهایش رادر قید نوت درآورد . کنسرت او سرو - صدایی در میان خواستاران صدای گیرایش ایجاد کرد. او میخواست به کمك علم فزیك احساسات علاقمندان هنرش را مـــرتعش گردانیده ، تحریك بدارد • ازنگاه او فزیـك وموزیك دو علمی اند که هردو به انســان وسایل خوشی می آفرینند .

بموجب تحقیقات گسترده‌یی بیش ازهشتادهزارنوع سمارق وجود دارد

بموجب تحقیقات گسترده‌یـــی، بیش از هشتاد هزار نوع سمارق وجود دارد .

اینکه سمارق چگونه خوراکی است وچه مفاد ومضاری در خود نهفته دارد در زمینه ، یکی از آنانیکه بخوردن سمارق میل فراوان دارد باارتباط بموضوع فوق یکی ازجمع‌کننده هایی سمارق ها، خاطراتش را چنین خلاصه میکند: هنگامیکه تعطیلات تابستانی ام رابابید سپری میکردم بدهکدهٔ پدری رفتم، شفـق

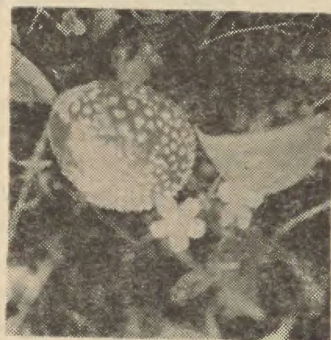
تازه دمیده بود ومن با سبدی راهی جنگل شدم تا سمارق جمع کرده باشیـــم ، تاجنگل دوکیلو متر راه بود ، راهی راکه من پیش گرفته بودم، راه یك مزرعه بود که به یك باطلاق کوچك منتهی میگشت واما در سمت دیگر ، گویـــی گلهاوسبزه های‌گوناگون فرش شده بودند که استشمام آن فرحت انگیز بود در حین جمـع آوری سمارق در حالیکه بشکـا رنیز مـی انـدیشیـدم بـیـاد گـفـتـه هـای ســمارق‌سفابخش

دانشمندی افتیدم که‌دریکی از یادداشت‌هایش متذکر گردیده بود: یکی ازصدهادردی که به جان بعضاً لانه میکند وچه درد جانکاهی است این درد ازنزدیکی وعطر ناخوشا ینـد سمارق ها ناشی میشود البته در اثر نزدیکی

سمارق شفابخش

بعضی از انواع آن . من که سمارق هـــای فراوان رابا انواع آن بلد بودم، کنجکـــاوی من تحریك گردید تا بدانم شمار انواع این خـــو راك بـــه چند میر سد. بمــو جب آخرین تحقیقا ت‌در مورد چگونگی ، مزه ، مواد ومقدار نوع، سمارق را لازمست قبل از همه یاد آور شد که تا کنون دانشمندان بیش از (۸۰۰۰۰) نوع سمارق را شناختـه اند که‌با تاسف باید متوجه گـردیدکه فقـط مقداری کمی ازینهمه انواع آن قابل استفاده وخوردنست، تقریباً دوصدنوع آن. درحالیکه از جمله این دوصد نوع محض (۱۵-۴۰)نوع خالص‌قابل‌استفاده بوده‌ومتباقی داری‌موادیست

که‌امکانات مسموم ساختن صرف‌کننده رادارامی باشد درتشخیص سمارق های‌مورد نیازازملاحظه کامل کارگرفت چه‌سمارق‌هادارای‌علایم خاص ومشخص میباشند . یکنوع سمارق که بنام «سمارق سنگی» موسوم است که نسبتاً قوی واز جمله انواع سمارق های طرف استفـاده، بحساب می‌آید . بعلاوه بهترین نوع سمارق هاراکه بایستی چید بعلاوهٔ سمارق سنگی .



از نوع سمارق های بال دار

سمارق های‌نوع محرك، سمارق سرخ وسمارق مسکه دار نیزدارای موادبهترین نسبت‌به‌سایر اقسام سمارق ها میباشد .

همچنان نـوع دیگـــر از سمارق هـــا ، بنام «سمارق بالدار» نیز درقطار سمارق‌های مفید می‌آید . محقق مذکور میگوید : حین چیدن سمارق ، یکی از دوستانم که بقـول

خودش تمامی انواع سمارق هارا میتوانست ازهم تفکیك بدارد در آن محلیکه تاجشم کار میکرد سمارق بود بحدیکه چشمها از دیدنش خیرگی میکرد بمن مشوره داد که فقط چند دانه ومحدود سمارق ها را از جمله آنهمه سمارق ها بردارم وبس . دوستم در

مورد شناخت سمارق ها برایم تشریحات‌داده گفت مثلا کدام نوع سمارق اگر دارای‌چگونه کلاهك باشد وچگونه روئیده باشد قابـل استفاده است وکدامش برخلاف زهر آگین ومسموم کننده میباشد . من دراواخر نومبر در ریگستانی به یکنوع سمارق برخوردم که بسان سنگ سخت بود وباکوبیدن انگشت صدا میداد پی بردم که حتماً سمارق سنگی است که دفعتاً روئیده وسر میزند . این نوع سمارق که در ابتداء یعنی لحظهٔ سر زدن‌فقط

دوگرام وزن داشت پس ازچند دقیقه دفعتاً صد برابر بزرگ وسنگین میگردد . بدین تازگی ها محققین وپژوهشگران نباتی یکنوع سمارقی را کشف ومطالعه کرده اند که هر کدام آن درحدود هفت کیلو گرام وزن‌و۵۸ سانتی متر ارتفاع داشت که قطر کلاه آن۴٦ سانتی متر محاسبه گردید وتنها ساقهٔ آن۲۲ سانتی متر اندازه شد. یك شاخهٔ دیگر از نوع‌سمارق سنگی بنام سمارق ناکی شناخته شده است که زود رشد میکند . سمارق‌های ناکی فقط چهارونیم سانتی متر قد میداشته باشد که البته در نوع خود نظر بشکل‌ظاهری فرق فاحشی ازساختمان سایر سمارق هـــا

این هم ازجمله سمارق های‌شفابخش‌است

داشته وزیاد جالب میباشد ،سمارق هـــای مذکور دارای انرژی فوق‌العاده زیاد بوده‌واما زود فاسد شده ، در روز سوم وچهارم‌چیدن از خوردن می‌افتد . «سمارق شگوفه‌یی» که دارای کلاه سرخ میباشد از سایر انـواع سمارق ها بسادگی فرق میگردد اما اگـر شخص آنرا از قسمت زیر کلاه آن قطع‌نماید،

حصه قطع شده کبود مینماید . یکنوع دیگر که بانوع سمارق «شگوفه‌یی» شباهت نزدیك دارد، برگهای تازهٔ سبزبه‌کنارش می رو ید وبه اسرع وقت یعنی در ظرف یکدقیقه‌دفعتاً

چنان نمو میکند که هردانهٔ آنرا بمشکـــل میتوان دریك سبد گنجانید . سمارق عجیبی که کلاه سرخ وقسمت پائین کلاه ویابعبارهٔ ساقهٔ آن دارای رنگ زرد یا پسته‌یی‌میباشد نظر به نظریهٔ محققین نوع مذکور گرچه‌زهر آگین نمیباشد، لاکن صرف‌کردن‌آن نیز مطلوب

نیست • باری درنزدیك سراشیبی یك کوه که بادرختان غوشی ، کاج احاطه گردیده وکوه مذکور را همین درختان سبز باجنگل

سمت دیگر مرتبط میساخت . گرچه گرگ، خرس وخوك جنگلی آنجا زیاد بود ، باوصف آن برای تماشا وملاحظه سمارق های متعدد وانواع آن‌بی‌حد وحصر ذوقزده شده بـــو دم

در جنگل گرچه بادلهره به پیش گام‌میزدم بایکنوع سمارق دیگر برخوردم ، سمارقی‌که غیر از سمارق سنگی ، ناکی مسکه‌داروریگی که بیش از دوکیلو گرام وزن داشت ایـن نوع سمارق نظر به تحقیقاتی که نسبت بـه آن بعمل آمده ، میتوان آنرا سمارق شفـا بخش خواند بدین مفهوم که این سمارق در شفا بخشید ن‌بسیاری از امراض وگرداندن سلامتی مریضان بیقین معجزه میکند . سمارق

بقیه درصفحه ۴۸



فضا نوردان درلباس فضا نوری‌شان‌دیده میشوند

تر جمه از احمد شاه

ریکارد بود و باش در فضای کیهانی

همه چیز ها ما نندهمیشه بـود ما نند چند ین پرواز های کیهانـی گـذ شته ودر ضمن همه چیز هـا غیر عا دی بود . هنوز دو کیهان‌ـ نـورد اتحاد شـو ر و ی و لا ـ دیمیر لیا خوف ووالری ریو میـن در زمین‌بود ند اطـلاع یا فتند که‌به یك سفر دور ودرازبه فضای‌کیهانی میرو ند . قبل از این ها ریکا رد مدا ومت‌پر واز در فضای کیهانـی یکصدو چهل شبا نه روز بود .

در شام بیست‌و پنج فبـر وری سال جا ری سفینه فضا ی(سیوز ـ سی‌ودو) با دو کیهان‌نو ردان‌لیاخوف وریو مین به مدار بر آمد . هنـوز قبل از عز یمت به فضای کیها نی این نکته تثبیت گرد یده بود که در استیشن تحقیقا تی (سا لوت شش) یعنی در جا ئیکه دو کیهان نوردنیز به تحقیقات ادا مه می داد نـد یکعده نقا یص جدی مو جود است. سر نو شت کار های‌تحقیقا تی دو ـ کیهان نورد واستیشن «سا لوت ـ شش» مر بوط به مو فقیت کیهان ـ نوردان متـذ کر ه‌در قسمت اصلاح نقایص استیشن مذکور بود . ایـن دو کیهان نورد با ید یکی از مخـزن های محرو قا تی‌دستگاه مو تـور استیشن را متـو قـف مـی سا ختند وآنرا از ما یعات مضـره تصفیه می سا ختند .

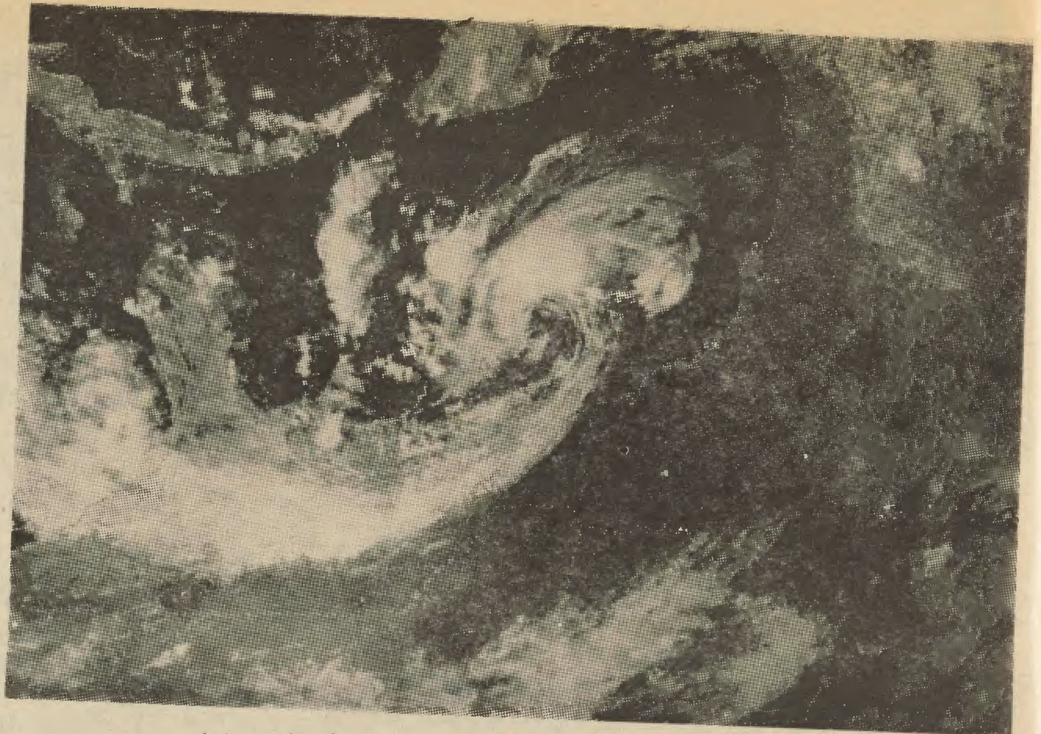
لیا خوف وریو مین این وظیفـه را به بسیار مو فقا نه به پا یـان رسا نید ند . هفته اول ما نندپر واز ـ های سا بـق کیهان نو ردان روز های سخت را سپری کرد نـد زیرازودترخسته میشدند واحساس درد های شد ید میکرد ند ضروربود تا تحمل کنند اما در پهلوی مشکلات کار هابطور عجیبی پیش‌میر فـت. دا کتران در دستگاه رهبری زمیـن از ین نکته به تعجب شد ندوقتیکه در روز سوم پر واز لیا خوف وریو ـ مین پیشنهاد کرد ند تا در تقسیم او قات روز مره آنها ور زشـی گنجا نیده شود قبل از اینها ایـن نـوع پیشنها دات بعـد از روز پنجم به دستگاه رهبری مخا بره می شد . ماه اول پرواز را در تر میم استیشن سپری کرد ند . کیهان ـ نوردان سیستم انر ژیکی استیشن آلات را غر ض ار تباط را دیو یی‌و تلویز یونی ، لباس کیهانـی را غرض کار در خارج در استیشن تجدید کرد ند حتی شـا ور را نیز سر از نو سا ختند . قبل از پرواز لیا خوف وریو مین استیشن (سالوت شش) یکنیم سال به کار خود ادا مه داده بود ، شش دسته کیهان نوردان به آنجا سفر کرده بودند. بعداز پرواز لیاخوف و ر ـ یومین استیشن «سا لوت شش» در طول شش ماه سه سفینه با ر بـر ویك سفینه بیدون پیلوت (سیوز ـ سی‌وچهار) رانیزپذیرفت ازپیاز و بادرنگ که درسفینه کاشته بودند استفاده میکرد نداگرچه‌درسفینه‌همه چیزها خوبتر نمی روئید مگربازهم در وقت صرف طعام تا اندا زه ازآن استفا ده میکرد ند . لیا خوف‌وریو ـ مین با دستگاه رهبری در زمین‌رابطه ثابت دا شتند و از سفینه اطلا عات تلو یز یو نی ارا ئـه میکرد ند. در اوا خر ماه دوم سفر اطلا عات تلو ـ یز یو نی در زمین در تلو یز یـون ظاهر شد. درین دو ماه اطلا عـات تلو یز ونی تنها به یك جهـت یعنی از حاشیه(عرشه) سفینه‌فضایی به‌زمین داده میشد وارتباط تلویز ـ یو نی دو طر فه نظـر به یك‌سلسله علل‌تخنیکی بر قرار نکرده بود ند.

از جانب دیگر این نکته بـــرای آنها نیز مهم بود که نه تنها بااقارب خود ار تباط مخا بروی بگیر نـد بلکه باید آنها را ببینند . درین‌مدت دستگاه رهبری زمین توا نست که یك سلسله اطـلا عات را به شکـل گرا فی واشکال به آنهابر سا نـد این کار از اصراف وقت جلوگیـری نمود واز طرف دیگرارتباطمذا کروی را بین زمین وفضا آسا نترسا خت. هنوز یکنیم ماه را در فضا سپـری نکرده بود ند که به استقبال‌مهمانان باید آما ده میشد ند . سفینه فضایی سیوز سی‌و سه به رهبری فضانورد اتحاد شوروی نیکـلای رو کـــو ـ یشنیکوف وفضا نورد بلغا ریا یـی کیور گیا ایوا نوف نزدآنهافرستاده شد . متا سفا نه در فضا همیشـــه تمام کار ها مو فقانه صورت نمی ـ گیرند زیرا نظر به عللی سیوزسی ـ وسه نتوانست به سا لو ت شش ملحـق شود ودو با ره بزمین‌بر گشت در نتیجه یکتعداد تجا ر بی را کـه سیوز سی‌و سه با ید انجام میداد بد و ش لیا خوف و ر یومین افتـاد تعداد تجا رب به حدی رسید که‌حتی محا سبه آنها مشکل است. ایـن دو کیهان نورد در طول مدت اقا مت خود در سفینه بطور منظـم از زمین عکس بر دا ری میکر د نـد زیرا امروز بدون نقشه بر دا ری کیها نی جیو لو جست ها، کار کنان زراعت، طرا حان سا ختما نهای بز رگـ ـ هایدو تخنیکی کار های خودرا بطور مو فقا نه پیش برده نمیتوا نندو نقشه های که برای آنها ترتیب می شود چند سال بعد مجددا نقشـــه برداری میشود . در طول مدت‌اقا ـ مت خود کیهان نو ردان به ما هـی گیران ، کشتی را نان کمك های‌مه جا نبه میکرد ند واطلا عات بسـیار ارزنده را به آنها میدادند . بـرای تحقیقات اتمو سفیر زمین وعکس ـ بر داری ذخایر طبیعی زمین کیهان ـ نوردان از کمره عکاسی استفاده می کرد ند که قبـلا در استیشن سا ـ لوت ششی موجود بودوتو سط‌علمای بلغار یا طرح‌ریزی شده‌بود.لیاخوف وریو مین در ین پرواز در عر شـه استیشن برای او لین مر تبه‌درجهان رادیو تلسکوب را نصب کردند کـه

بقیه‌درصفحه۴۶



فضا نوردان در حال صرف میوه‌جات دیده می شوند



جذر ومد اوقیانوس ها باعث ایجاد طوفان‌ها وحین حملات درخشکه هادیده میشود

ترجمه ح . آهنگر

چگونه مبارزه باحوادث حیات آدمیزاد را مصونیت می بخشد

از زمانیکه آدمیزاد در روی زمین اساس زندگی را گذاشتند از همان آوان آنها دچار مشکلات وتکالیف زیاد بودند واین تکالیف زیاد تر از ناحیه طوفان ها ، سیلاب های مدهش وسایر آفات طبیعی وسماوی‌بود، در آن زمان که سطح زندگی نازل بوده وهمین محدودیت های محیطی وجغرافیای در تعین شعور وافکار اجتماعی نقش مهم داشته زیرا هرقدر زیر بنای زندگی مادی پهنا ووسعت داشته باشد به همان اندازه شعور وافکار داشته باشد به همان اندازه شعور وافکار اجتماعی نیزهمپای آن‌رشد وتکامل‌می‌نماید .

روی همین لحاظ بوده که در گذشته ها با وجود محدودیت های زیر بنای مادی‌زندگی افکار آدمیزاد نیز رشد کافی نه نموده و نمی توانستند علل وموجبات ایجاد وپیدایش طوفانها گرد بادها ، رعد وبرق وغیره را در یابند بنا برین از وجود آن ترس وهراس داشتند وبرای جلو گیری از آن دست به تضرع ، توبه واستغفار می‌زدند تابه این‌طریق توانسته باشند نیرو های مدهش وخطر ناک را که به اساس قانونمندی های درونی علی پدیده ها وقوع آن جبری وناگزیر بوده مطیع وآرام سازند همین نیرو های مادی وترس از آنها بوده که بعد ها با گذشت سالیان اندیشه های عبادت از آنها را در ذهنیت انسانهای آن زمان ایجاد نمود .

اما هر قدر از زندگی آدمیزاد در روی زمین میگذشت نیرو های مولده رشد وتکامل می‌نمود همپای رشد وتکامل نیرو های مولد شعور وافکار آدمیزاد نیز در پروسه رشد وتکامل طی طریق نموده تابه تدریج انسانها توانستند وسایل جهت جلو گیری از ضربات کوبنده طوفانها ایجاد ومصونیت برای خود واحفای شان ایجاد نمایند .

امروز دانشمندان ومتخصصین اقلیم‌شناسی توانسته اند وقوع چنین طوفانها سیلاب ها وغیره را که امروز به اصطلاحات علمی بنام سایکلون ها - هریکن وغیره یاد میشود پیش بینی نموده واز وقوع آن قبلا اطلاعات لازم‌را در اختیار جامعه بشری قرار بدهد تابه اساس آن بتوانند قبلا در جاهای مصون بود وباش اختیار نمایند و مواضع ومحل را که در آینده مورد حملات وتهدید طوفانها قرار میگیرد به مردم معرفی نموده‌تا از اعمار منازل رهایش در آنجا خود داری واجتناب بعمل آرند .

طوفانها یکی از خطر ناک ترین حوادث است که خسارات مالی وجانی را به جامعه بشری بوجود میاورد سرعت طوفان وگردباد ها که تا کنون اندازه گیری شده در حدود ۷۴ میل فی‌ساعت وزیاد تر ازآن است وهم سرعت طوفان ها که شدت آن زیاد بوده‌در حدود ۲۰۰ میل نیز تاکنون اندازه گیری‌شده است توام بااین سرعت ممکن است گرد و غبار ودمه به قطر چندین میل فضا را بپوشاند .

بعضی از طوفان هاکه در قسمت های اوقیانوس اطلس وساحات انگلیند جدید مشاهده شده به سرعت سی میل فی ساعت سرعت داشته خسارات ناشی از وقوع چنین حوادث ناگوار که در بعضی قسمت های از جهان گذارش یافته شکل افسانوی را بخود اختیار نموده است چنانچه طوفان که درسال ۱۹۰۰ در ایالات متحده امریکا بوقوع‌پیوست منجربه نابودی شش‌هزارنفر گردیده است .

طوفان سالهای ۱۹۵۵ تنها در شهرنیوبارك ایالات متحده منجربه قتل دوهزار نفرگردیده واضافه ازهفصد ملیون دالر خساره مالی در پیکراقتصاد ملی آن کشور وارد نمود اما طوفانیکه در سال ۱۹۷۲ درآن کشور بوقوع پیوست در مدت دوازده ساعت ۱۱۷ نفر را به قتل رسانیده ودر حدود سه بلیون دالر خساره مالی وارد نمود .

حوادث سال ۱۳۵۷ در کشورماافغانستان که بارندگی های شدید را در قبال داشت در اکثر ولایات ضربات کوبنده ومدهش را به دنبال داشت که کمتر نظیر آن را می توان در چندین دهه های گذشته جستجو نمود درین سیلاب در حدود ۱۲۰ نفر بکام مرگ کشیده شد ودر حدود ۷۱۲۵ فامیل به مشکل بی سر پناهی وآواره‌گی مبتلا شدند .

نظربه احصائیه وارقام که در دست است گفته میشود که این طوفان مدهش در حدود ۹۳۰۲۲ جریب زمین را کاملا ازبین برد و خسارات مالی وجانی نیز با آن همراه بوده که در حدود (۱۷۳۳۴۷۶۲۲۵) افغانی مجموعا خسارات آن را میتوان ارزیابی نمود .

امروز دانش بشری به چنان مقام رسیده است که بخوبی وبه آسانی میتوانند وقوع چنین حوداث ناگوار وتباه‌کن را پیش بینی نموده وآلات ووسایل دقیق تخنیکی که قدرت پیش بینی دقیق حالات اقلیمی را دربد ترین شرایط دارد بواسطه زحمات وتلاش های خستگی نا پذیر دانشمندان بوجود آمده و میتواند زندگی مصون تری را برای انسانها تدارك نماید .

طوفان ها امروز آن چنان عامل کشنده و خطر ناك که در گذشته شمرده می شد به

بقیه‌درصفحه ۴۹



مامورین نجات در کمك آسیب دیدگان‌رسیده اند

الکسی تو لستوی

طفو لیت نیکتیا

یک صبح آفتابی

مترجم : دکتور خدایداد بشرمل

اهدا به پسرم نیکیتا الکسی ایویچ تو لستوی با عشق عمیق
مو لف

زما نیکه نیکیتا بیدار شد آهی کشید وچشما نشس را باز کرد، از سطح یخ زده کلکین، ازلا بلای ستاره ها یکه طور عجیب رنگ شده واز بین شاخ وبر گها یکه به نمو نه غر یبی نقشه شده بود ند شعاع آفتاب می تا بید. در دا خل اطاق: اشعه خور شید ما نند برف سفید می در خشید. انعکاس شعاع آفتاب از دست شو یی بر دیوار در حال لر زه پنظرمی خورد.

با کشو دن چشما نش بیاد وی آمد که شام گذشته(پکون نجار) برا یش گفته بود:

«حا لامن رنگش خوا هم کردو بالایش آب خوا هم ریخت ووقتیکه صبح از خواب بر خا ستی می‌توا نی روی آن بالا شوی وبر وی».

شام گذشته پکون با سا س خوا هشس جدی نیکیتا یك تخته برفی برا یش سا خته‌بود ، تخته چنین سا خته شده بود: در حالیکه پکون در وسط جای ترا شی کردن پهلوی میز کار نجار در گا راج ایستاده بود دو تخته وچار پا یه ترا شید، کنار های عمده تخته پائینی طوری اوریب ترا شیده‌شد بود که در برف فرو نرود، پا یه‌ها نها یت نازك سا خته شده بود، در تخته با لایی دو فرو رفتگی برای پایه ها وجود دا شت تارا ننده‌خود را محکم کرده بتوا ند. تخته پایینی باکود گاو رنگ شد ه‌وآب بر آن ریخته می شد ودر بیرون در هرای سرد گذاشته میشد تا آنرا یخ بز ند، این عمل سه بار تکرار شد بر تخته بالایی یك ریسمان نصب شده بودتا تخته برفی توسط آ ن کش شود ودر حال را ندن سمت حرکت ان در اختیار رانننده قرا ر گیرد .

«تخته برفی با ید حالا آماده‌و نزدیك در استاده‌باشد « پکو ن چنین یك آدمی بود ، او می گفت اگر من چیزی را وعده کنم، کلامم با ندازه‌قا نون راسخ‌خوا هدبود وانرا انجام خواهم داد».

نیکیتادر کنار بسترش نشست وگو ش داد ، خا نه خا مو ش بود هیچکسی هنوز از خواب بیدار نشده بود. اگر او لباس ها یشس را در ظرف یکد قیقه می توا نست بپوشد بدون اینکه رو یشس را بشو ید ودندا نها یشس را بر س کند،قادر خوا هد بود از دروا زه عقبی به حو یلی دا خل شود واز حو یلی تا در یا،جائیکه توده های برف در کنارنشیب انبا شته شده بود یك سنگ انداز فاصله بود. نیکیتا از بستر شس بر خا ست وبا نوك پنجه هایشس در چار گو شه خا نه که آفتاب آنراگرم کرده بود حر کت کرد. در همین هنگام در باز شدویك کله با عینك، ابرو های سرخ وبر جسته وریشس سرخ تیز نما یان گشت .کله چشمك زد وگفت :

«تو دزد کوچك ، از خواب بر خاستی»

ار کا دی - ایوا نوا و یچ

آدمیکه ریشس سرخ دا شت معلم خصو صی نیکیتا بود - ار کا دی ایوا نوو یچ از شام گذشته در تجسس بودو صبحگاهان عمداوقت‌تراز خواب بر خاست ، ار کار دی ایوانو ویچ یك آدم‌هوشیاروزیرك بود او با طاق نیکیتا در حالیکه خنده معنی دا ری در چهره‌اشس نما یان شد وبه طرف کلکین رفت، به آئینه تنفس کرد وو قتیکه یخ آن آب وآئینه صاف شد عینك ها یشس را مر تب نموده از کلکین بطرف حو یلی نگاه کرد .

«در آنجا نزد یك در،» او گفت: «یك‌تخته بر فی مقبو لی‌یستا ده»

نیکیتا چیزی نگفت وتنهاکمی تر- شرویی کرد . او مجبور شد لبا - سس ببو شد، دندان ها یشس راپاك کند ورو یشس را با گو شها یشس‌و حتی گرد نش بشو ید. بعد از ین ار کا دی ایوا نو ویچ از شا نـه ها یشس‌گر فته او را بطرف اطاق نان به ما ر شس‌برد ،ما در شس که لبا سس خاکی پشمی بر تن داشت کنار سما وار نشسته بود درحالیکه روی نیکیتا را در دست ها یشس گر فته بود با چشمان رو شن‌ودر- خشان بطرف او دید او را بوسید. «نیکیتا، آیا خوب خوابیدی؟»بعدااو به ار کا دی ایوا نو ویچ دست دراز کرد .

«خواب خودت چطور بود ؟ ارکادی ایوا نو ویچ ؟» اوبا دلجو یی پر سید :

بروت های سر خش خندیده پهلوی میز نشست به چا یشس شیر ریخت ، پار چه قندی را در دست گر فته میان دندا نهای سفید شی قرار داد واز پشت عینك ها یشس‌به طرف نیکیتا چشمك زد .

طور سا ده اگر گفته شودارکادی ایوا نو ویچ غیر قا بل تحمل بود:او همیشه سر خو شس بود ، پیو سته چشمك میزد ، هیچگاه چیزی را روشن نمیگفت بلکه هموا ره جملات مر مو زی استعمال میکرد وشخص‌را به‌تشو یشس میگذا شت طور مثال وقتیکه مادر بسیار سا ده پر سید که خوا بشس چطور بود ؟ او جواب داد:(اگر منظور خواب با شد، بد نبود ، خوب خوابیدم) از همین‌جمله باید فهمید هشود اما نیکیتا مـی خوا ست از نا شتا بگر یزد وبـه در یا گو شی دهد. دیروز نیکیتا در عو ض اینکه تر جمه آلما نـی اشس را تکمیل کند برای دو سا عت پهلوی میز پکون نشست وقتش‌را تلف کرد .

ار کار دی ایوا نو ویچ هیچگاه شکا یت‌نمی کرد، این حقیقت است اما نیکیتا همیشه موا ظبت می بود.

ما در شس در وقت نا شتا گفت‌که شب هنگام سر مای بسیار شد ید بود ومجرای بیلر آب را یخ زده بود وقتیکه نیکیتا میخوا هد بیرون برود با ید رو پو شس عسکری‌اشس را بر تن کندامانیکیتا گفت :

-«صا دقا نه‌می گو یم که‌بسیار گر می است.»

-«لطفا رو پو شس را بر تن کن.»

-این سخن‌را ما در شس بر زبـان آورد .

-«این رو پوش رخسـا رم را فشار مید هد ومرا خفك میکند. مادر ! این رو پو شس مرا بر یز شس گرفتار میسازد .»

مادر به ار کا دی ایوا نوویچ‌و نیکیتا دید ووقتیکه گپ می زد آوا- زشس لر زان بود .

- «تو باین حدنا فرمان هستی که نمی دانم بکه می مانی.»

ار کا دی ایوا نو ویچ گفت .- «بیاکه بدرس های خود شـروع کنیم.» دست هایشس را طوری مـی مالید که گو یی خو شی بزر گتری از حل مسا یل ریاضی -دکته کردن ضرب المثل ها ویا سخنا نی که‌آدم را بخواب ببـرد(خسته‌کن -مترجم) وجود ندارد .

نیکیتا در اطاق سفید بزر گـ بیکار که نقشه دو نصف کـره در دیوار ش آویخته بود پهلوی یکـ میز که باداغ‌های رنگ وتصویرهای عریان پوش شده بود نشسـت و ارکادی ایوا نو ویچ کتاب ریا ضی را کشود .

- «تا کجا خوانده ایم؟» با تندی گفت. بایك پنسل نوك تیـز پرا بلم درسی را نشان داد .

«تاجری چند متر تکه آبی را فی متر سه رو بل و٦٤ کو پك ویکـ اندازه تکه سیا را.» بخوان نیکیتا.

همزمان بان ، طور معمول ، اوراجع تاجر کتاب ریا ضی اش تصور می کرد. او دریك بالا پوش گرد آلود دراز در نظر ش میآ مد که رنگـ پریده وتر شرو بود - یك مـرد سنگین، مدور وخا موش ، دو کان

مانند یک مغازه تاریک بود، بالای یك اطاق هموارغبارآلود دو پا رچه تکه گذاشته شده بود- تاجر دستش رادر راز کرده، تکه هارااز اطاق بردا شت وبا نگاه آرام بطر ف نیکیتا دید .

-خوب نیکیتا، چرا اینقدر فکر میکنی ؟ ارکادی ایوا نوویچ پرسید: بصورت مجموع تاجر ۱۸ متر تکه فرو خت. چند متر تکه آبی و چند متر تکه سیاه فرو خته خوا هدبود؟»

نیکیتا عصبا نی شد، تا جر ساکت ودو پار چه تکه در دیوا ر ناپدید ودر گرد وغبار بالای هم انبا شته شد ...ارکادی ایوانوویچ گفت - ای - ای - ای. وبه توضیح پردا خت، اعدادی رآ با پنسل به سرعت نو شت ضرب وتقسیم کرد وبا خود تکرار میکرد، «ده بریک»، «ده بردو» - به نیکتیا چنین معلوم می شد کەدرجریان ضربه این «دەبریک»، یا (ده بردو) از کاغذ به کله اومغز ش را تکان داد طوریکه دیگر فرا مو ششنخوا هد کرد ویک احسا س بسیار ناخوش آیندی بوجود آورده. آفتابیکه بردو کلکین در سخا نه که توسط یخ با هم وصل شده بودندمی تابید - همیشه اورا صدا می‌زد: «بیا بدریا.» بالا خره درس ریاضی به پایان رسید واملا شروع شد- ارکاد ایوانوویچ **بامتداد دیوار** بالا وپا ئین قدم می زد بایک آواز مخصوص خواب آلود، آوازی که هیچکس برای سخن زدن بکار نمی بردند املا گفتن پردا خت -

-تمام حیوانات روی زمین دایم در مشقت هستند وکار می کنند - شاگرد مطبع وسا عی بود ...»

نیکتیا در حالیکه نوک زبا نش را بیرون آورده بود به نو شتن آغاز کرد، قلم بر روی کاغذ کش شد وتر شح کرد .

ناگهان آواز بستن دروازه بلند شد واو صدای تما س بوت ها زابا یخ می توا نست از را هرو بشنود- ارکاد ایوانو ویچ‌کتبایش راپاائین اورد کرد وگوش‌داد .آوازخوش ، می ازنزدیکی هاشنیده می شد ...

- پوسته را آوردی ؟»

نیکتیا سر ش را بطرف کتاب تمر ینش فروبر د،و خند اش را خفه می سا خت. او به آواز یکنوا خت تکرار می کرد. «سا عی ومطیع» «مساعی را نوشته ام.»

ارکادی ایوویچ عینکها یش را مرتب نمود .

«ام - ام» تمام حیوا نات رو ی زمین مطیع وساعی اند ......چرا خنده می کنی؟ نوشتی...؟ ضمنا حالا تفریح کو تا هی خوا هیم داشت .» ارکادی ایوا نوو یچ در حالیکه لبهایش را روی هم فشار می داد، انگشت وسطی دستش را که ما نند پنسل معلوم می شد حر کت داد ه واز اطاق در سی خارج شد، در را هرو با ما می صحبت کرد :

-«الکسا ند را لیؤ نتیفنا، آیا نامهٔ دارم؟»

نیکتیا حدس زد که او - از که انتظار نامه را داشت - اما فر صت زیاد نبود - نیکیتا یک جا کت کوتا پو ست گو سفند ی را بر تن کرد، بوت های نمدی وکلا هش را پوشید ،وروپو ش را پشت الماری اندا خت تا از نظر پنهان شود وبطرف دالان دوید ..

تودهٔ برف ..

حویلی پهناور از برف نرم وسفید و براق‌پوشید ه بود و جای پای های عمیق آبی رنگ انسا ن ها ورد پله های متعدد سگ ها در آ ن مشا هده می شد - هوا تند وبسیار سرد بود .بینی اش **راغلفلك‌می‌داد** ور خسارش را ما نند سوزن نیش می زد- گاراج، چتری ها وطو یله وکلاه های سفید سنگینی پو شیده بودند وبه زمین نزدیک معلو م می شدند که گوا ئی از میان بر ف رو ئیده اند - زد پا ها ئیکه از راندن قایق های بر فی ما نده بود مانند دو تر یشهٔ شیشه بامتداد تمام حیاط بنظر می رسید - نیکتیا از دالان از راه زینه ها ئیکه آواز می کردند پا ئین شد- درپائین یک تختهٔ بر فی کاملا نو از چو ب کاج ایستاده بودویک حلقه ریسمانی که از الیاف نبا تی سا خته شده هم بالا یش قرار دا شت. نیکتیا بطرف آن دید، محکم ساخته شده بود، آن را امتحان کرد تا باسا نی نلغزد - تختهٔ بر فی‌را بالای شا نه اندا خت ، بیل را هم که فکر می کرد بدر دش می خورد با خود گرفت وبتمام طول باغ تا نزدیك بند دوید .در آنجا درختان بزرگ بید ایستاده بو دند همه شبنم یخ زده پو شیده شده بو دند وسا خته های شان طوری معلو م شد که از برف سا خته شده باشد.

ناتمام

بقیه صفحه ۱۰

نگاهی به اوضاع..

در نزدهمین مجمع عمومی موسسه ملل متحد که در بیست ودوم نومبر سال (۱۹۷٤) صورت گرفت . احترم به حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین بدست خود شان و از آزادی ملی خلق عرب فلسطین دفاع بعمل آمد . فیصله نامه ای مجمع پیرامون داعیه فلسطین بزرگتری موفقیت بین المللی سازمان رهایی بخش فلسطین بشمار می رود .

بعد از ین تاریخ پرستیژ بین المللی سازمان آزادی فلسطین (پ، ل، او) بطور روزافزونی به سطح عالی روبه فزونی نهاد . همچنان یک‌کمیته بررسی تامین حقوق‌مسلم خلق فلسطین در چوکات موسسه ملل متحد تاسیس گردید .

سهم گیری نمایندگان مو سسه آزادی فلسطین در فعالیت های موسسه ملل متحد وارگان های آن اکنون به معیار قبول و پشتیبانی خلق های سراسر جهان ارتقا نموده است . نمایندگی های این سازمان در بیش از صد کشور جهان تاسیس گردیده است .

ستراتیژی صهیونیزم اسرائیل ادامه اشغال مناطق عربی ، لبنان، سوریه وحتی تما م شبه جزیره عرب رادر بر دارد . چنانچه اسرائیل هم اکنون برای تحقق این مقاصد شوم خود ، اوضاع رادر جنوب لبنان‌فوق‌العاده وخیم ساخته است .واین کشور را به‌کمك ارتجاع سیاه لبنان وتجزیه طلبان این کشور به کانون جنگ ونبرد قوای متخاصم مبدل نموده است . قوای بحری هوایی وزمینی اسرائیل که با انواع سلاح مدرن و عصری مجهز می باشد همواره به کمپ های‌مهاجرین فلسطین‌وقصبات‌جنوب لبنان گلوله‌باری‌مینمایند

صهیونیزم اسرائیل همچنا ن خیال واهی نابودی ، نهضت مقاومت فلسطین راکه نیرومندترین قدرت ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه شرقمیانه پنداشته می شود نیز در سر دارد . درین موردبیگن اظهار نموده ست «که در اسرائیل ، جنبش مقاومت فلسطین را در همه جا، در زمین، درهوا، ویا اقیانوس ازبین می برد » این‌گفته بیگن می تواند برای امپریالیزم و ارتجاع بین المللی امیدی بیافریند . و لی در واقع این گفته شکست ونابودی ارتجاع حا کمه اسرائیل را باز گو می کند . ایجاد حکومت اسرائیل به ارتباط اسناد تاریخی جز ازنقشه شوم امپریالیزم و استعمار چیزی دیگری نیست .

رژیم جنایتکار اسرائیل اگرچه ظاهرا بادر دست داشتن انبار خانه های سلاح فراوانی‌که امپریالیزم و استعمار سخاوتمندانه آنرا در اختیار آنها قرار داده است قدرتمند به نظر می رسد . ولی در حقیقت پایه های عینی‌این رژیم بحد کافی بی ثبات ولرزان می باشد .

امواج نیرومند مبارزات‌سرسختانه خلق های انقلابی فلسطین سر انجام پیروز خواهد شد . همانطوری‌که ویتنام قهرمان امپریالیزم بین المللی رابه زانو درآورد ....

ارتجاع عرب وداعیه فلسطین :

امپریالیزم و انحصارات ممالك پیشرفته کاپیتالیستی از دیر زمانی برای غارت منابع سرشار نفتی ممالك عربی، وبرای تسلط ونفوذ اقتصادی وسیاسی خود بالای این مما لك ونگهداشتن آنها در مدار کاپیتالیستی ،دولت تجاوزکار اسرائیل را موظف تطبیق اعمال خود قرار داده است . ولی در سالهای اخیر در اثر تعمیق وتوسعه مبارزه سازمان آزادی-بخش فلسطین امپریالیزم برای کشاندن‌ممالك عربی در پروسه ضد فلسطین وضد حل‌عادلانه معضله شرقمیانه مساعی زیادی بعمل آوردند. ارتجاع عرب د ر قلم نخستین رژیم سادات بعد از مرگ جمال عبدالناصر فقید، علاقمندی خاص برای جلب کمك ها ومساعدت های نظامی واقتصادی امپریالیزم ازخود نشان داد. ودر های اقتصادی خودرا بی مهابا بروی چپاولگران استعماری گشود . ارتجاع عر ب بازدوبند های که با امپریالیزم داشتند به نحو از انحا از مساعی برای حل عادلانه داعیه فلسطین وپرابلم های منطقه شرقمیانه سرباز زدند . ودر صدر همه آنها رژیم سادات قرار گرفت . ارتجاع عرب با مبارزات آزادی‌خواهی وروحیه انقلابی سازمان آزادی فلسطین‌کینه می ورزند . واغلبا از کمك های مالی با آنها ابامی ورزند .

ارتجاع مصر در مقابل اشاعه این شعار اسرائیل که «اسرائیل بزرگ از یوفرات-الی نیل» هم عکس العمل ازخودنشان ندادند، این شعار را سادات شخصا هنگام مذاکرات ماه نومبر سال (۱۹۷۷) خود نیز تماشا نموده بود . بعد ازین تاریخ رژیم سادات همواره تقاضای کمك‌های نظامی واقتصادی اسارت بار را از ممالك غربی وامپریالیستی می نماید . چنانچه قرا رنوشته مجله «افریقا وآسیای امروز» رژیم سادات از ممالك غربی بیست ملیارد دالر قرضه را تقاضا نموده است .

چاکر منشی رژیم سادات دراستان امپریالیزم وصهیونیزم اسرائیل بحدی ارتقا نموده است که رژیم وی وظیفه پاسبانی منافع امپریالیزم رادر منطقه شرقمیانه وحتی قاره افریقا بعهده گرفته است هم اکنون‌قوای مصری در بیش از ده کشورافریقایی‌مداخله نظامی می نمایند . رژیم سادات همچنان‌برای تشویق ممالك دیگر عربی در سازش های جداگانه با اسرائیل نیز مبادرت می ورزد .

در اثر تعقیب پالیسی درهای باز مصر میزان انفلاسیون درین کشور پانزده فیصد افزایش نموده است .

وضع سیاسی درین کشور آشفته بوده و بحران اقتصادی شدید ی دامنگیر جا معه مصرمی باشد .

بقیه درصفحه ۲۵

کریمداد .

نجات از چنگال دژخیمان طاغوت مشرب

از زمانیکه بساط ترور واختناق را عمال امپریالیزم در کشور ماگسترده بودند در چنان لحظات فضای شادی وسرور درهمه اطراف واکناف در شهر هاودهات افغانستان مکدرشده در کلبه‌های‌زحمتکشان‌وبیچاره‌گان آوای (غم) واندوه ـنجوا وبیقراری طنین‌داشت ـ درفابریکه ها وکشتزارها کارگران و دهقانان وتمامی زحمتکشان ووطنپرستان در هر کجایی که‌بودند تحقیر ـ تعقیب ـتوهین روانه زندان واعدام می‌شدند ـ استادان‌مکاتب‌وپوهنتو نها‌ـدانشمندان دکتوران وپرفیسوران بابی حرمتی به باستیل پلچرخی کشانده می‌شد ند خلاصه هر آنکه‌سر وطنپرستی وتعالی میهن وآزادی انسان داشت دررد‌یفکسانی قرار میگرفت که بنوبه یکی‌پی

وبرای آخرین باردست ساطور بدستان در هواقطع شدوخوشبختانه عده‌ای اززحمتکشان ووطنپرستان از خشم آن دژخیمان نجات یافتند که این آزاد شدگان از چنگال مرگ کسانی بودند که اقربایشان فاتحه آنها را خوانده در مرگ شان اشك نومیدی ریخته بودند ، چه در کشتار گاه پلچرخی هر که را میبردندندیگر هیچ امیدی به زنده بودن اونبودسازمان ترور این ستمگران درست همانند باند تروریستی امیر عبدالرحمن (پادشاه ظالم) بود که در آن روز گاران بنام (نام گیرگ) یادمی‌شد نام‌گیرگ

باسازمان تروریستی امیر عبدالرحمن‌چنان رواج داشت‌که شب هنگام درب بیچاره‌ای رابه امر امیر میکوبیدند وآنرا به زندان برده به سیاهچاه

دیگر باساطور جلادان نابود میشدند.

درچنان روزگاران غم آلودکه گماشتگان امپریالیزم (باند فاشیستی امین) مذبوحانه تلاش داشتند که انقلاب شکوهمند ثور رااز‌سیر اصولی واصلی آن به بیراهه بکشند ، یکبار دیگر آن همه غم واندوه، آنهمه رنج‌ومحنت، آنهمه نجواو فریاد های کودکان ، زنان، مادران

پدران ،دانشمندان ،مبارزین وتمامی زحمتکشان بهم گره خورده و چون گرزکوبنده‌ای فرق بی مغز سردار ستم راچنان پاشان ساخت که امروزحنجره امپریالیزم درمرگش نوحه‌سرایی دارد .

هامی‌انداختند زنده بگور نموده، نیل‌داغ،واسکت بریدن ونشترزدن چشم هاوغیره ظلمهاواعمال ضد کرامت انسانی را روامی‌داشتند .امیرحفیظ خان نیز باند تروریستی داشت که مرکز اداره آنرا شخصا بنام (کام) نامگذاری نموده بودو گماشته‌های‌امین‌هم‌عرین‌باندآن ددصفتانی‌بودند که شبانگاه در حالی نشه چون گرگان درنده

درمنزل شخصی افراد به درو دیوارو‌بام حویلی واتاقهای آن حمله نموده بدون کوچکترین احساس مسوولیت بالای آن فامیل قیامتی را برپامی کردند آن ددصفتان آدم صورت که باتفنگچه و ماشیندار ارباب خود مسلح میبودند منزل متذکره را تلاشی میکردند واجناس قیمتی

وبا ارزش آن منزل رابه سرقت برده وبالاخره هرکه از افراد آن منزل در چنگ ایشان می‌افتاد اکثر آنها (بجرم) وطنپرستی، بشکل‌وحشیانه بادست وچشم بسته بصوب نامعلومی کشانده می‌شد ندواین همانند سازمان (نام گیرگ)

امیر عبدالرحمن بود که هیچ کسی را این جرئت نبود که اقلا بپرسد که آن بیچاره رابه کجا میبرند ،وگناهش چیست؟

به‌این صورت باکمال جرئت میتوان این باند فاشیستی رایك باند سیاه وحشی ننگ زمان نامید زیرا چه وحشت وستمگریهایی‌نبود که از آنها سر نزد به آبرو ، حیثیت وشرافت مردم بازی کردند از کشته هاپشته ها ساختند کشتند ، بستند ، برق‌دادند ، سوختاندند،ناخن کشیدند ،پنجه دست وپا را قطع کردند وحتی زنده بگور نمودند .

امیر حفیظ الله خان امین مبتکر وحامی باند فاشیستی و تروریستی مخصوص تیپ خودش (فاشیست انقلابی نما) در افغانستان که برای سالیان متمادی توانسته بود خودرا به لباس مردم جازده سخن پرانی وپررویی نماید برای اولین بار پس از قیام مسلحانه ششم جدی اعمال ضد مردمی وضد انسانی او بشکل آفتابی

افشاء شد . گر چه ازین امیر نابکار ومرد فریبکار واین فیودال خونخوار عناصر روشنفکر ومترقی جامعه ماشناخت قبلی هم داشته و هم دارند تنها و تنها چند نفر اعضای فامیل او ووابسته های باند اوشان لفاظی و پررویی این قاتل هزاران وطنپرست را تائید وبرایش کف می‌زدند وبس : چه روشنفکران انقلابی ماآگاهانه وبرویت اسناد ومدارك میدانستندکه امین از نگاه سیاسی هم تربیه یافته دامان ننگین‌قدرت‌بزرگ‌امپریالیزم‌است واین‌وفادار‌به امپریالیزم از همان دوره‌تحصیل خویش توانسته بود که موفقانه فعالیت سیاه سیاسی اش‌راپیش ببرد وحتی در مراکز امپریالیزم جهانی توانسته بود که‌به کرسی ریاست اتحادیه محصلین دربار نماید . واین مسندریاست به کسانی داده می‌شد که او عضو سازمان سیاه (سی ـای ـای) میبود واین بهترین‌دلیل وابستگی‌این‌فاشیست بامحافل امپریالیستی میباشد .

درداخل کشورنیز این امیرنابکار دژخیم صفت که باعوامفریبی‌مختص‌بخودش زمام امورراه بدست گرفت عملا به اثبات رساند که اویك فاشیست وسر دسته تروریستان‌بوده زدوبندش رابا محافل امپریالیستی ما هرانه حفظ نموده بود . این گفته هاروی سخن‌نیست بلکه حقایقی است که داغهای قلوب هر هموطن مادفتری ازیـــن رویدادها میباشد در دوره سیاه‌همین امیر امین بود که بهترین جوانان وطنپرست‌در زندانها و مخفیگاها انباشته‌شده بشکل وحشیانه

مجازات وبه صورت دستجمعی کشتار شدند، شهرها ، قریه ها . منازل ساختمانها بمباردمان ویران‌وباخاك‌وخون‌کودکان،جوانان وپیرمردان بی دفاع یکسان شد واجسادبهترین وطنپرستان بی گور وبی نشان در گودالها وخند قها پرتاب شد . وامروز هیچ کسی نیست که در نابودی این باندجنایتکارخوش نشده باشد چراکه‌هیچ فامیلی سراغ نمیشود که به نحوی از انحاء داغی از ظلم وستم این باند رانديده باشند.

آنطور یکه امیر حفیظ الله امین بطور کل قهرمان ترور وادمکشی ، دزدی وویرانگری‌بود، بهمان ترتیب والا حضرت سردار اسد الله امین

نیز قومانده باند تروریستان مشخص رابه‌عهده داشت که مردم ستمکش اعم از دهقانان،کارگران مزدوران، جوالی ها،کراچی‌رانها،کهنه‌فروشان دختران ،پسران ،اطفال وبزرگسالان ، ملاها، روحانیون محصلین ومتعلمین راموردتعقیب تحقیق توهین ،اذیت ، شکنجه وانواع ستم‌قرار داده وبالا خره پس از مدتی در حالیکه مست میبودند در صحن زندان ویادر پو لیگون آنها رابا تفنگچه و ماشیندار خود بقتل میرساندند.

رویهمرفته والا حضرت عبدالله امین که در طول عمرش بسوی علم ومعرفت ،اخلاق‌وشرافت یك نگاه هم نکرده وچون (امیر بزرگ!) عقده بی‌دانشی‌داشت باچنین‌بی‌حیثیتی‌به امر همان برادر مهربان وبزرگوارش !والی والیان سمت شمال مقررشد این بی فهم وجاهل فکر میکرد که حکمروایی یعنی آدمکشی ، چورو چپاول، کشتار های دستجمعی و شهر سوزی میباشد بهمین اساس ستم عبدالله امین بدل هریك‌از هموطنان مابخصوص درسمت شمال چون لاله های‌صحراداغی گذاشته فراموش نشدنی چه این مردنابکار بهترین جوانان ونو جوانان را کشته خانه‌های ایشانراحریق نموده کودکان معصوم وخانم ومادر وپدر شانرا در زندان می‌کشیدند، شهر ها وقریه هارا یکجا باانسانها، حیوانات اهلی اشجار وغله جات‌آن باپرتاب بم‌هاواعمال تروریستی خود حریق ونابود میکردند .

در آن فضای اختناق وتروروکه هروطنپرست را روانه زندان می‌نمودند وگاهگاهی که درزندان جایی برای زندانی نمیبود بدستور شخص والا‌ـ حضرت عبدالله امین‌دست‌های زندانیهارابسته نموده آنها رابه دریای امو و به دریای کوکچه پرتاب میکردند . بهمین ترتیب‌هر عضوایـــن باند سیاه به نوبه خود بالای مردم ظلم وستم نموده بیرحمانه کشتار کردند این یك واقعیت انکار ناپذ یر است که هر فردی از افــــراد افغانستان در شمال وجنوب در شرق وغرب به نحوی ازانحاء موردضربه‌های‌آن‌باندترورواررباب ستم قرار گرفته بودند . خوشبختانه که آن‌باند جنایتکار به سر نوشتی که باید مبتلا می‌شدند وخواست مردم مابود دچار شدند .

افتخار به مردم وطنپرست و مبارزین انقلابی افغانستان که دشمنان بشریت ووطن خودرااز مسیر انقلابی‌شان چون پرکاهی نابود ساختند.



از منا بع خار جی

بر گردا ننده نصیر ابو ی

جراحی روانی شیوه خطرناك باباز تاب امیدوار کننده!

مغز انسان که‌ازده ملییارد سلول‌سا خته شده بز رگتر ین‌معمـــای آفر ینشس است .

• • •

با جرا حی مغز میتوان جنا یتکاران‌ومعتا دان را معا لجه کرد .

• • •

با این شیوه جلو گیری از خشو نت ها ی‌جنسی امکان پـذ یر است.

• • •

هم اکنون با جرا حی روا نی‌هوش،حافظه واستعداد های گونا گون افراد رادستکا ری میکنند .

• • •

سر عت و شتا ب‌زند گی مد رن، تحول سر یـع جا معه بشری کـــه باعث میشود هر روز فشار بیشتری بر مغزما وارد آید بر خورد هـــای نا مطلوب ونا راحت کننده ،دلهـره واضطراب های درو نی ودهها عامل دیگر مغـز ،انسان امرو زی را در معر ض خطر شد ید قرار داده‌است هر چه تمدن بشری انسا نها را بـا فور مول پیچیده در هم می تندنیاز-مندی انسان به فرد مقا بلشس نیـز افزا یشس می یا بد . در عین حال انسان امروزی محکوم به سر خور-دگی وتصا دمات روز مره‌عا طفی‌اند. زیرا در طول دوره زند گی نیازمندی عاطفی افراد غیر ار ضا کننده است. پس چنین حالت یعنی کثرت نیاز-مندی های زیاد وران پر سشی هاو اضطرا بات وانواع واقسام آن‌اسا-سی برای اختـلا لات روا نی پلای-ریزی می کنند .

دا کتر کوردل معتقد است مغز یك انسان امرو زی‌مجبوراست‌آنقدر مطا لب واطلا عات را در خود جـاو از آن استفا ده بکند که برای همه افراد یك نسل قبل دشوا رمـــی نمود .سنگینی در مغـز وحا فظه‌یکی از زیاد نا را حتی های عصر مـــا است ودر سرا سر جهان ملیونهـا نفر از سنگینی بارفکری وخستگی های رو حی ودما غی رنـج میبر ند!

آنچنان که در بالا گفته آمد‌خطر-اتی که‌در کمین مغز انسان خوا بیده اند سخت نگران کننده اند. بنـــا مغـز انسان برای اینکه‌خود را با شرا یط نو تطبیـــق دهد تحت فشار قرار میگیرد واز طرف دیگر شیـوه های نو جرا حی‌روا نی نیز ممکنست بهتر ین یا بدترین‌شیوه با شد. بهر حال نگران کننده اند .

مغز انسان به ما نند یك خـــازن بر قی است با ده ملیارد سلول که مهم تر ین عضو بدن است پروفیسور سرجان الیکلز دانشمند آسترلیایی وبر نده جا یزه نو بل می گو یـد: اگر قشر خار جی مغز گستر ده‌شود صفحه ی‌بد ست می آید با طـــول پنجاه سا نتی متر ،سه ملی متـــر ضخا مت سلول عصبی نشین‌گاه همه تجر بیات در سرا سر طـــول زند گی هستند با احسا سات عوا-طف، ادرا کات‌خا طرات‌وعکس‌العمل های‌ما، اندا یشه های ما همه‌و همه از همین ده ملییارد سلول سرچشمه می گیر نددرجهان هیـچ‌پدیـــده وجود ندارد که پیچیده تر از قشـــر خار جی مغـــز باشد در زبان علـــمی این سلول ها را نیو رون گو ینـد هر نیو رون میتوا ند با سلول های همجوار خود پنجاه هزار را بطه‌برقی ایجاد کند مغز مادر هر لحظه‌هزاران اطـلا عات را به شکل امواج بر قی دریافت می کند . سر چشمــــــه عـــلا مات وسگنال ها مواد کیمیایی هسته که در سلول ها مغزی پخشس شده اند اطـلا عات در یا فت شده به حسب نوع آنها حا فظـــه ما را تشکیل مید هند (به‌تاز گی کشـــف شده است‌که حا فظه سا ختمان‌ما-لیکولی دارد) بر رسی و مطا لعهٔ مغـــز بو سیله مکرو الکترود نشمان داده‌است که در مغز،برای کنترول اعمال ما مراکز بخصوص وجوددارد مر کز گر سنگی ، عطفی وتشنگی،

مر کزخشو نت ، مر کز غرا یز جنسی وبالا خره مر کز رو یا. درین اوا خر مر کزدرد ولـذت نیز تشخیص شده اند وحتی دا نشمندان توانایی آنرا دا شته اند تا با وسا یل بر قی در مر کز اخیر الـذکر را به تحریك بیاورند وبطور مصنو عی ایجاد درد ولـذت نما یند . مهمترین پدیده مغز ما حا فظه است وچنین به نظـر میر سد که ضبط خا طرات دید نی‌ها وشنید نی هایك عمل بیو شیمی‌است که بکمك برخی از موادساخته شده از مغز انجام می پذیرد. تنها شاك میتوا نداین دستگاه پیچیده را ازهم بپاشد . شاك های روحی نیز مـی توا ند کار حا فظه را دچار اختلال ودگر گونی نماید . «زیگموندفروید» ثابت ساخت که حافظه برخی ا ز خا طرات تحمل نا پـذ یر خود را به صو رت خودی بد ست فرا مو شـی می سپا رد وهم ثابت سا خت کـه ضمیره نا آگاه شخص خاطرات را طرد میکند . امار واحصا ئیه هـای یو نسکو در مورد افراد یکه ازدر- گیری ها ی‌رو حی رنـج می بر ند جالب‌است طی خبر آخر ین ایـن موسسه تعداد کسانی را که درحال حاضر به کار های علمی وفکـری مشغول اند نود فیصد وا نمودکرده است .

کار شنا سان اعـلام کرده اندکه کشف اسرار مغز انسان البته باعث در مان ومعا لجه بسیا ری ازبیما ری هادرسال های دو هزار وفوق آن خوا هدبود . اما آنچه مسلم اسـت شاید انسانها بحدافرا طی‌به جراحی روانی رو ببرند وبا دادن الکترو- شاك هاویا دهها وسیله دیگر مغـز انسا نها را تغییر دهند .دانشمندان نبا ید به استفا ده های احتما لی‌از کشفیات خود شان بیند یشند زیرا از هر پیشر فت یا کشف علمـی ممکنست روزی به قصد غیر اخلاقی استفاده بشود . اما این وحشت از آینده نبا ید ما نـع کار هردانشمند باشد . جرا حی روا نی‌از هنگا مـی پدید آمدکه یك دا کتر پر تگا لـی بنام آگاس لو نیز شیوه معالجـه مخصو ص را برای بیما ران روا نی پیشنهاد کرد این شیوه لوبو تو می نام‌دارد . مطا بـق این اصل بر خی از انساج را که از نا حیه پیشا نی (محل تفکر) به سوی مغز می رو ند قطـع می نما یند . ظا هرا عمـل سا ده هم است . نیشتری زا درسر

بیمار فرو می کنند . وچند نسـج را می‌بر ند . اما عمـلا معلـوم شد که این بهبود یا فتگان به انسا نهای تبد یل شد ند گیـچ وبـی ارا ده تغییرات روا نی آنها چنان شد یـد بود که حتی نزد یکان شان بـه شنا خت آنها مو فـق نشد ند. امـا امروز شکل تکا مل یا فته تری از جرا حی روا نی مغزدر آلمان ،امریکا از آزما یشگاه ها به شفا خا نه هاراه یافته است بااین شیوه جراحی‌بعضی ازصفات خشونت‌آمیزوانحرافات‌جنسی بیمار را از بین می بر ند . یـك کمیسیون جهانی شا مل‌پروفیسوران بین المللی مامور بر رسی درباره‌این مسند جرا حی شد . اعضای ایـن کمیسیون صر یحا اعـلام دا شتنـد

که میتر سند در مورد اینگو نـه جرا حی افراد بشودواز ین رو شی استفا ده های غیر انسا نی نما ینـد با این هم‌رئیسی کمیسیون دا کتـر رایان اعلام داشت : جرا حی‌روا نی مغز تا حال به‌بیما را نی زیا دی‌کمك کرده بدون اینکه هو ش وفرا ست آنها ازبین برود ویا به زندگی‌عاطفی شان لطمه وارد شود . ازسـال ۱۹۷۰ به اینسو جر احی‌روا نـی پیشر فت زیاد ی‌کرده است امـا جراحان بخش مغز سعی می‌کننـد که برای عمل خود حدود قاطعی‌تعین وبرای آن‌جامه‌ی قانونی در بر کند تا کار به افراط نکشد .ها کسلـی متفکر بزرگ پیش‌بینی کرده‌بودکه اگر این شیوه از آز ما یشگاه هـای علمی به جا معه سرا یت کند.جامعه انسا نی دچار سقوط خوا هد شد. این بحث ومنا قشات علمی ، انتقـاد وطر فدا ری ، طی سا لیان دراز ادامه داشت تا اینکه در سال۱۹۷٤ کنگره جها نی عصب شنا سی ادامه

تحقیق کنترل عا دات روا نی را تـا سال ۱۹۸٤ اعـلام کرد ند . یعنی این کنگره در مر حله اول شیـوه را تا سال ۱۹۸٤ وفوق‌آن بو سیله جراحان مغـز تضمـین نمود. ودست اندر کا ران‌وکارشنا- سان آزما یشگاه را صلا حیت قا- نو نی داد ومطا بـق به اجرا آت‌این کنگره پیا ده سا ختن عمل روی بیماران روانی ز ندانیان و اطفـال قبول گرد ید .واین وسیله همانندی که پیشگو یی میشد میر فت تاداغ تر ین مو ضوع علمی روز را بـر

سر زبانها بنشاند امابه یقین اساس این رو شـ در سـا ل ۱۹۳۵ گذارده شد .در گردهم‌آیی‌دانشمندان بین المللی که در هما نسال منعقـد گرد ید. اسا سات آن برای‌نخستین بار تو سط داکتر کار لیل ودا کتـر جان فو لتن باز گو گردید و یکـی بعد دیگری چا قوی جرا حی را روی انساج دماغ خوا با نید ند. دراوایل ازین طر یقه به عنوان یك‌فا نتزی

یا د دهانی میکردند ، نه یك اصل علمی اما بعدا آزمایشات عکس‌منا - قشه را ثابت سا خت.

در دهه پنجاه دو فکتور (عامل) عمده تدا وی کیمیا یی واستفا ده‌از الکتروشاك باعث پیش رفت وسیله فوق گردید زیرا تا ثیرات جا نبـی ومخا لفت های زیاد حلقه هـای علمی بیشتر از پیش سد پیشرفت

بقیه‌درصفحه٤٦

بقیه صفحه ۲۱

نگاهی به‌اوضاع...

به‌اساس نوشته لوموند چاپ پاریس عرصه زندگانی کارگران، دهقانان و غیره طبقا ت پایین وزحمتکش پیوسته تنگتر می گردد .

سازش های مصر واسرائیل مورد نـفرت همه جهان مترقی قرار گرفت . و منجملـه پروسه ضد سازشی های خـائنانه مصر در کنفرانس ماه مارچ بغداد که به اشتـراك (۱۸) کشور عربی انعقاد یافت بخوبی تجلی نمود . از مواد برجسته وفیصله نامه ایـن کنفرانس که به اتفاق تمام اعضای شرکت- کننده به استثنای سومالی وعمان بتصوبب رسید مواد آتی را می توان ذکر نمود .

۱ـ وضع تعذیرات اقتصادی با حکو مت موجوده مصر .

۲ـ قطع روابط دیپلوماتیك با حکومت‌مصر.

۳ـ اخراج مصر از عضویت کانگرس‌جهانی اسلامی .

٤ـ اخراج مصر ازتمام سازمان‌ها واتحادیه های منطقوی عربی .

۵ـ قطع صدور نفت به مصر .

همچنان در اجلاسیه سوم کانگرس خلقهای عرب که‌درماه‌می ۱۹۷۹ درعدن به‌اشتراك‌هفتاد حزب وسازمان های‌سیاسی ویکصدو چهل‌ودو اتحادیه کارگری وسازمان های زنان وغیره سازمان های اجتماعی از هفده کشور عـربی انعقاد یافت به وضاحت اعلام نمود. که آنها برضد سازش های مصر واسرائیل مبـارزه خواهد نمود آنها ضرورت تحکیم همکـاری خودرا باتمام ممالك مترقی وبطور اعم باکلیه کشور های جامعه سوسیالیستی تاکیدنمودند.

کنفرانس لزبن وخواست عادلانه فلسطین:
در آغاز ماه نومبر سال ۱۹۷۹ در لـزبـن مرکز پرتگال کنفرانس تساند وهمبستگی باخلق فلسطین انعقاد یافت . درین‌کنفرانس اعلام گردیدکه‌اسرائیل‌حالت‌وحشتناکی‌رابرای کلیه خلقها ی شرقمیانـه وبخصوص خلق فلسطین ایجاد می نماید. سخن گویان این کنفرانس تاکید نمودند که معاهده نام نهاد کمپ دیوید وسازش های خرابکارانه مصرو اسرائیل حقوق انسانی وملی مردمان عـرب فلسطین را زیرپا می نماید . و پـالیسی صهیونیستی اسرائیل عمده ترین تهدیدکننده صلح ودیتانت در منطقه شرق میانه وسراسر جهان پنداشته می شود. همچنان در یـن کنفرانس پیرامون ستراتیژی های امپریالیزم ارتجاع عرب وارتجاع حاکم اسرائیل که حال

در زدوبند واتحاد نامقدس باهم تشریـك مساعی می نمایند بحث صورت گـرفت . نمایندگان حلقه های سیاسی مترقی اروپای غربی نیز پلان های امپریالیزم رادر قبـال داعیه عرب وتمام پرابلم های ناشی ازتشنجات بین اعراب‌واسرائیل. را مورد نکوهش قرار دادند . اهمیـت این کنفـرانس با حضور یاسر عرفات رئیس کمیته اجرائیوی سازمان آزادی بخش فلسطین وبیانیه های پرتحرك‌وی بیشتر گردید .

یاسر عرفات رهبر خلق فلسطین پیرامون مبارزات قهرمانانه آزادی خواهی خلق عر ب فلسطین سخنرانی نمود . واوهمچنان ازکمك وپشتیبانی بیدریغ تمام کشور های جامعـه سوسیالیستی و بخصوص از مساعی اتحاد - شوروی برای حل عادلانه شرق میا نـه اظهار خرسندی نمود .

تمام شرکت کنندگان ایـن کنفرانس قاطعانه اعلام نمودند که با ید تمام قـوای اشغالگر اسرائیل بدون قیدو شرطی ازمناطق اشغالی که در سال (۱۹۷٦) متصرف نموده است خارج شوند وحقوق طبعی و مسلـم فلسطین را مبنی برتشکیل نمودن دولت آزاد فلسطین مورد احترام قرار دهد .

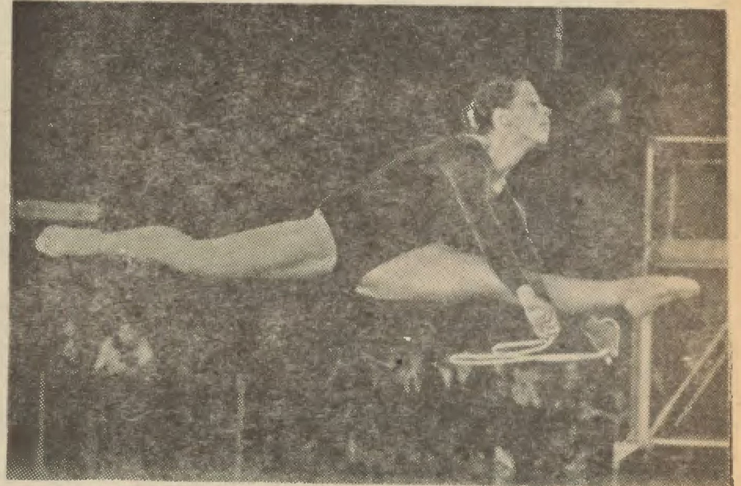
در ین کنفرانس به آنعده از کشور های که تاهنوز موسسه آزادی فلسطین را بـه رسمیت نشناخته اند خاطر نشان گردید تاهر چه زودتر این موسسه رابه رسمیت بشناسند.

در خلاصه تحلیل وبررسی اوضاع سیاسی در منطقه شرق میانه این نتیجه گیری حاصل خواهد شد که پرابلم های شـرق میانـه ومسئله فلسطین در صورتی میتواند عادلانه

حل گرددکه همه جوانب ذیعلاقه بشمـو ل نماینده سازمان رهایی بخش فلسطین بـه اساس فیصله نامه های موسسه ملل متحد عمل نمایند . زدوبند ها و معاهدات که در خفای خلق عرب وبدون اشتراك‌موسسه‌آزادی فلسطین صورت گیرد جعلی وسطحی خواهد بود. ودر امر صلح هیچگوله تاثیری مثبـت نخواهد نمود .

حل عادلانه مسله شرقمیانه قدم بزرگتری خواهد بود در راه تعمیم دیتانت وامنیـت بین المللی .

پـلان اعمار شهری برای اسپ سواران



مشق‌و تمر ین های ورزشی‌درستد یو می که برای المپیای ۱۹۸۰ سا خته شده است .

دراتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی که در آن در سال ۱۹۸۰ مسا بقـه او لمپیای جهانی دایر میگردد‌شهری برای اسپ سو ران ومسا بقه‌اسب دوا نی‌در منطقه بیستا که در حد ود بیست وششس کیلو متر ی مر کز قرار دارد در نـظر گر فته شـده است .

اما مهند سین در مورد تعییـــن مو قعیت ستد یوم مـذ کور دچار تردید وسر درگمی های‌می باشنـد اما عـده به این نظر اند که ایـن منطقه محل منا سب برای اعمـــار یك ستد یوم بوده زیرا مردم بــــه آسا نی میتوا نند از هر نقطه شهـر به آن جا رسید گی نموده وهــم درپهلوی منا ظر طبیعی خو شــں آب و هوای قرار دارد . این ستدیوم در حدود چهل و پنج هکتار ز مین را در بر میگیرد .

یك گروپ مهند سین وانجنیــران مو فـق شد ند تا توا ز‌ن‌میان‌عمارت های بلند وزمین های هموار بو جود آورند . خشت پخته وچوب موا دی است که روی سا ختمان ستد یوم‌را باآن اعمار نموده اند که رنگ‌نمای خار جی ستد یوم مـذ کور با رنگ طبیعی طبیعت همگونی را وانمودمی سا زد . عمده تر ین قسمت ایــن ستدیوم را محل جست‌وخیز وتمرین تشکیل مید هد درحدوددوازده هزار چوکی در روی زمین سا خته شده که در سه قطار قرار دا رند هــر قطار آن‌نود تا یکصدو پنجاه متر می با شند .

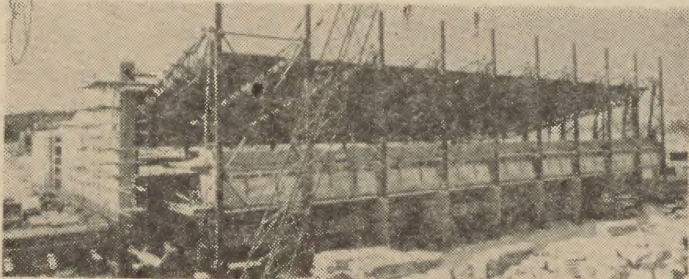
میدان مسابقه درحدودیکهزارو‌هشتصد متر بطور مدور بوده‌وبیست متر فرا خنا دارد که در درون حلقه های دو شی محل برای تمر یــــن وآما دگی برای مسا بقه‌درنظـــر گر فته شده است .

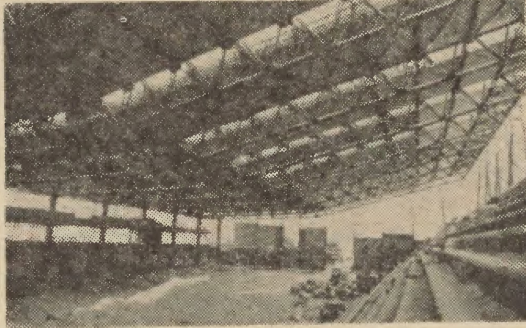
تعداد زیاد مردم بدون داخل‌شدن در ستد یوم مـذ کور میتوا نند از نقاط دور از مرا تـع وزمین های هموار نیز مسا بقـه راتماشانمایند.

در ستد یوم مـذ کور دومحـــل درشرا یط نا گوار اقلیمی سوار‌کا ران ومسا بقه دهند گان مـــی توا نند دردرون به حدودسی‌وهشت‌متر ونود متـــر بــــــه مسابقه شان ادا مه دهند در ین ستد یوم وسا یل ضرو ری از قبیل مســـاژ بر قی ـ ادو یه های او لیه ضرو ری اتاق کنفرا نس وصنف مخصو ص در سی می با شند .

قسمت های درو نی ستد یـــوم از چوب ومواد نرم سا خته شـــده است اما محل ویا اتاق که برای تبد یل لبا س در نظـر گر فتـــه شده خارج از محو طه مسا بقه قرار دارد .

همچنان در ین جا محل بـــرای نگهدا ری ومرا قبت اسب ها نیــز وجود دارد هر یك از ین طو یله ها گنجا یشں نگهدا ری چهل اسـب را می داشته باشد طویله ها دارای مرکز گرمی نور وروشنی کافی و





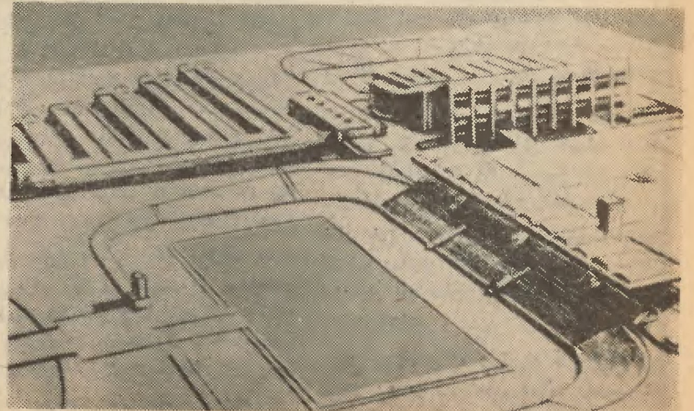
یك ستد یوم سقف داربرای‌مسابقه اسپ دوا نی‌دراتحـاد شـوروی

برای پو شیدن وتبد یل کا لا وجود دارد یکی از ین محل ها که ســـر کشاده‌بوده دا رای یکهزارو پنجصد چو کی بوده ودگـــری آن دا رای دو هزار چو کی است این محل که دارای دو هزار چو کی است سقف آن کا مـلا پو شیده است و طوری دیزا ین وطرح ریزی گر دیده کـــه اشعه سقف آن در هجده متری‌طرف دگر تا بیده وقسمت با لا یی را در تبد یل‌هوای آزاد کمك میکند .

حما م می باشد که در مجا و رت آن کلنیك حیوا نی وبیتا ران نیـــز قرار دارد .

یی لی نا قهر مان جها نی او‌لمپیك درمورداین استد یوم چنین اظهار عقیده‌نموده است‌این‌استدیوم شگفتی انگیز که در اتحاد شو روی سو سیا لیستی اعمار میگردد نـــه تنهایك طرح ودیزین زیبا برای‌اعمار یك ستد یوم بز رگ مسا بقــــه

بقیه درصفحه ۵۰



مودل ونمو نه سا ختمان ستدیوم‌ورزشی برای اسب سوا ری‌درمنطقه بیستا .

بااشتراک در روز نامه‌ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

اطلاعات وکلتور بافرور یختن مرز تفاوت وجه اشتراک شهر و ده در خد مت بیشتر علاقمندان روز نامه‌ها جراید و مجلات است .

بخاطر اینکه درسال نو کلیه روز نا مه‌ها ،جرایدو مجلات بتوانند دروازه های تمام مشتر کین را صرف نظر از شهری و رو ستا یی یکسان بکو بد ، مد یریت عمو می توزیع روز نا مه ها و مجلات و جه اشتراک علاقمندان را در کلیه نقاط کشور یکسان میپذیرد .

دوستداران روز نا مه ها ،جراید و مجلات :

شما که بر قلل شا مخ وپر برف زند گی میکنید و یا در دشت های گستر ده وو سیع حیات بسر میبر ید ....

شما که در کابل هستید و یا در دره‌ی های پرخم وپیچ میتوا نید با پردا خت و جه اشتراک یکسان در جمله مشترکین روز نامه ها، جراید ومجلات ما با شید از داغ تر ین رویدا دها ،خبر ها ، حوا دث آگاهی بیابید و سا عت ها سر گرم شوید.

روز نامه حقیقت انقلاب ثو ر :

اگر خوا هان روز نا مه حقیقت انقلاب ثور میبا شید در هر جای کشور که هستید در بدل دو صد افغانی واگر شاگرد و یا محصل باشید با ارائه تصدیق در بدل ۱۵۰ افغانی یکسال بشما روز نا مه میفر ستیم .

ا نیس :

اگر انیس میخوا هید در هر گوشه میهن که باشید با پرداخت دو صد و بیست افغا نی وا گر شاگرد ومحصل هستید با پردا خت یکصدو پنجاه و پنج افغانی یکسال روزنامه رسان دربِ منزل شما را میکوبد .

هیوا د :

اگر روز نامه هیواد را بخواهید درهر کنار وطن که هستید در بدل یکصد افغانی و اگر شا گرد و محصل با شید در بدل هفتادوپنج افغانی یکسال روز نامه درخد مت شما است .

کا بل نیو تا یمز :

اگر روز نامه کا بل نیو تایمز ر ا انتخا ب کنید د ر هر نقطه کشور که با شید باپرداخت یکهزارو ششصد افغانی و اگرشاگرد ومحصل هستید با ارائه تصدیق و پر دا خت دوصدو پنجاه افغانی یکسال شما مشترک ما هستید .

مجلات و جراید ما نیز حسب زیر یکسال در خد مت شما خواهد بود:

مجله ژوند ون:

سالانه پنجصد افغانی برای متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق چهار- صد افغانی .

کمکیانو ا نیس :

سالانه یکصدو بیست وپنج افغانی.

مجلات پکتیا ،کند هار ، ننگرهار، بلخ ، کهول ، آواز ، فر هنگ خلق، هنر ، کتاب ، کو شانی و جراید یولدوز ، گوراش و سوب در داخل کشور سالانه شصت افغانی برای متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق چهل وپنج افغانی .

مجلهٔ آر یانا بزبا ن انگلیسی:

سالا نه یکصدو شصت افغانی برای متعلمین و محصلین با ارائه تصد یق یکصدو سی افغانی. شما میتوانید در مرکز همه روزه از اول تا اخیر حوت بمدیریت عمومی توزیع روز نا مه ها و مجلات درجوار عمارت مطابع دولتی ، انصاری وات مراجعه واشتراک نمایید ویا وجه اشتراک تا نرا از مرکز و ولایات بحسا ب (۶۰۰۱) وا ردات دولت تحویل و اویز آنرا مستقیما عنوانی مدیریت عمو می توزیع روز نا مه ها و مجلات انصاری وات کابل بفر ستید .

شرح اشتر اک رو ز نامه ها و مجلات در خارج کشو ر :

وجه اشتراک روز نا مه حقیقت- انقلاب ثور ، انیس ،هیواد وکابل- نیو تایمز در خارج کشور، هوایی صد دالر و زمینی سی دالر.

برای محصلین، هوایی هفتادوپنج دالر ، زمینی بیست و سه دالر .

وجه اشتراک مجله ژوندون در خارج کشور هوایی صد دالر ،زمینی سی دالر برای محصلین ، هوایی هفتادوپنج دالر ،زمینی بیست وسه دالر وجه‌اشتراک مجله کمکیانوانیس در خارج کشور ، هوایی پنجاه دالر، زمینی بیست وپنج دالر .

وجه‌اشتراک مجلات پکتیا ،کندهار، ننگرهار ،بلخ، کهول ،آواز، فرهنگ خلق ، هنر ، کتاب ، کو شانی و وجراید یو لد وز ، گوراش و سوب در خارج کشور هوایی پانزده دالر، زمینی پنج دالر برای محصلین ، هوایی دوازده دالر و زمینی چهار دالر .

وجه اشتراک مجله آریانا درخارج کشور ، هوایی دوازده دالر ،زمینی پنج دالر برای محصلین ، هوا یی نه دالر ، زمینی چهار دالر .

مد یریت عمو می توزیع روز نامه هاو مجلات از آغاز سال نو باوسایل بیشتر وجدی تردر خدمت علاقمندان روزنامه ها و مجلات است تا آخرین اطلاعات روز وداغ‌ترین حوادث روز را بشما برساند و مجلات و جراید محبوب خانواده هارادرمو قعش برای آگا هی و سر گرمی تان تقدیم کند .

وقت گرانبها ست ، از زود ترین فرصت استفاده نمایید تا کلکسیون تان از آغاز مرتب باشد . زیراباختم سال جاری میعاد اشتراک پایان میبابد .

مرجع اشترا ک:

مدیر یت عمومی توزیع روز نامه‌ها ومجلات.



انجیـــلا وفا نثار

زن وشناخت مسوولیت هایش در فامیل

هما نطور یکه مردان در مقا بـل فا میل واجتما ع خود مسو ولیت های دارند وشنا خت مسوولیت‌های شان باعث‌خو شبختی وسعا دت آنها میگردد .زنان نیز درحا لیکه‌نسبت به مردان حقوق مسا وی دا رنـد،در مقا بل‌خا نوا ده واجتماع مکلفیـت های قا بل شنا خت دا رند کـــه به شناخت وایفای وظا یف خو یش میتوا نند از بسی مشکـلات ونــا-رسا یی های فا میل بکا هند .

بطور مثال : اگر خا نمی باو جود دا شتن مصرو فیت رسمی روزا نه در محیط کار شس کمتر در امور منزل سهم وعـلا قه گر فته ومنتظر آن باشد تا پسر ، دختر ویا شو هرشس هفت سا عت در دفتر کار مینما ید، دیگر از همه کار های منزل معاف است ،وا ضح است که، وظا یـــف خود را آنطور یکه لازم است نشنا-خته ،شو هر ویا دیگر اعضای فامیل بخا طر گـذشتی که دا رند ، شا ید بعضی کار های محو له او راتااندازه انجام دهند ویا شا ید نتوا نندقسمی که‌لازم است به تر تیب وانسجـام امور منزل سهیم گرد ند .

زیرا یك مرد نمی توا ند،طوریکه مادری به اطفا لشس رسید گـی‌و همنوا یی‌مینما ید،بهمان کیف وکان در قسمت تر بیه طفل ویا تهیه‌غذا موفق باشد . با وجودیکه مـــرد در این قبیل کار ها مبا درت ورزد باز هم نتیجه مطلوب نخوا هد گرفت ودیری نمیگذرد که از زند گی‌خسته شده ونارضا یتی از خود نشـــان مید هد .

برای جلو گیری از خلق شدن چنین روحیه ، در صورتیکه مردوزن هر دو با دا شتن هدف وا حد و خلو ص نیت در کار های منزل سهم بگیر ند . ممکنست نتیجه ایـــن اتحاد بسیار عا لی وسود مند باشد. درباد ی امر با وجود یکه آنهـــا خو شبخت شده وبدون مشکـــلات زند گی مینما یند ، در آییه زند گی نیز اتحاد نظـر عمل وهمـــکا ری متقا بل آنها باعث جلو گیری ازنا-رضایتی ها ومشا جرات گرد یـــده وهیچگا هی ضرو رت احسا س نمی شود که برای حل مشکـلات فامیلی شان شخص دیگر از اقا رب میانجی شده وفرو گذاشت هر یك‌را بـــر شمرد وبعدا به آنها بگو ید که درآن قسمت کی ملامت ومقصر است؟

از ین چه بهتر خوا هد بود، قبل از آنکه مو ضو عات خورد وریـــزه خانوادگی کسب و خا مت نمــو ده به درازا بکشد ، خا نم وشو هر شس بیك نگر شس همه جا نبه ، مـــو-ضو عا تی را که نزد آنها لاینحل‌و مغشو شس است ، بر رسی نمـــوده وهر کدام در حصه خود راه های حل آنرا جستجو کنند .

چه از اثر همین مو ضو عات‌پیشس پا افتا ده ونا چیز خا نوا د گـــی، کشمکشس ها بحدی میر سد کـــه بصورت حتم با ید زن از شو هر جدا شده‌و اطفال شان کـــه بـــه تر بیه وغمخوا ری اشد ضرو رت دارند بی سر پر ست ما نده ودر نتیجه هردو با عا لمی از پشیما نی وما یو سیت حیات بسر ببر ند.

به مصداق این گفته با یك‌نگر-شس سطحی اوراق دو سیه هــــای برسی موضو عات‌فامیلی نشان می-دهد که در بعضی فا میلها مو ضو-عات بسیار نا چیز که اصــلا با لای آنها حساب نمی شده‌آنقدر کســب وخا مت کرده تا سبب از هم پا شی کا نون گرم فا میل وجدا شدن‌شوهر از خانم گرد یده است .

پسی بهتر است ،آنعده زنـــان ومردا نیکه به این امر کمتر رقعــی میگـذا رند با شنا خت وظایف‌ومو-قف خود ها جلو تمام این گونـــه سو تفا همات وبی اعتنا یی هارد گر فته ونگذا رند که‌بااین فـــرو-گذاشت ها، برعلا وه خود شـــان اطفال آنها نیز پر یشان شده واز محبت ولطف مادرا نه وپدرا نـــه محروم گرد ند .

ترجمه ونگارش

عبدالله «محب حیرت»

زنان یو گوسلاو یا وسهمگیری شان درامور دفاع ملی!

نخست بایست یادآورد شد که‌جمهوریت فدرالی سوسیالستی یوگوسلاویا بعد ازجنگ عمومی دوم جها نی، بتا ریخ۲۹ماه-نوامبر ۱۹٤۵ در ردیف کشور های مستقل

گیتی عرض وجود کرد ودر ۲٤-اکتوبر۱۹٤۵ عضوموسسه ملل متحدشده وبتاریخ سی‌ویکم جنـــوری ۱۹٤٦ تاسیس فدراسیون مــردم یوگوسلاویا سروسامان گرفت وبحیث یك

کشور آزاد غیر منسلك تحت زعامت مارشال جوزف بروز تیتو بسوی پیشرفتهای گوناگونی طور پیگیر گامزن شده وبموفقیتهای مطلوبی

نایل آمده است که مظاهر آن درهر گوشه وکران آن سرزمین بخوبی پیداست .

قبل از توصل به آنهمه پیروزیها وحصول آزادی کامل، مبارزات دلیرانه ورهایی بخش باشندگان حریت طلب این کشور درمقابل

تجاوزات آلمان هتلری ونیرو های تبهکار و بیرحم فاشیزم، صفحات تاریخ ازخودگذریهای ملل آزادیخواه وبا شهامت اروپای جنوب شرقی را پر رنگ وزیب ساخته است .

البته در پهلوی سایر انکشافات آنجا ، مساله تامین تساوی حقوق زن ومرد هم مورد نظر بوده است که یکی از آنجمله سهمگیری زنان در امور نظامی ودفاع ملی میهن شا ن

دوتن از دختران وطنپر ست یو گـوسلاویا مربوط به گروه پار تیزا نان هنگام تمرینات به سواری موتـرسا یکل .

میباشد که محتوای این مبحث ، صحنهٔ وشمهٔ ازآن دگرگونیهای مترقی را بصورت نمونهٔ بیانگر میتواند شد .

بتاریخ ۲۵می ۱۹٤٤ دستهای سر بازان آلمان در شهر کوچك «دروار» واقع ایالت بوسنیان (بوسنی) سرازیر شده و بمقصد عملیات دستگیری واز بین بردن بزرگترین سران ورهبران نیروی‌آزادیخواه یوگوسلاویا دست به اقدامات شدیدی زدند، چنانچه مارشال تیتو را زندانی ساختند . درین وقت گروه های متعدد وبیشماری از پارتیزانان کشور با قوای مهاجم سخت در آویختند ، بنحویکه ساحهٔ جنگهای پارتیزانی بهرگوشه وکنار یوگوسلاویا قدم بقدم گسترش یافت. پارتیزانان با یك عدد تانك کوچك و وسایط محدود دستداشته میکوشیدند تا در قبال مبارزهٔ متداوم وپیگیری بردشمن متجاوز ضربات سنگین ومرگباری را وارد آورند، همگام با عملیات تدافعی پارتیزانان و تهاجم دشمن، سربازان آلمانی طی یك لحظهٔ کوتاه موفق شدند تا در نقطه دریچهٔ پیشروی تانك که محل دید وتشخیص تانکران است، پردهٔ رابیفگنند وسربازان داخل تانك را ازمشاهده وترصد ماحول شان محروم کنند . بدینترتیب یگانه وسیلهٔ نقلیهٔ پارتیزانان درعالم نابینایی ومحیط درمانده حرکت کنان بجلو میرفت تا اینکه بدیوار محکم سنگی یی تصادم کرد واز حرکت بازماند . درین اثنا یکتن از سربازان مهاجم آمادگی گرفت تا نارنجکی راکه یکنوع آلهٔ محترقه ومخرب است ا ز روزنهٔ تانك بداخل آن پرتاب کندو بدانوسیله آنرا باسرنشینان پارتیزانی اش ازبین ببرد ولی همزمان باچنین رویدادی، یکزن جوان یوگوسلاوی که مترصد ومراقب آن صحنه بود، خودرا از میان یك گروپ اسیران وطنپرست که بدست سربازان مهاجم افتاده بودند، برق آسا کشیده وبسمت تانك یاد شده پیشرفت وبا شجاعت وتهورحیرت آوری پارچهٔ افتادهٔ پیشروی نقطهٔ دید تانك را پس زد وآنرا روی زمین پرتاب کرد ولی درازای این عملیهٔ وطنپرستانه، پیکر لطیفش در برخورد با فیر های مسلسل ماشیندار دشمن تکه تکه وسوراخ سوراخ شد و تانك پارتیزانان دو باره عملیات تدافعی ومحاربوی خودرا از سر گرفت .

باثر فداکاری پیغله «میکابوسنیك» آ ن دوشیزهٔ شجاع اسمش درردیف قهرمانان ملی کشور یوگوسلاویا اعلام شد وبیاد بود و ی ودیگر همرزمانش بزرگداشتهایی بعمل آمد. همچنان موصوفه نقش هیرویین رادر فلم مستندی بنام «اوپانزدهم بود» موفقانه بازی کرده که بر شهرت قهرمانیش افزوده است.

در اثنای جنگ آزادیبخش ملی که ا ز سال ۱۹٤۱ تا ۱۹٤٥ در یوگوسلاویا تحقق پذیرفت ، در حدود یکصد هزار زن بحیث پارتیزان علیه مهاجمان سهم گرفتند و از خود عملیات فوق العاده را بر ضد دشمن تبارز دادند . آنان رزمندگان وجنگجویان ، کمیساران سیاسی، پرستاران و نرسان و آمران بررسی امور معالجهٔ زخمیان و تداوی مجروحان درمانده بودند که لمحهٔ از تداوم وظایف مقدس شان باز ننشستند . بدینترتیب از زمرهٔ یکهزار و هشتاد تن رزمندگان «چهارمین دستهٔ متشکل پرولتاریان» بتعداد دو صد نفر شان زن بودند . در «سلوونیا» گروه بزرگی از دستجات زنان مبارز مربوط به بتالیون وقشون معروف «پوهورجی» طوری تربیت وتنظیم شده بودند که عملیات شا ن برپیروزیها و شهرت نیکوی نظامی آن‌قشون میافزود. طی جنگهای این دوره (٤۱ـ۱۹٤٥) بیست وهشت هزارزن پارتیزان مقتول وچهل هزار زن جنگجو مجروح شدند . آن عده زنان ودوشیزگانیکه جان بسلامت بردند ، دوهزار تن شان بمقام افسری وآمری‌رسیدند ونودنفر آنان بعالیترین مناسب و القاب نظامی ودارندگان نشان قهرمانان ملی نایل گردیدند .

مارشال تیتو قوماندان عالی جبههٔ آنزمان در اثنای وقوع یکی از وقایع رزمی وقتی گفت : «من بختیار ومفتخرم که قومانده و رهبری چنان قشون سر سپرده را در برابر دشمنان مهاجم بعهده دارم که شماربزرگ آنرا زنان در بر گرفته است، لذا من گفته میتوانم که آنان با روحیهٔ شهامت و قهرمانی خویش درین مجادله بخاطر امحای دشمن نقش وسهم بیشتر وقابل ملاحظهٔ داشته اند ، بنحویکه آنان در مقامهای پیشرو و مقدم قرار دارند ، از آنرو این انگیزهٔ افتخار آمیز و آمیخته باغرور ملی مردم یوگوسلاویا برشمرده میشود که ایشان چنین دخترانی دارند .....» .

بعد ازپایان جنگ، شمار ثابت و معینی از زنان مبارز ورزمنده، بمقصد انجام خدمات نظامی در قوای مردم یوگوسلاویا ، بحیث کارمند ومحاسب، نرس ودکتور طب، بدون مقید شدن یاملبس گردیدن با یونیفورم مخصص نظامی، وظایف محولهٔ شانرا ادامه دادند. بدینترتیب دریوگوسلاویازنان خدمات نظامی را بصورت اجباری در جبهه عهده دار نمیشوند اما زنان مستعد یکه جسما و روحا در مواقع ضرورت برای اجرای وظایف مورد نظر در ساحهٔ دفاع ملی ودفاع ازوطن آمادهٔ فداکاری و سهمگیری میشوند ، یاداوطلب میگردند بشمول طبقهٔ ذکور (مردان) طور عموم از سنین شانزده تا شصت وپنجساله، اعضای چنین نیرویی را متشکل میسازند و وارد صحنهٔ عملیات رزمی میگردند .

فعلا در قشون یوگوسلاویا ، دکتورمیرمن «روزاپاپو» بحیث یك جنرال ز ن ورزیدهٔ از طبقهٔ نسوان مصروف خدمتگذاریست که‌هنگام جنگ دکتور پارتیزانان میهن خود بود ودر قبال ارزیابی وقدردانی از کارگزاریهای متداومش توانست تا درسال ۱۹۷۳ بمقام و رتبهٔ «میجر جنرال» نایل شود . وی در عین حال پروفیسور اکادمی طبی نظامی در بلگراد بوده وتاحال بیش از شصت اثرعلمی او بر اعتبار وشخصیت علمی اش افزوده است . همچنان چندین زن ودوشیزه دیگر بصفت کلونل در اکادمی طبی عسکری و سایر انستیتوتهای اختصاصی بلگراد و سایرایالات وشهر های یوگوسلاویا شامل خدمت اند .

به تعقیب روشها، سنن وطرز العملهای جنگ پارتیزانی وتداوم مماثل رفتار و شیوه های بازماندهٔ نسل‌کهن وپیشین، کلیه واحد های زنان وگروههای رزمی نسل معاصر نسوان بشکل پیشرفتهٔ آن در یوگوسلاویا تاسیس گردیده وفعال است . بطور مثال

بقیه در صفحه٤۹



عسکر دوشیزه‌یی از دسته های پارتیزانی بالباس وساز وبرگ ستر واخفا»



دسته از دوشیزگان سر سپرده پارتیزانی که بخاطر آموزش عملی ونظری تعلیمات عسکری در دشت ودمن به تمرین ومشق می پردازند .

پوست قره‌قل افغانی در بازار های بین المللی



دو شمیزه افغانی با کـــلاه‌و بالا پوش زیبای قره قل

در هشتاد وچهارمین لیلام قره قل افغانی که در لیننگراد اتحاد شوروی به تاریخ ۲۴ جنوری آغاز ومدت پنج روز دوام نمودمجموعا (۸۶۷۸۶) جلد پوست قره قل به قیمـــت مجموعی یك ملیون وششصدو پنجاه و دو هزار دالر امریکایی بفروش رسیده .

مابیرامون موضوع فوق با رئیس انستیتوت قره قل ، عبدالنبی پاپاکه چندی قبل جهت تنظیم ورسیدگی امور لیلام پوست قره قل افغانی به لیننگراد رفته بود مصاحبه ای بعمل آورده ایم که جهت معلومات بیشتر بـرای خوانندگان مجله ژوندون تقدیم می گردد .

وی در جواب سوالی گفت : مطلب مهم وبالاورزش در قسمت لیلام پوست قره قل‌اینست که امسال هر اندازه پوست تازه کـــه در مارکیت های بین المللی عرضه شد بفروش رسیده البته با قیمت های مناسبی که ا ز نگاهی تجارت تقریبا بی سابقه می باشد .

در لیلام لیننگراد (۴۸۵۳۵) جلد پوست کبود (۳۵۹۲۱) جلد پوست سیاه و(۲۳۴۲) جلد پوست تقر کبود وسیاه شامل بود که صرف یك هزار ودوصد وبیست وشش جلد از فروش باقی مانده است . در سابق اتفاق می افتاد که یکتعداد پوست از یك لیـــلام تالیلام دیگر باقی می ماند وحتی دو باره به کابل آورده می شد . مگر در لیلامهای‌اخیر طوری مارکیت را آماده ساختیم که پوست تازه ارسال گردد وهمه بفروش برسد .

وی افزود: رژیم جدید افغانستان کـــه چشم دشمنان ماراکو ر نموده بالای موسسات تجارتیکه با افغانستان ارتباط داشتند تاثیر سوء نموده بودکه خوشبختانه در مفاهمه ایکه درلیلام لندن با آنها صورت گرفت کاملا راضی ومتیقن شمدند که تجارت ما بحالـــت عادی جریان خواهد داشت . تبلیغاتی کـــه در قسمت کیفیت وجنسیت قره قل افغانی به عمل آمد بالای کمپنی های خریدار وفروشنده تاثیر فوق العاده نمود .

پرسیدم سالانه چه‌تعداد پوست در مارکیت های بین المللی عرضه می گردد ومشتریان پوست های افغانی کدام ممالك اند ؟

گفت : مجموعا در حـــدود هشت ملیون پوست در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می‌گردد . مشتریان ومصرف‌کنندگان پوست افغـــانی را آلمان فدرال ، ایتالیا ، فرانسه وامریکای شمالی تشکیل میدهد که بریتانیا وممالك اسکاندنیوی در قـــدم دوم قرار دارند .

از رئیس انستیتوت قره قل پرسیدم کـــه مهمترین صنایع تولید کننده قره قل کدام کشور ها اند ؟

در پاسخ گفت : افغانستان، اتحاد شوروی وافریقای جنوبی در تمام دنیا سه منبع تولید کننده پوست قره قل می باشند که دربازار های بین المللی پوست قره قل عرضه می کنند . بصورت عمومی تعداد پوست ایکه در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می ـ گردد چهار ملیون از افریقای جنوبی، سه ملیون از اتحاد شوروی ویك ملیون وسه‌صد هزار از افغانستان میباشد .

پوست قره قل افغانی برتری وامتیازیکه دارد اینست که پوست کبود قسمت زیـــاد تولیدات را تشکیل میدهد که باداشتن‌رنگ طبیعی وگلهای مقبول وبی نظیر خریداران زیاد را مارکیت های بین المللی جلب میکند وتقریبا هشتاد وپنج فیصد تـولیدات ما را پوست کبود تشکیل میدهد در حا لیکـــه افریقای جنوبی بسیار کوشیده تا تولیدات کبود خودرا بالا ببرد ولی تا هنوز نتوانسته که از پانزده فیصد، مجموع تولیدات خود را بالا ببرد ومجموع تولیدات پـــو ست کبود اتحاد شوروی کمتر از پانزده فیصد می‌باشد

لطفا بگویید که امسال یعنی ۱۳۵۸ و ضـع قره قل از نگاه تجارت وبازاریابی چطـو ر بود ؟

ـ امسال از نظر تجارت پوست قره قـل افغانی خیلی خوب بود در لیلام های امسال تنها هشتادو پنج فیصد پوست کبود بفروش رسید . پوست قره‌قل که در چند سال اخیر از مد افتاده بود. مخصوصا د ر ســالهای ۱۹۶۷ و ۶۸ قیمت پوست قره‌قل بحدی پایین آمده بود که حتی یکتعداد تاجراورشکست نموده بود ودر جمله پوست باب ارزانترین آن پوست قره قل بود در حالیکه چند سال قبل قیمت منك وپوست قره‌قل یك برابربود مگر فعلا قیمت پوست قره‌قل چهل فیصدقیمت پوست منك را تشکیل میدهد .

در طول امسال مادر پنج لیلام که سه آن در لندن ودوی آن در لینگراد شوروی صورت گرفت مجموعا یك ملیون وسه صد هـزار جلد پوست عرضه نمودیم که محصول آن به بیست وهشت ملیون دالر رسید .

ـ عوامل بلندرفتن قیمت پوست قره قل در بازار های بین المللی چه می باشد ؟

بقیه‌درصفحه ۵۱





اهدا: به‌قربانیان فاشیزم

درسوگ آن شهید

صد بار آن پرنده غمناک
زین غصه گاه گوشهٔ قلبم
روسوی آن طلیعه بیدار
اندوه بال وپرزدن آموخت

* * *

باقلب گرم فاجعه رادیدم
تودر شط شقاوت خونین
ـغریق نام

اما
«ما انبوه کرگسان تماشا»
درسوك آن شهید عزیز ،آن غرورپاك
آن دشت آفتابی پرگل
ـتنها گریستیم

* * *

گفتند :
قلب هزار ماهی مرجانی
دربرکه های زنده‌گی افسرد
اکنون به‌سایهٔ درشب آن‌هول
هول عظیم فترت
دیگر چه اعتباری ؟

* * *

نام شما عزیز تران ، دانم
چون مرده ریگ هستی همراهان
«ثبت است برجریدهٔ عالم»
ـاما

داغ جبین آن که ترا کشت
یا استخوان هستی ما را
بشکست

در پولگون فاجعه تاریخ
تاریخ رنج، اشك، مصیبت
همواره تیره است و سیا هست

* * *

اکنون تو نیستی که ببینی
ملت به سوك یاد تو در خونست

در اشکهای آینه میبینم
تصویر توبه خانهٔ هر چشم
در قلب هر شرافت معصوم
ـ گلگونست
در جستجوی گور تو هممیهن

د رناکجای این شب تاریك
ـ گل بگذارم ؟
زیرا .
حتا .
با سنگ ایستادهٔ خالی
دیوان بی شرافت ، بدنام
نام ترا چوقامت آن دار
ـ سوی اوج
برپانکرده‌اند

روبین

ز شب رفتگان یاد کن!

این پارچهٔ منظوم خواست قربانیانی را انعکاس میدهدکه‌زیر ساطورامین جلاد،جان سپردند . مطلع از سیمین بهبها نیست .بخاطر تصرفیکه در مطلع آورده ام از شاعرهٔ بلند پایهٔ آن پوزش میطلبم .

« ز شب رفتگان یادکن شبی آرمیدی اگر
سلامی هم ازمارسان بصبحی رسیدی اگر »
یکی شمع روشن بیاد رفیقان بیسرو؛
ازین گور تاریك شبها رهیدی اگر
غم مرگ ما را نشاید فراموش کردن
بسوگ شهیدان گریبان دریدی اگر
بیفروز نوری درین تیره صحرای وحشت
بسر چشمهٔ نور فردا رسیدی اگر
به انسان آگاه فردا بگو راز ما را
ازین نره غولان و حشی جهیدی اگر
بیاد عزیزان بنوش آذرین جام تلخی
گهی بادهٔ تلخ مردی کشیدی اگر
بتوفان تن وتوشه بسپار چون مرغ توفان
ازین لاشخواران مسلخ بریدی اگر
بیاد آر ما کشتگان جدلهای خونین
سخنهای پیکار خونین شنیدی اگر
بیاد آر شبهای مرگ آور آزمون را
ازین سیل خونین قاتل پریدی اگر
بیاد آر شیدایی خفته در خاك ما را
گل سرخ وحشی کجایی شمیدی اگر !

سلیمان لایق
۱۰ر۳ر۱۳۵۸



عالم و عابد

صاحبدلی به مدرسه آمد ز خانقاه
بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم وعابد چه فرق بود
تا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن گلیم‌خویش بدرمی بردزموج
وین جهد می کندکه رهاندغریق را
سعدی

شهیدانو ورونو

ما چی دعا در ته کو له
یا می حق خبره کړه له
سترگو اوښکه تویو له
زړه کی مینه پاریدله

ظالما نو دا ر ولم
په بر چو به یی وهلم

چی زندان ته به در تلمه
په سرو سترگو ژړیدمه
گو نکه خوله‌به در ید مه
له یخنی به ریید مـه

خوانخوار انو تیل وهلم
په برچو به‌یی وهلـم

په ژړا وی خو یندی‌میندی
ور سره دکا لو پنـلی
پری وهلی یی ملنـلی
دکی مړو ځنی کنـدی

تاته یی کله پرینبولم
په برچو به یی وهلم

په کو رو ننو تل بـه
ما شو مانږیی داړول به
هم بکسو نه یی‌ماتول‌به
دغلو پشان یی وړل به

په تیلو به یی ویستلم
په بر چـو به یی وهلم

ما به ته ځنی غو نبتلی
دوی به ستر گی‌برگولی
او ویل به یی فرار دی
زړه‌دی‌ولی‌پری پرهاردی

پدی‌شان یی غو لو لـم
په بر چـو به یی وهلم

نه یی رحم و پهزړو کی
نه‌یی پوهه وه مغزو کی
هسی‌خوشی شان‌وحشیانو
بس زموږ غوښنو لیوان و

شپه‌اوورځ به ځور یدلم
په برچو به یی وهلم

دوی ته بنه‌چوکی‌موټرو
هم ولاړورته نو کر ؤ
خوله پوهی نا خبـر و
د تپولنی په ضـرر و

تل غمو نو کړو لم
په برچو به یی وهلم

دخمو دجمود دوره وه
عجیبه شان نندارہ وه
توره شپه وه توره شپه
خو نړی‌شان سلسله‌وه

دشپی کله ویدیدلم
په برچو به یی وهلم

زما ورو نـو شهیدا نو
په‌ریښتني مینا نـــو
«افغا نیار» درته قربان شه
با غیر ته افغا نـا نـو

کار نامی به موتل‌لولم
ولولی به مو تل لولم

«درمحمد افغا نیار»

از گلستان برچیده ایم

ازاین بعد، هرچندگاهی وزمانی باپیوسته ودایم ، سیر وگشتنی به دیوانهای اشعـار بزرگان ادب‌و شعر می کنیم وخوشه هـای از خرمن پرفیض آن بر میگیریم وبه شما ذوقمندان شعر وادب پیشکش مینماییم .

اینبار گلستان اوراقزرین سعدی‌رابه‌تورق گرفتیم وصفحهٔ گلهای سرخ رابا مقالات او

که بی‌مقالات او،بقولش، «هفت کشورنمیکنند انجمنی»، آذین می بندیم که از سوی‌نشان ونامی وتجدید یادی باشد از ابر مـــردان

میدان شعر وادب .. واز جانبی برانگیزنـدهٔ فکر خوانندگان این صفحه به مکـاشفه ومراقبه در ادب وفرهنگ پربار ما ...



بنیاد ظلم

آورده اند کـه نوشیروان عـادل رادر شکارگاهی صید کباب کردند ونمك نبـود . غلامی بروستارفت تا نمك آرد . نو شیروان گفت : نمك به قیمت بستان تا رسمی نشود وده خراب نگردد . گفتند : ازین قدرچه‌خلل آید ؟ گفت : بنیاد ظلم در جهان اول‌اندکی بوده است هرکه آمد برو مزیدی کـرده تابدین غایت رسیده .

اگر ز باغ رعیت ملك خورد سیبی
بر آورند غلامان او درخت از بیخ
بپنج بیضه که سلطان ستم روا دارد
زنند لشکریانش هزار مرغ بسیخ

سعدی

خانهٔ رعیت

غافلی را شنیدم که خانهٔ رعیت خراب‌کردی تاخزانهٔ سلطان آباد کند بی خبر از قـول حکیمان که گفته اند :
هرکه خلق خدای عزوجل را بیازارد تادلی بدست آرد، خداوند تعالی، همان خلـق را برو گمارد تادمار از روز گارش برآرد .

آتش سوزان نکند با سپند
آنچه کند دود دل مستمند

سر جمله حیوانات گو یند که شیرست واذل جانوران خرو باتفاق خربابربربه‌که شیر مردم در .

مسکین خر اگر چه بی تمیزست
چون بار همـی برد عـزیـزست
گـاوان و خران بـار بـــردار
به ز آدمیـان مـــر د م آزار

باز آمدیم بحکایت وزیرغافل . ملك را ذمایم اخلاق او بقراین معلوم شد . درشکنجه کشید وباانواع عقوبت بکشت .

حاصل نشود رضای سلطان
تا خاطر بند گان نجو یی
خواهی‌که خدای برتوبخشد
باخلق خـدای کـن نکویی

آورده اند که یکی از ستم دیدگان بر سر او بگذشت ودر حال تباه او تامل کرد وگفت :

نه هـرکـه قوت بازوی منصبی دارد
بسلطنت بخورد مال مردمان بگزاف
توان به‌حلق فروبردن‌استخوان درشت
ولی شکم بدرد چون بگیرداندرناف

* * *

نماند ستمکار بد روزگـار
بما ند برو لعنت پایـدار

سعدی



یادونه :

درلولوستونکوپه اته ځلوبښتمه گڼه‌کی‌دشفق

زړه تر عنوان لاندی شعر دځوان شاعـــر

«سنگر وال» شعر دی

ونیز همه اضافه گی هاوجریانات بعدی بابن تهداب ها علاوه می شود- تاثیر این کار ها وشیوه ایکه آنها به سلوك انسانی تعبیر می گردند طور قابل ملاحظه به تهداب هایی ارتباط وبستگی داردکه توسط فامیل گذارده شده اند . همین است علتی که می گویند فامیل ، نه‌کمتر از هسته های فعال اجتماعی اندازه جوهر ایدیولوژیکی وفکری جامعه را تعیین می نماید . این در داخل فامیل است که روابط خاص در حیات انسان بمیان می آید ودرآن صورت وقتیکه خود مابوالدین مبدل گردیم می توانیم از برخورد و تماس خوب خویش با دیگران به حیث یك ایده آل عالی آگاهی حاصل نماییم . بلی اطفال در حیات اجتماعی نقش ارزنده ومهمی دارند واز سبب دخیل بودن آنها در سیستم مناسبات انسانی این بخش جوان نوع بشر- بزرگان خودرا در موقفی قرار می دهند که در آنها ملکان عالی انسانی بوجود آمده و شخصیت صالح خود را در جامعه حفظ می نمایند.

(پایان)



نویسنده : یوری ریوریکوف

مترجم : «لیلابشرمل»

مواظبت جسمی وروانی طفل

در عصرما تربیهٔ طفل بمراتب نظربه زمان های گذشته، که عمدتا کودك از نظرجسمی مواظبت می شد مشکل تراست . در مراحل اولیه حیات بشری بخش روانی طفل جنبهٔ تکامل خود بخودی را داشت .

ضرورت اینکه نموی فکری ودماغی طفل باید رهنمایی ومواظبت شود در زمان مابیشتر احساس می گردد . این حادثه تربیهٔ طفل راهنوز هم مشکل ترمی سازد . مخصوصا با انقلاب علمی وتخنیکی پیشرفته وآرزو هاییکه این‌انقلاب بوالدین درتربیهٔ طفل ایجاد میکند. اکثروالدین برای چنین فعالیتی آماده‌نیستند، فقدان دانش درین ساحه یك مشکل حاد اجتماعی است ـ دکتور ها مشاهده نموده اند که در حدود پنجا ه فیصد والدینی که فارغ التحصیل پوهنتون هستند نمی دانند چطور باید زندگانی طفل مرتب شود ـ د ر ساحات تربیهٔ اخلاقی، ذکایی وروانی حالت هنوز بدتر ازینهاست . چنین غفلت غیرقابل تحمل است، چه مابه کار همیشگی و فعالیت وسیعی نیاز داریم تا کلتور اصیل تربیوی که باساس دست آورد های جدید علوم بنیاد گذارده شده باشد جای کلتور کهنه را بگیرد .

در نتیجهٔ انقلاب علمی وتخنیکی در تیوری وعمل تربیهٔ طفل تغییرات جذری بوجودآمده... در شرایط مدنیت امروز که به تربیهٔ روانی وعصبی بیشتر از مواظبت جسمی نیاز احساس میشود ـ باید در نمو ی اطفال یك برخورد کاملا جدیدی صورت گیرد، بالخاصه‌باساس ضرورتیکه انقلاب علمی وتخنیکی بمیان آورده باید کودکان رشد همه جانبه نمایند. ازهمین دلیل است که تنویر علمی وسیلهٔ بسیار مهمی است در بهتر ساختن تمام شرایط فامیلی واجتماعی ساختن بیشتر هر نسل جدید ـ باید تدابیر وسیع ومتین به پیمانهٔ سرتاسر ملی برای چنین تنویر اتخاذ شود وهمین اصل باید در پروگرام درسی مکاتب ثانوی گنجانیده شده وبرای والدین جوان هم کورس های آموزش وتدابیرمشابه اتخاذ گردد .

مواظبت دقیق ودرست والدین از طفل نه تنهابه توجه جسمی بلکه به مقدار قابل ملاحظه توجه دماغی وروانی نیاز دارد ـ قابل تاسف است که بیشتر والدین تنها در بخش جسمی نموی اطفال مانند غذا خوردن، شستن لباس وسایر خدمات همانندتوجه خودرا مبذول میدارند . وجنبهٔ تعلیمی آن رابه مسجد ، مکتب ، کودکستان منحصر می‌دانند واز نقش پراهمیت وبا ارزش خود درین بخش اطلاعی ندارند . آنها پدر بودن ومادر بودن را یك کار شاقه ویك بار خسته‌کن دانسته وخودرا نوکر اطفال خود تصور می نمایند . آنها همچنان یك اسلحهٔ نیرومندی رشد خودی را نیز از دست داده مخصوصا رشد اخلاقی وانسانی واین نیروی خلاقه راضایع مینمایند.

اما نشو ونمای مثبت وصحیح کودکان باین کار نیاز داردکه والدین برای تربیهٔ خود بذل مساعی نموده وکیفیت پدر بودن یامادر بودن رادر خود از نظر اخلاقی، ذکایی وروانی پرورش دهند وباین صورت می توانند به پیروزی وموفقیت نایل شوند .

باید متذکر شدکه فامیل ازنگاه کار و مسایل اجتماعی یکی از اساسی ترین هسته هاست واین یك تهدابی است که در رشد و ارتقای اجتماعی نقش مؤثر حیاتی دارد . غفلت درین ساحه جز عدم تناسب و ایجاد تضاد ها در رشد جامعه چیزی به بار نمی آرد. آری این فامیل است که تهداب اصلی شخصیت هارا گذاشته وبرخورد اورا دربرابر دنیای ماحولش تعیین وتثبیت می دارد .



مواظبت طفل عمدتا بایدازطرف‌والدین صورت گیرد .

میر نعمت الله فاروق   استاد اداره انستیتوت‌صنعت

وظایف و مسوولیت های والدین ومعلمین در رشد ذهنی واخلاقی اطفال

طوریکه همه میدانند اطفال در صنف سر مشق قرار دادن معلم خود البته نه به علت ترس وانضباط خشك و خالی‌افراد دقیق وقابل اعتماد میشوند معلمینیکه حتی در مورد تا خیر صنفش ساکت و آرام‌است معلمی است که‌برای اداره صنف از همکاری و تعاون شاگردان خود استفاده میکنند و با آنها رفتار دوستانه دارند- معلم برای ایجاد چنین روحیه در شاگر- دان خود با آنها همکاری میکند و خود را با آنها وابسته نشان میدهدبعدها شاگردان نیز رفتار معلم خود رامورد تقلید قرار میدهند . ما نمیتوانیم چنین روحیه را در تمام شاگردان بیك نسبت به وجود بیاوریم بعضی از آنها تمایل بیشتربه همکاری دارند وعده‌به‌علت تجارب بعدی که از اقتدار و تسلط بزرگان داشته اند مایل به همکاری نبوده و دایما تولید مزاحمت‌مینماید.

در مدارس موقعیت های مناسبی برای نشان دادن رعایت حال دیگران به کودکان وجود دارد موجودیت‌دسپلین مدارسی خود نمونه بارزی است در بعضی

از مدارس متوسطه مدیران وامرین حتی پا را از این دایره فراغ‌تر نهاده اند آنها چند دقیقه قبل از اینکه مدارس تعطیل میشود چند نفر از شاگردان خودرا به کودکستان و یا به دهن دروازه مکتب میفرستند تا آنها به اطفال کودکستان درپوشیدن لباس هایش کمك کندویا اینکه در دهن دروازه مکتب اطفال خود را به والدین شان سپرده و یا از مسیر ترافکیی آنها را عبور دهند. جریان این عمل شاگردان بزرگسال را موقع میدهند تا دواطلبانه و به نوبت درانجام آن سهیم‌شوند وعلاوتاً پاك نگهداشتن صنوف واحاطه با زیمرتب ساختن کتابخانه - کارکردن در صالون، غذاخوری -اینها همگی به ایجاد حسن قابل اعتماد بودن و کاردانی کودکان کمك فراوان میکند.

این نکات متذکره بیانگر این روشنی است که در مقابل کودکان که احساس مسئولیت مینمایند میباشد. پس سوال مطرح بحث قرار میگیرد که با کودکی که در خود احساس‌مسئولیت نمیکندچطور باید رفتار شود. وقتی که کودکی‌علی‌الر- غم سعی وکوشش دیگران حاضر نیست وظیفه خودرا انجام دهد ما بایستی فورا تشخیص دهیم آیا عدم انجام‌وظیفه این کودك ناشی از توقع زیاد ما است یا نه چون گاهی شده است که یك کودك غیر مسوول رابا کودك فوق‌العاده کاردان و قابل اعتماد مقایسه میکنیم.

غیر مسوول بودن دایمی کودك دربعضی مواقع ممکنست ناشی از اوضاع و علل خاص باشد ویا اینکه ممکنست کودك غیر مسوول فکرکند که پدر ومادرش به برادران و خواهران او توجه بیشتری دارند پس او ممکنست که درجلب‌توجه پدر و مادر بخود که به آن احتیاج‌دارد خسته - نا امید شده است و یا اینکه بعلت اشتباهات واقعی یا غیر آن خودرا مقصر بداند.

ممکنست کودکی در شرایط مخصوص کاملا غیر مسئول باشد و لی در وضع دیگر، دارای احساس مسوولیت نماید همینقدر کافی‌است‌که کودکی از لحاظ جسمی ضعیف باشددیگر کوشش برای مسئول بار آوردن او چندان مثمر نخواهد بود.

آیا مسئول بودن طفل میتواند به تنهائی ناشی از عقب افتادگی او باشد؟ آیا بجز این راه راه‌های دیگری برای شناسائی عقب ماندگی کودکان‌در دست است؟

اگر کودکی علاوه از غیر قابل اعتماد بودن - خونسرد و بی عاطفه و بی حال نیز باشد ویا دایما با دیگران دعوا کند یا نتواند با دیگران کنار بیایدو یا از چیز های موهوم ترس داشته باشد اشکال چنین کودکی علت روانی عمیق دارد. مراجعه بمشاورین اطفال در مورد اینگونه کودکان لازم و ضروری است حال اگر عدم مسئولیت کودکی علائمی غیر از آنچه گفته شد داشته باشد به‌نظر میرسد که کودك به رشد خود بطور رضایت بخش ادامه میدهد.

ودر اینصورت کمك های اولیه معلمین یا والدین کافی به نظر میرسد اگر نتیجه مثبتی از روش هائی که قبلا متذکر شدیم حاصل نشد ما میتوانیم با مطالعه و ضع عمومی کودك قدم های موثری در این راه بر داریم.

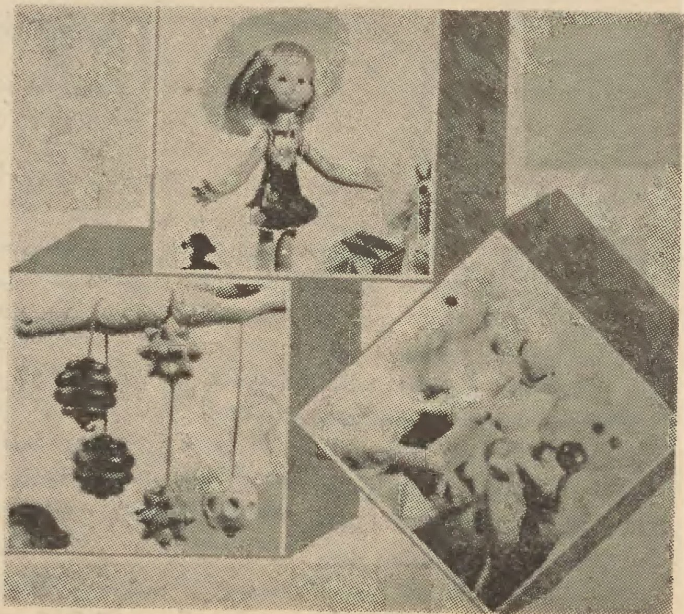


کودکان دراطراف مربی شان خودرا خرسندفکرمیکنند

صحبت در تنهائی با پدر و مادر، انجام دادن بعضی کارها از روی تفنن میتوانند به ایجاد احساس مسئولیت در کودکان کمك کننداین امر هم درمورد کودکان خورد سال وهم کودکان بزرگسال صدق میکند. در این دوره که ما آنرا (دوره اصلاح) می‌نامیم اگر متوجه شدیم که کودك علاقه زیادی به فعالیت دارد با- یستی به او فرصت بیشتری داد که در این مورد «اصلاح» وقت بیشتری صرف آن فعالیت کند، بگذارید با اینکار کودك احساس کند که شما با توجه به علایق زیادی دارید. بگذارید کودك حس کند که شما حتی موقعیکه در خانه نیستید به فکر او میباشد بعداً به تدریج شما میتوانید با احساس عدم مسئولیت‌فرز- ندان خود مبارزه کرده و او راه تدریجاً وادار به قبول مسئولیت بیشتری بنمایید شما بتدریج میتوانید به فرزندتان یاد دهید که چطور فرد مستقلی باشد یا مرتب و منظم بار بیایدو یا سایر کارها یکه شما فکر میکنید فرزندتان با آن احتیاج دارد فرا- گیرد از تطمیع کودك در چنین مواردی بایستی به شدت خودداری شود و لی بعضی وقت ها برپا ساختن جشن به خاطر کودك میتواند به پیشرفت او کمك نماید ممکن است منظور از این جشن این باشد که به کودك اجازه دهیم یك روز قدرت انتخاب غذای مورد علاقه راپیدا نماید و یا اینکه یك شب به پروگرام‌تلویزیونی که مورد علاقه او است توجه خاص به آن مبذول دارید.

آیا ممکنست کودکی دارای احساس مسئولیت فوق‌العاده باشد؟ : -

هر صفتی هر قدر هم پسندیده ومطلوب باشد شکی نیست که اگر در آن راه افراط پیموده شود از صورت نیك وپسندیده خود خارج میشود. احساس مسئولیت در دختر و پسر فوق العاده وظیفه شناسی که به علت ترس از کثیف کردن لباس ها و یا شکستن اسباب بازی اش‌نمیتواند آنطوریکه دلش میخواهد بازی کند خیلی‌زیاد رشد کرده است رشد فوق العاده احساس مسئولیت در چنین کودك بعلت تاکید آن توسط اطرافیان اواست قسمی که از ارتکاب اشتباه کوچکی خیلی ناراحت میشود - کسانیکه به خاطر مطالب فوق العاده جزئی و بی اهمیت متحمل زحمات فراوان میشوند درهمین قماش اند. بعضی از کودکان نیز هستند که واقعا وظیفه دشواری‌دارند اینها کودکانی هستندبه علل پدر ویا مادر خود را از دست داده اند و در نتیجه غفلت ویا نادانی بزرگتر اینچنین تصور میکنند که بائیستی در زندگی مسئولیت پدر ویا مادر فوت شده را بدوش بکشند برای اینکه بتوانیم تشخیص دهیم که آیا واقعاً احساس مسئولیت فوق‌العاده مانع بازی وسازگاری کودك است بائیستی این احساس مسئولیت را درسائر موارد و کارهای که کودك انجام میدهد مشاهده مینمائیم بعضی ازکود- کان دارای احساس مسئولیت فوق‌العاده هستند ولی در عین حال خیلی هم خودمانی وپرحرارت واهل بگو و بخند هستندیك عده دیگری از کودکان که حاضر نیستند بار هیچگونه مسئولیت را بدوش بکشند یا از انجام انتظارات دیگران ناراضی اند و یا از آنچه از خود توقع دارند چندان راضی نیستند.



چندنمونه از بازیچه های تجربوی که‌توسط انستیتوت بازیچه هادر اتحاد شورویپیشنهاد شده‌اند

علی زاد

جلوگیری از سؤ تغذی و عوارض ناشی از آن

سوء تغذی عبارت از تغذی غیر نور مال و غیر طبیعی (فرط یا تفریط تغذی) بوده که باعث یك سلسله تشو شات فزیکی و روحی میگردد. البته باید دانست که فرط و تفریط تغذیه بصو رت جدا گانه باعث امراض گونا گون میگردند .

اول – فرط تغذی :–

فرط تغذی و امراض گونا گون حاصله از آن عمو ما نزد کسانی دیده میشود که نظر به وضع اقتصا دی‌شان قادر اند تا مواد غذایی گونا گون را اضافه از ضرورت روز مره شان صرف نمایند . و امراض ناشی ازین پرو بلم بیشتر در ممالك انکشاف یافته دیده میشود . ولی وقایع آن در ممالك رو به انکشاف خیلی محدود است .

امرا ضیکه ناشی از فرط تغذی بو جود میایند قرار ذیل اند :

۱– چاقی ۲– اتیرو سکلیروز (حالتی که با استحاله سختی و تصلب جدار های روعیوی و گاهی اجواف‌قلبی مشخص میشود.) ۳– امراض قلبی و عایی ٤– دیابت (مرض شکر) ٥– فرط فشار خون ٦– تسممات مواد غذایی مختلفه از اثر فرط استعمال شان .

دوم – تفریط تغذی :–

تفریط تغذی یکعده از پروبلمهای عمده حیاتی را در کشور های روبه انکشاف تشکیل مید هد سوء تغذی ناشی از تفریط تغذی ابتدایی‌ترین و اولین سبب مرگ و میر درممالك رو به انکشاف قبول شده . و از همه امراض بیشتر حیات اطفال را درین کشور ها بمخا طره انداخته ازهمین‌سبب‌است که‌دراکثر کشور های رو به انکشاف فیصدی مرگ و میر در اطفال خورد تر از پنج ساله بمرا تب بیشتر از مما لك انکشاف یافته است .

آنعده اطفا لیکه با وجود مصاب بودن با سوء تغذی زنده میما نند نشو و نمای فز یکی ، عقلی و روحی شان نا قص بوده و از همین باعث است که در هنگام کهو لت قدرت اخذ سهم بارز و فعال رادر امور اجتماعی نمیدا شته باشند و به این ترتیب بار دوش فامیل و اجتماع شان میگردند .

سوء تغذی مادران نیز یك‌مسئله مهم و ارز شمند بوده زیرا مادرا نیکه در زمان حمل مصاب سوء تغذی میگردند از یك طرف صحت و حیات خود شان بمخا طره افتاده و از جانب دیگر اطفال پریما چور (قبل المیعاد) و کم وزن بدنیا میا ورند .

سوء تغذی با انتا نات رابطه مستقیم داشته و مو جودیت یکی شان باعث ایجاد دیگر شان می گردد .

چون سوءتغذی مقا ومت‌عضویت را تنقیص مید هد لهذا برای مبتلا شدن عضو یت به امراض انتانی زمینه را مساعد میسازد . یا بعباره دیگر سوء تغذی حسا سیت‌عضویت را در مقابل امراض گونا گون‌انتانی بالا میبرد .

چون تغذی خوب زمینه صحت بهتر را در تمامی مراحل حیاتی تضمین میکند لهذا باید در مورد تغذی تما می مرد مان با لخاصه اشخاص حساس یعنی ما دران حا مله و شیر ده ، اطفال نوزادتا سن پنج سا لگی و اطفال قبل از مکتب توجه خاصی مبذول گردد ، تا از سو تغذی و عوارض جانبی نا گوار حاصله از آن جلو گیری بعمل امده باشد .

اینك بطور مثال از یکعده امرا ضیکه ناشی از تفریط تغذی بو جود میایند نام میبریم :

الف :

امراض ناشی از کمبود مواد پرو تینی :

۱– مرض مر سمو س : یك مرض اطفال بوده با لخاصه اطفال خورد تر از یکسا له و اطفال غریب شهری و دهاتی مصاب آن میشوند اسباب عمده این آفات عبار ت از فقدان پرو تین و کالوری ،انتا نات معدی معایی و اسها لات متکرر توبر کلوز (سل) ، سیاه سرفه تغذیه مصنو عی ، تغذی توسط شیر مادر بصورت دوا مدار وبدون غذا های متممه ، گر سنگی پی در پی ، شیر ابگین و غذا های متممه نا مکمل و قبل از وقت‌معین میباشد .

اعراض این مرض نظر به درجه وخامت آن از هم متفاوت بوده واز نظر درجه وخامت این مرض به‌سه شکل (درجه خفیف ، درجه متوسط و درجه شدید پیشرفته) دیده میشود .

همچنان نوع مختلط آن بنام سر سمیك کوا شیور کور یاد می گردد نیز مو جود است . واعراض در جات مو صوف بصو رت موقتی و دایمی میبا شند .

اعراض مو قتی آن عبارت از تغیر مو ها برنگ خر مایی جلادار لشم و در خشنده بوده که اعراض او لیه مرض را نشان میدهد بر علاوه اعراض فوق الذکر اعراض کمبود ویتا مین های مختلفه بالخاصه ویتامین ،(آ) نیز بمشاهده میرسد . اعراض دایمی مرض‌عبارت از تاخیر نشو و نمای فزیکی ازبین رفتن عضلات و نسج حجروی تحت الجلدی شحمی ، عضلات ضمو ری باختن وزن و تغیرات بسیارخفیف روحی و حر کی ، کم خونی، دیها یدریشس ، تغییرات در احشاء و غیره که در ینصو رت طفل‌مریض مانند شخص پیر معلوم میشود . و چهره اش شکل شادی را اختیار میکند .

۲– افت یا مرض کواسیور کور:

این مرض درحقیقت یك سندروم



طفلی که در اثر سؤ تغذی به‌این حالت در آمده است .

(مجموع ا لاعراض) است و عموما در دهات دیده شده و اطفال را مصاب میسازد که بالاتر از یکسال عمر دارند . و عوامل ذیل باعث بو جود امدن آن میگردند .

ـدادن شیر مادر بصورت دوا مدار ولی غیر کافی و ضمیمه سا ختن بعضی از غذا های غیر پرو تینی عادی و معمو لی خانواده گی‌به اندازه ناکافی و غیر متوازن

ـرسم و روا جهای نا منا سب بعضی از فا میلها که از غذا های مفید حیوانی و نباتی مثلا: گوشت شیر ، تخم ، میوه جات ، حبوبات و غیره تنها کا هلان فامیل حق استفا ده دارند . و به اطفال شان یا اینکه هیچ نمید هند و یا اینکه بمقدار جزئی و غیر مکفی میدهند.

ـاستعمال مقادیر زیاد غله جات که حاوی مقادیر زیاد مواد قندی‌اند.

ـگذ شتا ندن امرا ض تب دار مانند : ملاریا ، توبر کلوز، سر خکان ، سیاه سر فه و غیره که احتیاج روز مره عضویت را بغذا های متنوع زیاد میسا زند .

ـ وضع نا مناسب اقتصا دی و اجتماعی : بیسوا دی ، غربت‌والدین اقتصاد خراب و عدم توا نایی خرید غذا های متنوع و مفید .

ـ حفظ الصحه خراب غذا و استعمال غلط طرق پخت و پز و غیره .

و اعراض این مرض عبارت از تاخر و از بین رفتن نشو و نما، ازیما(پندیده‌گی) ، ضیا ع عضلات و تجمع شحوم در تحت الجلد تغیرات رو حی و عقلی ، کسا لت وسستی، تغیرات مو های نازك ، باريك ، صاف بیر نگ سست و جلا دار میگر دند . و از بین رفتن رنگ جلد ، تفلس جلدی جروحات مختلفه جلدی ، و جه مهتابی مانند (که سبب آن معلوم نیست) کبد ضخا موی و شحمی، طحال ضخا موی ، کم خونی و اعراض و علایم کمبود ویتا مین های مختلفه میبا شند :

ب: ویتا مین ها :

۱ـ کمبود ویتا مین (آ) : از فقدان ویتا مین (آ) بر علاوه توقف نشو و نما بطور مقدم شب کوری ظهور نموده و به تعقیب آن کره عین خشك شده و به کوری تام منجر میگردد . همچنان در اثر فقدان این ویتا مین حجرات اپتیل در اکثر نقاط عضو یت تفلص نموده و سخت میشو ند . بالاخره به‌اثر پائین امدن مقاومت عضو یت و حملات مکرز انتان مرگ فرا می رسد .

۲ـ کمبود ویتا مین (دی) : در اطفال استخوان ها نرم شده و مقا ومت خود را از دست مید هند بالاخره تغیر شکل اختیار می نمایند . در نزد کا هلین سبب تلین عظام و نرم شدن استخوا نها که مترا فق با او سیتو پوروز (تخلل غیر طبیعی استخوان بعلت عدم توانا یی استیو بلا ستها در ته نشستن در متر یکس استخوان) ظهور میکند . همچنین نشو ونمای



سوء تغذی اطفال را باین روز می‌نشا ند:

دندان ها به تاخیر افتاده مقاومت خود را از دست داده و بزو دی فر سوده میشو ند .

۳ـ کمبود ویتا مین سی :ـ از قدیم دانسته شده بود که کسانیکه از میوه و سبز یجات تازه محروم میشو ند به مرض سکار بوت‌مصاب میشو ند . درین مرض به تعقیب متضرر گر دیدن اندو تیل سعر یه نزف به اشکال مختلف در اکثر نقاط عضو یت دیده شده بیره ها به التهاب دچار شده و متورم میشو ند .

دندا نها مقا و مت شان را از دست داده و بزو دی تخر یب میشو ند . در نزد اطفال و نو جوانان تشو شات عمیقه تشکل‌عظام رونما میگردد که زیاده تر درنهایات ونقاط نشو ونمای عظام تصا د ف مینما ید .

همچنان تشکلات جد یده عظام و نشو و نمای دندان متوقف می شود .بر علاوه در فقدان این ویتا مین مقاومت عضو یت پائین امده و افات انتانی بخو بی شفا نمیشو ند .

٤ـ کمبود ویتا مین (ب یك) : از فقدان این ویتا مین عوارضی بو جود میایندکه تحت عنوان بری بری یاد میشوند ، ضعف ، بی اشتها یی ، باختن وزن ، تشوشات هضمی ، درد های عصبی اعراض پیشقدم آن بوده که مترافق با تشو شات روحی میبا شند در واقعات پیشر فته و شدید اعصاب حسي و حرکی دو چار تشو شات عمیق گردیده وعضلات ضمور مینما یند . فلج اطراف ظاهرشده و قلب مریض بزرگ میشود و یك پرش قلبی شدید شنیده میشود . اینرا هم باید دانست که مریضان مصاب (بری بری) بعضا از یمائی بوده و یا اینکه بشکل خشك تظاهر مینما یند .

٥ـ کمبود نیا سین :ـ از اثر فقدان این ویتا مین یك دسته عوارض که معمولا در جلد جهاز هضمی و سیستم عصبی تظا هر مینماید وتحت نام پلاگرا مطالعه میگر دند بو جود میایند که‌عبارتند از بو جود امدن يك نوع احمرار و اذیما در نواحی مکشو فه جلدکه معروض به اشعه افتاب میبا شند، خشك و تفلصی شدن جلد و تظاهر يك نوع تفر حات در نواحی فوق‌ـ الذکر ، عدم اشتها ، تنقیص اسید یسی معدوی ، قبضیت و اسها لات ، بی خوابی ، خستگی سر چرخی ، سر دردی ، تشوشات عقلی که با لاخره منجر به دیوانگی میگردند .

٦ـ کمبود ویتا مین (ب ١٢) :ـ

از اثر فقدان این ویتا مین یک کم‌خونی خبیث بوجود میاید که درین کم‌خونی‌لوحه خون‌تغیر نموده‌ومقدار همو گلو بین نور مال خون تنقیص مینماید. برعلاوه اعراض وتشو شات هضمی وعصبی نیز در نزد این مر- یضان دیده میشود .

ج: کمبود مواد معدنی :ـ

۱ـ کمبود اهن : کم خونی ناشی از کمبود اهن بوجود میاید .

۲ـ کمبود مواد ایودین دار: جاغور اند یمیك (در مورد بیماری گفته میشود که کم وبیش پیوسته در یك محل وجود دا شته باشد)

۳ـ امراض ناشی از افراط و تفریط فلورین .

ـدر صورت تفریط :کرم خورده گی دندانها را سبب واز همین باعث است در منا طق که آبهای شان از مقدار کافی فلورین فقیر اند دندا نهای اطفال بیشتر کرم خورده گی میدا شته باشند .

ـ در صورت افراط : فلوروزیس بوجود میا ید .

٤ـ کمبود کلسیم وفاسفور س :

در اثر کمبود وقلت این دومنرال استیو مالا سی (نرمی استخوان بالغ‌بعلت‌اهکی‌شدن‌ناقص‌وجذب‌اضافی کلسیم وفاسفور س‌از آن) واستیوـ پورس(تخلخل‌غیرطبیعی استخوان) بوجود میا ید .

حال که معلو مات کم و بیش راجع به سو تغذی کسب نموده ایم بهتر است‌تا نخست نکات چندراجع به اسباب وعوامل سو تغذی ارا ئه نموده وبعداز آن‌تدابیر لازمه‌وقایوی را تحت براسی قرار دهیم .

بقیه در ص ٤٨

در آینده بعضی ناراحتی های خلق گردد که باعث بدبختی دو جوان گردد .

خوب اگر این سخن را بپذیریم وباید هم قبولش کنیم تکلیف این همه جوان که‌آماده برای ساختن یك زندگی مشترك خانوادگی اند چه میشود ؟

آیا بگذارند همینطور روز ها وسالها به مطالعه در این زمینه بگذرد ؟

در این جای شکی نیست که تحقیق و مطالعه درهر زمینهٔ ، معقول وخالی از فا یده نیست اما در بعضی مسایل نباید مانندازدواج زیاد وسواس ودلواپسی نشان داد.

زیرا آینده راهیچکسی قادرنیست پیشبینی نماید واگر قرار باشد که روی بعضی مسایل خرد وریزه زیاد پیچیده‌شودپس‌هرگز موفق به تشکیل خانواده نخواهیم شد .

امروز که زمینه های بهتری زندگی برای جوانان ما از هروقت دیگر مهیا گردیده است ومیتواند باخیال راحت زندگی مستقل وبدون تشویش را بسازند باید جوانان ماآنقدر خرده گیر در این مسا له حیاتی نباشند . د ر این شکی نیست که هر جوان چه دختر باشد یا پسر آرزو دارد که جوان مورد علاقه اش واجد چنان شرایطی باشدکه اومی خواهد .

اما این مشکل ا ست که انسان تمامی صفات دلخواه خودرا در وجود یك شخص بیابد . هیچگاه انسانی یافت نخواهد شدکه تمام صفات خوب در وجود او نهفته باشد . پس با این ترتیب جوانان در این قسمت باید یك کمی گذشت داشته باشند وزیاد سخت گیر نباشند ومخصوصا دختران .

خوشبختی وبدبختی آینده را هیچکس نمیتواند پیش بینی نماید وبه همین ترتیب هیچکس قادر نیست که آینده را تضمین کند پس جوانان ماکه واجد شرایط ازدواج اند ومی خواهند وآرزو دارند زندگی مشترك خانوادگی را بسازند ازیك سلسله مسایل کوچك صرف نظر کنند وبه‌بخت وخوشبختی خویش پشت پانزنند.

مسولیت پدرومادردربرابرکودک



هر پدر ومادری حق دارد فرزندش راتربیه نماید ، اما چه نوع تربیتی ؟

این سوال‌برای آینده کودك که مرد و زن فردا خواهد بود خیلی ها با اهمیت‌است .

تربیت‌کودك از طرف والدینش یك مساله حیاتی برای کودك شمرده میشود ، و اولین خشت های زندگی او را میسازد .

در موردتربیت درست ومعقول کودك امروز جروبحث های مختلفی بین دانشمندان و متخصصین امور تربیت کودك صورت گرفته اما یك چیز که همیشه مدنظر بوده وهمه دانشمندان بدان متفق القول اند اینکه کودك باید مطابق به محیط وزندگانی مردمش‌تربیت گردد . این امر می رساند که باید هر پدر ومادر وهر معلم جوان وفهمیده کودك راطوری تربیه نماید که برای وطنش وبرای مردمش مفید باشد . یعنی تربیت او طوری باشد که کودك در آینده چون به جوان برومند مبدل خواهد شد از محیطش بیگانه نباشد وبرداشت او از وطن ومردمش معقول ومثبت باشد .

مادر فهمیده ومعلم آگاه وپدر دور اندیش همیشه به این اندیشه اند که چگونه طفل را تربیت کنند تا فرد صالح بار آیند .

در عکس شما مادر جوانی را مشاهده میکنید که چطور مشکل وپرابلم کودك رابر رسی میکند و اورا در کارش یاری میدهد.

این طرز پیش آمد به کودك موقع میدهد تا آزادانه مشکلات خود را به پدر ومادر و معلمش درمیان نهد وازسوال خویش که برایش ارزشی خاصی دارد نهراسد .

متأسفانه بعضی از پدران ومادران خلاف پرنسیب های قبول شده امروزی با اطفال و کودکانشان رفتار می‌نمایند .

مثلا بعضی ازاین پدر ومادران خستگی های روزمره ناشی از کار را بهانه قرار داده‌همینکه طفل ویاکودك شان ازآنها سوالی در موارد مختلفی می‌نمایند والدین به قهر شده او را از سوال کردن باز میدارند در حالیکه این طرز پیش آمد مخالف طرز تربیت امروزی است .

اگر کودك نتواند از پدر ومادر ومعلم خود پاسخ مثبت ومعقول که بتواند او را قانع سازد بشنود ، این سوال ها در آینده برای او عقده های تولید خواهد کرد که شاید تا آخر عمر او را در رنج وعذاب قرار دهد .

بنأ پاسخ به سوال کودك آنهم بشکلی که کودك را قانع ومطمین بسازد از جمله وظایف اساسی ومهم برای والدین جوان ومعلمین جوان است .

آزاد گذاشتن کودك در بعضی از مسایل زندگی البته تحت نظر والدین و معلمین به کودك موقع خواهد داد تا در زمینه ها ی مختلفی زندگی بخود متکی گردد ودر آینده این اتکاء بخود، اورا جوان با کفایت و برومند بار خواهد آورد .

پس ای جوانان، شماکه مسوولیت بزرگ پدری ومادری را بدوش دارید با کودك‌خویش طوری رفتار نمایید که شایسته اوست .

اگر به آینده او می اندیشید، و اگر می‌خواهید که فرزند تان جوان آزاد ،با دانش ومعقول بار آید از حالا به تربیه او کوشش بعمل آورید واین کار را یك بازیچه نه پندارید ونباید آیندهٔ اورا به تقدیر و سرنوشت بگذارید .

نوشته شیرمحمد «هاج»

جوانان‌وراه‌ورسم زندگی جدید

دراین عصر جدید که نیرو های مترقی‌راه تکامل را می‌پیماید ودر جریان آن عناصر ارتجاعی راه زوال رامی‌پیماید وظایف‌ومسوولیت افراد جامعه خاصتاً جوانان انقلابی بس‌سترگ است .

در افغانستان انقلابی بادر نظر داشت‌شرایط اجتماعی‌واقتصادی وبنابه خواست تاریخ‌تحول عمیق کیفی وبنیادی در حیات خلق ما وارد شد وبه همان اندازه وظایف ومسوولیت‌جوانان ماراسنگین تر ساخته است . جوانان با نیروی سر شار وانرژی پر توان در تحکیم حفظ ونگهداشت انقلاب ثور رول بسزا ایفا می‌نمایند . پس باید با جرأت اظهار نمایم که : جوانان انقلابی ماکه مجهز بادانش پیکار انقلابی اند ، وبادرك خصوصیت های طبقاتی ، به‌صفت انسان نیرومند وانقلابی کار وپیکارمینمایند .

زیرا بعد از پیروزی انقلاب ظفر آفرین ثور جامعه عقب نگهداشته شده ما تحولات عمیق درهمه شؤن حیات‌خلق مارونما گردید، حقوق انسانی ایشان عاده شد جوانان ما نیز از قید محرومیت ها رهایی یافتند . درگذشته ها خصوصاً در زمان فرمانفرمائی خانواده فاسد نادری ، خلق مادرزیر شلاق جابرانه آنان جان می‌سپردند وحتی آنان جزیی ترین ارزشی هم در برابر شخصیت آنان و حیات خلق های رنجدیدهٔ ما قایل نبودند .

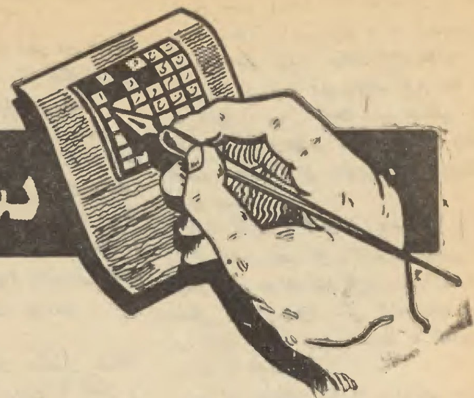
ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب ظفرمند ثور خلق ماازآن بدبختی ها نجات یافتند و باآنهمه بی عدالتی ها وتعصبات گنشته‌خاتمه دادند وبه قدرت جابرانه آنان خط بطلان کشیده شد . امروز خلق ماتوده های هنر آفرین مادر تحت درفش انقلابی دولت‌جمهوری دموکراتیك افغانستان تحت عنا وین مختلف تحقیر نمیشوند . پیروزی انقلاب‌زنجیر شکن، گذشته ازاینکه به‌آنهمه بی عدالتی ها وتعصبات قومی ولسانی خاتمه داد دربارور شدن استعداد های خلاق خلق وجوانان ما نیز توجه بس عظیم دارد .

امروز دولت انقلابی ماتحت پروگرام های انکشافی واقتصادی که بزودی ممکنه درمعرض اجرا گذارده میشود، باروحیه انقلابی ازانرژی سر شار آنان استفاده می‌نماید وبه‌زودی جامعه را اعمار خواهد کرد که در آن هیچ نوع مشکلی سراغ نگردد .

جوانان کشور انقلابی ماکه با اتکاء بر ایمان ووجدانی که‌دارند وبا ابتکارات‌وپیکار انقلابی‌درتحقق‌بخشیدن ارمانهای توده‌های‌ملیونی رنجبران ، زحمتکشان همگام با دولت انقلابی ومردمی خویش برای‌بلند بردن سطح‌تولیدات وامحای کامل بیسوادی کار می‌نمایند ، در تهیه وترتیب ضروریات همه جانبه خلق خویش نیز مصروف کار وپیکار انقلابی‌اند .

پس با درك این واقعیت :میتوان گفت: جوانان امروز ازهرنگاه آماده خدمت به‌مردم بوده وبادر نظرداشت راه ورسم زندگی جدید برای نوسازی جامعه خویش گام بر میدارند وبه صفت انسان ایده‌ال، مبارز طوریکه ا ز آنان آرزو میرود در پیکار با نابرابری ها ، بی‌عدالتی ها در سنگر نبرد قرار دارند.

سرگرمی ها و مسابقات



تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

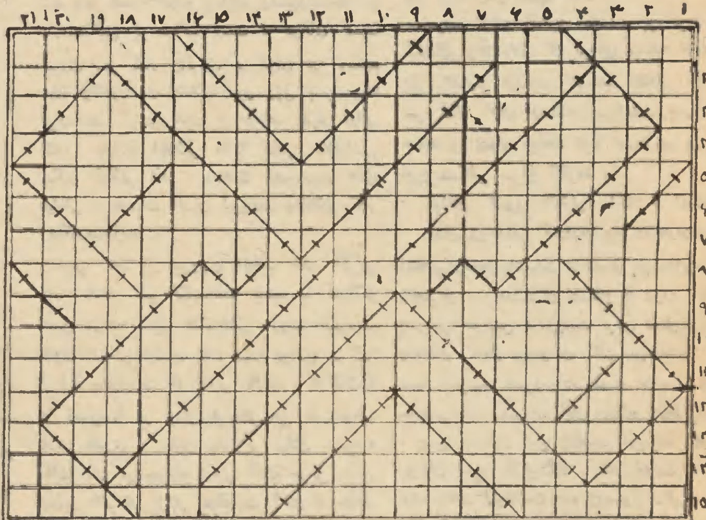
جدول کلمات متقاطع

افقی :-

۱- در سینه جا دارد، گهواره انقلاب،درشش جدی مرحلهٔ نوین آن شروع گردید، از ولایات کشور ما، ۲-دو یك، مسترد کردن ، عطرمیدهد دوست داشتن ، درد ناتمام ، زیادنیست، ۳- انفجار آن خطر دارد ، بوم پابریده، حاصل آکسیجن وهایدروجن ، نصف طاوس، سمبول باریکی ، ادب بی آغاز ، ٤-سر دشمنان کشور خود را به آن می‌خواهیم ، نصف جنون ، ثمر، فرهادبی پا ، ٥- اسم فلمی است که در آن منوج کمار رول داشت ، نودنشده ، ازلوی ولسوالی های کشورما،وداع بی آغاز، ٦-روشنی به‌پښتو، راه کوتاه ، دورنشده ، جای گل‌و بلبل ،۷- هنوز نیامده، گهواره ، دروازه‌دهن، سازنده نشده، ازماه‌های سال به‌پښتو-۸-شیر عربی ، جای سبزه ها ، در جم شهرت‌دارد، ۹-حرف‌ربط،با ادویه مریض‌می‌یابد ، پیدانیست .اسم فلم‌هندی ، محل ، ۱۰- منسوب به‌میهن است ، نصف نجوم ، رطوبت ، ردیف قهر ، از آن طرف ناز است ، ۱۱- صحرا به زبان پښتو ، از ولایات باستانی کشور ما،فریب‌به زبان پښتو،سیب به‌پښتو، ازفلزات، ۱۲-برگ‌ ناکمل،میسوزد،ضمیمه پښتو، درمقابل این‌مرض مجادله بزرگ آغاز شده است ، از آلات‌دهقانی، ۱۳- با(خ) خون است ، گنگ نشده، ایستگاه پښتو ، چست نشده، کندوی‌آرد ، چهره ، ١٤- مادر عرب ، دروازه بزبان عوام ، دوده حاصل آن، لام‌کوتاه ضمیراشاره ، بیدنارسیده،١٥- معشوقه یوسف ، بسیار مشکل است، مساوی به دو صد لیتر است، آتش پراگنده -

عمودی :-

۱-جدیدنیست، تحریری نیست،از پرندگان، ۲- باده لوده است ، آرت ، وبای‌ناتمام‌نصف پارچه ململ ، ۳- خوب نیست ، کمك ، چهره ٤- از حبوبات ، در حال دیدن -٥- نه میشنود، برادر به پشتو ، عاشق شیرین ، داغ نشده، ٦-ردیف اخلاق، میدان‌بوکس، در چایجوش بسیار میباشد ، حاصل نیشکر، ۷- نون بی‌نون، یك حرف ودوخانه، ضمیر اشاره، ریگزار . ۸-دربین بلبل ، خودم ، کلمه ربط ، انفجارآن بسیارخطر دارد -۹- از آنطرف ضمیراشاره ضدمرد، پراگنده-۱۰- عطرمیدهد، درد،محل، دروضومیباشد، ۱۱-نمدنامکمل،رفیق‌سوزن‌است ، ازجمله بته های موادمخدره ، ایستگاه‌بزبان پشتو، بازهم‌حرف‌ربط است، ۱۲-چیزی که‌پیدا نشود ، نصف وداع ، خودم میباشم ، لباس ندارد ، ۱۳- بال شکسته، طرف، حشره‌مضره به زبان پښتو ، مریض بسیار خطر ناك ، ١٤- مات‌شدامابی آغاز، صنم ، دو پنج د ر پشتو ، ماده حیاتی ،١٥-مرگ نارسیده ،دربین غبار ، مادر عرب ، در پستان گاو است، ١٦- دویك راجمع نمائید ، باآواز یکجا میباشد، گندم به زبان پشتو ، از خزندگان ،۱۷-پوش پرندگان‌است، ازتشکیلات عسکری، تیزردیف آن است، ناقل آب ، ۱۸- با ادویه آنرا درمان کنید،گردنبند، ۱۹- فصل‌آن‌رسیده‌است. نوعی ازموسیقی، طرف، ۲۰- دونیم، سماع رانصف سازید، زیادنیست، جام‌بی‌سر، بام ناتکمیل، ۲۱- آرامی ، عکس روز، وظیفه مهم‌یك‌انسان میباشد .



طرح از :- ملکه سلمیا نخیل از لیسه سیدنور محمد شاه مینه .

یادآوری : به علاقمندان وهمکاران این‌صفحه مژده میدهیم که هرگاه تا اخیرسال جاری، جدولی به مناسبت سال نوبا محتوای‌ارزنده طرح‌و‌به‌ما بفرستند به بهترین آن جایزه میدهیم وبقیهٔ آنرابه نوبت بااسم‌وفوتوی طراح بچاپ میسپاریم.

این ستاره را میشناسید؟



به این چهره جذاب خوب متوجه گردیدآیا میدانید که اوکیست ؟ واز کدام کشورجهان است ؟ اگر موفق به شناختنش شدیدبرایتان چند جلد کتاب جایزه میدهیم .

این چشم هااز کیست ؟



این چشم های زیبا را که بدون صاحبش چاپ نمودیم مربوط یکی از زیبا ترین ستارگان سینمایی میباشد خوب اگر به‌شناختن آن موفق گردید اسم آنرا برای ما بنویسید.

این عکس چیست؟



چه فکر میکنید آیا کدام تپه‌است ویاکدام حصه از پوست کچالو اما بدانید که هیچیك ازین ها نبوده بلکه مربوط چیزی دیگری است اگر به شناختن آن موفق شدید باید تنها اسم اورابا اسم لکه های سیاه‌ایکه بروی آن معلوم میشود برای ما بنویسید .

این دوچهره کی‌هااند؟



این دوچهره‌راکه میبینیدازپدرودختری‌میباشد که برای آزمایش ذهن‌شماچاپ نمودیم‌این‌دختر از دختران بزرگ پدر خوداست در راه پیش رفت و معروفیت‌میباشد. ویکی ازفلمهایش بنام (میخواهم دستهایت رابگیرم) است حالا از شما میخواهم که اولا اسم پدرش را و بعدا اسم دخترش را برای ما بنویسید .

پیدا نمائید ؟

	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح
۱	+	●	✱	●	■	▲	★	■
۲	■	○	★	△	✱	●	✱	+
۳	✱	△	+	○	■	○	■	●
۴	△	●	✱	★	●	✱	★	◎
۵	▲	■	●	△	○	+	△	✱
۶	○	+	○	○	✱	▲	●	▲
۷	■	●	★	●	■	★	○	★
۸	★	○	+	○	▲	✱	■	✱
۹	✱	●	△	●	✱	▲	●	△
۱۰	●	△	■	✱	○	●	+	●
۱۱	+	✱	●	△	●	○	▲	+
۱۲	✱	■	○	+	○	★	■	★

دربین این جدول که دارای ۹۶ خانه میباشد دایره های سیاه وسفید ومربع ، گل ، ستاره ، علامه مثبت مثلث گنجانیده شده امادربین همین جدول دریکی ازخانه هابترتیب یك دایره سیاه است که بالای آن یك مثلث سفید ودرپایین آن یك دایرهٔ سفید موجود میباشد آنرا پیدا وبرای مابنویسید .

چه کاره است ؟

هرکس که دریکی از دوایر کار میکند. اسباب واشیای میزوکارش ازوظیفه اونمایندگی میکنند ماهم این تابلورا که دراین جاچاپ نمودیم اطاق کاریك نفررا نشان میدهد آیا میتوانید بگوئید که این شخص چه وظیفه رابدوش دارد.

کدام مخترعین ؟

۱:- اودر سال ۱۷۰۱ در اوپسالا (سوئید) بدنیا آمد ودر سال ۱۷٤٤ در استکهلم از دنیا رفت او که حرارت سنج را ساخت و پیش از آن که این آله اختراع گرددمردم تاقرن شانزدهم حد سر مارا دریك زیر زمین وحدگر مارا در آفتاب تابستان یابدن یك انسان تب دار معین میکردند وبعدهافارنهایت و رسومور درجه بندی آله درجه حرارت رادرحال یخ شدن آب ودر حال بخار آب جوش درجه بندی نمــودواودرسال ۱۷٤۲ درجه حرارت صدقسمتی (سانتی گراد) رادرست نموده است .

حالابنگارید که این مخترع کی بود ؟

۲:- این شخص که درسال ۱۷٦٥ متولدشد ودر سال ۱۸۳۹ ازدنیا رفت . اولین فابریکه نساجی را ساخت پیش از آن تکه های قیمتی زیاد بود ومردم متوجه گردیدند که نمیتوانند ازین پارچه های قیمت دار استفاده نمایندوپنبه که زیاد میباشد چرا پارچه های ارزان قیمت نسازند همان بود که با کمك یك کارگر که دو زندان بود دستگاه نساجی را اختراع وبکار انداخت حالابگوئیداین دونفرکی هابودند ؟

بی پروایی

مااین تابلو راکه ازیك صحنه بالت است چاپ نمودیم درین جاطفلی رامیبینید که گریه را سر داده ولی آن دو بابك دنیا نشاط وبی خبری در عالم رقص خود فرو رفته اند مابه به این صحنه عنوانی بی پروایی را گذاشته ایم ولی نمیدانیم که شمابه این صحنه کدام نوع عنوان را انتخاب میکند مابرای کسانیکه بهترین عنوان را به این صحنه انتخاب کند جایزه میدهیم وفوتوی شانرا را نیز در همین صحنه چاپ میکنم .

این اثر از کدام نویسنده است؟

ماحصه از کتاب یك نویسنده مشهور جهان رابرای شما شرح میدهیم ازشماتمنا داریم تا اسم کتاب واسم نویسنده آنرا برای مابنویسید.

در صحرای بودم صحرایی بزرگ وحزن انگیز که گیاهی در آن نبود نمی توانستم بفهم که شب است یا روزگردش میکردیم با برادرم برادر سالهای کودکیم برادری که باید باو بگویم که هرگز در فکرش نیستم و تقریبا هیچگاه به یادش نمیاورم • صحبت میکردیم وبارا هگذران مصادف میشدیم ازیك زن حرف میزدیم که در روزگار گذشته همسایه مان بودوتادرآن کوچه منزل داشت جلوپنجره اتاقش که همیشه بازبود کار میکرد. در صحرا درختی نبود. مردی رادیدم که از نزدیك ما میگذرد این مردی بود سراپا برهنه همرنگ خاکستروسوار براسبی بود به رنگ خاك این مردموبرسر نداشت جمجمه اش نمایان بود وبر جمجمــه اش رگ هـا ی دیده میشد چوبی به دست داشت که مانند ساقه مولرم و مثل آ هن سنگین بود این سوار از جلوما گذشت وچیزی بما نگفت :

برادرم به من گفت از راه پایین برویم آنجایك جادهٔ گود افتاده بود که بتهٔ خاری وبرگ علفی در آن نبود همه جاو آسمان نیز به رنگ خاك بودپس ازچندقدم دیگر وقتیکه حرف میزدم کسی به من جواب نگفت متوجه شدم که د یگر برادرم همراهم نیست به دهکده یی که در آن نزدیکی دیدم واردشدم فکر میکردم که آنجا باید رومنویل باشد.

(رومنویل چرا ؟)

اولین کوچه که من داخل آن شدم خلوت بود به کوچه دیگر رفتم پشت زاویه یی که از دیوار های این دوکوچه ساخته میشد مردی کنار دیوار ایستاده بود پیش رفتم وازوی پرسیدم :

اینجا کجاست من کجا هستم اوهم جوابی به من نداد .

اینجا کجاست من کجاهستم جوابی به من نداد دیدم که در خانه یی باز است درون شدم اتاق اول خالی بودبه اتاق دوم رفتم پشت دراین اتاق مردی کنار دیوار ایستاده بوداز این مرد پرسیدم این خانه از کیست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

خانه یك باغ داشت از خانه بیرون رفتم ووارد باغ شدم باغ خلوت بود پشت اولین درخت مردی ایستاده دیدم به این مرد گفتم این باغ از کیست من کجا هستم مرد جوابی نداد در دهکده سر گردان ماندم وناگهان مشاهده کردم که این یك شهر استهمه کوچه هاخلوت وهمه در ها باز بود هیچ موجود جاندار از کوچه ها نمیگذشت هیچکس در اتاقهاراه نمیرفت و کسی در باغها گردش نمیکرد اما پشت هرزاویه دیوار پشت هردرپشت هر درخت مردی ایستاده بودکه مطلقا ساکت بود هیچ جادو نفر دیده نمیشدند که نزدیك بهم باشند • این مردان بانگاه دنبالم میکردند از شهر بیرون رفتم ودر صحرا راه افتادم پس از مدت کمی سرـ گرداندم ودیدم که گروهی دنبالم میایندهمه مردانی را که در شهر دیده بودم بین این جمعیــت شناختم سرهای عجیبی داشتند شتابی در رفتار شان به نظرم نمیرسید امااز من تندتر راه میرفتند کمترین صدا از راه رفتنشان شنیده نمیشد در یك لحظه این جمعیت به من رسید واحاطه ام کرد چهره این مردان به رنگ خاك بود .

آنگاه اولین مردی که در شهر دیده وازوی پرسشهای کرده بودم به من گفت کجامیروید مگر نمیدانید که مدتی است که مرده یید دهان گشودم تا جوابی گویم و مشاهده کردم کــه هیچکس پیرامون من نیست مادلن بیدار شد احساس کرد که از سر مایخ کرده است بادی که چون باد صبحگاهان سرد بود دولنگهٔ پنجره را که باز مانده بود تکان میداد آتش بخاری خاموش شده بود وشمع نزدیك به خاموش شدن بود هنوز شب تاریك بوداز جابر خاست سوی پنجره رفت بازهم ستاره یی بر آسمان دیده نمیشد از پنجره اتاقش حیاطخانه وکوچه نمایان بود هماندم صدایی خشك وسخت ناگهان ازوری زمین برخاست و چشم اورا فرود آورد زیر پنجره دوستارهٔ سرخ که روشنایشیان بوضع غریبی در ظلمت دراز و کوتاه میشد به نظرش رسید چون نیمی از فکر ش هنوز در تاریکی رویا غوطه وربود باخود اندیشید عجیب دیگر چیزی از آنها در آسمان نیست حالا دیگرروی زمینند آنگاه آشفتگی افکار ش بر طرف شد صدای تازه یی شبیه به صدای نخستین بیداریش راکامل کرد بادقت نگریست ودانست که این دوستاره دوچراغ یك درشکه است درروشنایی ایــــن چراغها توانست شکل در شکه را تشخیص دهد این یك تك اسبهٔ دوچرخه بود که به اسبی سفید بسته شده بود صدایی که قبلا به گوشش رسیده بود صدای ضربات پای اسب روی سنگفرش کوچه بود • مادلن باخود گفت این در شکه چیست این کیست که صبح به این زودی آمده است. هماندم کسی دراتاق رابه آهستگی کوبید •



عریضه برای آب

قسمت دوم

اینرا گفته و بسرعت خود را بداخل حویلی و محوطه دفتر رسانید، دفتر باز بود. در برنده عارضین زیاد جمع شده بودند. مامور و میرزا و عسکر و نفر زیاد هم آمده بودند بعضی ها لباس‌نو و حتی تکمه و نشان طلائی هم به سینه داشتند، بعضی ها شمشیر های مرصع در غلاف های زر اندود بر کمر بسته بودند زمینداران بازو باشه شکاری خود را نیز با خود آورده بودند.

پولیس ها با کمربند و سرشانه نی براق وجلادار خود ملك ها و خانهای‌قریه با مهر و زنجیر های رسمی خود، همه در آنجا بنظر میامدند. قدیم هم خودرا در آن قطار رسانید و شناسای خود را پیدا و خویشتن را خم و آهسته اظهار کرد:

-صاحب محترم، عرض دارم. شکایت است. بحاکم صاحب عرض دارم.

-شکایت از چه؟!

-صاحب ... از سبب آب. و بعد ازآن..

-دگر چه؟

-خیر. دگر هیچ. مالك چایخانه وعده داد که آنرا پیدا کند. درست شد.

-چه را پیدا کند؟

-دستمال نان مرا. شب گم شد.

-هی ... از کجا هستی؟

-از چولو.

-کالایت‌به جل اسپ میماند.

همه کسانیکه در برنده دور قدیم‌جمع شده بودند بلند بلند خندیدند. مامور دفتر بیرون بر آمد و جیغ زد:

-غالمغال چیست؟ سردار صاحب‌حاکم صاحب قهر میشود.

-این نفر غالمغال میکند. کالایش‌به جل اسپ میماند.

-چه گفتی ... کدام جل اسپ؟

چند نفر از جای خود دور شده و راه را باز کردند. یکی از آن میان به قدیم اشاره کنان گفت:

-اینست .. صاحب ... ببینید ... فقط جل اسپ را پوشیده باشد.

قدیم خیلی آزرده و غمگین بود. میرزای دفتر جانب او دیده پرسید:

-چه میخواهی؟

-صاحب ... آب ...

میرزا به جوییکه از میان محوطه اداره میگذشت اشاره و علاوه نمود:

-البته نمیدانی که چطور همرای گیلاس آب نوشیده میشود. به لب جوی برو دست های خود را بزمین بمان سرت‌را های خود را بزمین بمان. سرت را پایان کن و مثل گاو آب بنوش.

-بیچاره گاو نیست .زیر جل اسپ‌است.

چشمان قدیم از غضب و خشم مثل آتش شد و خودش صدا زد:

-صاحب ... صاحب ها

-فقط جل را پوشیده باشد. وچندین نفر باهم خندیدند.

مامور گفت:

-آقایان ... خاموش‌باشید حاکم صاحب به‌قهر میشود. اگر غالمغال تانرا شنید خشمگین واز اطاق بر آمده و بر همه ما و شما غضب میگردد.

-خوب ... تو از کجاستی؟

-آقایان اینجا یك دفتر است یا یك بازار؟ قدیم جیغ زد و این سوال‌را پرسید.

-اوهو .. ببینید .زیر جل اسپ.

-من یك تبعه آزاد هستم و برای یك شکایت اینجا آمده ام.

در مقابل این گفته قدیم، کسانیکه در برنده ایستاده بودند گفتند مارا عفو کنید. ما شما را نمی شناسیم. آقای جل اسپ پوش و همه شان بمقابل‌قدیم صف زدند یکی از آن میان گفت:

- راه بدهید باقای عالیقدر تبعهٔ آزاد!!

- تبعه آزاد برای یك شکایت زحمت آمدن تا اینجا را متقبل شده اند!!!

قدیم یك قدم بجانب دروازه پیش آمد اما خود را باز بین مردم محصور یافت.

یکی از آن جمله چنین گفت: ما هیچ فکر نمیکردیم که‌یك بادار جدید بخیر اینجا تشریف آورده اند «آقایان!» قدیم بحدی بلند جیغ زد که حاکم صدای‌اورا در داخل اطاق خود شنیده مامور دفتر رانزد خود طلب کرد ولی خودش فورا وبدون معطل شدن برای آمدن مامور بداخل‌اطاق بیرون بر آمده به همه حضار نظرخشم آلود انداخته پرسید:

-اینقدر غالمغال برای چیست؟

-عالیقدر! یك نفر دیوانه پیدا شده!

-کو؟ در کجا؟

-اینه، اینجا حاضر وتیاراست.

قدیم به پریشانی و بدبختی خود فکر کنان ایستاده بود و وقتی شنید او رادیوانه معرفی میکنند فریاد کرد:

دیوانه کیست؟ مرا دیوانه میگویند؟

سردار حاکم جانب او قدم بر داشتو به شدت پرسید: چه میخواهی ،دیوانه؟

-آب میخواهم، سردار!

وقتی قدیم این جمله راگفت از چارطرف او صدای زهر خند واستهزا بلند گردید چند نفر گفتند.

-دیوانه ... بیچاره جوی باین طول و عرض را اینجا دیده نمیتواند.

-راستی‌دیوانه است.

سردار امر کرد:- اورا بگیرید و ببرید اگر تجاوز و ناآرامی میکرد بسته اش کنید، راسا به دیوانه خانه شهر. بلی او دیوانه است و باید همانجا باشد.

باشنیدن این امر سردار حاکم رنگ از رخسار قدیم پریدو بریده بریده گفت: چه ...مه ... چه بعدا احساس‌کرد که یك پره کوه بسرش افتاد. با صدای لرزان و شکسته نالید: سردار صاحب رحم کنید. من آب میخواهم. دیوانه نیستم. بادار من دیوانه نیستم. من قدیم اعظم اوغلی هستم.

حاکم باز باو نزدیك شد. خوب‌بسرو صورت او دید و گفت راستی دیوانه شده.

او را به دار المجانین ببرید.

حاکم بعد ازین امر بدفتر خوددا خل گردیده مامور به محافظ گفت که قدیم را ببرد. قدیم مقاومت ورزید. لیکن اشراف و زمین داران همه یك یك تیله‌داده و قدیم بیچاره را از زینه پایان راندند قدیم یك سکه نقره یی بکف دست محافظی که‌اورا بیرون میکشید ماند و احساس کرد که محافظ از او دست بر داشت .قدیم فورا به جستجوی اداره میرزا کمال بیگ بر آمد.

تمام بدنش درد داشت. راه رفتن‌برایش مشکل بود. امااز راهروان پرسیده پرسیده جای مقصد خود را یافت که یکنفر از قریه خودش نزدیك دروازه آن ایستاده بود. با خوشحالی صدا کرد:

-هی غلام علی!! سلام علیکم و سپس دویده و او را به بغل گرفت غلام علی که خودش پیشه دهقانی داشت و داغهای‌چیچك روی او را فرا گرفته بود، در حالیکه عریضه خود را قات کرده وبه جیب‌خود میگذاشت از دروازهٔ یك دفتر بیرون میبر-آمد قدیم روی خودرا بروی ریش دراز غلام علی چسپانیده و با صدای لرزان اضافه نمود: اوه غلام علی. اگر بدانی که من چقدر بدبخت استم. تصور میکنم یك سال شده که از خانه بر آمده ام .معطل من باش، کار خود را زود خلاص میکنم و بعد هر دو یکجا میرویم خانه.

-قدیم بخدا قسم که قاطر خودرا به کاروانسرای مانده ام. میروم که‌ببینم بجای خود است یا نه!

کارت را زود خلاص کن. همانجا بیا با هم خانه میرویم. من منتظرت‌میباشم. غلام علی اینرا گفت وروان شد. قدیم مثل طفلی‌که‌راه خودرا گم کرده باشد عقب‌او صدا زد:

غلام علی ترا بخداقسم که‌بی‌من نروی.

-نمیروم، خاطرت جمع باشد.

قدیم تاوقتی غلام علی را تعقیب نمود که‌دریك کج گردشی از نظر غایب شد و پس از آن به اداره میرزا کمال بیگ داخل گردیده. دید که میرزا کمال‌بیگ شصت های خود را به جیب دو طرف‌واسکت گرفته و روی فرش خشت دفتر از ینسو بانسو واز آن سو باینسو قدم میزند. همینکه قدیم را دید پرسید:

-اوه رفیق ... بیابیا ... چه خبر خوش داری؟

-صاحب ... من برعکس خبر های خبر خراب دارم.

-چرا ؟چه واقع شد؟

-همانطور که گفته بودید ،آنها سخن مرا نفهمیدند ... نه تنها سخن‌مرانفهمیدند بلکه مرا دیوانه هم گفتند.

در کنج دفتر یك میز مانده شده بود. میرزاکمال بیگ بعد ازین صحبت مختصر طرف میز رفته‌وبه عقب آن دور خورده یك دست خود را روی میز ماند و دست دیگر خودرا به سربی موی وطاس خود گند را-نیده وعلاوه نمود:

-بلی ... عارض باید عریضه تقدیم کند. حرف ما و شما مردم دهات راکسی درك نمی کند. فقط عریضه میخواهند. و

شما باید عریضه بدهید وقتی که عریضه دادید، آن وقت آنرا خوانده نمی توانند واگر باصد زحمت بخوانند معنای آنرا فهمیده نمی توانند و زبانی می پرسند.

ولی بهر حال هیچ عارض نباید بدون عریضه تحریری بدوایر برود ووقتیکه رفت باید عریضه تحریری با خودداشته باشد.

-راست میگوئی برادر! اگر غمهای عارضین کم میبودمن مانند چوب‌خشك و لاغرو زرد وزار نمیشدم.

اوسینه خود اخارید و قدیم سر خود شور داد وبعد گفت:

-صاحب همینطور است، همینطور است اگر آدم های مثل شمانمی بود، من نمیدانم که احوال ما غریب هاوبیچاره‌ها چطور میشد؟

مرغها چشم مارا وحیوانها جسم مارا می خوردند.

- راست میگوئی برادرم. اگر آدم تنها بفکر خود باشد، زندگیش آسان میشود. مثلا برایت قصه کنم. یك نفر، درین نزدیکی یك غرفه دارد. همین غرفه سوم از ینجا. از من میخواهد که همرایش شریك‌باشم. برای من میگوید تو آدم فهمیده استی! همین حساب و کتاب‌مرازیر نظربگیروکار آنرابکن، من مثل برگهای خزان برایت پول میدهم. اما من برایش

گفتم که اگر من همرای تو شریك شوم برادران غریب وغمگین عارضین من‌چه خواهند کرد؟ کی عریضه شانرا خواهد نوشت. وقتیکه عریضه نزدحاکم میرود، اول باید به کتاب ثبت قید گردد.

قدیم پرسید: به کتاب ثبت؟

-رفیق من، تو چه فکر میکنی؟ معلومدار به کتاب ثبت رسمی اباز آنرا مدیرشعبه به دوسیه میماند. که نوشته و نشان طلائی در آن چاپ شده. عریضه راکه درمیان دوسیه می مانند با زخودش آنرانزدحاکم می‌برد. دوسیه را بدست‌عارض داده وهر دو پیش حاکم خود را خم میکنند میبینی که احوال عارضان از چه قرار است؟

قدیم از شدت آنچه بر او واقع‌شده بود هرلحظه درد زیاد ترحس میکرد. دیگرتاب ایستادن نیاورد. پهلوی دروازه روی زمین اطاق نشست و سر خود را برای نصدیق گفته های میرزا کمال بیگ‌شور میداد. یکبار گفت: خدا به آدم های فهمیده مثل تو صحت و سلامت نصیب کند. قصه منم ازین قرار بود. حالاعریضه من روی میز سردار حاکم صاحب افتاده و عکس تزار هم که در دیوار نصب است از همان بالا بر عریضه من مینگرد. اما اگر از دست خود همین آدم کلان عرض کنم چه میشود؟

کمال بیگ دست خود را به عقب گوش خود قرار داده پرسید:

مطلب چیست، من حرفت را نمی‌فهمیم؟

-یعنی گفتم که اگر از دست همین‌سردار حاکم صاحب عرض کنم و شکایت کنم چه نتیجه خواهد داد.

-چه شکایت داری از حاکم؟

-تمام جانم وتنم از دست شان درد میکند. تمام افگار شده علاوتا مرا دیوانه هم گفتند.

با شنیدن این مطلب میرزاکمال بیگ پشت میز وسر چوکی خود نشست، آرنج خودرا بالای میز ونخ خودرا بالای مشت خود مانده پرسید: همین بعد عریضه ات؟

که میخواستی بنویسی و بمقامات بالا بدهی؟

-بلی صاحب من باید دیروز آنرا برایتان میگفتم.

میرزاکمال بیگ از چوکی خود برخاسته گفت: حالا هر چه را بمن بگو.

قدیم هم خواست که ایستاده شده حرف بزند اما میرزاکمال بیگ علاوه کرد: هماطور نشسته حرف بزن... آزاد استی اینجا دفتر سرکاری نیست.

قدیم چارزانو روی فرش اطاق نشست. رویش از شدت درد تغییر رنگ میداد وبار دیگر تمام‌قصه خودرا ازسرتاآخربه میرزاکمال بیگ شرح‌داد وقت‌گذشت‌خودراتمام میرزاکمال بیگ‌شرح‌دادوقت سرگذشت‌خودراتمام کرد چنان از خشم می لرزید که صدایش تغییر و با لرزش عجیبی علاوه کرد:

-بلی میرزا صاحب... بخود بادشاه بزرگ بنویس - آقا، صاحب، عریضه مرابنویس ودر آن علاوه کن که‌آیامن قدیم اعظم اوغلی تبعه آزاد او هستم یا نیستم؟

همه چیزهای راکه برایت گفتم‌نوشته کن.. به پادشاه بنویس که قانونهای اورا در مورد ماکسی تطبیق نمیکنند.

-ولی اگر من تمام این داستان رابنویسم، پوره یك ناول خواهد شد.

برادر ناول چیزی رامیگویندکه نویسنده از خود ببافد، قصه من چه ناول دارد، همه چیزهای که برایت گفتم راستی و حقیقت است. بخدا قسم میخورم که هر حرفش راستی است. یك کلمه دروغ‌نگفته ام. همه را بنویس. هماطور که است بنویس.

میرزا کمال بیگ یك ورق کاغذ خط دار را از روك میز خود کشیده و یك قلم راهم بدست گرفت. قدیم باز گردن‌باریك واستخوانی خود را در حالیکه رگهای آبی رنگ آن ورم کرده و برخاسته بود پیش آورده و گفت:

-بنویس آقا جان. بحضور پادشاه، من دیوانه نیستم. وبنویس که من قدیم عظیم اوغلی، رعیت صادق تان می باشم و بنویس که من برای پنبه خود آب میخواهم. زمین من خشکیده و بدون آب مانده و از بی آبی ترك ترك شده. هرچه را که میدانی بنویس، نوشته کن که... بلی آقا هر چه را خبر داری بنویس، همان طور که من میگویم بنویس، ازرویه حاکم اینجا هم بنویس، نترس. هیچ و هم وخوف را بدلت جای نده، من جواب ده هستم. هر چه واقع شد من جواب میدهم.»

میرزا کمال بیگ ناگهان جیغ‌زد:

-اما او برادر خط مرا همه میشناسند. مرا به کشتن لده.

-نترس، من جواب ده هستم من جواب میگویم. هر چه را من گفتم هماطور بنویس.

چرت خود را خراب نکنی. من جواب این نوشته را میدهم. تو هماطور یکه من میخواهم بنویس.

میرزاکمال بیگ برای قدیم عریضه نوشت. به عنوان همان عالیترین مقام نوشت. اما تنهادر باره ضرورت اوبه آب جهت کشت پنبه اش نوشت. دیگرچیزها را ننوشت. با کاغذ جاذب، نوشته های خود را خشك کرد. عریضه را به یك گوشه میز مانده و دیوات را به طرف قدیم پیش آورده و گفت:

-شصت خودرا اینجا بچسپان.

-من سر خود را می چسپانم. توتنها انگشت‌مرا میگوئی. اینرا گفته انگشت خودرا برنگ زدو وبعد به قوت زیاد بر کاغذ چسپانید.

-میرزاکمال بیگ، یقین داری که هر چه را برایت گفته ام نوشته ای؟

-بلی. همه چیز را نوشته ام.

-و عنوان آن را بنام خود پادشاه نوشته ای؟

-بلی.

در باره رویه حاکم این جا هم‌نوشتی؟

میرزاکمال بیگ حسب عادت پشت‌گوش خود را خاریده عریضه را قات کرد واضافه نمود.

-هر چه ضرور و لازم بود نوشتم. حالا برخیز واین عریضه را بگیر و راسا برو به دفتر پست و بنام خود پادشاه به پسته بینداز.

میرزاکمال بیگ پاکت را سرش نمود و نشانی‌دفتر پسته را به قدیم فهمانید که از کدام جا و کدام راه بانجا برود. قدیم کاغذ را گرفت ویك نوت‌راهم از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت. و جانب میرزاکمال بیگ دیده علاوه‌نمود:

به راستی شما حامی عریضه دارها هستید. همه عارضان دعای سرتان‌را میکنند.

قدیم رفت جانب پسته خانه، بزودی آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلکینی و غرفه پیش کنان از آنها پرسیدکه چطور آنرا به شاه برساند. پالیده پالیده غرفه مربوطرا یافت و گفت:

-عریضه بدربار شاه... گفته و دست خود را پیش کرد تا کاغذرا بدهد.

-به‌خود شاه؟ پس بگو که در عریضه خود چه نوشته ای؟

-اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی عریضه را در پاکت نمی اندا ختم و سرش نمیکردم.

و قتی بدست خود بادشاه برسد مطلب را خودش میفهمد.

چنین جوابی آنهم از جانب یك دهقان ساده میرزای پوسته خانه را متعجب ساخت. و گفت:

-چرا مثل سرکه ترش هستی؟

-من وقت گفتگو یرا ندارم. پول را بگیر.

ولی یادش آمد که باید بد خلقی نکند و بهتر است قهر خود را بپوشاند و باز گفت.

-او برادر جان... میرزا صاحب.. قربان... لطفا تو جه کن که همین عریضه من بیچاره در راه گم نشود و محفوظانه همانجائی که نوشته ام برسد.

کاتب پوسته خانه طرف قدیم دیده وپرسید: دفعتا اینطور تغییر کردی سرکه به یکبارگی آب شد!

-از سبب آب است که من مثل‌سرکه شده ام.

-آب باتوچه کرده؟

-اینك برادر جان... بگیر مکتوب و عریضه مرا... لطفا بگیر ورسید بده. و آنرا بزودی به‌نزد پادشاه بفرست... هر قدر زود که میتوانی. من کدام وقت دیگر نزد تو میایم و تمام گپ و سخن را برایت نقل میکنم.

-اوه... آدم سخن خود را از رفیق خود پنهان میکند؟

-آدم رفیق را در وقت تنگدستی میشناسد. عریضه مرا بگیر. تو جه کن که‌بپادشاه برسد. هرقدر زود که میتوانی آن وقت‌باز من میفهم که تو رفیق من هستی

کاتب عریضه را بدفتر ثبت کرد. پول پسته را از قدیم گرفت و رسید راجستری را داد.

قدیم باو گفت: اگر عریضه من گم شد باز من میدانم و تو!

یك عارض دیگر که در عقب او ایستاده بود بی صبرانه اورا بادست خود متوجه ساخت که زود از غرفه دور شود تا نوبت باو برسد که نزدیك غرفه بیاید قدیم زود جای خودرا باو داد. اگرچه قهر شد اما چیزی نگفت. قدیم از پسته خانه جانب چایخانه‌روانه شد. تمام کاروانسرای را پالید تا غلام علی‌را بیابد و همرای او به قریه برود. اما غلام علی بنظر نیامد.

چند قرص نان خرید. آنهارابه جیب هاوزیر بغل های‌کرتی خود جابجا نمود و جانب خانه خود روانه شد.

زمین دار بزرگ ده قهر شده بود که قدیم چرا به شهر رفته و چرا شکایت کرده. هر صبح و شام میراب را نزد خود خواسته و سر او غضب میشد و میگفت:

-بغضب خدا شوی... نمك‌من ترا بشر ماند... چرا کار اورا نساختی -چرا نکشتیش که از غمش خلاص می شدیم.

-بادار جان بخدا قسم که ما فکر کردیم آنقدر زده بودیمش که نفسش‌باید بر آمده می بود.

-وباز نعش او راروی زمین‌ماندی و رفتی؟

-این از بی احتیاطی ما بود. ما باید او را در پهلوی جوی گور میکردیم.

-اما تو این کار را نکردی. ماندی که زنده شود و برود شهر و عرض کند مامور پولیس فقط بهانه میخواهد. یك تولی پهره سرمن روانه خواهد کرد تا یك هفته پوره آب و نان بر ایشان بدهیم بعد از او باز نوبت حاکم میرسد که‌بیاید و من باید چاره اورا کنم. یك هفته این کاردوام میکند. باز نوبت نایب الحکومه صاحب میرسد. ومن باز باید پیش او چارغوك نمایم. آخر برای چه؟ صرف برای اینکه یك دهقان از دست سرهنگ آغاشکایت دارد. هر آدم بی‌سروبی‌پای حالا برای ما چاه میکند!! وزیر پای ما آب میراند! حال یك دهقانی مثل‌قدیم هم شروع کرده.

وفیل هم نمی‌تواند بمقابل او ایستادگی کند. و گناه این همه بگردن کیست؟

گناه تو، میراب احمق لوده... بروتهای خود را مثل دم خر کلان کردی و گردنت از چاقی پندیده. کرتی گلابتون دوزیت، کفن جانت شود!!

-بادار جان قسم میخورم که قصورش را میگیرم. تو باش که یك دفعه پس اینجا بیاید. زنده بگورش میکنیم.

- بعد از ینکه رفت به شهر شکایت کرد وعریضه داد. تومیخواهی به‌آن مامور پولیس که پدرش را کشته بود م‌باز فرصت برسد که از من انتقام بگیرد.

ناتمام



نمایی از سربند برق نغلو (یکی‌از منابع‌مهم انرژی)

مشکل بحران انرژی درجهان

...

آفتاب به حیث بزرگترین منبع انرژی

قسمت‌دوم

باجاگرفتن اندیشه مترقی درنهاد انسانهای تحت ستم و پیروزی انقلابات دموکراتیك درجهان و جهان شمول شدن حکومت های پرولتاریا وسرنگونی دولت های امپریالیستی جنگ طلب ،بدون شك استفاده از انرژی اتومی بدست خود کار- گران پیروزمند عمومیت پیدا میکند وانسان بالنده و دورانساز اتوم را بصورت واقعی در خدمت انسان قرار میدهد وسرگلوله های ذروی را که جهت کشتار انسانهای قد بر افراشته برای کسب حقوق انسانی شان رهبری شده اند ، برای همیشه نابود میسازند و افق های تاریك انسانهای تحت ستم را با نور ناشی از انرژی اتومی، نورانی میگردانند .

در جهان سرمایه داری استفاده از مظاهر جدید زندگی عالی شکل طبقاتی داشته که با ادامه نظام سرمایه داری ادامه میداشته باشد وازین سبب استفاده از انرژی آفتاب نیز در جهان کپیتالیستی جنبه طبقاتی خواهد داشت و تعداد محدودی از نوع بشر در حالی از آن استفاده خواهند کرد که تعداد کثیری از انسانهای دیگراصلا از چگونگی انرژی آفتاب، انرژی اتوم و شکل‌استفاده از آنها اطلاعی نداشته باشند .

بهر صورت کمبود انرژی طوریکه امروز فوق العاده محسوس است و منابع آن روبا تمام است نگرانی زیادی ازین ناحیه متوجه جوامع بشری گردیده است .

بالا رفتن فی بیرل قیمت نفت در هرسال و پایان یافتن مواد سوخت چون ذغال سنگ و چوب سوخت نه تنها باعث دردسر برای کشور های صنعتی جهان نگردیده است بلکه باعث اندیشه و نگرانی‌قاطبه سر نشینان این کره خاکی، میباشد که باید جهان ما در روشنی صلح علاج واقعه را قبل از وقوع بنماید و بجای مصارف نظامی وپولهای مصرف شده در مسابقات تسلیحاتی در راه سر سبزی جهان ، کشف منابع انرژی جدید زیر زمینی و عمومیت دادن استفاده از انرژی اتومی وانرژی آفتاب بنمایند تا جوامع بیش ازین انکشاف کنند و درپرتو صلح وصفا با تامین مزایای‌عالی دموکراسی در سر تا سر جهان یوغ بردگی را از شانه های همنوعان بر دارند وبرادر وار بدور هم گرد آیند وا زمنابع کشف شده و نا منکشف بصورت عادلانه استفاده نمایند .

همانطور یکه ریشه تمامی بحرانهااز صلح نا پایدار آب می خورد وباکشیدگی و تشنج درگوشه‌ای‌ازجهان صلح جهانی را بخطر مواجه میگرداند ، بحران انرژی‌و کمبودمواد سوخت نیز اثرات ناگواری بر جوامع مترقی و رو بانکشاف میگذارد و هیچ طرفی از متحمل شدن خسارا تواردہ ناشی از بحران انرژی گزیر نداشته و نخواهند داشت .

قرار احصائیه های تخمینی ظرف پنجاه سال گذشته نه دهم جنگلات پاره ای از جزایر حاره ی ناپدید شده اند ، جنگل های استوایی نیز بنوبه خود مورد حمله قرار گرفته اند که استفاده بشکل ابتدایی از جنگلات مقدار انرژی زیادی راکه در انکشاف آینده کشور های روبانکشاف از آن استفاده مطلوب صورت خواهدگرفت بهدر رفته است‌زیرا گروههای زیر فشار نیازهای فوری ، منابع انرژی را طوری بغارت می برند که اگر توام‌با بکار برد علم و اندیشه مترقی از آن استفاده نگردد بحرانات ناگواری بدنبال می آورد که جبرانش میسر نخواهد بود.

مساله بحران الرژی که بشریت امروز به آن مواجه شده ودر آینده شاید این مشکل حادترو بغرنجتر گردد، نمی توانست بشکل قانع کننده حل گردد مگر آنکه جنگ‌های خانمانسوز بوقوع نمی پیوست ویا در آینده از بروز آن جلو گیری شود و صلح پایدار سراسر دنیا را فرا گیرد واین زمانی میسر شده میتواند که جهان ما تابع یك نظم جدید اقتصادی و سیاسی ای‌باشد که دموکراسی واقعی بنفع کار گران. زحمتکشان و سایر طبقات تحت ستم پرتوافگن گردیده و بشر دست بدست هم داده در جامعه ای شگوفان و فارغ از استثمار زندگی باهمی اش را ادامه دهد .

زیرا با تعمیم دموکراسی واقعی که‌از طرف کارگران وزحمتکشان بمیان‌بیاید منابع انرژی طور عادلانه در خدمت‌انسان قرار میگیرند و با برکت علم وتکنالوژی عصری و بکار برد اندیشه خلاق‌ودورانساز طبقه کارگر خلق های دورانساز که در کنج و کنار این کره خاکی بصورت پراگنده زندگی میکنند ، منابع جدیدانرژی کشف ومورد استفاده‌همگانی قرار میگیرند که بدون تردید اندیشه ونگرانی سرسام آور ناشی از کمبود انرژی وبحران آن‌در آینده بر طرف میگردد .

جنگلات، مواد نفتی ، ذغال سنگ انرژی برقی اتوم وآفتاب یا این بزرگترین منبع انرژی درجهان ، در روشنی‌صلح و همزیستی مسالمت آمیز طوری درخدمت انسان قرار خواهند گرفت که از هرحیث رشد سریع جوامع عقب مانده صورت‌می پذیرد که با پخش وگسترش اندیشه‌مترقی و آیدیولوژی دورانساز طبقه کارگر خلق ها بپا می خیزند وطراح‌برنامه‌های انکشافی خود می شوند و با بکاربرد نیروی خلاق و زوال ناپذیر خویش، بدون تشویش ونگرانی ایکه امروز ازناحیه مواد سوخت وجهات‌دیگر ناشی‌از اقدامات سوء امپریالیزم متوجه آنها میباشد،بزندگی باهمی شان ادامه میدهند و با درخدمت انسان قرار دادن انرژی اتوم و آفتاب، بر بحران الرژی و مشکلات ناشی از آن در آینده خاتمه میدهند .

باید گفت که :استفاده صلح آمیز از انرژی اتومی جوامع بشری را از بحران انرژی در آینده نجات میدهد ، مشروط برینکه دست امپریالیزم جهانی از سر خلق های تحت ستم‌کوتاه گردد و کاخهای ظلم و ستم استثمار گر اندر پیش پای زحمتکشان واژگون گردد و جوربی حدو حصر امروز امپریالیزم جهان که بر خلق های تحت ستم جریان دارد بر طرف شده و بخواسته های قانونی زحمتکشان سراسر جهان پاسخ مثبت‌داده شود ، صلح‌دایمی درجهان بر قرارمیگردد که در روشنی صلح و زندگی باهمی ابناء بشرمی توانند از منابع انرژی‌به صورت عادلانه استفاده نمایند .

ژوندون

ترجمه : س ، احمد

تدابیر عمده در قسمت خواب و صحت

خواب چند ساعت باید طول بکشد ؟ آیا اشخاصی هستند که بکلی نمی خوابند ؟ برای خواب نورم مناسب ومعین موجود نیست وهمچنان اشخاصی هستند که‌در صحت وسلامتی زندگی نمی کنند .

از تجارب چندین ساله‌درقسمت مریضان مبتلا به بیخوابی نتیجه ذیل بدست می آید ، آنهاییکه از بیخوابی شکایت دارند‌درحقیقت خواب هستند .بهتر است در این مورد از گفتار روان شناسی معروف فرانسوی پیرون یاد آوری شود (شخصی هیچگاه نه می خوابد که همیشه خواب است این نوع اشخاص برای مدت کم خواب میکنند‌اما بعد از هر چند ساعت).

اشخاصی هستند که بطور مثال کم می خوابند . پتر اول ، ناپلیون، شیلر فقط پنج ساعت در شبانه روز اما ادیسن دوالی سه ساعت‌در شبانه روز می‌خوابید .تعداد زیاد مردم در یك شبانه روز در حدود شش ساعت می خوابند اما مشخصات جسمانی آنها به حالت بهتر آن باقی می ماند . درعین زمان اشخاص یافت می شوند که مدت خواب مکمل آنها تا ۹الی ده ساعت طول کشیده وبعد از آن خود را آرام حسس می کنند.

طبق ارقام معلوم وبدست‌آمده در بسیاری ممالك انکشاف یافته‌دو سوم قسمت مردم از خواب خراب خود شکایت دارند .دراتحاد شوروی‌درشهر مسکو تحت یك پروگرام معین از شش هزار نفر درین قسمت پرسشس بعمل آمد. قسمیکه معلوم شده در حدود چهل‌وپنج فیصد آنها از خواب خراب خود شکایت داشتند . در این‌جمله بیست‌و یك فیصد آن‌خواب خراب‌و چهارده فیصد اشخاصی هستند که از خواب عمیق خود رضایت دارند اما مداومت آن کوتاه است. (این نوع‌اشخاص را کم خواب می نامند) وده فیصد آنرا اشخاصی تشکیل داده که زیاد خواب میکنند امانه چندان عمیق . گروپ‌اشخاص کم خواب را معمولا متعلمین و محصلین تشکیل می دهند .

گروپی که از خواب خراب خود شکایت میکنند معمولا دارای سن اضافه‌تر از چهل سال می باشند . این اشخاص به زحمت می خوابند در شب چند مرتبه بیدار میشوند وخواب های خطرناك می بینند ومعمولا از ناسلامتی ارگان های داخلی ویااز ترسیدن ، عادات تلقین شده ، خرابی مزاج وخستگی شدید رنج میبرند . حسب معمول ازدواهای خواب آورومسکن‌استفاده می کنند .

طبق نتایج تحقیقات اضافه تر از همه کارکنان وسایل حمل‌و نقل (ترانسپورت)از خواب خود رضایت داشته امازنهای که در خانه مصروف امور منزل اند وکدام مصروفیت دیگری ندارندومتقاعدین یعنی مامورینکه مدت‌کار آن به انجام میرسد وتقاعد می نمایند) از خواب ناراضی می باشند .

کارگرانی که با آلات اهتزازی، غالمغال وموادد شیمیایی سروکار دارند موقعیت وسطی را در بین دو کتگوری فوق دارند .اشخاص در رشته های که جنبه فکری‌وروحی داشته باشند بسیار بیخوابی می کشنند .

قسمیکه در یکی از موسسات پرسشس صورت گرفت فقط نزده فیصد کارکنان‌فکری از خواب خود رضایت داشتند . علت این حادثه کارهای شدید فکری ، نبودن خستگی جسمی وازدیاد معلومات‌و اطلاعات است . در جمله کسانیکه از خواب خراب خود شکایت دارند زنها قسمت اعظم آنها را تشکیل میدهد . یك خصوصیت باید تذکر داده شود از سابق این نکته‌معلوم است که انسان در قسمت خوابشس خود بطور عینی قضاوت کرده نه می تواند . پرسونل طبی واشخاص نزدیك با کسانیکه صبح‌از خواب بیدار میشوند و از خواب خراب خود شکایت می نمایند از خواب عمیق آنها که گاهی‌با خروپف نیز همراه می باشد شهادت‌می دهند .

در تحقیقات متعددی بالای مریضانی که از خواب خراب خود شکایت داشتند حقیقت فوق به اثبات رسیده است بطور مثال‌اغلبا این نوع مریضان را قبل از خواب یك صفحه کاغذ وقلم می دهند تا درهر نوبت بیداری خود بالای صفحه کاغذ یك‌خط بکشند معمولا دیده شده است که صفحه کاغذ بدون کدام خط به حالت اولی خود باقی مانده است .

در یك قسمت تحقیقات حتی توسط آلات ولوازم مخصوص حرکات مریض در زمان خواب تثبیت گردیده ودیده شده است که در یك‌وقت معین به حالت آرام باقی مانده این‌حالت در وقت بیداری هیچگاه به نظر نه می خورد .

علت چیست ؟ممکن است مردم بطور شعوری خود را در این مورد تلقین می کنند وفکر می کنند که خواب خراب دارند ؟

قسمیکه معلوم است این طور صورت نمی گیرد زیرا نخست اینکه شخصی ،شب در مدت بیداری تصور می کندکه وقت دیرتر میگذرد .دوم اینکه بعضی ازاشکال فعالیت روحی را که در خواب می بینند مانند بیداری فکر میکنند. سوم اینکه حالتی موجود است که در صورت‌آن موجودیت خواب‌نفی میگردد . تعداد زیادی از سوالها زمانی حل گردید که علما به ثبت عینی فعالیت مغز انسان در زمان خواب رجوع کردند . از تحقیقات مذکور نتایج ذیل بدست آمد :

اشخاصی وجود ندارند که بدون خواب زندگی کنند . بدین لحاظدر حال حاضر استعمال اصطلاح بی‌خوابی ،درست نیست . این لفظ از نقطه نظر ماهیت خود نیز صحیح نبوده زیرا از سوی دیگر شرایط ناگوار روحی را بار می آورد حتی اشخاصی که از خواب کردن بکلی انکار می کنند مدت خواب آنها به بیست‌و چهار دقیقه می رسد در حالیکه نورم این اشخاص ۱ـ۵دقیقه می باشد.

در این مورد اشخاصی را که خواب‌خراب داشته باشند‌چطور میتوان کمك کرد ؟

در این قسمت بهتر است از استعمال دواهای متعدد پرهیزشود ودر عوض رژیم استراحت ، کار وتغذی بطور مناسب تعین شود. در این قسمت انتخاب کار از اهمیت بسزایی برخوردار می شود. بد نیست‌که در اینجا نکته چند ازآمادگی برای خواب سخن گفته شود تمام وقت بیداری در حقیقت‌مقدمه چینی برای خواب است . در این مورد باید به عادات مقرره ازاحتیاط کارگرفته شود . یك شخص بعد از تفریح خوبتر خواب می کند .

بعضی‌هازمانی‌که گرسنه باشندخواب کرده نمی توانند اما برعکس‌بعضی ها را این کار مانع‌نمی‌شود. بصورت عموم بهتر است که قبل از خواب کمی تفریح شود واز خوردن غذایی قبل از خواب خود داری شود حمام گرم بگیرد. اما عادات در این‌قسمت از هر نوع توصیه ها مهم تر است. بطور مثال تعداد زیادی عادت دارند قبل از خواب مطالعه‌می‌کنند. داکتران چشم اظهار نظر می کنند که این کار اثرات منفی بار آورده‌و مضر است . اما اگر در صورت خلاف رفتاری ازین کار خواب‌برهم زده شود بهتر است تا آنرا ادامه داد. علت برهم خوردن خواب بطور ثابت اختلال سلسله اعصاب می باشد . اگر چه مبارزه با این‌اختلال کاریست بس مشکل امامیتوان‌آنرا مغلوب نمود .

بقیه در صفحه ۴۹

بقیه صفحه ۲۵

جراحی روانی...

واقع میشد در دهه شصت وبعد ازآن جراحی روانی به طرزنوشکل گرفت همکام با تکنالوژی معاصر روشس های لوبوتومی ابتدایی متروک وبجای آن عملیه های‌منجمد سازی ، انساج ، مداوا با مدارکی صوت و نصب الکترود ها بمیان آمد.

نتایج بعدی نشان داد که هر سال چهار صد الی پنجصد فرد بیمار احتیاج به عمل ،روی میز جراحی قرار میگیرند.طریقه های گفته‌شده شامل فرو ریزی وانهدام یك عده انساج بخصوص مغز بوده تاعادت غیر نورمال و غیر قابل مهار در اداره آیند .

با آنکه قدم های مثبت‌برای‌شکل گیری بهتر این طرز العمل صورت می گرفت گروهی از جراحان‌مغز رد دست‌شانرا آهسته ساختند و عمل رامحدود واعلام داشتند که در بسی واقعات نادر منحیث آخرین درمان میتوان دست به چنین کاری زد به عنوان مثال در واقعات پیلپسی میتوان این جراحی را به خدمت گرفت اما اولین اعتراض برمسئله توسط داکتر پتر برژن روانکاو امریکایی صورت گرفت. ووی را قاتل ضمیر وروان خوانداز دیدگاه داکتر برژن هدف واقعی جراحی جز ضعیف ساختن ،تغییر در شخصیت و منش ، آرام ساختن بی لزوم شخص عمل سر کوب‌ساختن احساسات وعواطف‌چیزدیگری نیست ضمنا او خطرات احتمالی رابیشتر انگشت‌گذاشت وعلاوه‌کرد چون نتایج این اصل نابازگرداست کاری است بسی خطرناك ، ازسوی دیگر :

۱-جراحی‌روانی در انسانها به پیروی از شیوه جراحی حیوانی صورت میگیرد . که نتایج خوبی به دنبال ندارد .

۲- جراحی روانی مداخله‌مستقیم به‌شخصیت ، عادت ومنش)ــرد دارد .

حال که کم وبیش از مخالفان عمل گفتیم ، ببینیم مدافعان در موردچه گفتنی دارند وچگونه دلیل‌میاورند: دانشمند جان دونلی روانشناسس امریکایی‌در داغترین روز های انتشار خبر اعلام داشت که عمل روز بروز به شکل‌بهتر حاضر می شود .وجهان طبابت نمیتواند از موجودیت وهمکانی آن انکار نماید. داکتر ویلیارد گایلین به پیشرفت این طریقه حتم داردبه نظر او با اندکی تعدیل ودست کاری میتوان موفق شد به نظر او رد عکس‌العمل های منفی روانی که با این وسیله تحت‌کنترول در می روند تاثیرات گروهی داشته ونصب الکترودها رانیازمند است با آنهم فایده های آن نسبت به زیان های آن پیشی میگیرد . نظر به گفته های بالا بیمارمیداند که شیوه جراحی تغییری در شخصیت او واردنخواهد کرد که این عمده ترین تیوری‌روانی خود وحمل) است مریضان روحی که‌به اصول های دیگر درمانی تن در نمیدهند این تداوی را به عنوان آخرین راه در مورد می دانند .

نظربه آینده :ــ سالیان آینده دو هزار وفوق آن هر چه بیشتر‌باز تاب فشار هایشس رابر مغز ما وارد خواهد کرد وبیماری های روانی وروان جسمی را در دنیای طب پخش‌خواهدکردکه امروزازآن نامی نیست . بهر حال اگر درگیری‌های روحی وخستگی روز بروز زیاد میشود ومغزما را تسخیر می کند، گسترشس وتحقیقات علمی نیز روز بروز برای مهار نهایی آن میکوشد بهرحال‌سال‌های‌دوهزارمارا بیادقصه های علمی خواهد انداخت که‌انسان چگونه برای نجاتش از عوامل بیماری زا در تقلا خواهد بود ا

۱ـ این اصول در آینده در صورت هدایت گروهی جراحان باید صورت گیرد بدینگونه عمل بوسیله کمیته ها بررسی گردد . موافقت مریض با عمل در زمینه در صدر مسله است .

۲ـ این وسیله بیشتر بالای بیماران روانی وزندانیان و اطفال تطبیق خواهد شد .

پژوهش های نو در زمینه و پیاده نمایی آن در مسئله از نگاه کادر های حقوقی واصول های جامعه‌قابل قبول‌است وکمیته‌اچ،ای-ویلیوهمه‌امورمربوط راکنترول‌می‌کند.

جراحی روانی بدون شك به حیث یك بعد قابل بحث ودر عین حال جنجالی در روانشاسی مدرن باقی خواهد ماند .

فردا نویدی است با دست آورد های نوشس در جهان دانستنی ...

بقیه صفحه ۱۸

ریکاردبودو ...

از آن غرض تحقیقات سطح زمین استفاده های زیاد بعمل آوردند. دراوقاتیکه کار آنها رو به‌اختتام بود معلوم شد که‌آنتن رادیوتلسکوب از استیشن سالوت ششس جدا نمی شود. اگر آنتن به حالت‌خودگذاشته میشد استیشن مذکور نظر به پلان معین خود کار را پیش برده نمیتوانست .برای اینکه آنتین از استیشن علیحده میشد ضرورت افتاد تا کیهان نوردان به فضای آزاد بیرون آیند . سابق کیهان‌نوردان به فضای آزاد در روز های اول پرواز خود می برآمدند یعنی

وقتیکه دارای نیروی کافی بودند امااین دو کیهان نورد مجبور شدند تادرروز ۱۲۷ کار خود به فضای‌آزاد بیرون‌آیند اگرچه از نقطه نظر داکتر ها این‌عمل امکان پذیر بود. باالاخره به تاریخ پانزده اگست در مراحل اختتام کار خود این‌عملیه رانیز به پایان رسانیدند و علاوتا به ابتکار خود تحقیقات اضافی را نیز انجام دادندمنجمله طراحان استیشن میخواستند بدانند که در دریچه های استیشن‌چرا کمی تاریکی ایجاد شده بود.ریومین توسطدستمال کاغذی مخصوص دریچه را پاك کرد ودستمال را با محتویات آن به زمین باخود آورد . ریومین ولیاخوف یك ساعت‌و‌بیست‌و سه دقیقه در فضای آزاد سپری کردند وسه روز بعد سیوز سی وچهار درمنطقه معینه به‌بسیار نرمی پائین آمد . به این‌ترتیب ریومین ولیاخوف یکصدو هفتادو‌پنج شبانه روز را در فضا سپری کردند تا هنوز این رقم ریکارد جهانی در قسمت بودو باشـن در فضای کیهانی میباشد اما هدف در این قسمت از قایم نمودن‌ریکارد نیست بلکه هدف این است‌تادانسته شود که بودو باشس زیاد وطویل کدام خطرات را بار می آورد .علما این مسایل را بطور موفقانه حل مینمایند ووسایل حفظ ما تقدم را برای مبارزه با تمام ناگواری هاطرح میکنند . این نکته هم اتفاقی نیست که مدت اقامت در فضا روز بروز طویلتر میشود بطور مثال یوری رومانکو وگیورگی گریچکو نودو ششس شبانه روز وولادیمیر کوالونوك و الکساندر ایوانچنکوف یکصدو چهل شبانه روز را در فضا سپری کردند وحال ریومین ولیاخوف یکصدو هفتادو پنج شبانه روز را .بلند بردن بالتر تب مدت اقامت درفضای‌کیهانی‌آینده بشریت را تشکیل میدهند به این ترتیب این سفر دور ودراز فضایی نیز خاتمه یافت . حال علما ازتحقیقات وتجارب اجرا شده آنها نتیجه‌گیری می نمایند اما سالوت ششس هنوز هم به کار خودادامه میدهد. این استیشن‌برای اولین مرتبه دوسال قبل‌به فضا پرتاب شد تا حال‌هفده سفینه با او ملحق شده علاوتا ششس سفینه باربر مواد محروقاتی نیز به استیشن سالوت ششس‌سفر کرده‌اند. اضافه‌ترازیکسال کیهان‌نوردان در آن کار کرده وتا هنوز چهارده نفربه آنجا سفرکرده‌اند .

اساسس گذار سفینه های فضایی اتحاد شوروی تسیالکوفسکی آرزوداشت تا در فضا شهرها ایجاد شوند، دستگاهای ساخنه شوند که مواد قیمت بهارا که در زمین ناممکن است بدست آیند

استیشن های برق فضایی ایجاد شوند تا از انرژی آفتاب به این ترتیب در زمین استفاده شود.پرواز آخری وقتیکه نشان داد انسان میتواند برای مدت زیاد در فضا باقی بماندودرحالت بی‌وزنی زندگی میکند در آینده نزدیك آرزو های، تسیالکوفسکی را بر آورده خواهد ساخت .



صحنه یی ازخدمات عاجل صحی‌که‌در امبو لانس هیلیکو پتر در جهان امروزی جهت حفظ حیات بشـــری‌انجام می یا بـد .

متر جم: حفیظ الله عما دی

ساینس در راه مبارزه با مصائب نا گوار در جامعه بشری

در ین اواخر در شهر های مزدحم که در آنها تعداد زیاد مردم زند گی میکنند ورسیدن از یك نقطه بـــه نقطه دیگر وقت زیا دی را در بــر میگیرد واین امر حین بروز مصائب وحا دثات نا گوار چون حا دثات ترافیکی ، حریق وغیره مشکلات را بارمی آورد و رسیدن‌تابمرکزصحی بعضامنجربه‌تلف شدن اشخاص می گردد روی این لحاظ در چنین کشور هاخد مات صحی عا جل تو جـــه بیشتری را بخود معطوف نموده و تـلا شی ها یی‌صو رت گر فتـــه تا خد مات صحی را از طر یـــق هلیکو پتر ها نیز در مر حله اجـــرا قرار دهند چنا نچه در بسا نقـاط اضـلاع متحده خدمات صحی عا جل از طر یـق هلکیو پتر صو رت مـی گیرد این کار توا نسته است کـــه در حدود پنجاه فیصد خطر مر گـك را از بین ببرد .

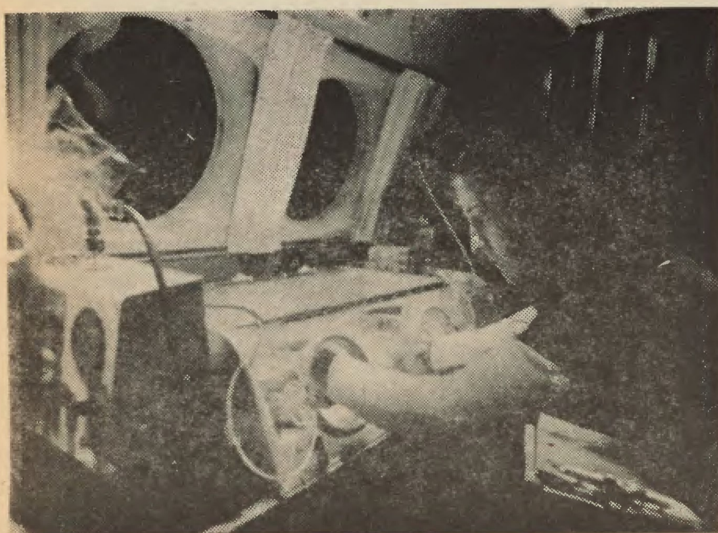
یکی از متخصصین مر بوطه گفته است از زما نیکه سیستم عا جـل صحی رو ید ست گر فته شـده در بسا وا قعات عا جل رسید گی آن صو رت گر فته ودر حدود اضا فتر از هشتصد حمـلات قلبی مر یضان به صورت فوری تد اوی وعـــلاج گر دیده واین بز رگتر ین موفقیت است که آدمیزاد تاکنون در مورد بد ست آورده است .

متخصصین مر بوط اظهار نظـــر نموده اند که امبولانس های سیار وهلیکو پتر های مر بوط کا مـــلا با آلات وا دوات صحی‌مجهز بوده‌تقریبا شبا هت نزد یکی به یك شفا خانه میدا شته با شد که در آن امرا ض گو نه گون تداوی میگردد. در امر ـ یکـــا در چنین مو سسات صحـــی عا جـل اکنون اضا فه ازیکهزارو ـ ششصد متخصص طبی ویکصدمکتب صحی مو جود است که‌پر سو نل مورد نیا زرا تر بیه وتعلیم مـــی دهند .

در هر یکی از امبو لانســـــ‌ها وهلکیو پتر ها دا کتر معا ون‌داکتر ونر سها وجود دا رندکه نر س‌و پرستاران مربوط در قسمت کمـك با مر یض ، ثبت تا ریخ مر یضـــ و و قا یع مر بو ط بــه او با داکتر مــر بــو طــه همکــا ر ی نمو د ه وحتی در قسمت معا ینه آنها نیــز تلاش وفعا لیت به خرچ مید هند.

در بعضی حا لات مهم که پر ستار ومعا ون پز شك نتوا ند کا ری را انجام دهد با دکتور مر بوط ارتباط بر قرار می سا زد ودر مورد مشکل مو جود از دا کتر ومتخصصین مشوره طبی وهدا یت های لازم‌را می خواهد در نقاطی که از مرا کز صحی کا ملا بعید بوده تما س‌مستقیم نتوا نـد صو رت‌گیرد در چنین حا لتی‌ازطر ـ یق امواج را دیو یی ومفاهمه‌تیلفونی حل مطلب می نما یند وحتی ازطریق مفا همه تلو یز یو نی ورا دیو یی بعضی عملیات مهم طبی را در همین امبو لانس ها انجام داده اند .

یکی از دا نشمندان گفته است‌که آنچه که باید یك پز شك انجام دهد منوطبه عملیات وجرا حــــی مر یضی نبوده بلکه آنچه که عمده‌تر او میتوا ند انجام دهد مشوره طبـــی وهدا یت‌های لازم است که چگو نــه مردم میتوا نند کمك های عا جل‌و اولیه را حین بروز حا دثات ناگوار خود بخود انجام دهند وتوا نستـه باشند تا رسیدن به مرا کز صحـــی حیات شا نرا تضمین نما یند .



یکی از عملیات طبی بدا خـــل‌هیلیکو پتر

بقیه صفحه ۹

جلوگیری از سوتغذی

۱ازدیاد وتکثیر نفو س در ممالک روبه انکشاف :

تولدات پی در پی ونبودن فاصله معین ولازم بین دوطفل این تکثیر نفو س را سبب میشود .

۲قلت و کمبودموادغذایی از اثر زراعت وفلا حت غیر کافی .

۳ تقسیم وتو زیع نا منا سب مواد غذائی بتما می افراد جامعه

٤ عوامل اقتصادی واجتماعی :

عده از باعث فقر وبیچاره گی قادر بخرید مواد غذائی او لیه نیستند . وبعضی ها نظر به کلتور وعنعنات در مقابل بعضی غذا ها تعصب دارند. یا اینکه بنا بر ندا شتن معلو مات کافی تغذی نمیتوا نند مواد غذائی مفید را انتخاب نمایند . یعنی غربت غفلت و بیسوا دی اسبا ب عمده سوء تغذی اند .

عوامل مریضی :

بی اشتهایی ، قیات ، اسهالات، عمل هضم وجذب غیر طبیعی، افات سیروز کبد (که از مواد غذایی جذب شده استفاده شده نمیتواند.) امراض‌خبیثه، تب ، سرماخورده‌گی، سوختگی ، کسور عظام ، د یابت (از باعث اطراح گلو کوز ازطریق ادرار) . سند روم نفرو تیك زیرا باعث اطراح پرو تین از طریق بو لی میشود) عبارت از امراضی اند که باعث سوء تغذی میشوند.

٥ـ ضرورت زیاد بمواد غذایی :

مثلا در زمان حا ملگی و شیر دهی ، کار زیاد و شاته خصو صا در هنگام سر ما که در بنصو رت ممکن غذا های عادی تکافو نکنند.

عوامل که باعث تنقیص حاصلات زراعتی میشو ند :

تنقیص قوه بشری در پرو سه تو لید مواد غذایی ، خرابی وضع زمین از نظر زراعت خشك‌سالی ها و کمبود آب خصو صا در موسم کشت ، زراعت یك نواخت و زرع یکتعداد مواد غذایی غیر ضرو ری تبدیل نمودن زمینهای زراعتی به چرا گاه ها قلبه نمودن خراب وغیر فنی زمین زراعتی ، اتش سوزی زمینهای زراعتی ، امراض نباتی، مو جودیت حشرات پرنده گان و جونده گان که بحا صلات زراعتی ضرر میر سانند و استفا ده ادویه جات ضد حشرات نباتی بصو رت غیر فنی عبارت از عواملی اند که باعث تنقیص حا صلات زراعتی شده و بصو رت غیر مستقیم در بو جود اوردن سوء تغذی رول بسزا دارند .

جنگ و جدال و بحرا نات گونا گون :

زیرا از یك طرف کار در مزارع صورت نمیگیرد و از جانب دیگر از باعث ایجاد مشکلات انتقالی و ترا نسپور تی مواد غذایی بصورت صحیح بد سترس مردم قرار نمیگیرد .

صعود نر خها و احتکار مواد غذایی .

نبودن کار و عدم استخدام :

مردم بیکار در اثر بر هم و در هم بودن توازن اقتصا دی شان نمیتوا نند غذا های مفید و لازم را خر یداری نمایند به اینتر تیب اعضای فامیل شان با لخاصه مادران واطفال که گرو پ حسا س فامیل شان را تشکیل مید هند از همه او لتر مصاب سوء تغذی می شوند .

یکعده از فامیل ها که پو لدار و قادر بخرید ، هرگونه موادغذایی ضرو ری و مفید اند . بدون درنظر داشت صحت و سلامت شان جهت کسب پر ستیژ شخصی و فامیلی غذا های غیر ضرو ری و غیر پرو تینی شیر ینی دار مانند بیسکوت ، کیك ، کلچه ، شیرینی باب و غیره را که عاری از اکثر مواد تغذی و ضروری اند بیشتر تحت استفا ده قرار داده یا اینکه همیشس بر نج را بصورت یك نواخت صرف مینما یند و خود را از غذا های ضروری و اساسی محروم گر دانیده به اینتر تیب بدست‌خود صحت و حیات خود و فامیل خود را بمخا طره میا ندازند . همچنان بعضی از مادران جهت کسب پر ستیژ بدون در نظر داشت صحت اطفال شان عوض شیر خود به اطفال خود شیر پودری تو سط بوتل یا جو شك مید هند (اگر نظر به عللی ما دران مجبور میشو ند که اطفال شان را شیر پودری بد هند با ید اولا شیر رادر گیلاس ویا کدام ظرف دیگر تهیه نموده و بعد توسط قاشق به طفل شان بدهند .

در نتیجه تجارب و تحقیقات‌علمی ثابت شده که شیر مادر بهترین غذا برای طفل بوده و اگر شیر چو شك جای شیر مادر را بگیرد،بر صحت طفل اثرات نا گوار دارد . زیرا از یك طرف طفل بمقا دیر زیاد شیر ضرو رت داشته در حالیکه شیر پودری گران بها بوده واکثروالیدین‌مقادیرضر و ری شیر را خر یداری نموده نمیتوا نند .و از طرف دیگر عدم مرا عات حفظ ـ الصحوی سا مانیکه شیر در آن‌تهیه میگردد و نشو و نمای میکروبهای گونا گون در شیر مو صوف اولا باعث ایجاد امراض انتانی و بعدا باعث سو تغذی طفل میگردد . که به اینتر تیب در صورت استفا ده از شیر پودری بر علاوه گر سنگی انتا نات نیز در تشدید سو تغذی رول عمده بازی میکنند .

اشتها رات و اعلا نات زیاد در مورد یك عده مواد غذایی غیرمفید و بی ارزش تجارتی توجه مردم را جلب وایشان رابراه غلط رهنمو نی نموده و باعث بمیان آمدن سوء تغذی میگر دد .

پخت و پز نا مناسب و نا تام مواد غذایی .

یا اینکه باعث عدم هضم وجذب میگردد و یا اینکه در اثر پختن اضافه از حد مواد غذایی قسمت عمده و با ارزش آن تخریب وغیر قابل استفا ده گردیده و به این تر تیب راه را بطرف سو تغذی باز مینماید .

برای اینکه بتوان از سوء تغذی جلو گیری نمود لازم است تا اولتر از همه در پی دریافت عوامل آن طوریکه فوقا تذکار بعمل امد شتافت که برای این منظور باید قبل از همه پتال وژی اجتماعی را مطا لعه نموده و اندازه فیصدی سوء تغذی را باتمامی عوامل موثره آن دریافت و تشخیص نموده وبعد از آن مطابق به علل و اسباب در یافت شده تدا بیر و قایوی را طرح ریزی و اشخاص مصاب را تداوی نمود .

تدابیر عمده و اساسی وقایوی سوء تغذی :

۱ـ بهبو دی وضع اجتماعی و اقتصا دی بصو رت عمومی وازبین بردن غفلت ، غربت و بیسوادی که عوامل اساسی و عمده سوء تغذی را تشکیل مید هند .

۲ـ بهتر سا ختن وضع حاصلات زراعتی ، ما لداری و غیره .

۳ـتا سیس و انکشا ف خدمات صحی یا اساسی از نظر کمیت و کیفیت بصو رت کلی و همه‌جانبه،

٤ـ تر بیه پر سونل طبی داخل سرو یسهای صحی و اشخاص‌فنی که در ساحه کار میکنند .

٥ـ تعلیمات تغذی به وا لدین اطفال ، پخشس تعلیمات و تبلیغات تغذی بگرو پهای مختلف مردم: شامل نمودن این چنین تعلیمات در پرو گرامهای تر بیوی معارف و گنجا نیدن آنها در نشرات مختلفه کشور از قبیل رادیو ، تلو یز یون روز نامه ها ، مجلات و توزیع پوستر و پا مفلیتها در بین مردم پیشبرد پرو گرا مهای تغذی تطبیقی و عام فهم نمودن تعلیمات تغذی .

٦ـ ترویج استفا ده از مواد غذایی مفید متنوع و ارزان قیمت.

۷ـ گسترش و انکشا ف فعالیت های تغذی بمنظور تطبیق تدابیر موثر تر در جلو گیری امراض مختلفه و توزیع غذا های پاك و صحی .

۸ـ فا صله بین دو حمل باید مطابق به اساسات (پلان خانوادگی) صورت گیرد تا ولاد تهای پی در پی مساله سوء تغذی را در فامیل ها بار نیاورد .

بقیه صفحه ۱۷

بموجب

های مذکور یکنوع دیگر سمارق میتواند مریضان مبتلا به سرطان را از شراین مرض مهلك وجانگاه وارهاند وپس از تداوی متداوم در بهبودی زخم ها وکاهش ومحو تومور های سرطانی کمك فراوان بدارد . سمارق های شفا بخش از گسترش وانتشار سرطان در سایر حصص وجود مریض مبتلا به سرطان نیز جلو گیری میدارد . عده‌از کار مندان یك فابریکه مشروب سازی‌مدعی است که ازیکنوع سمارق الکهول ونوشابه های الکهولی استحصال داشته است . پس سمارق اینك میتواند بجای الکهول نیز کار بدهد ، ازینرو در جهت شناخت نوعیت و خواص بیولوژیکی وطبی سمارق ها مطالعات همه جانبه‌یی ادامه دارد . بسیاری از انواع سمارق های زهر آگین اکنون مورد استعمال زیادی در بخش های مختلفی از علوم طبی دارد .

بقیه صفحه ٤٥

تدابیر عمده...

یکی از طرق مبا رزه ضداختـلال معا لجه طبی است است زیرا درحال حاضر طبا بت از وسا یلی بهره‌مند است که ابلای محیط دما غی تا ثیر مثبت دا ردمیکند .

به این تر تیب معا لجه بیخوا بی بطر یقه طبی وروا نی صو رت‌گرفته میتواند .اغلبا به معا لجه روانی‌رول پیشرو داده میشود در ضمن قسمت اعظـم معا لجه مر بوط به خودمریض نیز می با شد .

اگر علت بیخوا بی عوا مل خارجی بطور مثال غا لمغال جا ده ، ترا‌ـ نسپو رت شمرده شود اثرا ت منفی بار می آورد . معمولا اشخا صی که در محیط پر شور می کنندبعدازمدت کو تاه عادت گر فته وبعد از مدت کو تاه عا دت گر فته وبعد به بسیار را حت می خوا بند واگر محیط بکلی آرام با شد این اشخا ص خود را آرام حس می کنند . اگر بطــور مثــال علت بیخوا بی‌عا مل خار جی شمرده شود گر چه در اول چندان مهم به نظـر نه می رسد چندی بعد شکل عا مل اصلی به خوذ می گیرد وچو نکه تمام افکار متو جه‌عا مـل خار جی میشود همیشه اعث اخـلال خواب میشود .

طبــق احصا ئیه دقیــق در حال حا ضر اضا فه تر از پا نزده فیصد نفو س‌جهان در زمان خواب ازدوا های خواب آور استفا ده می کنند. اما اگر دوا های مــذ کور مدت‌زیاد استعمال شود بالاخره شکل عا دت را بخود گر فته وبی‌الاخره شخص مجبور میشود تا هر روزازآن‌استفاده نماید زیرا بدون آن هیچخواب کرده نه می توا ند .

اگر از استعمال آن در این وقــت نبپن‌اوخ قــت‌ضز عنی‌قند آهش ـ صرت صرف ظـر شود فشار روحی زیاد را بار می آورد . دوا های‌خواب آور معمولا رژیم خواب را بکلـــی تغییر می دهد . قسمیکه تثبیت شده است بعد از نود دقیقه خواب مرحله خواب سر یــع ایجاد شده وتفر یبا ده دقیقه ادا مه می یا بد در طول شب مشخص چهار الی شش ایــن نوع مر حله را میگذ را ند ودر اوقات صبــح مر حله خواب سر یع سی‌تا چهل دقیقه طول میکشد . تجا رب طبی نشان داده است که‌استعمال مشرو بات الکو لی این مر حله‌خواب سر یع را که برای انسان ضرور است بر هم زده وبه تد ریج قلت آن حس شده وبالا خره سیستم‌کار رشته های عصبی را بر هم میز ند .

بد ین تر تیب اگر از تو صیه‌های

بد ین تر تیب اگر از تو صیه‌های فوق استفا ده شود ممکن است بــه صحت وســلا مت انسان کمــــك لازم نما ید .فزوزخل اشــك ری ر لازم بنماید .



گروبی از واحدهای دفاع‌ملی یوگوسلاویا که هنگام‌مقابله علیه‌تجاوز دشمن، داوطلبانه سهم می گیرند .

بقیه صفحه ۲۹

زنان یوگوسلاویا

در «سلوونیا» که هنگام جنگ دستهٔ زنـان پارتیزان سراسری کشور نقش فعالی را در جبهه علیه دشمن بازی می کردند ، امروز از بقایای نظام مذکور یکدستهٔ بزرگی ا ز دوشیزگان جوان وصاحب انرژی و مستعددر جهت دستیابی بر وسایط جنگی ضد تانـك تعلیم وتربیهٔ اساسی را فرا گــرفته انــد بطوریکه آنان حین بروز کدام حادثهٔ جنگی، میتوانند با استعمال بمها ونارنجکهای دستی تانکهای دشمن را از بین ببرند . این گروه دختران در اصطلاح عوام بنام «پروانه ها» شهرت داشته واز یکتعداد شاگردان فـارغ مکاتب عالی وثانوی وکارگران جوان مرکب ومتشکل میباشند که واحد های کوچکتـــر آنان در هرمنطقهٔ حساس یوگوسلاویا موجود بوده وهنگام تجاوز مخاصمانه دشـــــــمن خاك ، چون موروملـــخ یــا بسان مگسا ن زهرناك برسرو‌روی شان میریزند وباسمپاشی وکاربرد نارنجکها در امحای آنان دلیرانه دست بکار میشوند .

برای نیل در جهت بسط و انکشاف مزید امور آموزشی وفراهم آوری تسهیلات بیشتر هیات وکار مندان تعلیم وتربیه نظامی زنان بشکل منظمتر وپیشرفته تر آن ، مـــوضوع مفردات کلی مربوط به مجموع مسایل دفاع ملی کشور ، فاکولته (پوهنځی) مجهزی بنام «کل دفاع ملی» مورد توجه قرار گــرفت و نخستین بخش اساسی آن بسال ۱۹۷٥ در بلگراد بنیاد گذاری شد . همچنان مطابــق پروگرام منظم ومرتب ، نوع چنین پوهنځــی یی در دیگر مراکز پوهنتونهای یوگوسلاویا نیز رویکار آمد وفعالانه در طریق آموزش عسکری دوشیزگان وزنان جوان دست بکار شد . بنحویکه این تجویز به استقبال پــر حرارت زنان ودختران مواجهه گردید وشمار ثبت نام درین رشته بیك معیـــار مطلوب و اطمینان بخشی ارتقا کرد .

باید متذکر شد که قسمت زیاد اموردفاع ملی بشکل آموزش عملی آن ، خارج ازحیطهٔ پوهنځی وآموزشگاه نیز دنبال میشود واین انگیزه بیشتر در رشد شخصیت نظامی زنان وتقویت حس شهامت آنان تأثیر مثبت‌وموثر دارد . بطورمثال : پیغله«سوزاناجکوفلژویك» که چهارده سال عمر داشته ویکی از اعضای فعال دستهٔ کشافان وپیگردان (مربوط بــه سازمان کوچك موسسه سکوت یــا پیش آهنگی شهر «پوزا ریواك» واقع ایــالت «صربیا» بوده واخیراً به لقب وعنوان پــر افتخار «پارتیزان‌کشاف» یا «کشاف پارتیزان» مفتخر وموفق گردیده است ، ضمن مصاحبهٔ به خبر نگار مجلهٔ ما هانه «ریویو» چا پ بلگراد گفته است :

«آنچه که بیش از همه با مشکلات بیشتر آنرا جستجو و دستیاب کردم، عبارت ازجنبهٔ عملی مهارت کار، هنگام آزمـــایش وظیفهٔ محوله بحیث قاصد پارتیزانی بود که د ر قبال صبر ومتانت خودرا بدان معتاد ساختم . چنانچه یکروز تمام اوقات خودرا بدون صرف غذا در جنگل هولناکی مخفیانه ودورازانظار وتکـــاپوی پاسداران و پاسبانان طــوری گذشتاندم که آنان گاهی بشکل دستجمعی وزمانی بطور پراگندهٔ در جستجوی من‌بودند تامرا دریابند ولی موفق نشدند . در آنحال پس از یکسلسله عملیـــا ت تجربتی خفیه توانستم پنهانی از دیدگاه ونقطهٔ چشم انداز شان خودرا چنان بهدف مطلوب برسانم که از دست شان کاری ساخته نشد . تا اینکه خاموشانه ولی بسرعت ومهارت براه طولانی روان شدم که پاسداران حتی ردهٔ قدمهاوراه پای مراهم پیدا کرده نتوانستند . هنگامیکه بافراست، مواظبت وهشیاری عمیقی راهپیمایی میکردم، کلیه آنهمه پیامهایی محوله وسپرده شده را بخاطر می آوردم که از رهگذر یك عملیهٔ آزمایشی بمن تفهیم و محول‌گردیده بود ....» .

در اخیر قابل تذکر است که علاوه بــر پوهنځی های اختصاصی نظامی دریوگوسلاویا در مفردات درسی همه پوهنتونهای غیرنظامی آنکشور ، مضمون تعلیم عسکری نیزدر جهت معلومات عمومی محصلان شامل است کــه شاگردان محتوای آنرا باولع واشتیاق تمام می آموزند .

بقیه صفحه ۱۹

چگونه مبارزه با حوادث

نمی آیند آنچه که طوفان ها در گذشته های دور تاریخی وحتی در چندین دهه‌قبل خسارات را بوجود میاورد امروز فاقد آن قدرت وتوان اند زیرا دانشمندان در گوشه وکنار جهان در صدد آن هستند تاوسایل وادارات مجهز را تاسیس نمایند که قادر باشند پلان‌های وقایوی ومبارزه با حوادث ناگوار را داشتــه باشند یکی‌ازموسسات فعالی که‌تاکنون وجود دارد در ایالات متحده امریکا است که بـا وسایل مجهز از قبیل اقمار مصنوعی بـــه فاصله هزار ها میل در فضا ناظر پیشی‌بینی حوادث ومخابره آن در کره ارض وبه‌اداره مربوط می‌باشد

موسسه مذکور دارای هلیکوپتر وطیارات اند که میتوانند طوفان ها وهریکی هارابصورت متواتر تعقیب نموده ووقوع آن را بزود ترین فرصت در منطقه معینه اطلاع دهد هم چنان تعداد زیاد کشتی های بحری نبز روی ایــن منظور در عمق وسطوح ابحار در گشت وگذار بوده طوفان امواج بحری را تحلیل وارزیابی می‌نماید سیستم اطلاعیه یکی از عمده ترین کاری است که میتواند بزود ترین فرصت منطقه تحت خطر جدی را ازتهلکه دهشـت طوفان ها نجات دهد در صورت کــه چنین سیستم دقیق وجود نداشته باشد هر گونـه احصائیه‌و ارقام ویا پیش بینی در مورد بـه شکست مواجه میگردد .

گرچه ساکنین یك منطقه که بارهامورد حمله طوفانهای بحری وبری قرار گرفته اند تجارب در زمینه اندوخته اند که چگونــه در وقت وزمانش میتوانند در رهایی و نجات شان تلاش واقدام نمایند اما از آنجائیکـه باشند گان جدید در منطقه ممکن است‌وارد گردند به این لحاظ کار به دشواری مواجه میگردد بنابرهمین ملحوظاست که‌دانشمندان تاسیس اداره مبارزه بر ضد حوادث را که دارای پرسونل فنی متجرب‌وسیستم اطلاعیــه وپیش بینی دقیق اوضاع جوی باشد تاکید می‌نمایند .

بقیه صفحه ۲۳

عیارنمودن...

بین السیا رات طرز استفا ده از زمان تعطیل چندان مسئلــه مهم و عمده نبوده ، چیز یکه عضو یت را میا زارد . از یك طرف کاهش یکنواخت وزن بوده و از جانــب دیگر زما نیکه کیهان نوردان بــه سطح سیارهٔمریخ ویامدارسیارهٔزهره بر سند دیگر هیچ وقت بــرای استرا حت شان نخواهد داشتند .

مگر از دیاد وزن بسان کا هش وزن معکوس گردیدن عادت خــواب و بیداری را سبب گردیده و هــم باعث ایجاد ناهم آهنگی نیل‌خواهد گردید . ایا میتوان معضله اخیــر را حل نمود ؟

دو کتورس . س. ستپا نو فــا (ماستر طب) در مونو گــرافش معضلات مهم بیو ریتمو لــوژی کیها نی) مقالهٔ جالبی را تحت‌عنوان (معلو مات و ارزش انرژی بیست‌و جهار ساعته) بر شته تحریــر در اورده است . بگمان دا نشمنــدان سا ینس هر شخص بطور انفرادی و مداوم روز مره یك مقدار معیــن و مشخص انرژی را مصرف نموده و هم یك اندازه معین و مشــخص معلو مات را کسب مینماید . ظاهرا این یکی از قوانین اساسی است‌که سا ختمان وظیفوی و ریتمو لوژیك عضو یت را رهبری میکند . و از همین باعث انحرا فات از حالــت نور مال در هر دو جهت ریتم‌خواب و بیداری را معکوس میسازد .

اگر نظیر اینگو نه وقایع‌درحین یك پرواز طو لانی اشکار گردیـد باید سیکل شبانه روزی باافزایش دوره بیداری (دوره جریان اطلاعات خواب بحال نور مال نگهداشتــــه وهزینه انرژی) ادر حالیکه زمــان خواب بحال نور مال نگهدا شتــه شود طولانی تر گردد . البتــــه بطور طبیعی بار عضو یت افزایش خواهد یافت .

ما دامیکه وقت کار شاقه امــد باید سیکل شبانه روزی با تبدیل و کاهش دادن دوره بیــداری در حالیکه زمان خواب و استــراحت بحال نور مالش نگهدا شته شود کوتاه گردد . که بلا شك این عمل مانع تحمیل بار اضافی بــــالای عضویت خواهد شد .

از نظر تخنیکی اجرای این‌چنین عملیات هیچ مشکلاتی ندارد : پر یود شبانه روزی زمینــی و زمان سنجهابیك سیستم مصنو عی که میتواند به بسیار ساده گی به یك سیکل شبانه روزی تعدیل یابد تعو یض خواهد شد .

مگر شاید خواننده گرامی‌بپرسد که او با تکنا لوژی باید چه کند ؟ در آغاز مقاله تذکر داده شده بودکه انسان نمیتواند خود را بایر یــود های طویل‌یا کوتاه تطابق‌دهد .واین شامل انحرا فات اساسی از نمونه های عادی شبانه روزی (که چهار شش و دزاده ساعت دولم میکند) میباشد .

عضویت انسان میتوا ند خود را فقط به انحرا فات کوتاه (که یك یا دو ساعت دوام کند) تــوا فق دهد . ضمنا اگر اشخاص انفرادی کاملا از تحت تا ثیرات خارجــی تجر ید شوند هر کدام شان (پــر نامه) خاص مربوط بخود شان که نمایش میدهند ، پر یود شبا نــه روزی یکی شان بیست و ســـه ساعته از دیگر شان بیست و پنج یا بیست و ششش ساعتــه و ... دریافت خواهد شد .

بعباره دیگر هر شخص بصورت انفرادی برای خود یك ریتم ارثی (ریتم طبیعی او از تحت تاثیــر محیط زمین خاکی ازاد است) خاص دارد .

در فضای خارجی در داخــــل کشتی فضا یی دور از سطح زمین ریتم ارثی کیهان نور دان با محیط ما حول شان (در فضای خارجی) به بسیار خوبی توافق نماید مگر اینکه سیکل شبانه روزی مصنوعی کمك شان کند .

بقیه صفحه ۲۶

پلان‌اعمارشهری

جها نی است بلکه محل تجمــع‌وگرد هم آیی هزا ران هزار چهره هـــای ور زشی جهان ما شمرده میشود که در را بطه ونزد یك شدن انسا نها وشنا سا یی یکد یگر نقشس بز رگ را ایفامی نما ید او علا وه میکنــد که چنین گرد هم آیی ها هــــر قدر یکه‌زیاد تر صو رت گیرد بــه همان پیما نه میتوان دررفــع کدورت هاودرك های نا در ست مردم از یك دگر قدم بردا شته واین امــر در استحکام‌پا یه های دو لتی ـ صلــح وتر قی وشگو فا نی جا معه بشری سهم از زنده بجا خوا هد گذا شت او اظهار نظــر نموده که بعد ازختم هر یك از مسا بقه گفته میشو دکــه در ین جا در حدود بیشس از هفتصد الی هشتصد اسپ برای کسانیکه مشتاق اسپ سوا ری باشد وجود خوا هد دا شت او هم چنان میگو ید که‌در ینجا محل منا سب برای آب‌ـ بازی ـجمنا ستیك نیز بوده وکسانی که عــلا قه تام به آمو ختن انــواع گونه‌گون‌ورزش داشته‌باشندمیتوانند تحت رهنما یی مشا ور ین بـــه آمو زشس آن بپر دا زند .

بقیه صفحه ۱۱

باج

نوی وخت داسې خو بنی وزیرو لی چی دمحمد عمر کو چی په شان ډیر نور غم لړلی کو چیان د داســی بد بختیو څخه خلاص شول چــی تصور یی نشو کو لای .

داسی انقلاب راغی چی دخوارانو مینه یکی وه د زړه سواندو څپــو نغمی بلبلا نو و غړو لی په چمن کی سرو گلا نو داسی میلی جوړی‌کړی چی نندارو نه یی هر چا ګېډاخسته. دشرق څلانده ډیوی ډیری تیار ی خونی رو ښانه کړی .

محمد عمر کو چی هم دځمکی خاوند شو . دکور خاوند شو دعزت خاوند شو . بالاخره داسی ژوند یی پیدا کړ چی دتیرو زړو خاطرو لپاره یکی ځای نه و .

هو دا دثور انقلاب ؤ. دا هغه ویاړ لی انقلاب دی چی د ډیرو بــی وز لانو لپاره‌یکی د ژوندخواږه زیری پراته دی .

هو ، اوس کوچیان ، خوښی کوی. اتڼو نه کوی ، میلی جوړوی، هو ، کوچیان ،هو هغه سر گر دانه کوچیان چی کور یی نه در لود، پــه سرو او تو دو کی لوی شوی‌کوچیان چی تیرو زړو مناسبا تو ډیرو لی وو .

(پای)

ده مخ پاتی

دمسلمانانو...

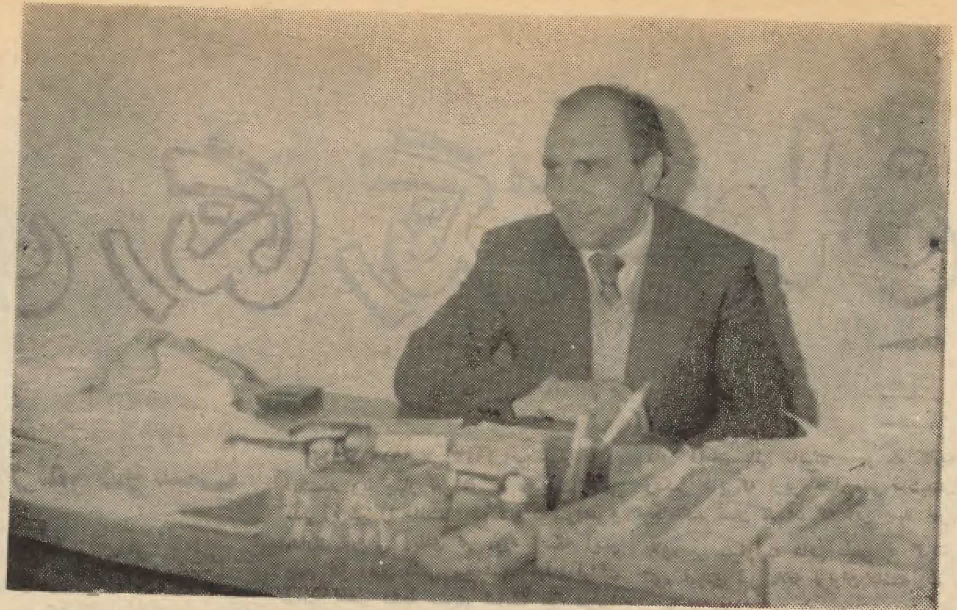
داسلامی هیوادو نو سپو رت‌مینانو زیاتی آسا نتیا وی برا برې کړی؟

هو ولی نه!ددی له پاره چی سږ کال داوړی په مو سوم کی دالمپیك نړیوا لو لوبو په وخت کــــی د اسلا می هیوادونو ور زشکا را نو او سپو ر تی ټیمو نو ته زیا تــی آسا نتیا وی برا بری شوی وی‌د شوروی اتحاد داسلا می بورد لـــه خوا همدا اوسس یو لړ پلانو نــه طرح اوتر اجرا لاندی نیول‌شویدی.

ددغو پلانو نو له مخی ډېو لـــو هغو اسـلا می هیوادو سپو رت‌ـ مینانو ته چی د۱۹۸۰ کال دالمپیك په نړ یوا لو لو بوکی دبر خــــی اخستلو له پاره شو روی اتحاد ته سفر کوی بلنه ور کو له‌کیږی چــی دمسکو په جوما تو نو او اسلا می مرکزو نوسر بیره‌دتاشکند ،دوشنبه بخا را او د غه راز د هغه هیـــواد دنوروښارونوپه جوماتونو کی‌اسلامی لمونځ ادا کاندی .

له دی‌کبله چی دمسکو د۱۹۸۰ کال دالمپیك نړ یوا لی لو بی دروژی دمبار کی میاشتی نیکمر غه ور ځو سره سمون خو ری دشو روی‌اتحاد دمسلما نانو دبورد له خوا ددغـــه مبار کی میا شتی دمذهبی مرا سمو دتر سره کو لو دپاره ضرو ری‌پروـ گرا مو نه او تد بیرو نه تر اجــرا لاندی نیول کیږی. ددغه‌پرو گرامونو په‌تطبیق اوعملی‌کو لوسره‌هرمسلمان ور زشکار او سپور تمین کو لای شی چی دالمپیك دنړ یوا لو لو بو په ورځو کی روژه ونیسی او خپل مـذ هبی مرا سم په ځای کا ندی .

اعظم‌لا کبر ددغه اختصا صــی مر کی په پای کی هیله ښر گنده‌کړه چی دنړی ټول مسلما نان دسو لی او نړیوال امنیت دټینګښت په برخه کی دهیڅ ډول مر ستو اوهمکاریو څخه ډډه ونه کړی .



رئیس انستیتوت قره قل، هنگامیکه درموردلیلامهای لندن ولیننگراد معلومات میدهد .

بقیه صفحه ۳۰

پوست قره‌قل افغانی...

ـ کمپنی های بزرگ که‌با پوست قره‌قل سروکار دارند از عدسیت ها، شاپها ی کلان ودیگر منابع خواستند تا با ابتکارات وطرح های جدید پوست قره قل رادوباره مدکنند، به اصطلاح بازی باقره قل را آغاز نمودند از پوست مذکورانواع مختلف‌کلاه، بالاپوش، کرتی، واسکت بافرم ودیزاین های مختلف استفاده کردند ومخلوط آن با چرم وچمبر بیشتر موردپسند قرار گرفت .

در نمایشگاه فرانکفورت که اکثرا ترند مارکیت در آنجا نشان داده می شود پو ست قره قل خوب نمایش داده شد ودر اتحادـ شوروی هم پوست مذکور را خوب نمایش دادند که بعد از نمایشات فوق پوست دوباره مورد توجه مردم قرارگرفته ومخصوصاخانمها به طرف آن رجوع کردند ناگفته نماند که اغلب پوست های گل کلان مورد پسند واقع شدکه بطور طبیعی بنفع قره‌قل افغانی تمام می شود ، که مظهر آن د ر لیلام ماه می معلوم شد ودر لیلامهای بعدی قیمت قره قل شروع به بلند رفتن نمود که البته بـرای تجارت کشور مفید واقع گردید زیرا تمام پوست هاییکه جمع آوری وبمعرض لیـلام گذاشته شده بود بفروش رسید .

فعلا از وضع مارکیت پیداست که سال آینده هم از نگاه تجارت پوست سال خوبی خواهد بود وامید ما بتوانیم صادرات پوست را انکشاف دهیم ، یکزمانی افغانستان سـه ملیون پوست قره‌قل عرضه می‌کرد .

عوامل پایین آمدن قیمت پوست قره قل چه می باشد ؟

ـ چیزیکه همیشه قیمت پوست را تهدید می نماید تغییرات مد وفیشن، بحرا نـات ارضی وضع جوی وغیره عوامل می باشند، خوشبختانه امسال در اثر برفباری های اخیر گوسفندان از ناحیه کم آبی و خشکسالـی آسیبی نخواهد دید .

از رئیس انستیتوت خواستم تا بگویند که مناطق تولید کننده پوست قره قل کـــدام قسمت افغانستان می باشد وهم تربیه‌گوسفند قره‌قل در اتحاد شوروی وافریقای جنو بی وکشور عزیز ما چگونه صورت می گیـرد ؟

وی چنین اظهار معلومات نموده گفت :

ولایت بلخ، فاریاب، قندز، سه نگـــان وولایت بادغیس مناطق تولید کننده پوست قره قل می باشند که در صفحات شمال‌کشور موقعیت دارند .

در قسمت تربیه گوسفند قره‌قل در اتحاد شوروی وافریقای جنوبی با ید گفت کـــه تولیدات پوست قره‌قل در آن ممالك میکانیزه بوده واز ساینس وتکنالوجی در زمینه‌استفاده بعمل می آید مگر در کشورماتربیه‌گوسفند قره قل به شکل عنعنوی آن وجـود دارد ، مالدار بصورت عنعنوی وتجربه از اجـداد آموخته اند که چگونه گـوسفند تربیه و جنسیت عالی وخوب بگیرند وناگفته نماندکه جنسیت قره قل ماعالی وکم نظیر هم میباشد.

در آخر از عبدالنبی پایا خواستم تامختصر معلوماتی در باره فعالیت های این انستیتوت برای ما بدهد .

ـ انستیتوت قره قل یك موسسه غیـــر انتفاعی می باشد که جهت انکشاف تجارت قره قل فعالیت می نماید .

وی افزود : تمام فعالیت های مربوط بـه پوست قره قل به استثنای خرید پوست تحت رهنمایی وکنترول‌این موسسه‌صورت میگیرد.

مثلا رهنمایی آش دادن، سورت، عدل‌بندی انتقال بمارکیت های بین المللی ، عر ضه وفروش در لیلامها، بازار یابی، تبلیغـات در خارج بخاطر بلند بردن شهرت پو ست افغانی .

این انستیتوت پوست تاجر انفرادی رامثل یك اتحادیه جمع ودر حقیقت یك خد مت به تمام کسانیکه با پوست سرو کار دارند از چوپان گرفته تافرد آخر .

همچنان برای نشان دادن پوست افغانستان ماازطریق مجلات وپامفلت ها تبلیغات ونشرات هم می نماییم .

کار عمده امسال انستیتوت قره قل این‌بود که پنجاه وهفت هزارجلد پوست تجارانفرادی رادریك پارتی بزرگ مخلوط وبنام انترسورت بمارکیت لندن عرضه نمودیم .

نظربه انتر سورت از چندین سال‌پیشنهاد شده بود مگر در زمینه گام عملی نهاده‌نشده بود . وماتوانستیم در ۱۳۵۸ تجار را قانـع بسازیم والبته پول پوست هرنفربه تنا سب کیفیت پوست آن داده شد که تجار ازنتایج آن راضی بوده وامیدواریم درین راه سال آینده قدم فراتر بگذاریم وپوست بیشتـر انترسورت نماییم .



صحنه یی از لیلام قره قل در اروپا .

زندگی‌های رنگارنگ جهان

چهار نفر دانشمند وچهار نفر دوست

درین او اخر یاد بود از چار نفردانشمند شهیر جهان که خدمات بزرگ وچشمگیری در عالم بشریت نموده اند صورت گرفت . هرچهار این دانشمندان در طفولیت وحتی در دوران جوانی واکادمیك باهم رفیق ودوستان صمیمی بوده اند .

«لیزمیتز» در ماه نوامبر ۱۸۷۸، «اتوهان» درماه مارچ ۱۸۷۹، «البرت انشتین» در مارچ ۱۸۷۹ و «مکس لیو» در اکتوبر ۱۸۷۹ چشم بجهان گشودند تاکنون نوآوری ها و اختراعاتیکه در کشور های جهان صورت گرفته اکثراً مدیون تلاش وفعالیت های علمی همین چهار دانشمند بوده است .

البرت انشتین نسبت به خدمات علمی واکادمیك خود فقط بکشور خودش یعنی زادگاهش تعلق نگرفت بلکه بیشتر یك شخصیت علمی بین المللی محسوب میگردد همه کشور ها مخصوصا دانشمندان و دانش پژوهان هرکدام صرف نظر ازینکه از کجا هستند وبه کدام کشور تعلق دارند البرت را از خود میدانستند . همین نظر ها باعث شد که سوسیالست های ناسیونالست به البرت سخت حمله نموده حتی تقاضای این رانمودند که کارت هویت همشهری وتبعه بودن اورا از او سلب نمایند .

باوجود اینکه مدتها است که آنهاخصوصا انشتین دیگر درین جهان نیست اما اندیشه ها- تحقیقات وتیوری های علمی او زنده‌است وبرمبنای همان تیوری ها خصوصا تیوری نسبیت او است که تکامل علوم بی سابقه‌تر شده وانقلاب عظیم وچشمگیری در جهان بوجود آمده همان طوریکه البرت انشتین تیوری نسبیت راپی‌ریزی نمود.

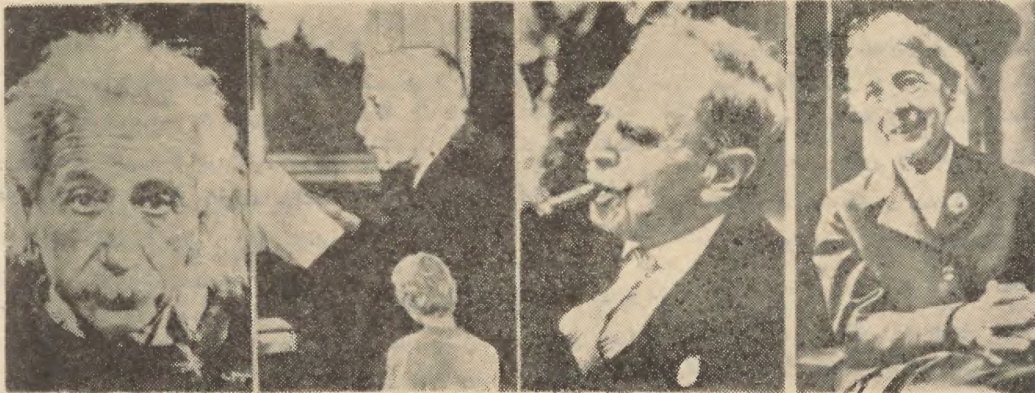
همینگونه «ماکس لیو» ثابت نمود که اشعهٔ اکس را می توان از کرستل ها عبور داد همچنان «اتوهان» ثابت کرد که اتوم‌های مادهٔ یورانیم را می توان از همدیگر جدا نمود .

از سال ۱۹۱۹ الی ۱۹۳۳ این چهار نفر دانشمند ویا چهار نفر دوست عضویت‌اکادمی علمی برلین را داشتند . اسناد - شواهد و مدارك تاریخی زیادی در مورد اینکه این چهار نفر رفیق علمی میخواستند وقت فراغت شانرا باهم یکجا سپری نمایند نیز موجود است . این چهار نفر بودند که آینده آلمان رابه صراحت پیش بینی میکردند که آلمان از حالت امپراطوری خارج شده بیك رژیم جمهوری مبدل شده وبالاخره بسوی جامعه سوسیالستی هدایت خواهد شد .

البرت انشتین در سال ۱۹۳۳ از آلمان خارج شد. رفیق او «میتز» بعد درسال ۱۹۳۸ «اتوهان» و «لیو» باوجود مشکلات و سختی هادر آلمان باقی ماندند . پوست کارت ها وعکس هایی‌که ازین چهار نفر دانشمندرفیق بجامانده نشان میدهد که این چهار نفررفیق علاوه بر مشغولیت هایی علمی به گردش و کوه نوردی نیز علاقه فراوان داشته اند .

البرت انشتین در اختراع بمب اتوم کار های مهم انجام داد. او بخاطری بم اتوم را اختراع کردکه بتواند آزادی را صیانت‌کند نه این که ازآن جهت کشتار دسته جمعی استفاده نمایند . «هان» و «میت نر» باکشف انقسام هسته ها دچار اختلال دماغی گردیدند.

«لیو» در سال ۱۹۱٤- انشتین در سال ۱۹۲۲ و «هان لیو» درسال ۱۹۱٤ بدریافت جایزه نوبل موفق گردیدند .



چهارنفر دانشمند علوم وچهار نفررفقا ودوستان صمیمی جهان

موزه‌های موتوردار

اگر این موزه هاپوشیده شودانسان بطور مثال میتواند ساعت هابه دوش بپردازدوحتی ازموترها عقب نماند . علت اینست که موزه های مذکور باموتور ها مجهز میباشند . موتور هادر قسمت ساق ها وصل اند و در قسمت پاشنه کمپریسور نصب است به‌کمك کمپریسور مذکور سلندر های موتور هوا گرفته وتوسط مخلوط داغ چارچ میشود . درین اله منحیث محروقات بنزین کارگرفته میشود واما موزه خود بالای بالشت کوچك تکان دهنده محکم است .

بااین موزه ها در یك ساعت (۲۲-۲۵) کیلو متر دوش صورت گرفته میتواند .جالب اینست که درین مدت فقط هفتاد گرام مواد سوخت را بمصرف میرساند .

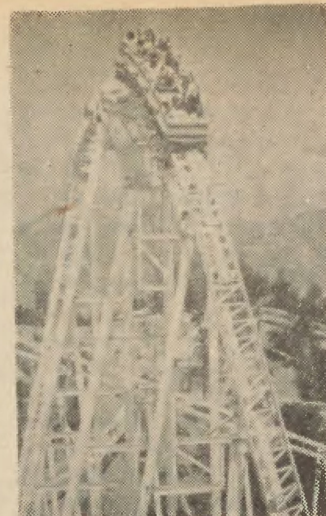
طبق اظهار متخصصین این دوش پرش سه گام ویادوش قبل از پریدن را که به بسیار آهستگی از آن فلمبرداری شده‌باشد بخاطر ما می‌آورد . طول «قدم» به سه متر وارتفاع پرش آن نظر به سطح از (۲۵) سانتی متر تجاوز نمیکند . این نکته نیز ضرور است تا بیو میخانیك ها واطباء نظریه خود را درین مورد ارائه کنند . هنوز قبل از وقت است گفته شود که انسان درین‌موزه های غیر معمولی چه احساس خواهد داشت وایا میتواند بزودی باموزه های مذکورعادت



کند. بعباره دیگر لازم است تادرین قسمت تجارب صورت بگیرد . به احتمال قوی برای اولین مرتبه سپورت مین ها موزه ها را مورد ازمایش قرار خواهند داد . این موزه ها در کجا مورد استعمال قرار خواهد گرفت؟

اول اینکه شبان میتواند به بسیار سهولت گله‌رمهٔ خودرا اداره کند. جیودیز یست ها نیز ممکن است به‌این موزه ها نیاز پیدا کنند. اما پسته رسان دهاتی ؟ سیاحین ؟ مشکل است تمام جوانب استعمال موزه های «میکانیزه شده» را پیش بینی کرد زیرا ممکن است با در نظر داشت مختلف انواع مختلف آنرا تهیه کرد ومورد استعمال قرار داد ..

ریل هوائی



در ریل های هوایی جدید پیچ وتاب های تازه ای داده شده ومسیر های پیچ در پیچ و مغلق اشخاصی راکه درریل هوایی سوار شده‌اند می چرخاند وواژگون حرکت میدهد.
ریل هوایی جدید بری تفریح طلبان وسیله جالبی شده است وجای وسایل قدیمی راکه در آنها امکان سقوط وشکستن استخوانهابود گرفته است .
این وسیله مرکب است از یك ریل‌سرباز باکمربند های که روی شانه نصب میشود. بعداز آن چندین ریل هوایی ساخته شده است ولی نخستین ریل هوایی در شهر کلفورنیا ساخته شده‌که سی وپنج مترارتفاع دارد وطول مسیر آن یك کیلو متر است و درپایان راه ازیك دایر ه ۳۶۰ در جه ای عمودی عبور میکند .

ترجمهٔ رازق‌علیمی

جلوگیری از پیشرفت سرطان

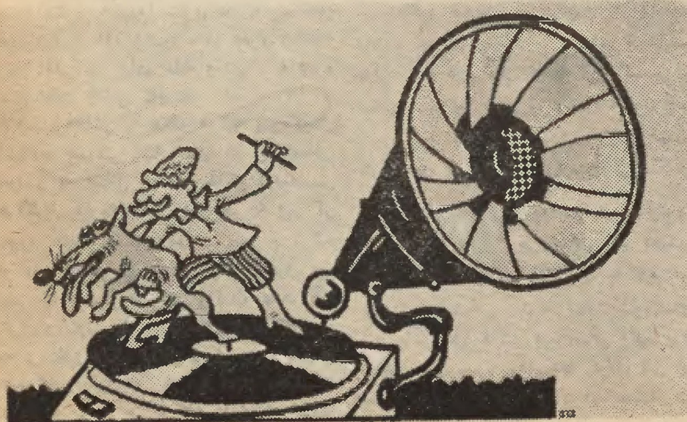
یك تیم علمی تحت رهنمایی پروفیسور گلو وینسکی در انستیتوت بیولوجی مولیکول دراکادمی علوم بلغاریا مادهٔ جدیدی راترکیب کرده است که میتواند از نمو ورشد سرطان جلوگیری نماید .
آزمایش لابراتواری نشان میدهدکه بعضی ازین مواد ازرشد تومورها جلوگیری کرده چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجهٔ مثبت این آزمایش دانشمندان رابه این امرامیدوار نموده است که‌این مادهٔ جدید باموثر ترین ادویه هایی که تاکنون ساخته شده رقابت خواهد کرد .
تاکنون در حدود پنجاه نوع آمادگی طبی طورمعمول در تداوی سرطان در تمرینات طبی در جهان بکار برده شده وتا هنوز هر مادهٔ‌که جدیدا کشف گردیده با امیدواری زایدالوصفی مورد استقبال قرار گرفته است زیرا تومورها طور عموم بیك سرعت سرسام‌آور رشد نموده ومقاومتی که در مقابل‌ادویه های جداگانه دارد «تکنیك» های خاص معالجه را جهت تغییر مداوم وثابت آن ایجاب‌میکند.

قدم جدید در ساحه جراحی

تاریخچه طب ازماقبل التاریخ آغاز شده واز آن زمان تا امروز این علم سیر تکامل خودرا طی میکند وفعلا این علم در اثرکار وزحمات خستگی ناپذیردانشمندان به پیشرفت های غیر قابل تصور نایل گردیده است .
دراینجا یك نظر مختصر به‌سیر تکا مل علم طب در قسمت جراحی می اندازیم :
در جریان قرن نزده پاستور اظهار نمود که اجسام غیر مریی زنده باعث انتقال‌امراض میشوند وبعد از آن جوزیف لیستربه داکتر هافهماند که‌اگر میخواهید مریض تان بعد از عملیات زنده بماند باید از همه اولتردستهای خویش وسامان جراحی را خوب شسته‌وتعقیم نمائید . باگذشت زمان ودر اثر کار وکوشش زیاد علما دستگاه های جراحی را بوجود آوردند که قادر به دو باره فعال ساختن بعضی ازاعضای بدن وتبدیل نمودن اعضای بدن یك شخص به شخص دیگر می باشد .
ازجمله مهم ترین این دستگاه هایکی هم دستگاه الکترونی است که قادر به سا ختن گرده مصنوعی وتبدیل نمودن گرده یك شخص به شخص دیگر میباشد . همچنا ن این دستگاه الکترونی قادر است که درا‌ثنای عملیات قلب وشش وظیفه قلب و شش رابرای انسان انجام دهد .
امروز متخصصین جراحی موفق گردیده‌اند که بعضی از اعضای سالم یك انسان مرده رابیك شخص زنده انتقال دهند وفعلا انتقال قرنیه چشم یك مرده به شخص کور به موفقیت انجام شده واکنون دکتوران جراحی تلاش دارند که قلب را هم بمثل چشم وگرده ازیك شخص به شخص دیگر انتقال دهند .

گرگ ورقص تانگو

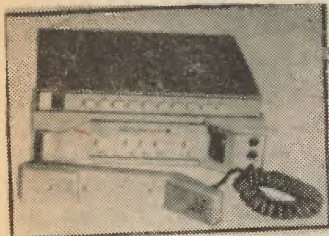
گرگی بود که یکی از ساوخوز های بلو روسی اتحاد شوروی را بستوه آورده‌بود. بعضی اوقات بالای گله حمله میکرد که در چرا گاه میچریدند . هر چند که کوشش میکردند گرگ را دستگیر کنند درنده از آنها جان به سلامت می‌برد وموفق به فرار می‌شد ، حتی هربارصیدرا نیز باخودمی‌برد .
مردم طریق دیگر را در پیش گرفتند و در کست عف عف سگها را ثبت کردند اما گرگ بزودی این راز را درك کرد هر چند فرار می‌کرد در عقب خود سگ رانمی‌دید .
در یکی از شبها نگهبانان گله حیوانات برای اینکه وقت را خوش سپری کرده‌باشند کست باثبت تانگو را می‌شنیدند . یکی از نگهبانان طوری حس کرد که کسی موسیقی را همراهی میکند . همینکد موسیقی را خاموش گردند دیدند که گرگ در یك فاصله نشسته وزوزه میکشد . گرگ تا حدی در زوزه کشیدن غرق بود که نگهبانان به بسیار آسانی وبدون سلاح آنرا دستگیر کردند وبعد به باغ وحش لیننگراد آنرا انتقال دادند . در مکتوبی که بدین مناسبت به آمریت باغ وحش لیننگراد فرستادند چنین تذکر رفته بود : «تانگو را بسیاردوست میدارد .»



صحنه‌یی از دستگیری گرگ توسط موسیقی‌خاص ثبت شده درکست

عصری ترین وسیله ارتباط

متخصصین اتحاد شوروی سیستم ارتباط رادیو تیلفونی را درین اواخر طرح ریزی کرده اند .
این آله که بنام «التای ـزم» یاد میشود در زمان بازی های المپیك در مسکو بکار انداخته خواهد شد . این دستگاه بطور کلی ازآلات نیم هادی ساخته شده ووزن آن ناچیز میباشد . دستگاه ارتباطی مذکور در قوه حرارت، برودت مورد آزمایش قرارگرفت وامتحان خوبی داد همچنین در مقابل اهتزازات نیز دارای مقاومت بلند میباشد . وسیله ارتباطی مذکور پروژه های سپورتی شهر مسکو ودیگر شهر ها راباهم مرتبط میسازد. باآله مذکورمیتوان ازموترنمره تیلفون مورد ضرورت را دایل نمود وحل مشکل کرد حتی از داخل موتر باشهر دیگر می توان در تماس شد . تا آغاز بازی های المپیك مسکو در حدود (۱۵۰۰) عد د ایـن نوع دستگاه هابکار انداخته خواهد شد .



هغوی چې ژوندي دي

«ژان لافایت»

زه په پریشانی سره خپلو نویو ملګرو ته ګورم . لنډ او سرطاس سړی ماته ښه‌نږدی شوی دی . داسی ښکاری چې کمیسار او خوی یی هم پدغو خبرو اترو کی او دهغی نتیجې په برخه کی مینه او ولېه لـری . کارخانه لرونکی خپلو خبروته داسی ادامـه ورکوی :

ـ ډیر ساده کاردی ښاغلیه، زه چې دلته راغلی یم دموضوع پرټولو خواو باندی می ښه سوچ کړی دی او هغه می ښه څیړلی‌دی اوپه وروستی پړاو کی دی نتیجې ته‌رسیدلی یم چې باید خپله فابریکه دهیلیو دقورمی او دالوتونکو دکانسرو دجوړولو لپاره په کـار واچوم . ستا سو نظریه پدی هکله څه شی دی؟ دجو ړ کړو هړوکی لرونکی کـا نسرو. دجوړولو دستور العملـونه خورا ډیـردی. هغه ښاغلی چې ګوری (دسرطاس سړی‌خواته اشاره کوی) دیوی مغازی مدیردی چې هلته خوراکی شیان پلورل کیږی او ټاکل شویدی چې پدغه کارکی زماسره ګډون وکـړی . زه تاسوته پیشنهاد کوم چې دفابریکی دفنی رئیس په توګه ماسره کار وکړی .

اوس نوښایی اقرارو کړم چې دیوچورلیونی سره مخامخ یم، په زړه سوانډو سترګوسره ورته ګورم . نور دوستان یی هم حیران او هك پك دی.

ـ هوکی، موږکولی شو چې دالوتونکـو کانسرو جوړ کړو . البته دغوړیو سره‌له‌ډیرو غوړیو سره . زه ګمان کوم چې موږ پـدی توګه کولای شوچې دامریکا ئیانو په څیر داسی خواړه جوړ کړو چې بیا پخولو تـه اړنه وی اودغه کار زموږ په هیواد کی‌ساری نلری . زما هیله داده چې دفرانسی د پخلـی ټول شاهکارونه په یوه قوطی کی ځای کړو او بازار ته یی وړاندی کړو .

زه دکوټی دمسوول سړی دڅارپه پلمه‌خپل نوی ملګری څخه بیلیږم ، خو هغوی زماڅخه ژمنه اخلی چې بیاهم هلته ورشم ، په ډیره مینه خدای پامانی کوو .

دداسی خلکو په هکله څرنګه سوچ کولای شو؟ په بیهوشی اخته شوی دی یا دعمومی حواسو په اختلال ؟ ددغو خلکو دوضعـــی څرنګوالی دتوجه وړده ، دوی چې په بهر کی دلوړو مقاماتو څښتان وودلته په‌بی و ز لـو او بینوا خلکو تبدیل شو ی‌دی . دوی چې پخوا په پرتمین او آرام ژوندانه عادت پیدا کړی و، اوس په ویجاړ حالت ژوند کوی او په بی دفاع خلکو تبدیل شوی دی . د و ی داردوګاه دقانون له مخی په اعدام محکـوم شوی دی . زه چې هرکله ددوی له څنګـه څخه تیریږم راته غږکوی او زه هم ورته‌سلام ورکوم اوځوبی اهمیت خبرونه هم ورته‌ورکوم خوتل یوه بهانه جوړوم چې دکښیناستوڅخه ځان وژغورم .

دغو څلورو تنوته بهرته د خط لیکولواجازه ورکړ شوی دی او دوی اوس دفرانسی څخه دخپلو لیکونو ځواب ته منتظردی. یوه شپه خبررسیږی چې دپولیسو کمیسار ته یوغټ پاکت رسیدلی دی، دغه سړی په اردوګاه‌کی لومړی سړی دی‌چې دبهر څخه ورته یــو پاکت رسیدلی دی .زه هغه شپه ملاقـات ته یی ورنغلم ځکه ډاریدلم چې سوچ ونکړی چې زه ورڅخه کوم شی غواړم ، سبا سهار کله چې دڅنګ څخه یی تیریدلم هغه خپله راته غږ وکړ دتود روغبړ څخه وروسته پـه غمجن غږ راته وویل :

ـ وحشتناکه ده، ښاغلیه، ډیره‌وحشتناکه، همدانن شپه زماپاکت یی غلا کـړی دی . ملګری یی چې هماغه کارخانه لرونکی سړی دی ورته دلداری ورکوی :

ـ غصه مه کوه زما لپاره به زیاته اندازه کانسرو ولیږی ... زښته زیاته خودغه‌کانسرو هیڅکله ونه رسید، خواته ورځی وروسته دغه بندیان دواړه مړه شول.

ناروغ بندیان دورځی له خوا اجازه لری چې متراح ته‌دتللـو لپاره دروغتون څخـه ووځی مستراح هغه لوی‌اوبی دروازی انبارته ورته ده چې په یووخت کی دوه سوه کسان کولای شی څنګ په څنګ کښینی او خپل ضرورت رفع کړی . مستراح ته دتګ پـه وخت کی هیڅوك کالی نشی اغوستی . باید دیو نیکر او ښیان سره سړی هلته لاړشی. دغه ورځنی وتل داړیکی ټینګولو لپاره‌یواځنی وسیلـه د ه مــو ږ پــد ی تــو ګــه کولای شو چې دنورو بلاکونو لــه ملګرو سره وګورو . زه هره ورځ په یوه ټاکلی ځـای کی دملګری ((دیه)) سره ګورم. او پـــه فرانسه کی د ((دیدیه)) سره‌ښه آشنایـــی درلوده، هغه دپټو مبارزاتو په ترڅ کــی په سختی سره ټپی شوی ؤ او سره له دی چې ډیر ناروغ اوضعیف دی دخپل روحی قـدرت سره پدی بریالی‌شوی چې‌دبندیخانی شکنجی اودجلادانو دکړاوونو په وړاندی مقاومت وکړی. دغه داوسپنی کارګرچې یوځلی هم دخپلـی وضعی څخه شکایت ندی کړی، په څیر مـه بلاك کی دسلمانی په‌توګه ګمارل شویـــدی، ښه چانس دی، دآش یوه اضافی ونډه ورته رسیږی . برسیره پردی هغه کولای شی چې پطلون اوکرتی واغوند ی اوباید دسهار لـه تربیګاه پوری دبندیانو سر اوږیره وخربی . تصمیم نیسم چې د((دیدیه)) په ملګر تیـا دفرانسویانو په منځ کی دورورګلوی (د غلیم سره دښمنی) سازمان منځ راوړم ، ددغـــه سازمان مسوول به‌هغه‌وی. داځکه‌چې‌هغه‌دخپلی دندی په اساس تل دبندیانو په منځ کی وی. د بندیخانی دنورو برخو سره دهغه داړیکـی دټینګولو مسوول به هماغه اسپانوی وی‌کوم چې هر سهار د ((تونی)) له‌خوا ماته لیږدول کیږی . وروسته بیا دروغتون په هر بلوك کی یو ملګری ټاکل کیږی چې دهغه سره په تماس کی وی اودغه ملګری هم یو بل ملګری دمرستیال په توګه وټاکی ترڅوچې دروغتون څخه دوتلو په صورت کی دهغه‌دندی سرته ورسوی .

دتونی دلیکونو څخه پو هیږم چې په‌اردوګاه کی هم زموږ دتشکیلاتو ستنی ټینګیږی . څوتنه فرنسویانو چې دبهر څخه خواړه لاس ته راوړی ، دغه ژمنه یی کړی دی چې ددغو شیانو یوه برخه دناروغوبندیانو لپاره بیـــل کړی . نور څوتنه چې کار نه کوی اویاپه سپکو کـــارونو ګمارل شوی دی هم ځنی وختونه دډوډی ټوټی به ناروغانو ته ولیږی . پدی توګه کیدای شی چې په اونی کی دوه ځلی دخوړو وړه غوټه ناروغانو ته ولیږو . له بده مرغه ضعیف ناروغان دومره زیات دی چې نشو کولای دغه لږشانته خواړه د ټولو ترمنځ وویشونو ځکــــه تر ټولونه ډیر اړ ناروغان لټوو او هغوی ته یی ورکوو .

دهغو ګذارشاتو له مخی چې هــره ورځ دبلاك مسوولین ((دیدیه)) ته ورکوی تصمیم نیسوچې دفرانسویانو دوضعی دڅرنګوالی په هکله یو رپوټ جوړ کړو، وروسته بیادهمدغه رپوټ له مخی دخواړه هغه غوټی چې لاس ته راځی دهمدغه کمیسیون له خوا وویشل شی. دخوورځو په‌اوږدو کی دغو ټولو کارونو تـه ترتیب ورکړ شو. ((تونی)) هڅــو ونکــی لیکونه ماته‌رالیږی . هره ورځ ګڼشمیر نـور فرانسویان زموږ دورورګلوی دغه سازمـان سره یوځای کیږی . دورورګلوی دسازمان لپاره مبارزه موږته یوه پرتمینه مبارزه ده ، داځکه چې دبشری افرادو ژغورنه ده د مرګ څخه . یوه شپه ((دیدیه)) دلومړی ځل لپاره هغه غوټه چې‌زما دبلاك لپاره تخصیص ورکـړ شوی ؤ ماته راکړ . دهغو څلورو کسانوڅخه چې باید ددغه خواړه څخه ګټه واخلی یـو فرانسوی سړی هم‌دی چې ((ژروم))نومیږی، موږدهغه په لټولو پیل کوو ورو ورو دکټونو دڅنګ څخه تیریږم او دنوموړی ناروغ نوم تکراروم او بالاخره هغه په یوتیاره ګوټ‌کی پیدا کوم . یوه ښځه یی ماته ده له همدی کبله نشی کولای چې دکټ څخه ښکته شی. زه خپل دهغه دیو وطنوال په توګه ورپیژنم اوغوټه دخپل کمیسه څخه باسم او هغه ته وړاندی کوم :

ـ واخله داستا ده . هغه ملګری چې په اردوګاه کی دی دغه هواړه‌یی دتــا لپــاره لیږلی دی اودعمومی ورورګلوی دسازمان په واسطه یی ماته‌را کړی دی چې تاته‌ورسوم .

ـ ته ډاډه یی چې دغه غوټه یی ماته‌لیږلی دی ؟

ـ مګر ستانوم ((ژروم)) ندی ؟ مګر بل کی په اردوګاه کی ((واو)) نه نومیدی ؟

ـ هوکی .

ـ ښه وروره ستامال دی . ما اشتباه نده کړی .

سړی غوټه خپل سینه باندی ږدی خو د خلاصولو جرأت یی نلری . او وروسته بیا جرأت کوی او غوټه پرانیزی . پنځه ټوټـه ډوډی او دری ټوټی قندپه هغی کی وه .

ـ اوه ! مننه هلکانو . دانو ډیره فداکاری ده ... ډیره ...

ـ داخبری پریږده . ترڅوچې زه دلته یم دبړستن لاندی هغه وخوره .

ځکه چې امکان در څخه یی غلا کــړ ی .

ـته هم لږ تر لږه یوه مړی خو واخله.

(ژروم)خپل مخ ګرځوی او دستر ګــو څخه یوه قطره اوښکی پر مځکه لویږی .

ـکه وپو هیږی چې څومره خو شحا له ...وم ... که وپو هیږی ... که‌وپو هیږی...

او دغه سړی چې بیر ته دژوندون خواتـه ځی دژړا او خندا په حال کی خپله ډوډی خوری . زه پداسی حال‌کی‌چې ورته ګورم، زیاته خو شحا لی احسا سوم .

اوس بیخی دا امکان شته چې دمرګ‌څخه دملګرو ژ غورنه پیل کړو .

(ژوندون ته بیرته ستنید ل)

ـنوم دی څه دی ؟

ـرنه

دکوم ځای اوسیدونکی یی ؟

ـدومورانتن

ـڅو کلن یی؟

ـدیر ش کلن .

ـولی ونیول شوی ؟

ـددی پو ښتنی ځواب دی ډیره اوږده ده .

ـڅه فرق کوی مګر موږ ډیروخت نلرو!

ښه ده ، ...

هغه کس چې په پورتنی ډول ور سره‌په غږ یدا پیل کوم او اوس زما دوروستـــی پو ښتنی د ځواب لپاره ځان چمتو کو ی ځوشیبی مخکی زما دچپر کټ په څـــنګ کی بستر شوی دی . هغه دیو بل یوګو-سلاوی قیدی سره چې ټول ځان یی‌پلستردی په‌یوه چپر کټ کی پروت دی . هر څلـور ویشت سا عته وروسته دغه یوه ټوټه پلستر سوری ، سوری کیږی او بد بوی ورڅخه جګیږی .له نیکه مرغه پدغه وخت کی هغه یی دکتنی لپاره وړی دی او موږ کـو لا ی شو چې په هو سا خاطر یو بل سره وغږیږو زماهم چپرکټ (هغه سړی چې زما سره پـه یوه چپرکټ کی دی) ماته خپل شاړولـــی او ویده ده .

ـښه رنه ، ته وویلی چې ؟

ـهو کی ، ترټولونه بومبی ښا یی‌وپوهیږی چې زه یو فصل جوړونکی یم . پلار مـی-آهنګرو او همدا اوس هم سره له دی چـی ډیر زوړدی تکړه ده . هغه‌دګړی دڅلورو

کلو نو په اوږدوکی دجګړی په ډګر کی‌و، زه مره درته وایم چی هغه د (بو شا نو) سره کو مه اړیکه نلری ، نیکه می مړشوی دی خو زه لاتر اوسه دهغه سپین وینښتا ن په یاد لرم د ۱۸۷۵ کال په جګړو کی.یی ګډون کړی و . زه‌هم په‌کال ۱۹۴۰ جګړی ته داخل شوم ،په حقیقت کی زه یوا ځی‌هلته لاړم خو نشو کولای چی ورېا ند ی‌دجګړ ی نوم‌کښیږدو . زه ددی لپاره چی دغلیم لـــه خوا بندی نشم ، پس له دی نه چی‌فرانسوی فوتونه ماتی وکړی خپل کورته لاړم‌او پخپـل پلرنی کار باندی بوخت شوم . دا هم باید درته ووایم چی زه دخپل پلار او مور سره یو ځای او سیږم .

-کو چنیان نلری ؟

-ولی ،یو څلور کلن ځوی لرم . زما‌کار ځای زما دپلار کار ځای و ، ښا یی اقـرار وکړم ددی لپاره چی زاړه نارینه بی حوصله دی ، با ید سړی ځان دهغوی څخه لیری وسا تی ، یوه ورځ زما یو همکا ر چــی دبرینښنا متخصص وراته راغلی اوزما څـخه یی وغو ښتل چی ورسره یو ځای مبارزه وکړم . زما کار هم داو هغه وسلی چــی دانګلستان څخه را تلل واخلم او وسا تم.

-دا کومه نیټه وه ؟

-ګمان کو م چی ۱۹۴۳ کال دفبرور ی میا شت و .

-ښه ، تا خپل همکار ته څه وویل ؟

-ما ورته وویل چی اصو لا دهغه غوښتنه منم ، خو ښا یی چی دخپل پلار او مـور سره وغږ یږم. او وروسته بیا پداسی حال کی چی می در وازی ښه وتړل دخپل پلار سره پدی هکله و غږ یږم . ښځه می په ژړاپیل وکړه مورمی هم همدا سی.پلار می چی تل په‌ډیرو سختو شرا یطو کی مقا ومت اوسړه سینه شیئی راته وویل!

-(باید لاړ شی ځوبه ، اوکه زه هم زوړنه وای درسره تلم .)

اوویده کیدلو په‌وخت کی یی زه ښکلــی کړم . دغه کار په کال کی یوا ځی‌دوه‌دری ځلی سر ته رسیده . خوزه فکر کو م چی دغی خبری تا ته په زړه پوری نه وی ؟

-بر عکس وروره ، وغږیږه .

-ډیر ښه ازموږ کار ډیره اوږده شـوه دری ورځی وروسته زماملګری چــی (روژه) نو میده را غی او راته وویل چی په یــوه آزما یښی کار کی ګډون و کړم .

-څنګه ؟ آزمایښی جریان ؟

-دادی درته وایم ، کله چی شپه شو ه موږ په یوه ګړ ندی موټرکی دښا ر څخـه بهر لاړو . ما هغه سړی نه پیژاندل کو م چی دمو ټر پر چلو باندی نا ست و ، خـو وروسته پوه شوم چی هغه د (روژه)رئیس‌و ددیر شو کیلو متر وپه شاو خواکی وا ټن مو وواهه ، تاکل شوی و چی دبر ېښنا یو برج وچا و دوو .دموټر چلو نکی ، موټرکی منتظر پاتی کیده یعنی زموږ دعملیا ت دتګ

سره کیدو پوری د روژه رئیس انتظارایستل. زموږ کار ډیره اوږده نشوه . چا ودونکی مواد مو دنو موړی برج لاندی کښیښو داو او ر مو ورته واچو ل او و تښتیدو .کلـه چی برج چا ودیده موږ دپیښی له ځا یـــه ډیر لیری وو .

-ښه کار و ،آیا ستا سو دکار وسایل لږ نه و ؟

-اوه، هیڅکله ، تر څو چی موږه‌غوښته چا و دونکی مو په‌واك لرل .

زه دهغه برج‌په هلکه سو چ کو م چی ښا یی دبا ریس په سیمه کی دور انکا ری لومړی پیښه وه . هغه داسی یو برج و چی (تامپ) په سیمه کی ډیر ستر برج و.زموږ دوه ډله ملګری په دری کسیزه تو ګه پدی هکله سلا مشوری یی کولی . هیڅ‌چاودونکی

مواد یی نه درلودل ، یوازی د او سپنی د تراشولو سامان یی درلودل دناچـــاری لــه مخی یی دبر ج دستنو په غو څو لو بیـــل وکړل . پداسی حا ل کی چی د دغو دووډلو څخه یوه ډله په‌کار بو خت و بله ډله بهره (څارنه)کوله .

ددی لپاره چی دا ځای دسړك په غـــاړه کی و او همدا راز ډیر کو رونه او مغا زی ورته نږدی وی، زموږ ملګــری تو له شپه پد غه کار بوخت واو هیله مند و چی د ستنو دغو ځیلو سره سم به برج ونړ یږی خو ددوی هیله تر سره نشوه ځکه سره له دی چی تولی ستنی یی غو څی کړی لا هم بر ج پخپل ځای ولاړو او سره له دی چــی هغه شپه سخت با دلګیده خو کومه بله پیښه منځ ته را نغله ، سبا سهارچی‌آلمانیان

دګزمی لپاره راغلل ددغه کار څخه خبر شول او دبر ج ستنی یی بیرته جوړ کړل .زموږ شپږ تنه ملګری دغه کار با ند ی سرو نه اینبی و خو دسا ما ن د لشتوالی له کبله

بر یا لی نه شو ل . دهمد غی بی اغیز ی فعا لیت له امله ، (رومن) ته وویل چی د چا و دونکو موادو دلاس ته راو ړ لو په

هکله سو چ وکړی . هغه اته ورځی وروسته ماته احوال راکړ چی سل کیلــو ګــرا مـه (دینامیـــت) چاودونــــکی موادیـــی تهیـه کـړی دی او پـه مخصوص پټ ځای‌کی‌یی اینبی دی . ددغه دینا میت لپاره خپلـــه

(رومن) اقدام کړی وې منی مجبور شوی وچی د (سن -ګه- ماردن)انبار ته‌چی ښـــه پکښی بلد و لاړ شی دانبار سا تونکی‌وتړی

او دانبار په‌موجودی لاس پوری کړی. دلتـــه باید اعتراف وشی چی خپله‌ساتو نکی هــم مقا ومت نه و کړی . وروسته بیا فتیلـــی او دارو ته اړ وو. ددغه کار لپاره یو بـــل

ملګر ی د(لوار)انبار تر نظر لاندی‌و نیوه‌او په وروستی پړاوکی دملګروله خوا لو مړی پله وچا ودول شوه پد غه کار کی لس‌تنه ملګر ی ګډون کړی وو. دغه فعا لیـــت‌د ۱۹۴۱ کال دمی دلو مړی ورځی دجشن‌سره سمون خو ړ .

په هر صورت اوس راځو د (رنه) کیسی ته چی داسی ادامه ورکړه ړ

-کله چی بیر ته کورته ستون شوم‌دنیمی شپی نه دری ساعته تیره شوی وه. ښځــه می ځملا ستلی نه‌وه او دپلاراو مور دکو ټــی څراغ هم بل و . پلارمی په بیړه را څخـــه یو ښتنه وکړه چی دکار نتیجه څنګه وه ؟ او ورو سته بیا زیر خا نی ته لاړ او بـــو-بوتل شراب یی راوړ . دکـــورنی تول غړی خو ښی او خو شحا ل ښکا ریدل .

-څه ښه خلك !

-څه دی وویل ؟

-هیڅ ادامه ورکړه .

-وروسته بیادکار ښه بدلون ومو ندلـــه زه نور دبرجونو دنړولـو لپاره نه تـــلم. په تیره بیا دهما غه یو ځلی نه پر ته‌ما هیڅکله‌دکو م‌شی په چا ودو او لاس پوری نه کړه . موږ یوازی دښار له بهر تلو ترڅو هغه و سلی چی دالو تکی څخه موږ ته اچول کیدل تر لاسه کړو .

تاسو ته دپرا شوت سره هم و سلـــی اچو لی ؟

-هوکی هره شپه چی‌آسمان شین و مـا ویــل چی اوس به (روژه) راشی. او هغـــه هم را ته ، او موږ پخپلو با یسکلو نــو سپریدو او دلسونه تـر شلو کیلو متـر و پوری دښار نه بهرو تلو .

-تاسی یوازی دوه کسه واست ؟

-نه نور خلك هم وو. موږ به‌تل بـــــه تا کلی ځای کی پنځه یا څلور کسه وو. ما تول پیژانده څکه چی هلکان به ز مو ږد کو څی خلك وو. دهغوی په منځ کی یـــوه تنه یوه لاری مو ټر هم در لوده ا وهما غه سړی و چی و سلی‌یی ځای‌ته رسو ل...

(رنه) ماته دوسلی دتحو یلولوځرنګوالی شرح را کوی .

-تا سو ددغو وسلو سره څه چا ری‌سرته رسول ؟

-زه پد ی هکله څه نه پو هید م ځکه‌چی موږ دغه و سلی دیو کیلو ال کور ته‌وړل‌او هرو مرو به نور کسان دغه وسلی کو م بل پټ ځای ته وړل . خو هغه شی با ند ی چی

زه ښه پو هیږ م داده چی موږ د ۱۹۴۳کال دژوئیه په میاشت کی ونیول شو . دوسلی اکثره پټ ځایونه دآلما نیانو له خوا کشف شوی وو .

-نو پد ی رنګه‌داتولی‌وسلی‌هیڅ په دردونه خوړ ؟

-هیڅ!

-ستاسو رئیس څوك‌و؟

-زمو ږ دسیمی رئیس(روژه) وه . خــو دهغه پور ته هما غه سړی و چی موږ بــی دموټر سره پله ور ساوه . ددغه سړی نــه پر ته یوه ښځه هم وه چی کا ر کو له،خو ما یوه ځلی هغه ولید او هغه هم یوه شپه وه چی یو ملګری دپرا شوت سره ښکتــه کید له ، هغه ښځه دغه ملګر ی په موټر

کی کینا وه او را هی شوه . زه یوا ځــی دومره پو هیږم چی هغه یوه انګلیسی ښځه وه خو ښا یی چی کومه مهمه دنده یی‌درلوده د ځکه چی په ډیره آمرا نه تو ګـه غږ ید له او ستر ګی‌یی هیڅ ډارنه درلودلی.

-ستا سو په سیمه کی کمو نیستا ن هم و؟

-هو کی و، خو موږ حق نه در لودل چی‌له هغو ی سره اړ یکی ټینګی کړو .

-او ته سو چ نه‌کوی چی دهغو وسلو یوه برخه هغوی ته‌ور کړا ی وا ی ؟

-زه کا ملا موافق وم ،ځکه زه پوهید م چی هغو ی به دغی و سلی په کا رواچوی. خو پد غه هکله تصمیم نیو ل زمو ږحق نه و .

-ګوره (رنه)، یوازی هغه وخت غلیـــم باندی بریالیتوب امـکـان لـری چی تـــه او دتا په څیر نور جنګیا لی خلك سره‌لاس یو کړی .

(رنه) پس له دغه خبرو اترو څخه مـــا سره ملګری شو . هره ورځ دخپل دژو نـد دسیمی ، دکور ، ښځی او کوچنیا نو پـــه هکله غږ ید ل .زه او س پو هیږم چـــی ددوی دږوږی پـــه‌خونه کـــی یوه او دسپنی څخه جوړ شوی ګل شته چی خپله رنـــه هغه جو ړ کړی دی .

زه اوس ښه پو هیږم چی دبالښت ترڅنګ یی یو وړ څراغ شته دسړ وکونو د ځرا غونو په څیر . زه‌اوس پو هیږم چی ښځه یـــی شر میلی او ډیره خوږه ده. زه او س‌دهغه په کور کی ښه بلد یم . پلار او مو ر یی هم پیژنـــم، مینه وال، ګـاونـــډیـــان اوان د دهغه دژوندا نه ډیری وړی تکی با ند ی ښه پو هیږم .(رنه) یو نجیب ، ساده‌او ژوندانه ته امید وار کار ګردی ، هغه پـه عین حا ل کی چمتو دی چی دخپل هیواد په لار کی خپل خوږ ځان جار کړی .(رنه) ما باندی ډیر ګران دی .

نن سهار پخپل ورځنی لیك کی (تو نـی) ماته ډیر مهم خبرونه در لودل . (رو بــر) چی پنځه میا شتی مخکی زموږ نه بیـــل شوی و بیرته اردو ګاه ته راغی. هـــغه‌یی پاریس ته بوو لی وه تر څو چی د ګشتا پو په وړاندی یو څل بیا ورڅخه استنطاق‌وکړی هغه یو سلو یولس ورځی د (فر ن) په‌جیل کی‌کوټه قلفی وه. اوس هغه دقرنطینه پـــه بر خه کی په اولسم نمبر بلوك کی سا تل کیږی . ډیر ډ نګر شوی دی خو (تو نـی) کو لی شی چی هغه ته په ور ځ کی یــوه ډوډی ور سوی .

بل خبر داده چی کو لی شو دهغه پـــه واسطه‌بندیان دمر ګ څخه وژغورو.لیننګراد بیخی خپلواك شوی دی. دایوه هدیه د ه ستا لین ته د سور پو ځ دپنځه ویشتمـــی کـــالیـــزی په ویاړ. زماپه څنګ کی یـو فر انسوی پروت دی چی ددغه خبر په‌وړاندی بی تفاوت ښکاری ، خو (رنه) خو شحالیږی اووایی :

(نوربیا)

بقیه صفحه ۹

فعالیت‌های ...

گرام مجو زه وپیشنها دات کشور های عضو پیمان وار سا همیشه‌روی تحد ید وکا هشس سلا حهای نظامی وبخصو ص تحد یدوجلو گیری از تو لید سلا حمر گبار اتو می بوده وطبعا این مو ضع گیری واتخاذ چنین مو قفی از طرف پیمان وا رسا در حقیقت به منظور خلع سلاح عامو تام میباشد . اما امپر یالیسم جها نی به هیچو جهه حا ضر نیست تا در برا بر این پیشنهاد کشورهای اعضای پیمان وارسا موا فقت نشان دهد وبا استفا ده از حیل ووسا یل گو ناگون در صدد آنست تا کشور های آسیا یی را بخصو ص به انبار خا نه اسلحه تبد یل نموده واز این انبار ها برای اعمال مقا صد واهداف شوم خو یشس‌استفاده‌نموده وبا استفا ده‌از چنین وسا یل، سا یه شوم ونکبت بار خویش را گسترده و این کشورهارامورد غارتگری‌قرار داده وتمام هستی ما دی ومعنوی آنرا چور وچپا ول نموده است‌این دیگر ابه‌همگان‌معلوم‌است‌وضرو رت امپر یا لیسم جها نی ودر را سس آن امپر یا لیسم امر یکا تجا وزکار است وبا خد عه وفر یبو نیرنگهای گونا گون ورنگارنگ‌نمی تو اند

توجه اذهان عا مه را از بحران دا خلی امپر یا لیسم بسوی دیگری معطوف دارد .

امپ ریا لیسم از آنجا ئیکه در عرصه های مختلفه مبا رزه احتماعی موا جه‌به شکست های مر گبا ری گردیده وبه عقب نشینی های در قبال جنبشس نجات بخشس خلقهای زحمتکشس خود امر یکا مجبور میگردد، اکنون‌که امپریالیسم در حا لت نزع است ، با وجودآنهم تلاشهای مذبو حا نه ای راسر می دهد،اینجاوآنجاودر گوشه‌وکنار مختلف جهان دست به کود تا های ار تجا عی وضد انقلا بی زده ودر صدد آن بر آمده تا حکو مات دست نشا نده وگوش بفرمان خو یشسرا بقد رت رسا ند ، با فر ستا دن نمایندگان‌ودست پرور دگان وغلا مان حلقه بگو شس خو یشس در آرزوی پوچ وخام ایجاد موا نع در قبال مسیر پیرو زمند پرو سه انقلا بی بر آمده وباجا دان نمایندگان‌سر سپرده وسو گند خورده خو یشس در صدد آنست تا حکو مات ملی‌و دمو کرا تیك ،حکو مات خلقی ومردمی را که جد یدا در این کشور ها عرض اندام نموده از درون منفجر سازد اما دیگر این آرزوی خویشس‌را امپر یا لیسم امر یکا از جمله‌درافغانستان انقلا بی با خود بگوربرد.

ار تجاع‌جها نی به سر دمدا ری امپر یا لیسم ایالات متحده این وا قعیت سر سخت را نمی خوا هد بپذیرد که او ومخر بینشس‌درجهان محکوم به شکست اند ودر هیچ عرصه زندگی اجتما عی برد با آنها نیست ، دوران وعصر ما، عصر فرو ریختن شیرا زه امپر یا لیسم، عصر پیرو زی های پی اندر پی خلقها ومو فقیت های بیشمارجنبشس طبقه کارگر در کشور های سرمایدا ری ، عصر رشد روز افزون‌نیرو های صلح‌وعدا لت اجتما عی و... در این دوران وعصر که عصر ترقی وتکا مل شگو فان وسر یع السیر جوا مع بشری وعصر انقلا بات کار گری وآزا دی بخشس نام گر فته است ، جر یان حوادث وتعقیب‌پروسه انقلا بی جها نی خود می رسا ند که شکست ا ستعمار یا ار تجاع وامپر یا لیسم امر یست حتمی وقطعی وهیچقدرت ونیرو یی در عر صه منا سبات سیا سی جهان قادر نیست تا از این شکست وفنای حتمی جلو گیری نما ید .

در اثر پیرو زی های پی‌اندر پی پرو سه انقلا بی جها نی وعقب‌نشینی ها وشکست های فا حشی‌که نصیب امپر یا لیسم وار تجاع جها نی گرد یده ومیگردد بیشس از پیشس توا زن قوا بنفع نیرو های هوا خواه صلح ، دمو کرا سی وعدا لت اجتما عی تغییر نموده وهم چنان روز تاروزوبیش‌ازپیش‌این‌توازن قوا بنفع متر قیت وجهان انسانیت تغییر خوا هد نمود. این سلسله تغییرات عینی بوده تشکیل کا ملا مستقل از ذهن وشعور آد می تکو ین می پذ یرد ،جهان در مجموع وبشکل یك کل در تغییر وتجد ید دا ئمی است ، این پرو سه پیدایشس ودا نشی پد یده های نو و مرگك و فنا ی پد یده و فاکت قا نون ذا تی وعینی تکا مل است.

از جمله فعا لیت های خرا بکار امپر یا لیسم امریکا یکی‌هم عدم شر کت وتحریم با زیهای‌المپیای ۱۹۸۰ در مسکو است ، این عمل امر یکا بخو دی خو دشا هدشکست وبه اصطلاح احتجاج امر یکا برضد اینهمه شکست وعدم مو فقیت وبه اصطلاح واعترا ض (!) بر ضد پیروزی های‌پی اندر پی متر قیت وبر ضد پیروزی های‌شگرف‌جهان‌دموکراتیک وبر ضد تغییر قوا بنفع نیرو های صلحدو ست ومتر قی وبه نقضس نیرو های اهر یمنی جنگك طلب می باشد .

اگر نیرو های تجا وز گر وجنگك طلب ، نیرو های اهر یمنی وشیطان صفت وسا یر متحد ین پنها نی‌و آشکار شس بخوا هند یا نخوا هند مرگك حتمی وقطعی امر حتمی آینده آنها را میسازد واز این مر گك وفنای حتمی‌نمیتوا نند گر یز نمایند . کنون خلقهای میلیو نی و توده های زحمتکشس جهان با نیرو ی ده چندان وبا عظمت وا بهت‌بیسا بقه و همراه با متحد ین وفادار خو یشس‌بر ضد نیرو های امپر یالیستی همچنان می رزمند ودر این رزمگاه پیرو زی قطعی وحتمی همراه با این خلقهای ستمد یده زحمتکشس بوده ودشمنانشس وهر آنکسیکه بر ضد ارا ده رزمنده توده های ستمد یده زحمت‌کشس قرار گیرد مر گك وفنای آن حتمی است .

بیا ئید با نیروی اتحاد وهمبستگی بر ضد امپر یا لیسم جها نی ودر را سس آن بر ضد امپر یا لیسم‌امریکا مجاهدت پیگیر نماییم وافتخارات بزر گی رابرای ما در وطن کما یی نموده وزند گی شرا فتمندا نه وآبرو مندا نه ای را برای خلقهای زحمتکشس وطن خو یشی افغا نستان عزیز ساز مان بخشیم پیروزی از آن ما ست ، از آن خلقهای ستمد یده و زحمتکش افغا نستان عز یز است

بقیه صفحه ۱۳

پیش گوئی ...

منظم تعقیب ننموده بلکه بعضا دوام پریود آن از ۵۰تا ۱۰۰ سال وقت را نیز در بر گر فته است .

با وجود تمام این تحو لات علت سر دی قسمت های وسیع کرهٔ زمین که ۲۳۰۰۰تا ۱۰۰۰۰ سال دوام نموده آفتا ب نبوده بلکه تغیرات جزئی در مدار زمین بوده که با عث دور شد ن سیا را ت از آفتاب و با لنتیجه سبب کا هش رسیدن حرارت خورشید به زمین گردیده است .

نه‌ تنها کاربن دای اکسا ید ، بلکه کاربن کلورو فلور وتایتروس اکساید تا ثیر مشا به در گرم سا ختن زمین دارد حتی ذرات گرد وخاك حاصله صنعتی که چند سا ل قبل بحیث منبع سر دی‌اتمو سفیر بشمار میر فت فعلا منحیث‌منبع مهم تسخین کرهٔ زمین بحساب می آید اما علت عمده گرم شدن سطح زمین کاربن دا ی اکسا ید بوده و محتو یا ت آن به سرعت رو به افزا یش میبا شد . متخصصین دریافته اند که به اثر انقلاب صنعتی سا ل ۱۸۶۰ غلظت کاربن دای اکساید از ۲۸۵ حصه در فی میلیو ن به ۳۱۲تا ۳۳۰ حصه در فی میلیون رسیده و به ۴۰۰ حصه در فی میلیون در سا ل ۲۰۰۰و دو چند آن در سا ل ۲۰۷۰ خوا هد رسید .

تقلیل جنگلات :

تقر یبا نصف اندازهٔ کار بن دای اکساید موجوده تو سط ابحار و جنگلات جذب گر دیده و نصف دیگر آن در سطح زمن با قی میما ند . قطع اشجارو جنگلا ت‌علت دیگر از دیاد این گاز در سطح میباشد.

تاثیر از دیاد کاربن دای اکسا ید بالای اقلیم چیست ؟گر چه اسناد تا ریخی مبنی بر اینکه کا ربن دای اکسا ید با عث گر می اتمو سفیر زمین میگر دد مو جود نیست اما سا ینس دانا ن معتقد ند که که گر می اتمو سفیر زمین در سا ل ۲۰۵۰ به اندازهٔ گرمی آن در ۴۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سا ل قبل خواهد بود که درآن زمان قسمت ها ی وسیع دشت های امروزی منطقه حاره شاهد با را ن های زیاد بود . متخصصین اتحاد شوروی از محاسبات خود چنین نتیجه‌گیری نموده اند که در سال ۲۰۵۰ درجه حرار ت زمین به اندازهٔ ٤درجه سا نتیگراد بلند تر گردیده که‌در این صورت یخ بند های بحر منجمد شما لی ذوب گردیده و برا ی‌نخستین باربعد از ملیون ها سال در آن‌آب بوجود خوا هد آمد البته سطح آب بلند نخوا هد گردید ولی ذوب این یخبندان هاباعث تغیر عمده اقلیم نیم کره شمالی میگرددکه درنتیجه آن خشکسالی در مناطق گرمتر ر خ خواهد داد .

آیا میتوان از گرم شدن اتمو سفیر جلو گیری نمود ؟ تعداد کثیر اقلیم‌شناسان تو جه جدی متخصصین مربوطرابرای‌دریافت منابع جدید انرژی جلب مینمایند . البته به مشکل میتوا ن حکو ما ت را بدون‌داشتن شواهد واسنادمعتبر مبنی‌بر خطر گرم شدن اتمو سفیر زمین و مشکلات حا صله‌از آن قا نع سا خت امااا نتظار کشید ن چنین زما نی ووقو ع‌این خطر خبر از دست‌داد ن فر صت و تحمل مشقا ت حا صله از آ ن چیزی دیگری نمیتوا ن از آن تو قع نمود . تحقیقات وسیع جهت پیش بینی‌دقیق اوضاع جوی وانکشاف تکنالوژی‌جدید تولد انرژی جهت تعویض انرژی مواد نفتی ادامه دارد .

ورزشکاران افغانی برای مسابقات المپیای ۱۹۸۰ مسکو آمادگی می‌گیرند

ریاست عالی ورزش وکمیته ملی المپیك جمهوری دموکراتیك افغانستان ازچندی بدین طرف جهت اشتراك نمودن ورزشکاران افغانی درمسابقات المپیای ۱۹۸۰ که درتابستان سال آینده در کشور دوست وهمسایه‌بزرگ ماااتحاد شوروی برگزار می گردد به یك سلسله اقدامات موثر دست زده که در قدم اول انتخاب تیم های ورزشی را روی دست گرفته است چنانکه روز شنبه شش دلو مسابقات آزاد انتخاباتی بوکسنگ‌را در جمنازیوم پولی تخنیك کابل باشرکت یکعده ورزشکاران تازه وارد وکهنه کاران آن دایر نمود .

مسابقات مطابق به قوانین ومقررات پیش برده شد شرکت کنندگان ازوزن ٤٨ کیلو گرام به بالا رویاروی هم قرار گرفتند وبرای اینکه مسابقات طوریکه جوانان آرزومند آن بودند پیش برده شود ریاست ورزش کمیته‌یی رامرکب از ورزشکاران سابقه دارواشخاص جبز فهم موظف نمود تااستعداد و اهلیت کاندیدان تیم منتخب رابررسی و نظارت کنند .

مسابقات مطابق پروگرام مرتبه با در نظر داشت پرنسیب طرح شده طوری بود که هریك آنها سه بار در برابر هم قرار گرفتند واین دید وبازدید های مدعیان تیم‌منتخب باحضور یابی هزاران تماشاچی با ابراز احساسات نیك وگرم شان پیش برده شد .

درین مسابقات طوریکه گفته آمدیم چهره های برازنده وشناخته شده یی این ورزش دربین‌ورزش دوستان بوکس چهره های تازه‌کاری درخشیدند که برای بار اول در همچو یك رویداد توجه بیشماری ورزش بکس رابه خود معطوف داشت . چنانکه محمد عمر از کلپ باغ بالاطی دو دیداری درین مسابقات چنان درخشید مثل که سالهای درازی رادرچنین مسابقات با حریفان مصاف نموده باشد وهکذا فرید احمد از تیم تعلیم وتربیه که شناخت چندان زیاد دربین هواخواهان این ورزش نداشت توانست با حضور یابی اش در ین مسابقات بادرخشش عالی وچشمگیر خویش ثا بت بکند که ز استعداد خوب وقابل انکشاف درین ورزش برخوردارمی‌باشد نامبرده دوباردو حریف‌خوب وشناخته شده‌اش رابا حملات سریع مشت‌های کوبنده ازپادرآورددردیداری‌نخست محمدکبیر ازکلپ عزیزوکیلی رادر دیدار دوم سید ظهورالدین از کلپ باغ بالا راطی سه روند توانست مغلوب‌خودکند.

فیض محمد از کلپ کارمند چهره دیگری از کاندیدان راه یابی تیم منتخب طی این مسابقات توانست با درخشش خوب و چشمگیر نسبت به مسابقات انتخاباتی اسپارتکیادمسکو که چند ماه قبل بود ودر آن مسابقات‌مغلوب یکی ا ز حریفان گردید این بار توانست راهش رابه تیم منتخب باز کند ۰همچنان عزیزالله عزیزی چهره شناخته شده نیزطی این مسابقات توانست با ملاحظه به سکستنش در مسابقات انتخاباتی اسپارتکیاد مسکو با پیروزی اش در دو مسابقه راه خویش رابه تیم منتخب باز کند . عزیزی طی دو مسابقه که انجام داد. عبدالسمیع از کلپ باغ بالارا با چندحمله سری حسابی ومشت های‌کوبنده درروند اول ناك اوت نمود . وحریفش که تعادل خودرا از دست داده بود نتوانست در روندهای‌دوم وسوم در برابر حریف خود ظاهر شود .

وهمچنان عزیزی در دیدار بعدی خود محمدانور ازکلپ یاران صدیق راطی سه‌روند باکسب امتیازات قابل ملاحظه توانست برحریف پیروز گردد۰

درین مسابقات علاوه بر شرکت کنندگان که باهم دیدار ها نمودند چهره های دیگری چون عزیزالله اختری- محمدحلیم-محمدعارف ورستم کارمند چهره های بودند که بدون ظاهر شدن حریف شان در رینگ در سکوی افتخارات بالارفته‌کپ های قهرمانی راافتخارانه دریافت نمودندکه این پیروزی بی‌چون وچرای آنها ازطرف تماشاگران باگرمی خاصی استقبال گردید .

وقراریکه جدول نتائج انتخاباتی بکس‌نشان داد:

دروزن ٤٨ کیلو گرام :

- شمس‌الدین از کلپ آریاناحایز مقام اول .

-سیدولی ازکلب باغ‌بالاحایز مقام دوم .

در وزن ٥١ کیلو گرام :

-نثار احمد ازکلب عزیزی حایز مقام اول .

-سید محسن از کلب کارمندحایز مقام‌دوم۰

در وزن ٥٤ کیلو گرام :

-حمیدالله از کلپ باغ بالا حایز مقام اول .

۲- حمیدالله از کلپ باغ بالا حایز مقام دوم .

-محمد نعیم از کلب‌عزیزوکیلی‌حایز مقام سوم .

در وزن ٥٧ کیلوگرام :

-غلام ربانی ازکلب آریانا حایز مقام اول .

-محمد هارون ازکلب‌باغ بالاحایز مقام دوم .

د روزن ٦٠ کیلوگرام :

-فیض محمد کار منداز کلپ‌کارمندحایز مقام اول .

-شهاب‌الدین از کلپ آریاناحایز مقام دوم .

-عبدالجلیل از کلپ‌باغ‌بالا حایز مقام سوم .

در وزن ٦٣½ کیلوگرام :

-صلاح الدین از کلپ خراسان حا یز مقام اول .

-محمد حسن ازکلپ باغ‌بالاحایز مقام‌دوم۰

در وزن ٦٧ کیلو گرام :

-عزیز احمد اختری ازکلپ‌اختری‌حایز مقام‌اول۰

در وزن ٧٠ کیلو گرام :

-عزیز الله عزیزی ازکلپ عزیزی‌حایز مقام اول .

-محمد انور ازکلپ یاران صدیق حا یز مقام دوم .

-عبدالسمیع از کلپ باغ‌بالاحایز مقام سوم .

در وزن ٧٥ کیلوگرام :

-عبدالحلیم ازکلپ‌نساجی‌افغان حا یز مقام اول .

در وزن ٨٠ کیلوگرام :

-فرید احمد از تعلیم وتربیه حایز مقام اول .

-سید ظهور الدین از کلپ‌باغ بالا حایز مقام دوم .

-محمد کبیر از کلپ عزیزوکیلی‌حایز مقام سوم .

در وزن ٨٠ کیلو گرام به بالا :

محمد عارف ازکلپ آریانا حایز مقام اول۰

بقیه صفحه۷

مرحله نوین ...

دولت وزعامت جدید افغانستان در تلاش این اند که چگونه وچطور میتوانند برای آرامی مردم افغانستان که سخت رنج دیده اند مصدر خدمتی گردند واز حق نگذریم که در طول مدت دو ماه کار های بس بزرگی انجام شده است .

به عقیده من آزاد شدن زندانیان سیاسی واسترداد جایداد های مردم که به نا حق از یکعده وطن پرستان مابه زور وجبر گر فته شده بود از کار های مهم وباارزش دولت ماست۰

آزادگذاشتن مردم به مناسك مذهبی شان‌ازکارهای‌دیگر دولت‌ملی‌ودموکراتیک‌ماست که در خور توجه است .

سوال بالا را از یکعده همکاران دیگر فوضیه امیری نمودم‌که آنهاحرف های همکار شان را تایید میدارند . ودر ضمن با یکصدا گفتند که آزادی که بزرگترین نعمت خداوندی است وهر کس حق‌دارد آزادزیست نمایند در ظرف همین مدت کمتر از دو ماه از طرف دو لت ما بهترین شکل برای مردم ماداده شد وحقوق فردی واجتماعی مردم مخصوصا زنان به بهترین وجهی‌حما یت میگردد .

* از جوانی به اسم محمد امان در بارهٔ مرحله نوین تکامل انقلاب ثور برسیدم ، گفت : شاید من از هرکس دیگر معنی این تحول را بیشتر درك‌کنم زیرابیشتر ازیکسلل رادر زندان مخوف پلچرخی سپری کردم ، ودوماه قبل‌که آزا دگشتم ، میدانم که‌زندگی چیست وآزادی چه معنی دارد .

- بلی آزادی واقعا زیباست ، واین زیبایی وفرحت را جهموری دموکراتیك افغانستان پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثوربه ماداده است من ؛زندان پلچرخی قصه های زیادی دارم ، قصه های تلخ ودردناك از ظلم امین وباند جنایتکارش. یکی از این جنایات زندانی کردن صد ها کودك بی‌نوا بودبلی آنها زندانیان سیاسی بودند در حالیکه سن این کودکان بین‌یك تا هفت سال بود۰ آه چقدر شرم آ و ر بود آن همه ظلم ووحشیگری .

جوانان که جز سعادت وخوشبختی مردمش چیزی نمی خواستند به جرم اینکه آزادی را دوست دارند به زندان افگنده شدند وای‌بسا که بسیاری ازاین جونان ماهر گز از زندان بیرون نشدند ، زیرا بسیاری از آنان در زیر شکنجه های طاقت فرسای باند خون آشام امین نابود گشتند وجان خودرا در راه آزادی از دست دادند .

باید بگویم که صدای حق و عدالت برای امین وباند وی خوش آیند نبود، زیرا آنها از عدالت می ترسیدند .

بقیه صفحه ۸

بخاطر یک...

دراتحاد شوروی کمك های‌اولیه‌طبی برای مادران واطفال به کدام معیارات مدنظر است ؟

پرورش مورال عالی وزمینه ای ارتقا دادن به‌شخصیت طفل‌مسأله‌جداناپذیر از صحت‌مندی طفل می‌باشد ۰ در اتحاد شوروی سیستم علمی طبی‌ازصحت مندی‌تمام اطفال وارسی‌جدی‌بعمل می‌آورد ۰یعنی مادران واطفال را بادر نظرداشت میتودهای‌کاملا جدید طبی تحت نظارت قرار میدهند ووقتا فوقتا آنها رادرکلنیك های‌مربوط تحت بازپرسی طبی قرار میدهند۰

درسال (۱۹۷۸) در حدود (۱۲۰۰۰۰) اطفال به‌پولی کلنیك هاودر حدود یك صد هزارخانم به‌زایشگاه ها ومراکز صحی مراجعه نموده اند۰ به هزاران دوکتوران ورزیده ومتخصصین‌مسول بازی پرسی طبی اطفال ومادران میباشند دراتحاد جماهیر شوروی برای آن دوکتوران‌یکه دررشتهٔ امراض طفل تخصص حا صل میدارند ، انستیتوت های کاملامدرن ومجهز باوسایل طبی آماده وهمه ساله‌عده‌بیشتراز دوکتوران جوان شامل این انستیتوت‌هاگردیده بعداسند فراغت‌را بدست‌می‌آورند ودرمرکز طبی مشغول خدمات اجتماعی میگردند ۰

مردم کشور ما سال بین المللی طفل رابه معنی واقعی آن برگزار نمودند ، وتمام فعالیت های مردم ما برای تربیه نسل سالم آینده در خور توجه است ۰ وبه همین اساس‌است‌که نیروهای طرفدار صلح در سراسر جهان برای امر صلح‌وامنیت جمعی به صورت خستگی ناپذیر مبارزه مینمایند ۰

زیرا این صلح است که در تربیه وپرورش اطفال ممد وموثر است واطفال نیز ضرو رت شدید به امر صلح دارند ۰



سلام به همکاران وخوانندگان عزیز!

بعداز دعای سلامتی به‌حق شما، از اینکه به‌جواگویی نامه های‌شماموفق نشدیم،پوزش میخواهیم ،اشاره شود که‌چندی قبل جوابیه‌یی ازمحترم پوهاند محمد فاضل یه عبدالمجید ایشچی درباب مباحث روان‌شناسی وجامعه شناسی نگاشته شدکه درهمین صفحهٔ جواب به‌نامه هابه‌نشر رسید. حال محترم دادعلی نیرو به دنبال‌برخورد فکری‌آن‌دودوست ناآشنا مقاله نگاشته است‌که ذیلامیخوانید؛

اخیراً درشماره (٤٦) مجله وزین ژوندون ،درصفحه‌اختصاصی«جواب نامه های شما» جوابیهٔ‌به‌نشررسیده بود که نویسنده محترم آن ، ضمن‌رد ایراد یکه قبلا بروی وارد آمده بوده است ،به این اصل نیز تاکید ورزیده است‌که‌گو یا انقلاب علمی وفنی زایید ۀ ذهن مخترعین وکا شفین میباشد وآنهم نویسندهٔ محترم باورمند میبا شد که‌این انقلاب‌درقدم اول محصول ذهن ودماغ مختر عین ،ودرقدم دوم برای رفع مشکلات‌بشر یت وجهت تأمین سعادت آنا نست.چون نویسنده،درنقشس فکر غلو ورزیده وعوامل اصلی وعینی انقلاب ساینس وتکنا لوژی را نیز از نظر بعید افگنده است ،لذا لازمی به‌نظر میر سد تا درین خصوص اندکی مکث کنیم .

در روند پویشگر زمان ،هر تحول رویدادیکه بظهور میر سد برپایه عملگرد قوانین عینی تکا ملی پدیده ها صورت میگیرد ،بویژه انقلابات اجتماعی وپیشر فت های جهشمند علمی وتکنا لوژیک که درعصر ما آهنگ‌پر طنین وشتا- بندهٔ آنها درسراسر کره‌ارض‌متموج میباشد ،تصادفی نبوده ومحصول ذهن این ویا آن رجل سیاسی وساینتیست نیست . همچنان این سخن مفهوم آنرا ندارد که نگارندهٔ این سطور از نقشس افکاررجل سیاسی ومحقیقن علوم طبیعی انکار کرده وچشم‌پوشی نما یم، بلکه قصد آنست که‌باید درهمه زمینه ها،بالاخص درزمینه‌تنا سب منطقی بین نقشس افکارو اختراعات ازیك طرف وبین قوانین تکا ملی جامعه ودترمینیزم زمان ازطرف‌دیگر مدنظر باشد ..

پژو هش های تاریخی روشنگر آنست که‌سطح رشد نیرو های مولده ،در هر فرما سیون اقتصادی واجتماعی،شا خص معیار سیطره انسان بر طبیعت بوده برو فق اقتضا ات مادی ومعنوی همان فرماسیون تکا مل میکند .از جانب دیگر عامل‌تکا مل نیرو های مولده فکر نیست ،گر چه‌انسان جزو فعال وخلاق نیرو های مولده راتشکیل میدهد .اما فکرخود در پروسه تولید ونعمات‌مادی جامعه تغییرو- تحول یافته وتکامل میکند .زیرا منشأ بروز وعا مل تکا مل دهنده فکر ،کار وبویژه کارتولیدی میباشد .بدین مفهوم‌که انسان بمثا- به موجود زیستمند ضرورت به‌بقای خود دارد، این امر اولتر ازهمه مقتضی‌حوا یج اولیه وضروری نظیر خوراك ، پوشاك وسرپناه‌میبا- شد، درحالیکه حوایج ماد ی‌تنها در پرتو کار وفعالیت های تولیدی‌و- خلاق انسان میتواند میسر آید

ابهمین منوال‌میدانیم که‌کار بدون ابزازکار صورت گرفته نمیتواند، اینجاست که انسان جهت تهیه حوایج اولیه خود به‌کار وتولید ووسایل تولید نیاز مندمیباشد معهذا درشیوه‌ای جاد وتهیه وسایل تولید وامر بکار بستان درپرانیك تولیدی انسان می‌می‌خواهد له‌سطح حوایج را ارتقا دهد .این امروقتی تحقق می یابد که ابزار کار تکامل داده شود ولی درجریان چنین عملیه ها، انسان نیزخودرا از لحاظساخت ذهنی وجسمی تغییر میدهد .

درینجا باید تذ کار داد که که اگرفکر را منشأ ویا عامل رشد وسایل تولید بدانیم وبا ور مند آن‌باشیم که فکر عامل ومظهر همه انقلابات درجا معه میباشد ،دچار اشتباه جد ی‌شده ایم زیرا این تغییر وتحول شیوه‌تولید ودر کلیت آن تغییر وتحول جا معه است که‌افکار انسان را تغییر میدهد. غنا می‌بخشدوهمواره درآستانه تکامل قرار میدهد .اینکه بعد ازپا- یان‌دورهٔ قرون‌وسطی درغرب‌درزمینه علم وتکنا لوژی جهشس های شگرفی بوقوع پیوست یك رویداد تصا دفی‌نبود وزاییدهٔ ذهن ودماغ این ویاآن مخترع وکاشف‌ومحقق نیست ،زیرا درغرب زمانیکه ارکان نظا مات کهن فیو دالیزم قرون وسطا یی دربرابر رشد وجو- لان نیرو های نوین اقتصادی‌کپیتا- لیزم از هم فرو پاشید ومحمل های عینی وشرایط مادی وذهنی رابرای رشدوگسترشس‌محیرالعقول علم وتکنالوژی فراهم‌گردانید ،همانا انقلابات بورژوازی بود که زمینه راجهت تحقیقات‌علمی واختراعات مساعد ساخت یعنی درهر انقلاب

اجتماعی زمینه برای رشد وجولان نیرو های مولده توسعه می یابد . اما زمانیکه باانقلا بات بورژوازی نظا مات مند رس‌قرون وسطایی درغرب درهم شکستند ،باید تولید نیز سریع می‌شد ،وسایل تولید کارگاد ها، موسسات علمی وتخنیکی بمیان‌می‌آمد ند وپیو سته گسترشس می‌یافت بدین مفهوم که‌بورژوازی مقتضی ایجادوتوسعه صنایع‌میباشد در حالیکه ایجاد وتوسعه صنا یع بدون ماشین‌وتحقیقات علمی امکان ندارد .

چون همزمان با نضج وتکوین سیستم های اقتصادی‌کپیتا لیزم درغرب درمراکز شهری ،کار گران تجمع یافتند کارگاه ها ایجاد گردید وضرورت افزایشس تولید جداً محسوس گردیده و بد ین ترتیب احتیاجات‌مادی درپروسه‌تولید ودرامر افزایشس محصولات تولید موجب‌گردید که‌ز مینه تحقیقات علمی ،اختراعات‌واکتشافات بسط وانکشاف یابد «درین عصر (قرن ۱۹) براثر کثرت جمعیت وتمر کز آنها درشهر ها واحتیاج به تولید زیادتر وکا مل تررونق وپیشر فت تحقیقات علمی شروع میشود ،زیرا سر وصورت‌دادن پیشه وهنر کارگاه‌ها وتو لیدات کشا ورز ی‌وصنعتی‌احتیاج به مطا لعات دقیع‌درباره مزرعه ،محصو لات خام ،نباتات وازدیادراندمان کار وغیره ...دارد»

اختراعات واکتشافات‌که‌درتوسعه علم وتکنا لوژی در سده نزد هم تحول شگرف وجر خشس کیفی رونما ساخت وبا وجودیکه در عر- صه تحقیقات علمی علما ونوابغ بظهور پیو ست‌درقدم اول مر هون رشد شیوه تولید وتفاضای زمان وزندگی اجتماعی بود. هرگاه انقلاب درسا ینسس وتکنالوژی راکه‌درعصر مابدان عنوان انقلاب علمی-فنی داده اندمحصول ذهن ودماغ علما ونوابغ بدانیم مفهوم آن را دارد که رجال سیاسی ورجال علمی قادراند مظهر انقلابات اجتما عی وعلمی‌وفنی گردند مگرحقیقت آنست که شروع تحقیقات علمی ظهور اختراعات واکتشافات ودرنیجه انقلاب صنعتی» درجامعه بورژوازی صورت گرفت که‌ناشی از ضرورت‌عینی وتاریخی این جا معه بود طوریکه یکی ازاند- یشمندان پرولتا ریا میگفت.

«اگر بعد از اینکه شب تاریك قرون وسطی خاتمه یافت ،علوم دفعتاًبا نیرویی که خواب آن هم دیده نمی شد بمیان آمد ،با سرعت معجزه آسا تکامل میکرد .یکباردیگر این‌معجزه را مرهون تولیدمیدانیم»

روی فرض‌اگرانقلاب علمی وفنی رادر قدم اول محصول‌ذهن ودماغ علما نوابغ‌ومحقیقن بدانیم‌با- **یدبه این پرسشس پاسخ بدهیم که** چرا این‌انقلاب درخصوص علم وتکنا لوژی در دهلیز های صا مت وتاریك قرون وسطی بظهور نه پیوست ویا چرا ماشین‌در فرماسیون اقتصادی اجتماعی‌جامعه‌بردگی‌نمایان نگردید ؟ اگر جواب این پرسشس ها بگو یم که‌چون در آنوقت فکر تکامل نکرده بود ویا ذهن علما قدرت اختراع وکشف راحا یزنبود،

متعا قبأسوال دیگری مطرح میشود که‌پس عوامل رشد وتکامل فکر چیست ؟نظیر این سوالات زیاد است لذا باید اذعان کرد که این ضرورت زمان واقتضای شیوه تولید سرمایه داری بود که دگرگونی های شگرفی درساحه علم وتخنیك رونما گردانید چنانچه «همزمان باتولید کپیتالیستی عامل ساینتیفیك باراول اگاهانه به پیمانه یی تکامل کرد ، تطبیق گردید وبوجود آمد که ادوار پیشین هیچ درکی از آن نداشت »

ازآنجا که‌فکر درجریان‌تغییروتحول شیوه تولید نعمات مادی ودرکلیت امر در پروسه زمان وزندگی اجتماعی شکل میگیرد ،تحول می یابد وتکامل میکند لذا همه انقلابات ،خاصتاً انقلاب‌علمی‌وفنی درقدم اول زاییده ذهن ودماغ‌علما ونوابغ نه،بلکه درقدم اول محصول پراتیك تولیدی وبازتابی ازضرورت های‌عینی زمان میباشد این پراتیك است که‌تفکر واندیشه ودرمجموع معرفت آدمیان رابوجود آورده‌وتکامل می بخشد «معرفت خودبر اساس پراتیك وبطور عمده‌براثر تولیدمادی پیدا شده است ،انسان ازهمان گام های‌نخستین موجودیت خود مجبور بود کارکند ووسایل زندگی خود رابدست‌آورد .او درجریان‌کار وزحمت بانیروهای طبیعت بر خورد کرد وبه تدریج به آنها معرفت یافت . تکامل تولید پیوسته معلومات بیشتر وپیشتری راطلب میکرد.از همان‌قرون قدیم برای انسان ضرورت اندازه گیری سطح زمین ،شمارشس افزار کارو محصولات تولیدشده‌پدید آمد .درنتیجه این امر نطفه های معلومات‌ریاضی بسته‌شد انسان‌خانه‌ساخت جاده‌وپل ساخت سیستم آبیاری پدید آورده وغیره برای اینها همه دانستن‌قوانین مکانیك لازم بود بدین ترتیب تحت تأثر احتیاجات پراتیك استعداد معرفتی انسان رشدیافت علوم‌پدیدآمدند اساس‌پیدایش‌علوم اجتماعی نیز پراتیك است »

درجریان رشد نظام کپیتالیزم تحولات وانکشاف میخانیك وریاضی وعلوم دیگر با ارتباط‌ضرورت های رشد پروسه‌تولید حمل ونقل ،کشتی رانی، تجارت‌وصنایع‌ماشینی بمیان آمد وتکامل کرد بهمین‌نحوه تولید جامعه بورژوازی رشد سریع صنایع ماشینی را طلب میکرد در حالیکه این کار بدون علوم نظیر کیمیا ،جیو لوژی ،فزیك بیولوژی وغیره امکان نداشت‌به‌تغییر دیگر احتیاج به‌تولید سریع ورشد محصولات تولیدی‌پایه‌های ضروری تکامل علوم‌وتکنالوژی‌رامی سازد «احتیاج به‌تولید زیاد تر، منجر به توسعه وتکامل علوم نظیر مکانیك **فزیك ،کیمیا،هیئت** وغیره میشود واحتیاج شدید به پیشرفت‌های‌صنعتی ،یعنی ضرورت بکار بردن ابزار ووسایل میخانیکی باعث میشود که دانشمندان‌درین ساحه از فزیك شاهد پیشرفت های‌زیاد تری **باشد** »

درعصر ما، این عقیده که انقلاب علمی‌وفنی محصول ذهن‌ودماغ‌علماو نوابغ میباشد بااین نظر که زبده‌گان رجال‌زورمند سیاسی‌شخصیت‌های بزرگ، سلاطین وامرا را سازنده **تاریخ‌می دانندهمسازبوده واز لحاظ** مبانی‌فکری **وطبقاتی همگو ناند** که‌بیشتر نمایندگان ارتجاع وامپریالیزم بدان باور دارد مثلا همانطوریکه در نظر نخست از نقش توده ها وازپراتیك انکار بعمل میاید به‌همان نحودر نظر دوم‌نیز از نقش خلاق و سازنده توده ها در امر خصلت تاریخ ساز آنان اغماض میگردد . اگر بگوییم که‌چند نابغه‌عالم وساینتیست نیز پراتیك انجام میدهند ،تفکرو تعقل بخرج میدهند ودرفرجامین شیوه تحقیقات اینها است که برخی اختراعات و کشفیات صورت میگیرد ازیك‌جهت درست به‌نظر میرسد ،اما سخن یکجانبه میباشد زیرا «پراتیك دارای‌خصلت اجتماعی است پراتیك فعالیت این یاآن شخصیت اجتماعی نیست‌بلکه فعالیت‌آن توده های‌مردم فعالیت‌تمام‌زحمتکشان‌است» درست است‌که اختراعات وکشفیات تحول شگرفی را در صنایع ماشینی رونما گردانده است اما عامل محرك وانگیزه اصلی اینکه‌علما ونوابغ‌دررشته‌های مختلف به‌تحقیقات وامیداردآن احتیاج به‌تولید بهتروـ احتیاج‌به افزاشس محصولات‌تولید وبالاخره احتیاج‌به‌بهتر ساختن‌ومیل زندگی میبا شد .

چون پراتیك‌مبدا معرفت وعامل آنست اما باید گفت که پراتیك اشکال متنوع دارد که هر یك درامر رشد وتکامل فکرو درامر توسعه علم وتکنالوژی اثر می اندازاند مثلا تنها عمل تولیدی و احتیاج به نیاز مندی مادی موجب تکامل‌این‌ارو تفکرآدمیان نیستبلکه مبارزه طبقاتی نیز درین خصوص نقش مهمی راحا یز میباشددرجریان مبارزه‌طبقاتی کار گران بود که بورژوازی به عقب نشینی مواجه گردیده‌ودرتکامل ابزار تولیدوتوسعه کارگاه‌هاو صنایع‌ماشینی پرداخته‌اند « نقر یبأتمام اختراعات نتیجه مبارزه میان کار گران وصاحبان کارخانه است .... بعد ازهر اعتصاب نسبتأمهم یك ماشین‌جدید ظهور کرده است »

درینجاباوصف‌مطالب پیشین‌چندمثال می آوریم مثلا فکر کینم که‌طرح ساختن‌سر پناه برای‌اولین بار جگونه شکل گرفت.آیاطرح ساختن خانه درقدم اول محصول فکر بود یا انعکاس از احتیاج انسان که باید درزمره‌خوراك وپوشاك این ضرورت‌اولیه رانیز داشته باشد تامصؤن بماند بهمین ترتیب آیا بعد از پیدایش طرح داشتن یك‌سر پناه انسان‌قادر بودکه مانند امروز خانه زیبا و مطلوبی را اعمار نماید ؟

مسلماً جواب منفی است زیرا در قدم اول طرح ساختن سرپناه نه محصول ذهن وفکر ،بلکه زاییده احتیاج مادی انسان بود بهمین‌شکل خانه هم یکباره بوسیله قدرت محض فکری آدمیان ساخته نشد ، بلکه تدریجاً چنین احتیاج مرفوع گردید ازین مثال به این نتیجه میرسیم که‌درقدم اول احتیاج مادی ودرقدم دوم پراتیك است که درپیدایش‌و تکامل فکر کمك بهم میرسا ند.اما باید تاکید کردکه این‌سخن‌مفهوم‌آن راندارد که ماازنقش فکر انسان انکار کنیم زیرا فکربه‌نو به‌خودنیز درتسریع وبهبود پراتیك‌نقش ایفا میکند .درمثال دوم بایدگفت که اختراع وکشف تمام ماشین ووسایل تخنیکی کنونی درقدم اول محصول احتیاج به این ماشین ووسایل میباشد که مخترع وکاشف رابه تحقیق‌وپژوهش وامیدارد.مثلا اگر موجودیت ابحارمانع حمل ونقل نمیگردید اصلا ساختن کشتی مطرح نمی شدولی اینکه طرح ساختن کشتی درافکار انسان‌راه یافت، سپس به ساختن آن اقدام به‌عمل آمد نمیتوان آن را درقدم اول محصول ذهن ودماغ بشربدانیم،البته درینجاتاکید بر «قدم اول» است‌زیرا فکر در ساختن کشتی نقشی موثری حایز میباشد مگر مفهوم آنرا ندارد که‌همه‌انقلابات تحولات ،وسایل علمی وفنی تنها ومحض‌وآنهم در قدم‌اومحصول ذهن ودماغ علما ،نوابغ ومحقیقن باشد .

وقتیکه جای مانو فاکتوررا ، صنایع بزرگ‌ماشینی امروز گرفت اگر آنرا مطلقا ویادر قدم اول‌زاییده‌ذهن ودماغ انسان بدانیم ازتکامل‌قانونمند نیرو های‌مولده وازرشد و گسترش‌قانونمند زمان وزندگی اجتماعی انکار میکنیم زیرا مانو فاکتور ازآن جهت جای خودرا به صنایع‌بزرگ ماشینی دادکه ضرورت‌تولید سرمایداری ایجاب‌میکردچنانچه این مطالب راپیشوایان پرولتاریا در سده نزدهم چنین ارزیابی میکنند « ...اما بازار ها پیوسته گسترده‌تر وتقاضاها دمبدم فزونتر میشد اینك مانو فاکتور هم دیگر نمیتوانست تقاضا هاراپاسخ گوید .آنگاه بخار وماشین درصنعت انقلاب ایجاد کردند جای مانوفاکتور راصنایع بزرگ‌امروزین ...گرفتند»

درنتیجه باید گفت که انقلاب علمی‌وفنی درقدم اول‌محصول‌ذهن ودماغ علما ونوابغ نیست ، بلکه محصول‌پروسه تولید بورژوازی‌وناشی ازضرورت مادی ومعنوی این جامعه وبالاخره زاییده زمان معین میباشد که درآن‌اندیشه‌وتفکر وتحقیقات علمی نقشس ثانوی راحایز میباشد نه درجه اول را.



مدیر مسئول : بشیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
مهتمم : نوریه
آدرس : انصاری وات،
مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه

